

مروری بر تحولات

دفاع مقدس



محمد ضیایی
پائیز ۱۳۹۸



آنان که رفتند کاری حسینی کردند. آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند. و گرنه یزیدی اند!

"دکتر علی شریعتی"

- در صورت تحقق شرایط زیر، دشمنان خارجی هیچ تهدیدی علیه انقلاب و کشورمان نخواهند بود:
- ۱- اتحاد بین آحاد ملت ایران (از اقوام و مذاهب مختلف).
 - ۲- اطاعت کامل از رهنمودهای رهبری (ولایت مطلقه فقیه).
 - ۳- امید به یاری و نصرت الهی (در صورت تحقق دو شرط قبلی توسط مردم، قطعاً مشمول آن خواهیم شد).

**جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی صدام علیه ایران تمام شد
ولی**

دفاع همچنان ادامه دارد ...

طرح درس آشنایی با ارزشهای دفاع مقدس

(۲ واحد نظری معادل ۳۲ ساعت تدریس)

ردیف	موضوع اصلی	عناوین فرعی
۱	هدف از ارائه درس	انتقال مفاهیم، ارزشها و مجاهدت های صورت گرفته در خلال شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اقشار مختلف ملت ایران به نسل سوم و نسلهای بعدی به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن و انحراف انقلاب اسلامی از مسیر خود (با تاکید بر ولایت پذیری، دشمن شناسی، بصیرت، وحدت بین اقوام و مذاهب داخل کشور، روشهای مطلوب انتقال ارزشها، مدیریت صحیح جامعه و ...).
۲	سابقه تاریخی روابط ایران و عثمانی (و عراق) و مناقشات مرزی بین دو کشور	علل و ریشه های بروز جنگ بین ایران و عثمانی، قراردادهای ارزروم ۱ و ۲، پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورتجلسات ۱۹۱۴ تهران، جنگ جهانی اول و تجزیه عثمانی، عهدنامه ۱۹۳۷، نقش مخرب و تفرقه افکنانه انگلیس طی ۵۰۰ سال و ...
۳	قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر	اهمیت این قرارداد در پایان دادن به خصومت ۵۰۰ ساله بین دو کشور، انگیزه های مهم ایران و عراق از انعقاد این قرارداد، عوامل مؤثر در پیروزی ایران و به رسمیت شناختن خط تالوگ توسط عراق، روابط ایران و عراق بعد از قرارداد الجزایر تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و ...
۴	شرایط ایران و عراق قبل از آغاز جنگ (نظامی)	وضعیت ارتش ایران از سال ۱۳۵۳ تا پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت ارتش ایران از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی.
۵	شرایط ایران و عراق قبل از آغاز جنگ (سیاسی)	اوضاع اجتماعی و سه عامل تأثیرگذار داخلی در تشویق صدام برای حمله به ایران، روابط بین المللی ایران و ...
۶	شرایط ایران و عراق قبل از آغاز جنگ (اقتصادی)	وضعیت فعالیت های اقتصادی (تجارت، استخراج و صادرات نفت، تولید کارخانجات، بنادر و ..).
۷	شرایط ایران و عراق قبل از آغاز جنگ.	اوضاع عراق از نظر نظامی، سیاسی، روابط بین المللی، اقتصادی و ...
۸	مراحل مختلف جنگ تحمیلی مرحله اول:	آغاز رسمی تهاجم رژیم بعث و پیشروی در خاک ایران. چیدمان و آرایش نیروهای عراقی، محورهای اصلی تهاجم، عملیات کمان ۹۹، عملیات مروارید،
۹	مرحله دوم: توقف پیشروی عراق و تثبیت مواضع ایران.	برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا، وحدت نیروهای مسلح ایران و ...
۱۰	مرحله سوم: بیرون راندن نیروهای دشمن از خاک ایران	تحولات سال ۱۳۶۰ (عملیات های ثامن الائمه، طریق القدس، حمله به اچ-۳ و ...). تحولات سال ۱۳۶۱ (عملیات های فتح المبین، بیت المقدس و ...). اقدامات آمریکا و اسرائیل، شورای امنیت، سازمان کنفرانس اسلامی و .. برای نجات صدام بعد از فتح خرمشهر.
۱۱	مرحله چهارم: پیشروی ایران داخل خاک عراق.	دلایل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر، ورود به خاک عراق با عملیات های رمضان، خیبر، بدر، والفجر ۸، عملیات کربلای ۵ و ...
۱۲	مرحله پنجم: حوادث بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸.	تصویب قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت، مفاد قطعنامه ۵۹۸، جنگ نفت کشها، تشدید جنگ شهرها توسط عراق و ...
۱۳	مرحله ششم: ورود آمریکا به جنگ مستقیم با ایران.	ورود ناوگان آمریکا و شوروی به خلیج فارس، اسکورت نفتکشهای کویت و عربستان، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا و ...
۱۴	مرحله هفتم: پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و پایان ظاهری جنگ.	علل و پیامدهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران، حمله مجدد عراق به ایران، حمله منافقین به ایران و عملیات مرصاد، برقراری آتش بس و پایان ظاهری جنگ، حمله صدام به کویت و شکسته شدن بن بست مذاکرات اجرای قطعنامه ۵۹۸ و ...
۱۵	دلایل و عوامل پیروزی ملت ایران در جنگ نابرابر نتایج، دستاوردها و تجارب دفاع مقدس	آمار شهدا و ایثارگران، تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی، ارزشهای دفاع مقدس و ... دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی- نظرات حضرت امام در مورد دفاع مقدس، اعتراف به حقانیت ایران و متجاوز بودن صدام توسط دبیرکل شورای امنیت در آذر ۱۳۷۰ و ...
۱۶	جنگ نرم و رسالت دانشگاهیان	مفهوم جنگ نرم و اهداف آن، عوامل جنگ نرم، راهبردهای ایران برای مقابله با جنگ نرم دشمنان

تذکرات:

آزمون پایان نیمسال بصورت هماهنگ با بقیه گروهها (در دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان) برگزار می گردد (امتحان میان ترم ندارد).
 آزمون پایان نیمسال بصورت ترکیبی (حدود ۲۰ سوال تستی چهار گزینه ای و ۴ سوال تشریحی) برگزار می گردد.
 با عنایت به اهمیت مطالب مطرح شده در کلاس، بین ۲-۳ نمره برای حضور دانشجو در کلاس منظور می شود.

عنوان	صفحه
مقدمه - هدف از ارائه درس (اهمیت و لزوم تدریس آشنائی با دفاع مقدس در دانشگاهها).....	۱
فصل اول - سابقه تاریخی روابط ایران و عراق و مناقشات مرزی بین دو کشور.....	۳
۱-۱- مهمترین علل بروز جنگ بین ایران و عثمانی و چند قرارداد مهم.....	۳
۲-۱- حوادث بعد از عهدنامه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷).....	۷
۳-۱- بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و حل و فصل اختلافات مرزی.....	۸
۱-۳-۱- انگیزه های مهم ایران از انعقاد قرارداد الجزایر.....	۹
۲-۳-۱- انگیزه های مهم عراق از انعقاد قرارداد الجزایر.....	۱۰
۳-۳-۱- روابط ایران و عراق بعد از انعقاد قرارداد الجزایر.....	۱۰
فصل دوم- شرایط ایران و عراق قبل از شروع جنگ.....	۱۱
۱-۲- وضعیت نظامی ایران.....	۱۱
۱-۱-۲- وضعیت ارتش ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۱۱
۲-۱-۲- انگیزه های تقویت ارتش ایران (وسعت کشور ایران و جغرافیای مناطق مرزی و ...).....	۱۴
۳-۱-۲- وضعیت ارتش ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا آغاز جنگ تحمیلی.....	۲۲
عوامل مؤثر در تضعیف ارتش ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.....	۲۱
۱-۳-۱-۲- بی اعتمادی برخی انقلابیون به ارتش.....	۲۲
۲-۳-۱-۲- پاکسازی ارتش.....	۲۴
۳-۳-۱-۲- صدمات روحی وارده به افراد ارتش.....	۲۴
۴-۳-۱-۲- بی انضباطی در ارتش.....	۲۵
۵-۳-۱-۲- کاهش خدمت سربازی.....	۲۵
۶-۳-۱-۲- کودتای نقاب و نقش آن در تضعیف بیشتر ارتش.....	۲۵
۲-۲- وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی.....	۲۹
سه عامل تأثیر گذار داخلی در ترغیب صدام برای حمله به ایران.....	۲۹
۱-۲-۲- طرح شعار صدور انقلاب اسلامی.....	۲۹
۲-۲-۲- اشغال لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) و گروگانگیری دیپلماتهای آمریکایی.....	۳۲
۳-۲-۲- عدم تحرک وزارت امور خارجه ایران.....	۳۷
۳-۲- وضعیت ایران از نظر اقتصادی.....	۳۹
۴-۲- وضعیت ایران از نظر روابط بین الملل.....	۴۰
۵-۲- وضعیت عراق.....	۴۱
۱-۵-۲- ترکیب جمعیتی عراق.....	۴۱
۲-۵-۲- وضعیت عراق از نظر نظامی.....	۴۲

۴۳	۲-۵-۳- وضعیت عراق از نظر ساختار سیاسی.....
۴۳	۲-۵-۴- وضعیت عراق از نظر روابط بین الملل.....
۴۳	۲-۵-۵- وضعیت عراق از نظر اقتصادی.....
۴۴	۲-۵-۶- وضعیت جغرافیایی عراق.....
۴۴	۲-۵-۷- اهمیت عراق و بغداد برای ایران و مسلمانان.....
۴۵	۲-۶- روابط ایران و عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۴۶	۲-۷- علل تهاجم رژیم بعث عراق به ایران.....
۴۹	۲-۸- کشورهای حامی عراق در جنگ تحمیلی.....
۵۱	۲-۹- اهداف کلی رژیم بعثی عراق در تهاجم به ایران.....
۵۱	۲-۱۰- زمینه سازی و اقدامات عراق قبل از آغاز رسمی تهاجم (علل نزدیک جنگ).....
۵۲	فصل سوم- شروع جنگ تحمیلی
۵۳	۳-۱- چیدمان و نحوه استقرار نیروهای مسلح عراق.....
۵۳	۳-۲- محورهای تهاجم، استعداد نیروهای دو طرف و اهداف هر محور در جنگ.....
۵۶	۳-۳- مراحل مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.....
۵۷	۳-۳-۱- آغاز رسمی تهاجم و پیشروی عراق در خاک ایران.....
۵۸	۳-۳-۱-۱- وضعیت دشمن بعد از پایان عملیات کمان ۹۹ (سایه البرز).....
۶۰	۳-۳-۱-۲- نظرات و تدابیر دفاعی حضرت امام (ره) قبل و بعد از تهاجم سراسری رژیم بعث به ایران.....
۶۱	۳-۳-۱-۳- عملیات مروارید.....
۶۱	۳-۳-۲- توقف پیشروی عراق، تثبیت مواضع ایران و بیرون راندن ارتش متجاوز دشمن از ایران.....
۶۲	۳-۳-۱- مهمترین تحولات سال ۱۳۶۰ (عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، و...).....
۶۲	عملیات هوایی حمله به اچ-۳.....
۶۵	۳-۳-۲- تحولات سال ۱۳۶۱ (عملیات فتح المبین، بیت المقدس و...).....
۶۹	اقدامات آمریکا و اسرائیل بعد از فتح خرمشهر.....
۷۰	اقدامات سازمان کنفرانس اسلامی بعد از فتح خرمشهر.....
۷۱	اقدامات صدام بعد از فتح خرمشهر.....
۷۱	اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از فتح خرمشهر.....
۷۲	امکان پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر.....
۷۲	دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر.....
۷۵	۳-۳-۳- پیشروی ایران در خاک عراق (راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز).....
۷۷	۳-۳-۱- پیامدهای ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق طی عملیات رمضان.....
۷۸	۳-۳-۲- مهمترین تحولات سال های ۶۳-۱۳۶۲ (عملیات خیبر، بدر، و...).....
۸۲	۳-۳-۳- تحولات سالهای ۶۵-۱۳۶۴ (عملیات والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و...).....

۳-۳-۴- پیامدهای عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو.....	۸۴
۳-۳-۵- عملیات کربلای ۵.....	۸۶
اقدامات قدرتهای جهانی پس از عملیات کربلای ۵.....	۸۹
۳-۳-۶- تحولات سالهای ۶۷-۱۳۶۶ (سال ۱۳۶۶ سال رقم خوردن سرنوشت جنگ).....	۸۹
۳-۳-۷- زمینه های صدور قطعنامه ۵۹۸ و توافق اعضای شورا در تهیه پیش نویس آن.....	۸۹
۳-۳-۸- مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت.....	۹۳
اهداف شورای امنیت از صدور قطعنامه ۵۹۸.....	۹۵
حوادث بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸.....	۹۵
۳-۳-۴- درگیری مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس و فاو.....	۹۷
اقدامات دشمن برای توسعه جنگ (جنگ نفت کشها، بمباران شهرها و بمباران شیمیایی جبهه ها).....	۱۰۰
فاجعه سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا.....	۱۰۱
۳-۳-۵- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران.....	۱۰۳
۳-۳-۱- دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران، پایان جنگ و روند اجرائی آن.....	۱۰۴
۳-۳-۲- پیامدهای پذیرش قطعنامه توسط امام.....	۱۰۶
۳-۳-۳- چرا قبول قطعنامه برای امام به منزله نوشیدن جام زهر بود؟.....	۱۰۷
۳-۳-۴- حوادث بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران.....	۱۰۸
الف- حملات مجدد عراق به خوزستان و ...	۱۰۸
ب- اقدامات ایران برای دفع حملات مجدد عراق.....	۱۰۸
ج- حمله منافقین (عملیات فروغ جاویدان) از محور قصرشیرین.....	۱۰۹
د- عملیات مرصاد.....	۱۰۹
برقراری آتش بس و پایان جنگ.....	۱۱۱
۳-۳-۶- حمله عراق به کویت و اشغال آن توسط صدام.....	۱۱۱
۳-۳-۷- دخالت آمریکا برای اخراج صدام از کویت و شکستن بن بست اجرای قطعنامه ۵۹۸.....	۱۱۲
۳-۴-۴- نتایج، دستاوردها و تجارب جنگ.....	۱۱۳
۳-۴-۱- تبیین مفاهیم جنگ و دفاع.....	۱۱۳
۳-۴-۲- نتایج دفاع مقدس (دلایل پیروزی ملت غیور ایران در دفاع مقدس).....	۱۱۵
عوامل پیروزی ملت غیور ایران در دفاع مقدس.....	۱۱۶
آمار شهدا، ایثارگران و ... در دفاع مقدس.....	۱۱۷
تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی.....	۱۱۸
ارزشهای دفاع مقدس.....	۱۱۹
۳-۴-۳- پیامدها و دستاوردهای دفاع مقدس.....	۱۱۹
نظرات حضرت امام خمینی در خصوص جنگ تحمیلی و دفاع مقدس.....	۱۲۲

پیامدهای حمله رژیم بعث عراق به کویت (۶۹/۵/۱۱) برای ایران.....	۱۲۳
اعتراف به حقانیت مواضع ایران با گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت.....	۱۲۳
۳-۵- جنگ نرم و رسالت دانشگاهیان.....	۱۲۴
مباحث تکمیلی:	
پیامدهای جنگ تحمیلی برای عراق.....	۱۲۹
دوران اشغال کویت توسط صدام.....	۱۳۰
عملیات آمریکا برای آزادسازی کویت در سال ۱۳۶۹ شمسی (طوفان صحرا).....	۱۳۲
تجاوز عراق به کویت و عکس العمل استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا.....	۱۳۲
پیامدهای حمله آمریکا به عراق.....	۱۳۳
دستگیری و اعدام صدام حسین.....	۱۳۶
نتایج اشغالگری نظامی آمریکا در عراق.....	۱۳۷
منابع و مأخذ.....	۱۶۶

فهرست ضمایم

ضمیمه ۱- علل دوستی سوریه با ایران در جنگ تحمیلی.....	۱۳۸
ضمیمه ۲- کردهای عراق، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و انگیزه های ایران و عراق برای انعقاد آن.....	۱۲۹
ضمیمه ۳- اروندرود.....	۱۴۶
ضمیمه ۴- علل تقویت ارتش ایران.....	۱۴۶
ضمیمه ۵- ویژگی های حزب بعث و صدام.....	۱۴۸
ضمیمه ۶- تبیین مظلومیت ایران در جنگ نابرابر و خباثت دشمنان.....	۱۴۹
ضمیمه ۷- جنگ شهرها.....	۱۵۵
ضمیمه ۸- جنگ نفت کشها.....	۱۵۶
ضمیمه ۹- ملاحظاتی پیرامون تهدید ایران به بستن تنگه هرمز.....	۱۵۹
ضمیمه ۱۰- استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی.....	۱۶۰
ضمیمه ۱۱- موانع اجرای قطعنامه ۵۹۸.....	۱۶۲
ضمیمه ۱۲- مقایسه رفتار متناقض سازمان ملل در جنگ ایران - عراق و جنگ عراق - کویت.....	۱۶۳
ضمیمه ۱۳- شورای همکاری خلیج فارس.....	۱۶۵

پیش گفتار

از سال ۱۳۴۰ به بعد دو واقعه مهم در ایران اتفاق افتاده است (وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) که هر دو واقعه در تاریخ کهن ایران زمین تقریباً بی نظیر هستند. نتیجه اولیه پیروزی انقلاب "استقلال، آزادی و برقراری نظام مقدس جمهوری اسلامی" بود که ثمره آن کوتاه شدن دست ابرقدرت‌های غارتگر از منافع نامشروعی شد که قبل از انقلاب از آن بهره مند بودند. چون منافع آنها به خطر افتاد لذا از هیچ اقدام خصمانه‌ای برای ضربه زدن به انقلاب و دستاوردهای آن دریغ نکردند که مهمترین آنها تشویق صدام برای حمله به ایران بود. ملت رشید ایران با همدلی و اتحاد، استعانت از خداوند متعال و تحت رهبری های پیامبر گونه امام خمینی (ره) در طول هشت سال دفاع مقدس، با اقتدار، دشمن متجاوز را از دستیابی به اهداف خود ناکام گذاشته و برگ زرین دیگری به تاریخ ایران اضافه کردند که از یک طرف مایه دلگرمی دوستان شد و از طرف دیگر درسی به دشمنان داد که در آینده کسی جرأت حمله به ایران را نداشته باشد (گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری در چهل سالگی پیروزی در بهمن ۱۳۹۷ تبیین کردند، تمدن سازی است).

طبیعی است کشورهای استکباری که در میدان نبرد نتوانستند به اهداف خود برسند، در صدد تخریب دستاوردهای دفاع مقدس و کم اهمیت جلوه دادن این دوران پر افتخار باشند. لذا با امکانات وسیع تبلیغاتی و با شیوه های بسیار دقیق و حساب شده (منطبق با روانشناسی مخاطب، علم و تکنولوژی روز دنیا، نیازهای سنین مختلف جامعه و ...) اقدام به تشکیک و ایجاد شبهه در ذهن مردم جامعه بخصوص نسل سومی ها می نمایند. آنها می دانند، اگر در این راه موفق شوند، به اهداف زیر خواهند رسید:

- اصل انقلاب و دستاوردهای آن نزد نسل جدید (که در آینده اداره امور کشور را به دست خواهند گرفت) کم اهمیت و غیر قابل دفاع خواهد شد.

- نسل جدید حاضر به فداکاری در راه آرمانهای انقلاب نبوده لذا براحتی تسلیم کشورهای استکباری شده و اوضاع به همان شرایط قبل از انقلاب (که مطلوب دشمنان می باشد) باز خواهد گشت.

با توجه به مطالب فوق، بدیهی است که وظیفه سنگینی بر دوش نسلهای اول و دوم انقلاب است تا با همان احساس تکلیف و شور و هیجانی که در به ثمر رساندن انقلاب و دفاع مقدس داشتند، اکنون نیز در جبهه فرهنگی وارد شده و هجمه دشمنان را در این میدان کارزار نیز خنثی نموده و آینده انقلاب را بیمه نمایند.

با اعتقاد به این تکلیف دینی و ملی و با توجه به مصوبه سال ۱۳۸۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی (مبنی بر گنجاندن درس آشنایی با ارزشهای دفاع مقدس در دروس دانشگاهی) نگارنده با توجه به بضاعت خود (تجربه حضور اندک در دوران سراسر حماسه دفاع مقدس)، سرفصل درس براساس مصوبه جلسات شماره ۱۵۴ و ۱۷۷ شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی، سئوالات و ابهامات موجود در جامعه و بهره گیری از منابع مختلف، اقدام به تهیه درسنامه حاضر جهت تدریس در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشگاهها، حوزه های علمیه و ... نموده است. امید آنکه این مجموعه قدم کوچکی برای انتقال پیام ایثارگری های آحاد ملت ایران در دوران دفاع مقدس (بخصوص شهدا، آزادگان، جانبازان، رزمندگان و خانواده های معزز آنها) به نسل سوم و نسلهای بعدی باشد.

مشخصات مجموعه حاضر:

- مطالبی در خصوص لزوم شناساندن اهداف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و زحماتی که برای به ثمر نشستن آنها توسط نسل های اول و دوم صورت گرفته به نسل سوم و نسل های بعدی.

- تبیین ویژگیها، سیره، نظرات و تدابیر امام خمینی و نقش بی بدیل ولایت فقیه در مقاطع مختلف زمانی و در حوادث مختلف حسب مورد بطور برجسته مد نظر قرار گرفته است.

- ذکر نمونه هایی از تحقق وعده های الهی، احادیث و روایات در دفاع مقدس.

- مطالب حتی الامکان به ترتیب زمان وقوع مرتب شده است تا ارتباط منطقی بین موضوعات برقرار شود.

- سعی شده حوادث سالیان قبل و تاریخی با مسائل روز مشابه که اتفاق افتاده تطبیق داده شود.

در فصل اول- ریشه های اختلافات بین ایران و عثمانی و بعداً با عراق بررسی شده، قراردادهای متعدد منعقد شده بین دو کشور که مرتب لغو یا بی اثر شده اند، توطئه کشورهای اروپایی برای تجزیه و تضعیف رقبای خود (از طریق ایجاد اختلاف و جنگ بین دو کشور اسلامی (ایران و عثمانی) و تجزیه عثمانی بعد از جنگ جهانی اول و ...)، تقسیم کشورهای جدید تشکیل شده از تجزیه عثمانی (بصورت مستعمره) بین فرانسه و انگلیس و نقشه های شومی که اینها در منطقه اجراء کردند که اثرات دراز مدت آنها هنوز وجود دارد (حاکم کردن اقلیت سنی در کشورهای اسلامی، اشغال فلسطین و ...)، اصرار انگلیس بر پایمال کردن حقوق ایران در اروندرود، انگیزه های دو کشور ایران و عراق و زمینه های انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اهمیت آن در پایان دادن به حداقل ۴۷۵ سال منازعات در اروندرود، نقش شیطنت آمیز انگلیس در ایجاد جنگ و درگیری بین ایران و عراق و جلوگیری از تفاهم بین دو کشور مورد بحث واقع شده است.

در فصل دوم- شرایط ایران و عراق قبل از آغاز جنگ بررسی شده که شامل عناوین زیر است:

وضعیت ارتش ایران بعد از امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تا سال ۱۳۵۷ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی، وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.

- وضعیت عراق از نظر ترکیب جمعیتی، ویژگیهای حزب بعث، وضعیت عراق از نظر جغرافیایی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، روابط بین المللی و ...

- روابط ایران و عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علل تجاوز عراق به ایران، دلایلمحایت همه جانبه ابرقدرت های شرق و غرب و همپیمانان آنان و ارتجاع عرب از عراق در جنگ تحمیلی.

در فصل سوم- به موارد زیر اشاره شده است:

مراحل مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شامل: آغاز رسمی تهاجم و پیشروی عراق در خاک ایران از ۳۱ شهریور ۵۹ لغایت ۸ یا به عبارتی ۲۶ آبان ۱۳۵۹، توقف پیشروی عراق و تثبیت مواضع ایران، بیرون راندن متجاوز از خاک ایران (تشریح عملیات های سرنوشت ساز هر سال و پیامدهای آنها در سطح ملی و بین المللی)، پیشروی ایران در خاک عراق، جنگ نفتکشها و جنگ شهرها، درگیری مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس و فاو، پیامدهای عملیات غرور آفرین والفجر ۸ و کربلای ۵ در وادار کردن حامیان صدام برای تصویب قطعنامه ۵۹۸، اقدامات جنایتکارانه آمریکا بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸، دلایل پذیرش قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران و پایان جنگ (شرایط این مقطع از جنگ، اتفاقات بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، حمله مجدد عراق در جنوب و منافقین از غرب کشور، عملیات مرصاد و ...).

- توضیح عملیات های شاخص نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دفاع مقدس.

- آمار شهدا، ایثارگران و ... در دفاع مقدس، پیامدها و ارزشهای دفاع مقدس، نظرات حضرت امام خمینی در خصوص جنگ تحمیلی و دفاع مقدس.

اضافه می شود: حمله عراق به کویت، بی شک بخشی از خواسته های به حق مردم ایران که از جامعه جهانی مطالبه می کرد، بعد از حمله صدام به کویت محقق گردید. بنابر این ذکر مباحثی پیرامون این مقطع زمانی بی ارتباط با دفاع مقدس نخواهد

بود: پیامدهای حمله رژیم بعث عراق به کویت برای ایران، اعتراف به حقانیت مواضع ایران با گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت در ۱۳۷۰/۰۹/۱۸، پیامدهای جنگ تحمیلی برای عراق، پیامدهای حمله آمریکا به عراق، دستگیری و اعدام صدام حسین، نتایج اشغالگری نظامی آمریکا در عراق.

- گنجاندن موضوعاتی در ضمیمه که به فهم بهتر مطالب کمک می نماید (تبیین مظلومیت ایران در جنگ نابرابر و خباثت دشمنان و کشورهای کمک کننده به صدام و اقدامات هر کدام، ارون درود، علل دوستی سوریه با ایران، کردهای عراق، ویژگی های حزب بعث و صدام، جنگ شهرها، جنگ نفت کشها، استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی، مقایسه رفتار متناقض سازمان ملل در جنگ ایران و عراق - جنگ عراق و کویت).

بر خود لازم می دانم از کلیه عزیزانی که اینجانب را در تهیه این مجموعه یاری نمودند (بخصوص همکاران محترم اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان اصفهان که از نظر تطابق مطالب با واقعیات دفاع مقدس و صحت مندرجات، راهنمایی هایی ارزشمندی داشتند و سرکار خانم هدی شهبهانی که در تایپ مطالب و طراحی روی جلد زحمت فراوان کشیدند) تشکر و قدردانی نمایم. در پایان از دانشجویان عزیز و اساتید محترم استدعا دارد هرگونه نظر اصلاحی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند تا در ویرایش بعدی مد نظر قرار گیرد.

محمد ضیایی - مهر ۱۳۹۸

Mdziaee48@yahoo.com

«آشنایی با ارزش های دفاع مقدس»

هدف از ارائه این درس (اهمیت و لزوم تدریس آشنائی با دفاع مقدس در دانشگاهها)

از سال ۱۳۴۰ هجری شمسی تا کنون دو اتفاق مهم در ایران رخ داده است:

۱- وقوع انقلاب اسلامی و سقوط حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.

۲- شروع جنگ تحمیلی از طرف رژیم بعثی عراق و دفاع مقدس ملت ایران در مقابل دشمن.

با توجه به این دو اتفاق مهم، ملت ایران به سه نسل تقسیم می شوند:

نسل اول: کسانی که حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را بوجود آوردند، درک کردند و همراهی کردند. (افرادی مانند: امام خمینی، شهید بهشتی، مفتاح، مطهری، نواب صفوی، آقای خامنه ای، دکتر چمران و ...).

نسل دوم: کسانی که انقلاب ۱۳۵۷ را درک کردند، در پیروزی انقلاب نقش مستقیم نداشتند ولی در دفاع مقدس حضور مستقیم داشتند.

نسل سوم: کسانی که بعد از دفاع مقدس (مرداد ۱۳۶۷) وارد اجتماع شدند و ممکن است آگاهی کافی در خصوص انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نداشته باشند. از طرف دیگر این خطر وجود دارد که دشمنان و افراد مغرض با سوء استفاده از این وضعیت و ضمن تخریب دستاوردها و افتخارات این دوران، با ایجاد سستی در اراده این نسل، در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی (که در آینده به دست اینها سپرده خواهد شد) ایجاد مشکل نموده و انقلاب را از مسیر خود منحرف نمایند.

بنابراین برای ماندگاری و استمرار نظام جمهوری اسلامی، باید وقایع دوران انقلاب و دفاع مقدس (که نسل های اول و

دوم برای خلق آنها تلاش، مجاهدت، مبارزه و فداکاری نمودند) به نحو مطلوب به نسلهای بعدی منتقل شود. حصول به

این مقصود مستلزم آن است که وقایع این دوران به نحو شایسته در متون درسی از دوره ابتدائی تا دانشگاه گنجانده شده و به نسل های بعدی منتقل شود.

روشهای انتقال وقایع دوران انقلاب و دفاع مقدس به نسل های بعدی:

۱- ساخت فیلم، سریال، تئاتر، Animation، بازیهای کامپیوتری، تولید عکس و اسلاید با موضوعات دفاع مقدس.

۲- ایجاد سایت های اینترنتی، وبلاگ، شبکه های اجتماعی، Chat rooms و ...

۳- راه اندازی نمایشگاه، برگزاری کنگره ها، انجام اردوهای راهیان نور، جلسات سخنرانی.

۴- دیدار مستقیم با کسانی که در خلق این حماسه ها سهیم بوده اند (مردم مناطق جنگی، فرماندهان، رزمندگان، جانبازان، آزادگان، خانواده شهدا، انقلابیون و ...).

۵- گنجاندن وقایع دوران انقلاب و دفاع مقدس در کتب درسی مدارس و دانشگاهها، چاپ مقاله، کتاب و ...

۶- معرفی شخصیت های مؤثر در انقلاب و جنگ تحمیلی: شناساندن شخصیت های نظام، انقلاب و دفاع مقدس، چون وقایع با افراد شناخته می شوند. مثال: انقلاب مشروطه (ستارخان، باقرخان و شهدائی مانند طباطبائی، بهبهانی). نهضت انقلابی جنگل (میرزا کوچک خان و یارانش). ملی شدن صنعت نفت (آیت ا... کاشانی، فدائیان اسلام، دکتر مصدق). بنابراین نمی شود انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را از شخصیت های مؤثر آن جدا کرد.

- افراد سیاسی و انقلابی: امام خمینی، شهیدان بهشتی، رجائی، باهنر، مطهری، آقایان خامنه ای و ...

- افراد نظامی: شهدا- بابائی، دوران، خرازی، نامجو، باکری، همت، کلاهدوز، شیرودی، ردانی پور، کاظمی و ...

- حاضرین: کلیه سرداران سپاه، امیران ارتش، رزمندگان، آزادگان، جانبازان، خانواده معزز آنها و ...

زنده نگهداشتن یاد و نام این شخصیت هابه معنی زنده نگهداشتن بخشی از تاریخ انقلاب و دفاع مقدس می باشد.

۷- تبیین ویژگیها و زنده نگهداشتن سیره حضرت امام و الگو برداری از آن- تبیین ابعاد شخصیتی حضرت امام: انجام امور برای رضای خدا، عمل به تکلیف الهی و انجام وظیفه (در مقابل نتیجه)، شجاعت، ساده زیستی، نوآوری، اعتقاد و اطمینان قاطع به جوانان، عمل به قوانین اسلام ناب محمدی در مقابل اسلام آمریکائی مصلحت گرا، ساده تر کردن قوانین و احکام فقهی، بی تکلف بودن، رعایت مصالح اسلام، نظام، کشور و مردم (نه افراد، احزاب، فامیل، مقامات و ...)، سنت شکنی (امکان ایستادن در مقابل قدرتهای استکباری، نوآوری و تدبیر درست و به موقع (تشکیل بسیج، سپاه، کمیته انقلاب اسلامی، بنیاد شهید، جهاد سازندگی، محور قرار دادن مساجد برای پیشبرد امور، تعیین روز قدس، اعلام زمان لغو حکومت نظامی، پذیرش قطعنامه و ...).

۸- تبیین توطئه های داخلی و خارجی در دوران دفاع مقدس - تحریم اقتصادی، تحریک گروهکهای مسلح به ایجاد آشوب و ناامنی در نقاط مختلف کشور (کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، ترکمن صحرا و ...)، ترور حدود ۱۷۰۰۰ نفر از شخصیت های برجسته نظام، ائمه جمعه، بازاریان و افراد عادی جامعه که وفادار به انقلاب بودند، فشار به ایران در مجامع بین المللی، کودتا، حمله نظامی آمریکا به طبرس، حضور ناوگان دریایی ابرقدرتها و حامیان عراق در خلیج فارس، رفتار تبعیض آمیز، مغرضانه، ناعادلانه و خصمانه شورای امنیت و ...

۹- بیان اینکه دفاع مقدس حکم پالایشگاه را داشت (ریزشهای انقلاب):

- مجاهدین خلق قبل از انقلاب ادعا می کردند «عنوان مبارزه با امپریالیسم و آمریکا در انحصار ما است». از سال ۱۳۶۰ رو در روی ملت ایران ایستادند و به مبارزه مسلحانه با نظام، انقلاب و مردم پرداختند، خانه های تیمی راه انداختند، ترور و ... در سالهای آغازین جنگ تحمیلی به دامن صدام افتادند، با دشمنان قسم خورده کشورمان متحد شدند، جاسوس دشمن شدند، در نهایت بخشی از ارتش صدام شدند و علیه ملت عراق جنایت ها کردند، در حال حاضر (سال ۱۳۹۳) هم در دامن آمریکا افتاده و مورد حمایت رژیم جعلی اسرائیل و آمریکا هستند و ...

- ماهیت احزاب لیبرال و غربگرایان (نهضت آزادی، بنی صدر و طرفدارانش و ...) برای توده مردم روشن شد. اینها اسلام را برای ایران می خواستند در حالی که امام و یارانش ایران را برای اسلام می خواستند.

- حزب توده که خیلی خودشان را خط امامی جا زده بودند. حدود سال ۱۳۶۰ و در آزمون دفاع مقدس مشخص گردید که دروغ می گویند و خط خود را از انقلاب جدا کردند.

۱۰- تبیین جنایات جنگی عراق برای جهانیان: استفاده از سلاح های شیمیایی، حمله به مناطق مسکونی، بیمارستانها، مراکز آموزشی، حمله به مردم غیر نظامی (زنان، کودکان، افراد بی دفاع و ...) حمله به هواپیماهای مسافربری، کشتیها و ...

۱۱- تبیین مظلومیت ملت ایران در جنگ نابرابر و خبثت دشمنان: در طول سالیان جنگ سرد (علی رغم خصومت و اختلافات فراوان و ریشه ای بین بلوک شرق و بلوک غرب) از معدود مواردی که دو ابرقدرت شرق و غرب روی آن اتفاق نظر دارند، حمایت همه جانبه از صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران است که طی آن حدود ۲۶ کشور بطور مستقیم و تعدادی هم بطور غیر مستقیم با حمایت از صدام، روبروی ملت ایران ایستادند.^۱

^۱ - اقدامات تفصیلی آنها در این خصوص در ضمیمه شماره ۶ آمده است.

فصل اول - سابقه تاریخی روابط ایران و عثمانی (عراق) و مناقشات مرزی بین دو کشور

امپراطوری نیرومند عثمانی توسط عثمان اول و در سال ۱۲۹۹ میلادی در غرب آناتولی تأسیس شد (بعد از سلجوقیان). سلطان محمد دوم (پادشاه عثمانی) در سال ۱۴۵۳ میلادی با فتح قسطنطنیه به حیات هزار ساله امپراطوری روم شرقی (بیزانس) پایان داد و در صدد کشورگشایی برآمد که ایران از جمله اهداف آن بود.

از طرف دیگر در سال ۱۵۰۱ میلادی (دوم رمضان ۹۰۷ ه. ق) شاه اسماعیل صفوی با کمک ایلات و عشایر شیعه آذربایجان و گیلان موفق شد حکومت های مستقل محلی (نظام ملوک الطوائفی) را در گستره سرزمین ایران سرکوب کرده (برانداخته) و دولت مرکزی قدرتمند صفویه^۲ را تأسیس نماید که هدف اصلی آن حفظ تمامیت ارضی ایران از خطر هجوم ترکان عثمانی بود. او تشیع را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام کرد (تشیع باعث حل اختلافات داخلی و تحکیم وحدت ملی ایران شد).

این موضوع از نظر سیاسی و مذهبی موجبات نارضایتی همسایه غربی ایران (امپراطوری عثمانی) را فراهم آورد چون:
✓ ادعای خلافت بر مسلمین را داشت.

✓ مایل به قدرتمند شدن ایران در منطقه نبود و آنرا رقیب خود می دانست.

در نتیجه، جنگ های خونین بین ایران و عثمانی آغاز شد که در حقیقت جنگ تضاد منافع دو ابر قدرت منطقه ای بود و تا پنج قرن ادامه داشت. در این مدت حدود ۲۴ جنگ رخ داد که اولین آن نبرد چالدران در ۱۵۰۸ م. و آخرین آن در سال ۱۸۲۳ م. و در زمان فتحعلی شاه قاجار بود. در زمان حکومت سلطان سلیم اول جنگ عظیمی در چالدران میان قوای صفوی و عثمانی رخ داد که به شکست شاه اسماعیل صفوی منجر شد. کشورهای اروپایی نقش مهمی در تشدید این جنگ ها بین ایران و عثمانی داشتند. از زمانی که دولت قدرتمند صفویه در مقابل عثمانی قد علم کرد، کشورهای اروپایی با تحریک و توطئه، سعی کردند قدرت عظیم عثمانی را متوجه ایران نمایند تا مانع توسعه فتوحات عثمانی به طرف اروپا شوند. این جنگ ها در دوران سلسله های صفویه، زندیه، افشاریه و قاجار به وقوع پیوست. هرگاه عثمانی ها پیروز می شدند تمام یا بخشی از ولایات قفقاز، آذربایجان و کردستان را تصرف می کردند و هرگاه سپاه ایران پیروز می شد با عقب راندن عثمانی ها بر بخشهای شرقی ترکیه و بین النهرین (عراق امروزی) تسلط می یافتند. سرزمین عراق بخشی از خاک ایران بود و خاندان آق قویونلو بر آن حکومت می کردند که در سال ۱۶۳۸ م. توسط سلطان مراد چهارم برای همیشه از خاک ایران جدا شد (بعد از فوت شاه عباس).

۱-۱- مهمترین علل بروز جنگ بین ایران و عثمانی و چند قرارداد مهم:

۱- اختلافات مرزی بین دو کشور، روحیه توسعه طلبی حکام عثمانی و چشم داشت آنها به بخشهایی از خاک ایران (ولایات گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، کردستان عراق) و علاقه ایرانیان به عراق (بخاطر قبور امامان شیعه).

۲- اختلاف مذهبی (ایرانیان- شیعه و عثمانی ها- سنی بودند).

۳- بدرفتاری حکام و مأموران دولت عثمانی با زوار ایرانی (که به عراق می رفتند).

۴- تحریک، فتنه انگیزی و آتش افروزی کشورهای اروپایی (برای ایجاد جنگ بین دو کشور مسلمان به منظور تضعیف این دو ابر قدرت و تأمین امنیت و منافع اروپا و مصیحت).

۵- اوضاع نابسامان داخلی ایران در زمانهای مختلف (ناشی از بی ثباتی حکومت های استبدادی و بی لیاقتی برخی زمامداران و نداشتن پایگاه مردمی).

^۲ - صفویه از سال ۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲ میلادی حدود ۲۲۱ سال بر ایران فرمانروایی کردند. شاه اسماعیل یکم، اولین و شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی بود که در سال ۱۷۲۲ میلادی از افغانها شکست خورد.

۶- پناهنده شدن امیران و شاهزادگان ناراضی ایران و عثمانی به کشورهای یکدیگر.

۷- ایلات و عشایر مرزنشین، بیلاق و قشلاق می کردند. آنها در طرفین مرز بر حسب منافع خود مکرر تابعیت خود را عوض کرده و باعث تیرگی روابط دو کشور می شدند.

در این دوران، قلمرو دولت عثمانی در آسیا (آناتولی، سوریه، فلسطین، عراق، ارمنستان، کردستان)، در آفریقا (مصر و لیبی) و در اروپا (بلغارستان، یونان، صربستان، آلبانی، بوسنی و رومانی) را شامل می شد.

از سال ۱۵۵۵ تا ۱۹۷۵ میلادی حدود ۱۸ عهدنامه بین دو کشور به امضاء رسید که بیانگر عمق اختلافات و مناقشات مرزی بین ایران و عثمانی است. اولین پیمان صلح بین ایران و عثمانی در ۲۹ مه ۱۵۵۵ میلادی بین شاه طهماسب اول (پسر شاه اسماعیل) و سلطان سلیمان اول (پسر سلطان سلیم) بنام آماسیه منعقد شد. قبل از فروپاشی امپراطوری عثمانی (۱۹۲۰ م) در سال ۱۸۲۳ م (۱۲۳۸ ه ق) آخرین جنگ بین ایران و عثمانی در گرفت (زمان فتحعلی شاه قاجار) و منجر به عقد قرار داد (ارزروم- ۱) گردید. روس و انگلیس نقش مهمی در بروز این جنگ داشتند.

مفاد قرارداد (ارزروم- ۱):

- بازگشت دو کشور به مرزهای سابق.
- عدم تعرض به شیعیان و زوار ایرانی توسط دولت عثمانی.
- عدم مداخله طرفین در امور یکدیگر.

این قرار داد نتوانست اختلافات هفت گانه فوق را بطور کامل حل و فصل نموده و رضایت طرفین را فراهم آورد.

قرارداد (ارزروم- ۲): در سال ۱۲۵۳ ه. ق (زمان محمد شاه قاجار ۱۸۳۷ م) علیرضا پاشا والی بغداد به خرمشهر لشکر کشی و آنرا غارت کرد، به کشتار شیعیان در کربلا و بی احترامی به قبور ائمه اقدام کرد. این اعمال با اعتراض دولت ایران مواجه شد و دو کشور در آستانه جنگ قرار گرفتند ولی با وساطت دولت های روس و انگلیس از وقوع جنگ جلوگیری شده (وقوع جنگ جدید به سود منافع منطقه ای آنها نبود) و مقرر شد یک کمیسیون چهارجانبه (نمایندگان ایران، عثمانی، روس و انگلیس (به عنوان میانجی)) تشکیل شده و اختلافات ایران و عثمانی را حل و فصل نماید. محل مذاکرات شهر ارزروم و نماینده ایران میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر) بود. این مذاکرات حدود چهار سال طول کشید. روس و انگلیس به شدت اعمال نفوذ می کردند ولی درایت، هوشمندی و آگاهی های امیرکبیر مانع از ضایع شدن حقوق ایران شد. بالاخره در دوم ژوئن سال ۱۸۴۷ میلادی (۱۲۶۳ ه. ق) پیش نویس عهدنامه ارزروم- ۲ تهیه و به امضای دول چهارگانه رسید و مقرر شد بعد از امضاء پادشاهان دو طرف، رسمیت یابد.^۳

مهمترین بندهای (مفاد) عهدنامه ارزروم- ۲:

- نواحی شرق دشت ذهاب، شرق شط العرب و بندر خرمشهر به ایران تعلق گرفت و حق کشتیرانی در اروند رود برای دو کشور در نظر گرفته شد.

- دو کشور از کلیه دعاوی ارضی نسبت به یکدیگر صرفنظر کردند.

- دولت عثمانی متعهد شد از آزار و اذیت زوار شیعه ایرانی در عتبات خودداری نماید.

این عهدنامه قبل از مبادله رسمی به امضاء محمد شاه قاجار نرسید و از طرف ایران فاقد اعتبار تلقی گردید (به علت تغییراتی

^۳ - زمان محمدشاه قاجار و صدارت میرزا آقاسی، صدارت امیر کبیر در زمان ناصرالدین شاه بود.

که دولت عثمانی به تحریک انگلستان و بطور یکجانبه در خصوص حقوق ایران در اروندرود بعمل آورد که باعث ضایع شدن حقوق ایران می شد). بنابراین اختلافات ایران و عثمانی همچنان حل نشده باقی ماند، اگرچه از وقوع جنگ جدید جلوگیری شد. حدود ۷۰ سال بعد در سال ۱۹۱۳ میلادی (۱۳۳۴ ه. ق) و در زمان احمد شاه قاجار مجدداً مذاکرات بین ایران و عثمانی (با میانجیگری روس و انگلیس) برای رفع موارد اختلافی قرارداد ارزروم-۲ در قسطنطنیه (پایتخت عثمانی= استانبول) شروع شد. یکسال بعد (۱۹۱۴) مذاکرات تکمیلی در تهران ادامه یافت که حاصل آن تنظیم یک پروتکل (متمم عهدنامه ارزروم-۲) بود که به پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت جلسات ۱۹۱۴ تهران معروف است. اهم محورهای این پروتکل به شرح زیر است:

- مرزهای مشترک زمینی ایران و عثمانی را مشخص نمود (مرزهای زمینی فعلی ایران- ترکیه و ایران- عراق).
- تمامی اروندرود (بجز بخش کوچکی به طول پنج کیلومتر در مقابل آبادان) به عثمانی واگذار گردید.

چون حقوق ایران لحاظ نگردید لذا:

- این مصوبات از طرف مجلس شورای ملی ایران تصویب نشد.
- به علت شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) و درگیری عثمانی در این جنگ، مجلس مبعوثان عثمانی هم آنرا تصویب نکرد و نهایتاً این عهدنامه از درجه اعتبار ساقط شد و به عنوان یک سند معتبر شناخته نشد.

نتیجه: از دوره قاجاریه تا پایان عمر امپراطوری عثمانی (۱۹۲۰ م) مرزهای دو کشور بارها تعیین شد ولی چون مورد رضایت ایران نبود (حق هم همین بود) هیچگاه رسماً مصوب نشدند.

بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) امپراطوری عثمانی که از دول مغلوب جنگ بود فرو پاشید و قلمرو وسیع آن توسط فاتحین جنگ (بخصوص انگلیس و فرانسه) تجزیه شده و کشورهای جدیدی در جغرافیای منطقه ظاهر شدند. از جمله آنها تشکیل عراق در بین النهرین در ۱۹۲۰ میلادی بود که از طرف جامعه بین الملل (سازمانی شبیه سازمان ملل فعلی) به مدت ۱۲ سال تحت قیمومیت انگلیس درآمد تا بعد از کسب توانائیهای لازم و تجارب اداری و سیاسی، به استقلال کامل دست یابد.

مرزهای عراق با همسایگانش (که همگی از تجزیه عثمانی بودند: ترکیه، اردن، عربستان و کویت) توسط فرانسه و انگلیس تعیین شد. در مورد مرز با ایران، پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورتجلسات ۱۹۱۴ تهران مبنا قرار گرفت و چون ایران این پروتکل را تصویب نکرده بود، دعوای مرزی ایران با کشور جدید عراق همان موارد اختلافی با عثمانی بود (بخش عمده اختلافات مربوط به اروندرود و حق کشتیرانی در آن بود).

- نارضایتی دولت ایران از مرزهای تعیین شده با عراق باعث شد از به رسمیت شناختن کشور جدید عراق خودداری نماید.

- انگلستان با دادن وعده حل مشکل مرزهای زمینی و آبی و احقاق حقوق ایران، درخواست کرد ایران، کشور جدید عراق را به رسمیت بشناسد تا بتواند به عضویت جامعه بین الملل درآید.

- با عنایت به وعده فوق، دولت ایران در سال ۱۹۲۹ عراق را به رسمیت شناخت اما بزودی معلوم شد این یک فریب بوده و هدف انگلیس فقط به رسمیت شناختن عراق از طرف ایران بوده (ضرر مذاکرات دو مرحله ای) لذا در ۱۹۳۱ (۱۳۱۰ شمسی) ایران رسماً عدم اعتبار تعیین حدود مرزی ۱۹۱۳ را به دولت عراق اعلام کرد و به دنبال آن روابط دو کشور تیره شد و در اروندرود و مرزهای زمینی برخوردهائی بین گشت های ژاندارمری طرفین روی داد (اولین درگیری با کشور عراق).

- در ۱۹۳۲ کشور انگلستان، عراق را از قیمومیت خود خارج کرد (بر اثر مبارزات شیعیان عراق به رهبری آیت الله کاشانی، دادن حدود ۲۰۰۰ شهید و کشته شدن ۲۰۰۰ نفر سربازان انگلیسی) و ظاهراً این کشور دارای استقلال کامل گردید (گرچه زمامداران عراق تحت نفوذ مستقیم انگلیس بوده و انگلیس بر عراق سیادت کامل داشت).

- از ۱۹۳۲ به بعد یادداشت های تندی بین ایران و عراق مبادله شد: عراق اصرار داشت که معاهده ارزروم ۲، پروتکل ۱۹۱۳ و صورتجلسات ۱۹۱۴ در تعیین مرزها رسمیت داشته و اروندرود در مالکیت کامل عراق قرار دارد ولی ایران این قرار دادها را (که حدود صد سال پیش تحمیل شده بود و وجه قانونی نیافته بود) قبول نداشت.

- به دنبال درگیریهای مرزی ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ ش)، عراق از ایران به جامعه بین الملل شکایت کرد. چون این جامعه راه حل مورد رضایت طرفین را پیدا نکرد، پیشنهاد کرد طرفین از طریق مذاکره مستقیم، خودشان موارد اختلافی را حل نمایند که هر دو کشور قبول کردند. این مذاکرات در تهران و بغداد برای تعیین دقیق مرزهای دو کشور آغاز شد. نماینده عراق اصرار داشت در مذاکرات مربوط به اروندرود، انگلیس هم حضور داشته باشد. نماینده ایران قبول نکرد و به عنوان اعتراض جلسات را ترک کرده به تهران بازگشت و مشکل باز هم باقی ماند.

- از سال ۱۹۳۵ آلمان مجدداً قدرت گرفت که موجبات نگرانی انگلیس شد. انگلستان تصمیم گرفت به هر ترتیب اختلافات مرزی ایران و عراق حل شود تا یک پیمان دفاعی و عدم تعرض بین دولت های منطقه (ایران، عراق، ترکیه و افغانستان) طرح ریزی شود (برای مقابله با تهدیدات احتمالی آلمان). ترکیه هم اصرار داشت اختلافات مرزی ایران و عراق حل شود. لذا بعد از مذاکرات مفصل در تهران و بغداد طرح عهدنامه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) توسط دو دولت تهیه شد که مفاد آن ترکیبی از عهدنامه ارزروم ۲، پروتکل ۱۹۱۳ استانبول و صورتجلسات ۱۹۱۴ تهران بود. این طرح در تیرماه ۱۳۱۶ به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسید و مورد قبول دو طرف قرار گرفت. مفاد این عهدنامه تقریباً تجدید همان عهدنامه های رسمیت نیافته قدیمی بود. علاوه بر موارد مذکور، بندهای زیر هم به این عهدنامه اضافه گردید:

- اگرچه در عهدنامه ۱۳۱۶ به مالکیت ایران در اروند اعتراف نشده بود ولی اسمی هم از مالکیت مطلق عراق بر اروندرود نبود. ایران و عراق در اداره امور اروندرود و کشتیرانی در آن حقوق مساوی یافتند. دو کشور توافق کردند که رودخانه بطور مساوی برای کشتیهای تجاری تمام کشورها باز باشد ولی فقط کشتیهای جنگی دو کشور حق تردد داشته باشند. مفهوم این جمله (رودخانه بطور مساوی برای کشتیهای تجاری تمام کشورها باز باشد) از نظر عرف بین الملل آن است که اروندرود یک رودخانه داخلی عراق نیست بلکه یک آبراه تقریباً بین المللی است و عراق نمی تواند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشد. - مقرر شد ظرف یکسال آینده قرارداد جدیدی در خصوص نحوه اداره اروندرود منعقد گردد.

- فقط در حدود ۵ کیلومتر در مقابل آبادان مرز رودخانه ای براساس خط تالوگ^۴ به عنوان مرز مشترک تعیین شد و حاکمیت تمامی اروندرود به عراق واگذار گردید. برای اولین بار کلمه تالوگ^۴ وارد قراردادهای مرزی ایران و عراق شد (چون موضوع اکتشاف نفت مطرح بود و انگلیس می خواست به لحاظ حقوقی راحت تر بتواند تجهیزات حفاری پیاده کند).

- در این عهدنامه رسماً به عهدنامه ۱۹۳۰ (عراق و انگلیس) اشاره شده (مفاد این قرارداد هیچ خللی به منافع انگلستان وارد نخواهد کرد) و آثار استعماری به خوبی در آن مشهود است (در این زمان عراق تحت الحمایه و حافظ منافع انگلیس بود).

۱-۲- حوادث بعد از عهدنامه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷):

چهار روز بعد از امضای عهدنامه ۱۳۱۶ و حل و فصل ظاهری اختلافات دو کشور، پیمان دفاعی (پیمان سعد آباد^۵) بین ایران، عراق، ترکیه و افغانستان منعقد شد. این پیمان از لحاظ مادی و سیاسی به ضرر دولت ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان

^۴ **تالوگ** (به آلمانی: Talweg) یا **خَطِّ اَلْقَعَر** یا **ژرفگاه** در دانش جغرافیا، خطی است فرضی که از به هم پیوستن ژرفترین نقاط (قابل کشتیرانی) بستر یک رودخانه یا دره به دست می آید. از اصل تالوگ در حقوق بین الملل برای تعیین مرز دقیق دو کشور در زمانی که رودخانه ای مرز دو کشور باشد، استفاده می شود.

و عراق بود (قسمتی از ارتفاعات آرات که دارای موقعیت سوق الجیشی مهمی بود به ترکیه واگذار شد. در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و نصف اروند رود را که طبق اصول و مقررات بین‌المللی خط تالوگ است به عراق واگذار کرد تا از بابت عبور کشتی‌های نفتکش از آبادان، ایران مبالغ هنگفتی به دولت عراق که تحت‌الحمایه انگلیس بود بپردازد). بلافاصله بعد از امضای این پیمان عراق با طفره و تعلل زیر بار تعهدات عهدنامه ۱۳۱۶ در خصوص اروندرود نرفت (ضرر مذاکرات دو مرحله‌ای). رضاشاه طی نطقی که به مناسبت افتتاح دوره یازدهم مجلس شورای ملی ایراد کرد، گفت: «پیمان سعدآباد در مشرق‌زمین بی‌سابقه بوده و در این هنگام که امور عالم مشوش است، مدد بزرگی به بقای صلح جهان خواهد بود!!!». اختلافات مرزی (به ویژه در اروند رود) همیشه عامل بحران و اختلاف (آنهم اکثراً از طرف عراق) بود. در ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ ه. ش) چون عراق حقوق مندرج در عهدنامه ۱۳۱۶ را نادیده می‌گرفت، ایران پیشنهاد عهده‌نامه جدیدی به عراق پیشنهاد داد ولی با عدم توجه و همکاری عراق روبرو شد.

کشور عراق از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ نظام پادشاهی داشت. در این سال عبدالکریم قاسم با کودتا علیه فیصل دوم آخرین پادشاه عراق (۱۴ جولای ۱۹۵۸) حکومت جمهوری سوسیالیستی را در عراق حاکم کرد.

در ۱۹۵۸ (۱۳۳۷ ه. ش) ایران مجدداً خواستار احقاق حقوق مسلم خود در اروندرود و پذیرش خط تالوگ شد تا به اختلافات دیرینه خاتمه دهد ولی در جواب، سر لشکر عبدالکریم قاسم رئیس جدید وقت رژیم عراق، طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: اساساً در عهدنامه ۱۳۱۶ عراق ۵ کیلومتر روبروی آبادان را به ایران بخشیده و حق ایران نبوده تا مشکلات حل شود که تاکنون نشده اگر در آینده حل نشود ما به بخشش پایبند نخواهیم ماند.

در پی این اظهارات غیر دوستانه عبدالکریم قاسم، دولت ایران اعلام کرد برای تعیین خط مرزی در اروند رود طبق حقوق خود و اصول بین‌المللی فقط خط تالوگ را به رسمیت می‌شناسد (دولت ایران در این مقطع برای مقابله با تهدیدات عراق آمادگی نداشت و تا سال ۱۳۴۲ نسبت به عراق از لحاظ نظامی در موقعیت ضعیف‌تری بود؛ لذا واکنش ملایم و تدافعی داشت). کودتای ژوئیه ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) باعث به قدرت رسیدن بعثی‌ها در عراق با گرایش پان عربیسم افراطی شد و بیش از پیش منجر به تنش در مناسبات طرفین و تعمیق اختلافات گردید. به این ترتیب باز هم اختلافات، لاینحل باقی ماند تا در سال ۱۳۴۸ برای رفع موارد اختلافی عهدنامه ۱۳۱۶، مذاکراتی صورت گرفت. هیئت ایرانی (مأمور مذاکره در خصوص اختلافات مرزی) با توجه به عدم همکاری طرف عراقی با تسلیم یادداشتی، عهدنامه ۱۳۱۶ را کان‌لم‌یکن تلقی نموده و به عنوان اعتراض بغداد را ترک کرد. امیر خسرو افشار (قائم مقام وزارت خارجه ایران) در ۱۳۴۸/۱/۳۰ طی نطقی در مجلس سنا، و ذکر تخلفات عراق، عهدنامه ۱۳۱۶ را باطل اعلام کرد و در ۱۳۴۸/۲/۷ وزارت خارجه رسماً این عهدنامه را لغو کرد.

در مقابل، عراق اقدامات زیر را انجام داد:

- ✓ اروندرود را جزء قلمرو عراق اعلام کرد.
- ✓ از ایران خواست کشتیهایی که در اروند حرکت می‌کنند، پرچم عراق را نصب کنند.
- ✓ اعلام کرد در آینده کشتیهای عازم خرمشهر و آبادان با پرچم ایران حق ورود به اروندرود را ندارند و چنانچه از پرسنل نیروی دریایی ایران کسی در این کشتی‌ها باشد، عراق به زور آنها را از کشتی خارج خواهد کرد.

° پیمان سعدآباد، نام پیمانی است که در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۱۶ (۸ ژوئیه ۱۹۳۷) بین ایران (رضا شاه پهلوی)، افغانستان (محمد ظاهرشاه)، عراق (ملک غازی اول)، و ترکیه (مصطفی کمال آتاترک) در کاخ سعدآباد تهران به امضا رسید.

به دنبال این اظهارات مقامات عراقی، روابط دو کشور به شدت تیره و بحرانی شد ولی دولت ایران آمادگی خود را برای مذاکره و حل اختلافات اعلام کرد.

- عراق حدود بیست هزار ایرانی مقیم عراق را بصورت اجباری اخراج کرد.
- به آزار و اذیت زوار عتبات اقدام نمود.
- جنگ شدید تبلیغاتی و درگیری های پراکنده در نوار مرزی بین دو کشور روی داد.
- تمرکز نیروهای نظامی دو کشور در طول مرزهای مشترک صورت گرفت.

اما قدرت نمایی ارتش ایران (به دستور محمدرضا شاه ایران^۶) مانع از تعرض عراق به کشتیهای ایرانی شد. لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در مرز مستقر شد. ساعت ۱۰ صبح ۱۳۴۸/۲/۲ (۲۲ آوریل ۱۹۶۹)، کشتی ابن سینا به فرماندهی ناخدا رمزی عطایی و با اسکورت ۲ فروند جنگنده فانتوم F-4e (۱۳۴۷) وارد نیروی هوایی ایران شد) با پرچم برافراشته ایران وارد اروند رود شد و با طی مسیر به خرمشهر رسید. برای اتمام حجت به عراق روز ۱۳۴۸/۲/۵ کشتی آریافر هم به همین ترتیب وارد خرمشهر می شود. طی سالهای ۷۴-۱۹۷۳ میلادی در مرزهای دو کشور برخوردهایی بین نیروهای طرفین روی داد؛ متعاقب برخورد معروف به «یکشنبه خونین» در ۲۱ بهمن ۱۳۵۲، دولت بعثی که تازه قدرت سیاسی را به دست گرفته و از بی ثباتی سیاسی رنج می برد، ناتوان از اقدامات نظامی بود، اما به شورای امنیت شکایت کرد. شورای امنیت در ۲۶ بهمن و ۳ اسفند ۱۳۵۲ برای بررسی شکایت عراق تشکیل جلسه داد که منجر به صدور قطعنامه ۳۴۸ گردید (رعایت اکید آتش بس ۷ مارس ۱۹۷۴، عقب نشینی سریع نیروهای طرفین به مرزها، اجتناب از اعمال خصمانه علیه یکدیگر، از سرگیری مذاکرات برای حل مسائل باقیمانده و ...). نمایندگان دو کشور در اجرای مفاد قطعنامه ۳۴۸، از ۲۱ مرداد تا ۶ شهریور ۱۳۵۳ به مدت ۱۷ روز در استانبول مذاکره کردند. وزرای خارجه ایران و عراق هم در ژانویه ۱۹۷۵ در استانبول مذاکره کردند که نتیجه ای در بر نداشت. این مذاکرات همزمان با تشدید حملات کردهای عراق علیه حکومت بعثی بغداد بود. گسترش دامنه بحران تا ۱۳۵۳ (۱۹۷۵) ادامه یافت و ایران با حمایت از جنبش کردهای بارزانی^۷ (خواهان خودمختاری در عراق بودند) دولت بعثی عراق را به شدت تحت فشار قرار داد.

۱-۳- بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و حل و فصل اختلافات مرزی:

- اجلاس کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) از ۴-۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۳-۱۵ اسفند ۱۳۵۳) در الجزایر تشکیل شد. ایران و عراق با میانجیگری رهبر الجزایر، در خصوص نحوه حل اختلافات دو کشور توافق نموده و بیانیه ای به شرح زیر منعقد گردید:
- طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قسطنطنیه (۱۹۱۳) و صورتجلسات ۱۹۱۴ تهران تعیین نمایند.
 - مرز آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین نمایند (این مرز زمینی و رودخانه ای الی الابد، قطعی، دائمی و لایتغیر است).
 - برقراری امنیت و اعتماد متقابل در امتداد مرزهای دو کشور (طرفین کنترل دقیق مرزها به منظور قطع هرگونه نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد را اعمال نمایند).
 - دو طرف توافق کردند که مقررات فوق عواملی تجزیه ناپذیر از یک راه حل کلی بوده و نقض هر یک از مفاد فوق، مغایر روح توافق الجزایر است. پس از آن وزرای خارجه ایران، عراق و الجزایر چندین نشست در تهران، بغداد و الجزیره برگزار کردند که منجر به امضای عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ گردید. بعلاوه چندین موافقت نامه به شرح زیر تنظیم شد:
 - پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی (عهدنامه مرزی ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در تهران).

^۶ - محمدرضا در روز سه شنبه ۲۵ شهریور سال ۱۳۲۰ برابر ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی بعد از تبعید رضاخان توسط انگلیسی ها در ایران به قدرت رسید.

^۷ - برای اطلاعات بیشتر در خصوص جنبش کردهای بارزانی، به ضمیمه ۲ مراجعه شود.

- پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه ای (عهدنامه مرزی ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در تهران).

- پروتکل مربوط به امنیت مرزهای ایران و عراق.

- چندین الحاقیه و موافقت نامه در خصوص حل و فصل موارد اختلافی دیگر:

✓ - پروتکل در مورد نیروهای مرزبانی، تعلیف دام های مرزنشینان، بهره برداری از آب رودخانه های مرزی.

✓ - پروتکل مربوط به مقررات کشتیرانی در اروندرود، مسافرت اتباع دو کشور و ... مسئله کلانتران مرزی.

عهدنامه الجزایر: این عهدنامه مشتمل بر یک مقدمه و ۸ ماده است (ماده ۶ آن در خصوص رفع اختلافات احتمالی بصورت

مسالمت آمیز و ارجاع به حکمیت و دیوان داوری بین المللی است). این توافق نامه بین محمد رضا (شاه سابق ایران) و صدام

حسین (معاون وقت رئیس جمهوری عراق) صورت گرفت و در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۱۳۵۴/۰۳/۲۳) توسط وزرای خارجه دو

کشور به امضاء رسید (از طرف شاه ایران: جناب آقای عباسعلی خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران و از طرف رئیس جمهوری

عراق: جناب آقای سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق).

متعاقب آن مجالس شورای هر دو کشور این توافقات را بطور رسمی مصوب نموده و لازم الاجراء گردید (ایران ۵۵/۰۲/۲۱

مجلس شورای ملی و مجلس سنا ۵۵/۰۲/۲۹). اسناد امضاء شده در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ (۵۵/۰۴/۰۱) در تهران مبادله شد. این

قرارداد طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد در دبیرخانه آن سازمان با شماره های ۱۴۹۰۳-۱۴۹۰۷ به ثبت رسید و رسمیت یافت.

یک نسخه از این قرارداد و نقشه های مرزی مربوط به آن در سازمان ملل نگهداری می شود.

به این ترتیب بعد از ۴۷۵ یا (۵۵) سال ماهیت روابط ایران و عراق بر اساس عهدنامه الجزایر، پروتکل ها و موافقت نامه های

الحاقی آن، براساس حسن همجواری پی ریزی گردید.

اسناد و مدارکی که بعدها از طرف وزارت خارجه انگلیس منتشر شد حاکی از آن بود که:

درباره اختلافات مرزی ایران و عراق، عامل تصمیم گیرنده و تعیین کننده، دولت انگلیس بوده است (مدعی اصلی وزارت

دریاداری بریتانیا بوده و استدلال می کرده چنانچه مرز دو کشور خط تالوگ تعیین شود، منافع انگلستان به خطر خواهد افتاد).

- به نظر انگلستان تنها راه اطمینان از حفظ ثبات و آرامش بین ایران و عراق، تعیین خط تالوگ در اروندرود بوده است.

- دولت عراق اصرار چندانی بر ملاک نبودن خط تالوگ در اروندرود و حاکمیت مطلق بر آن نداشته است.

بنابر این در تمام این ۴۷۵ سال طرف ایران در مناقشات مرزی انگلیس (روباه پیر) بوده است نه عثمانی یا عراق.

۱-۳-۱- انگیزه های مهم ایران از انعقاد قرارداد الجزایر:

۱- مهمترین انگیزه، به رسمیت شناختن حق حاکمیت ایران در اروندرود بر اساس خط تالوگ بود.

۲- علاقه مندی شاه ایران به حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس توسط کشورهای منطقه و دور نگهداشتن قدرتهای بیگانه از

منطقه استراتژیک خلیج فارس.

۳- انعقاد پیمان دوستی و همکاری ۱۵ ساله عراق و شوروی در ۹ آوریل ۱۹۷۲ (۱۳۵۱/۰۱/۲۰).

۴- بلند پروازیهای شاه ایران.

۵- علاقه ایران و عراق به همکاری و تقویت موقعیت جهانی اوپک.

۱-۳-۲- انگیزه های مهم عراق از انعقاد قرارداد الجزایر:

۱- حل کردن مسئله کردها (قطع حمایت ایران از کردهای بارزانی و نجات حکومت بعثی عراق از خطر سقوط).

۲- رابطه شیعیان عراق، حزب بعث، صدام و ایران (عدم حمایت ایران از شیعیان عراق علیه حکومت حزب بعث).

۳- هدف صدام برای ساختن عراق قوی (از نظر اقتصادی و نظامی) با ایجاد آرامش و ثبات در مرز با ایران.

۱-۳-۳- روابط ایران و عراق بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

در دوران خصومت، هر دو کشور مقدار قابل توجهی از امکانات مالی، انسانی و نظامی خود را صرف جلوگیری از تهدیدات و تجاوزات یکدیگر کردند. امضای این قرارداد به دوران طولانی و پرتنش (۴۷۵ ساله) بین دو کشور پایان داد. تردد مقامات عالی دو کشور افزایش یافت، هویدا نخست وزیر ایران، ۲۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۳۵۴/۰۱/۰۶) به عراق رفت و با حسن البکر رئیس جمهور عراق دیدار کرد. صدام در ۵۴/۰۲/۱۹ به ایران آمد، با شاه ملاقات کرد و برای زیارت به مشهد رفت. سعدون حمادی وزیر خارجه عراق در دیماه ۱۳۵۵ و عزت ابراهیم الدوری وزیر کشور عراق در تیرماه ۱۳۵۶ به ایران آمدند. چند کمیته مشترک (کشاورزی، ماهیگیری، بازرگانی، ترانزیت، ارتباطات، آموزش، توریسم، انرژی و امور کنسولی) برای توسعه روابط تشکیل شد.

تا پیروزی انقلاب اسلامی، روابط دو کشور نمونه ای از روابط دو کشور همسایه بود که مبتنی بر احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است. ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به تدریج خصومت حزب بعث نسبت به ایران اسلامی آغاز و با گذشت زمان شدیدتر می شد تا بالاخره در شهریور ۱۳۵۹ این دشمنی ها به اوج خود رسید و جنگ تحمیلی علیه ایران را شروع کرد.

مهمترین وقایع بین ایران و عراق از اسفند ۱۳۵۳ لغایت پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷	
تاریخ	شرح واقعه
۱۳۵۳/۱۲/۱۴	انعقاد قرارداد الجزایر توسط محمد رضا، شاه ایران و صدام حسین
۱۳۵۳/۱۲/۱۶	صدام نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق توافق الجزایر را بزرگ و تاریخی خواند.
۱۳۵۳/۱۲/۱۹	شورای فرماندهی انقلاب عراق به اتفاق آراء توافق الجزایر را تصویب کرد
۱۳۵۴/۱/۶	سفر امیر عباس هویدا نخست وزیر ایران به بغداد به دعوت صدام نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق
۱۳۵۴/۱/۲۵	اعلام ایران مبنی بر قطع حمایت از کردهای عراق
۱۳۵۴/۲/۹	سفر رسمی صدام نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق به تهران
۱۳۵۶/۸/۱	شهادت حاج سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام راحل در نجف
۱۳۵۷/۷/۱	ملاقات وزیران خارجه ایران، عراق و آمریکا در نیویورک برای مشورت جهت اخراج امام خمینی از عراق، محاصره بیت امام در نجف
۱۳۵۷/۷/۱۲	مهاجرت امام خمینی از عراق به کویت بخاطر مخالفت عراق با فعالیت های سیاسی امام ضد شاه ایران
۱۳۵۷/۷/۱۲	جلوگیری کویت از ورود امام به درخواست لندن با وجود داشتن ویزای قانونی و بازگشت امام از بصره به بغداد و مهاجرت به پاریس

فصل دوم - شرایط ایران و عراق قبل از شروع جنگ

۲-۱- وضعیت نظامی ایران

۲-۱-۱- وضعیت ارتش ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:

محمدرضا شاه در مهرماه ۱۳۵۰ اعلام کرد، ایران طی پنج سال آینده نیرومندترین ارتش خاورمیانه را در اختیار خواهد داشت (قوی تر از ارتشهای مصر، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس) و در آن زمان ما قادر خواهیم بود با کمک همسایگان، امنیت تمام منطقه را تضمین کنیم. شاه مخالف حضور بیگانگان در خلیج فارس بود (روزنامه گاردین ۱۶ اکتبر ۱۹۷۱) بنابر این به طور افراطی به تقویت ارتش می پرداخت. بودجه ارتش در سال ۱۳۵۲ بالغ بر ۶۰۵۲ میلیون دلار شد (پس از پنج عضو دائمی

شورای امنیت و آلمان شرقی، ایران مقام هفتم را داشت). بودجه ارتش در سال ۱۳۵۴ بالغ بر ۱۰۴۰۵ میلیون دلار گردید (معادل ۳۳ درصد کل تولید ناخالص ملی ایران، و بیشتر از بودجه ارتش انگلستان (۹۹۷۴ میلیون دلار). در این سال تولید ناخالص ملی انگلیس پنج برابر ایران بود. طی برنامه توسعه پنجم (۵۷-۱۳۵۲) و بعد از افزایش فوق العاده قیمت نفت در سال ۱۳۵۳، بودجه دفاعی ایران به ۲۹۲۰۰ میلیون دلار رسید^۸. بودجه ساخت پایگاهها، منازل سازمانی و ساختمانهای دیگر را جداگانه تخصیص می دادند. تعداد کل پرسنل ارتش که ۵۴۰ هزار نفر بود بایستی به ۷۴۰ هزار نفر افزایش یابد.

توانمندی های نیروی زمینی ارتش:

- شاه ایران ۷۶۰ دستگاه تانک Chieftain خریداری کرده و ۱۲۰۰ دستگاه دیگر از همین نوع هم سفارش داده بود.
- خرید ۲۵۰ دستگاه تانک سبک Scorpion (مخصوص عملیات اکتشافی) و ۴۶۰ تانک آمریکائی M60E
- خرید ۴۰ دستگاه تانک M47 و M48.
- طبق برنامه قرار بود ارتش ایران در سال ۱۳۵۸ دارای ۳۰۰۰ تانک باشد (برابر با مجموع تانکهای مصر و رژیم اشغالگر قدس و ۳۳ درصد بیشتر از مجموع تانکهای سوریه و عراق). مقرر بود تعداد تانکهای ایران برابر با فرانسه و دو برابر انگلستان شود.
- همزمان با اقدامات فوق، پر کردن زاغه های مهمات نیز در دست اقدام بود، به گونه ای که مؤسسه تحقیقات استراتژیک آمریکا در ۱۹۷۵ اعلام کرد: نیروهای نظامی ایران به اندازه ای سلاح ذخیره کرده اند که ایجاد شگفتی می کند.
- قرار بود توپخانه ارتش ایران از نظر قدرت آتش، مشابه واحدهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) باشد.
- ارتش ایران دارای تعداد زیادی سلاح ضد تانک مانند TOW، Dragon، Entac بود (همچنین موشکهای SS فرانسه، 85 mm شوروی، 106 mm آمریکا را در اختیار داشت).

- برای دفاع ضد هوائی: حدود ۱۸۰۰ توپ ضد هوائی ZSU-57-2 ساخت شوروی خریداری شد (شوروی بقدری به این توپها اطمینان داشت که آنرا جزء سلاح سازمانی پیمان نظامی ورشو قرار داد). موشکهای پیشرفته Hawk، SA7، SA9 (شوروی این موشک را به کشورهای غیر کمونیست نمی داد و ایران تنها کشوری خارج از پیمان ورشو بود که آنرا در اختیار داشت)، تعدادی Samrapier هم سفارش داده بودند.

نیروی هوائی: شاه اصرار داشت پیشرفته ترین هواپیماها را در اختیار نیروی هوائی قرار دهد. دولت آمریکا تحویل هواپیمای F-4 به ایران را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد (چهار سال بعد از بکارگیری آن در نیروی هوائی آمریکا و دو سال قبل از تحویل آنها به رژیم اشغالگر قدس). هواپیمای F-14 دارای موشکهای Phoenix است که قادر بود با هواپیما mig-23 و حتی mig-25 شوروی (که به عراق فروخته بود) به نحو مؤثری مقابله نماید.

این هواپیما، هم نقش تهاجمی و هم نقش دفاعی دارد (شکاری- رهگیر) و همزمان می تواند ۶ فروند موشک Phoenix با برد ۱۸۰ کیلومتر شلیک نماید. آمریکا حتی قبل از بکارگیری F-14 در نیروی هوائی خود با فروش آنها به ایران موافقت کرده بود^۹. شاه ایران علاوه بر ۷۸ فروند F-14، برای حفظ برتری هوائی ایران نسبت به عراق و عربستان (که در رقابت شدید برای خرید هواپیما بودند) در مرداد ۱۳۵۵ تعداد ۱۶۰ فروند هواپیمای جدید F-16 (۳/۴ میلیارد دلار) سفارش داد. حتی ۲۵۰ فروند F-18 (۲/۵ میلیارد دلار) به مؤسسه نورتروپ سفارش داد ولی با مخالفت کنگره آمریکا رد شد (چون Us- Airforce هنوز از این نوع هواپیما استفاده نکرده بود)^{۱۰}.

^۸ - Cedetim-le maillon faible page 96

^۹ - A report of u.s. senate. U.s. military sales to Iran. Washington. July 1976. Page 41

^{۱۰} - Barry Rubin. Paved withgood intentions. The Americanexperience and iran. Penguin books. New York. 1981. P. 175

نیروی هوایی در سال ۱۳۵۶ دارای ۴۵۹ فروند هواپیمای جنگی بود:

ردیف	نوع هواپیما	تعداد	ملاحظات
۱	فانتوم F4-A	حدود ۱۷۰ فروند	سال ۱۳۴۷ وارد نیروی هوایی ایران شد.
۲	فانتوم F4-E	حدود ۳۰ فروند	
۳	بمب افکن F6-A	حدود ۱۷۰ فروند	
۴	هواپیمای F5-B	حدود ۱۱ فروند	F5-A در سال ۱۳۴۳ وارد نیروی هوایی ایران شد.
۵	هواپیمای F-14 Tomcat	حدود ۷۸ فروند	سال ۱۳۵۴ وارد نیروی هوایی ایران شد.

ایران ۷ فروند هواپیمای آواکس (رادار پرنده) هم سفارش داد ولی باز کنگره مخالفت کرد و فقط ۳ فروند را قبول کردند (تحت عنوان پروژه صلح آسمان که بین وزارت جنگ ایران و دولت آمریکا برای فروش هفت فروند هواپیمای هشدار زودهنگام هوابرد یا آواکس Boeing E-3A Sentry منعقد شد). یک هفته پیش از پیروزی انقلاب، این قرارداد لغو شد. این آواکس‌ها به نیروی هوایی عربستان فروخته شد و در سالهای پایانی جنگ ایران و عراق، اطلاعات پروازی هواپیماهای ایران را در اختیار ارتش عراق قرار می‌داند تا جنگنده‌های ایرانی را بر فراز خلیج فارس شکار کنند (هنوز هم در خدمت نیروی هوایی عربستان هستند).

ایران در سال ۱۳۵۲ یک گردان (اسکادران = ۱۲ فروند) هواپیمای سوخت رسان بوئینگ ۷۰۷ داشت که شعاع عمل هواپیماهای بمب افکن F-4 و F-5 را تا ۱۴۰۰ مایل (۲۲۴۰ کیلومتر) افزایش می‌داد (در حالت عادی شعاع عملیاتی آن ۶۸۰ کیلومتر است). ایران ۲۴ فروند هواپیمای سوخت رسان ۷۰۷ و ۷۴۷ نیز سفارش داده بود (سال ۱۳۵۴ وارد نیروی هوایی شد).

در خصوص هواپیماهای باربری:

ایران در سال ۱۳۵۲، شش گردان هواپیمای Hercules C-130 داشت (۵۷ فروند نیز سفارش داده بود).

دو گردان هواپیمای Beaver, Douglas C-47, Beach C-45, Fokker 72

در بهمن ۱۳۵۲ ایران ۵۰۰ فروند هلیکوپتر سفارش داد (۲۰۲ فروند Bellsea cobra, ۲۱۰ فروند هلیکوپتر A 214). ضمناً مقرر شد کارخانه هلیکوپتر سازی اصفهان هم در سال ۱۳۵۷ کار تولید را آغاز نماید.

تعداد ۱۲ فروند هواپیمای O2 (ضد اغتشاش و شورش) و ۱۴ فروند هواپیمای F27 (برای حمل چتر باز).

تعداد ۴ فروند هواپیمای ارتباطی (ساخت فرانسه برای مأموریت های فرماندهی).

انواع موشکهای پیشرفته هم در اختیار ارتش ایران بود: Phoenix (هوا به هوا) - Sidewinder - Sparrow - Maverick (هوا به زمین)، Condor - Rapier - Tiger cat sam

ایران سه تیپ هوانیروز داشت که به سرعت می‌توانست در هر نقطه خلیج فارس نیرو پیاده کند و در نظر بود تا ۵ تیپ افزایش یابد. با این امکانات، ایران بزرگترین نیروی هلیکوپتری منطقه خلیج فارس را در اختیار داشت (سه برابر مجموع هلیکوپترهای عراق و عربستان). ایران با امکانات فوق، بزرگترین و پیشرفته ترین نیروی هوایی منطقه را در اختیار داشت بطوری که:

«با قدرت هوایی کشورهای عضو ناتو قابل مقایسه بود»

نیروی دریایی:

این نیرو وظیفه پاسداری از حدود ۲۰۰۰ مایل آبهای ساحلی، جزایر خلیج فارس، بخش بزرگی از شمال غربی اقیانوس هند (تا مدار ۱۰ درجه عرض شمالی)، تأمین آزادی عبور و مرور کشتی‌ها بویژه نفتکش‌ها در خلیج فارس، امنیت تنگه هرمز و ... را بر عهده دارد. بنابراین به شدت تقویت می‌شد بطوریکه مجموع نیروی دریایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قادر به مقابله با آن نبود. برخی از توانمندی‌های نیروی دریایی به شرح زیر بود:

ناوشکن‌های: آرتمیس، ببر و پلنگ.

۳ فروند ناو جنگی، ۴ اژدرافکن، ۱۲ فروند ناوچه مجهز به توپهای ۷۶ و ۴۰ mm و موشکهای ضد کشتی Harpoon

- تعدادی کشتی نیرو بر، ۷ ناوچه گشتی بزرگ، ۱۲ ناوچه گشتی کوچک، ۱۴ فروند Hovercraft،
- سه فروند کشتی مین روب (ایران بعد از آمریکا اولین کشوری بود که دارای امکانات مین رویی با هلیکوپترهای RH53 گردید، ژاپن بعد از ایران به آن دست یافت).

- تعداد ۶ فروند هواپیمای اکتشافی Orion p-3 (برای حفظ امنیت خلیج فارس) که در تمام ساعات شبانه روز و در هر شرایط آب و هوایی پرواز کرده و قادر بود به هر هدفی در روی آب یا زیر آب حمله نماید.

- حدود ۲۴ هلیکوپتر S-H 3D (ضد زیر دریائی)، ۳ فروند زیر دریائی Tang (اولی در ۱۳۵۷ و ۲ تای دیگر در سال بعد بنا بود تحویل شود).

- (۳۷۰ فروند هواپیمای F-3، ۱۵ هلیکوپتر S-3D، ۴ ناوشکن، ۶ اژدرافکن و ۷ ناو گشتی سریع) هم سفارش داده بود.
علاوه بر آمریکا، کشورهای انگلیس (انواع تانک)، شوروی (توپ و نفربر، تجهیزات مهندسی و پلهای شناور) و سوئیس (توپهای ضد هوایی اورلیکن) هم به ایران سلاح می فروختند.

بنابراین، مطالب فوق نشان می دهد که قبل از انقلاب:

- ✓ ایران در دهه ۱۹۷۰ بزرگترین کشور خریدار اسلحه در میان کلیه کشورهای جهان سوم بود.
- ✓ ارتش ایران نیرومندترین قدرت نظامی منطقه خلیج فارس بود و به جز شوروی هیچکدام از کشورهای همسایه توان حمله به خاک ایران را نداشتند (یکی از دلایل مهم پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق).
- ✓ ایران بین سالهای ۵۷-۱۳۴۹ حدود ۴۰ میلیارد دلار صرف خرید جنگ افزار نمود. بودجه ارتش حدود ۲۷ درصد بودجه کل کشور بود. تخصیص چنین مبلغ گزافی به امور دفاعی برای کشوری که نیازمندیهای اساسی زیربنائی، اجتماعی و بهداشتی داشت، مورد نقد بسیاری از افراد آگاه بود.
- ✓ وجود این مقدار سلاح جنگی در زمان تجاوز عراق علیه ایران موهبتی بود (دچار تحریم بودیم و با پرداخت چند برابر قیمت واقعی سلاح و ... را با واسطه تهیه می کردیم).
- امام خمینی (۵۹/۰۷/۲۸) در جمع سفیران کشورهای اسلامی در تهران به مناسبت عید قربان فرمودند: «بحمد... قوای انتظامی ما الآن قوی است و هم ساز و برگ ما قوی است، این ساز و برگ بسیار زیادی است که آمریکا برای ما تهیه کرده بود تا در مقابل شوروی بایستد ولی به دست ما افتاد»^{۱۱}.
- ✓ قدرت فوق العاده ارتش (که پیوسته هم تقویت می شد) ضامن حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بود.

۲-۱-۲- انگیزه های تقویت ارتش ایران:

وجود ارتش، اهمیت و میزان اقتدار آن همیشه از مباحث جدی مردم کشور ما بوده و خواهد بود. بحث در مورد نیرومندی ارتش باید همواره با توجه به دو عامل زیر صورت گیرد:

۱-۲-۱- شرایط عام (موقعیت Geopolitic کشور ایران).

۲-۲-۱-۲- شرایط خاص (شرایط خاص منطقه و جهان در زمان مورد بحث).

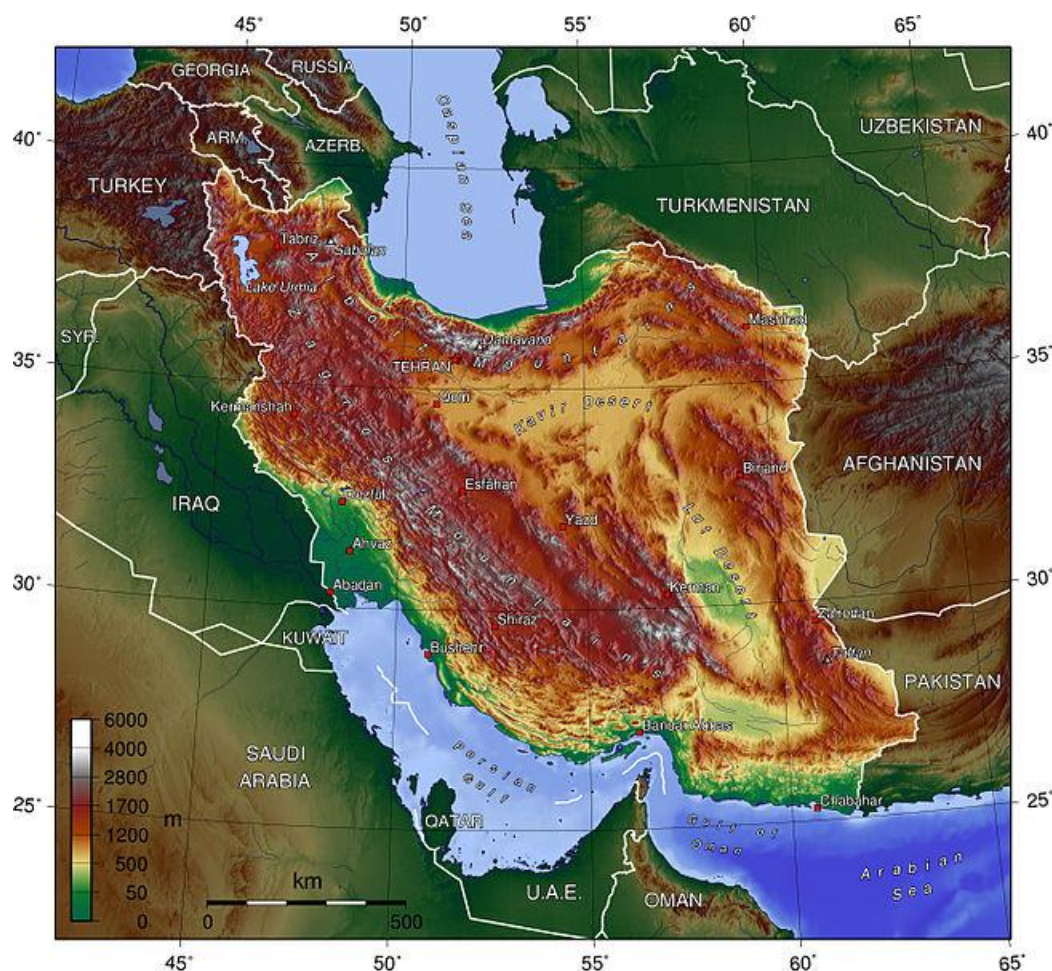
مهمترین علل تقویت ارتش ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - شرایط عام

۱-۲-۱-۲- وسعت کشور ایران و جغرافیای مناطق مرزی: وسعت سرزمین یکی از مؤلفه های اقتدار ملی است. مساحت ایران حدود ۱۸۷۳۹۵۹ کیلومتر مربع (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۱۳۹۱). از این نظر شانزدهمین کشور دنیا و بیشتر از مجموع مساحت ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و آلمان غربی است.

^{۱۱} - در جستجوی راه، از کلام امام، دفتر هیجدهم، ارتش، انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۲. صفحه ۲۸۱

جغرافیای مناطق مرزی ایران

۸۷۳۱ کیلومتر	محیط ایران
۴۱۱۳ کیلومتر	مرز خشکی
۱۹۱۸ کیلومتر	مرز رودخانه ای، دریاچه و باتلاق
۲۷۰۰ کیلومتر	مرز ساحلی دریایی (شمال و جنوب)
۱۲۵۹ کیلومتر	مرز ساحلی دریایی در خلیج فارس از دهانه فاو تا بندرعباس (خط مستقیم)
۷۸۴ کیلومتر	مرز ساحلی دریایی در دریای عمان از بندرعباس تا خلیج گواتر (خط مستقیم)
۶۵۷ کیلومتر	مرز ساحلی دریایی در دریای خزر
۱۶۰۹ کیلومتر	مرز با عراق از دهانه فاو تا دالامپرداغ (۸۴ کیلومتر از فاو تا نهر خین در اروندرود طبق خط تالوگ) ما بقی در مرز خشکی
۴۸۶ کیلومتر	مرز با ترکیه (از دالامپرداغ تا قره سوی سفلی و ارس)
۷۶۷ کیلومتر	مرز با آذربایجان (از پورآلان تا آستارا)
۴۰ کیلومتر	مرز با ارمنستان
۱۲۰۶ کیلومتر	مرز ترکمنستان (از خلیج حسین قلی تا دهانه ذوالفقار)
۹۴۵ کیلومتر	افغانستان (از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه)
۹۷۸ کیلومتر	پاکستان (از کوه ملک سیاه تا دهانه خلیج گواتر)



نقشه موقعیت کشور جمهوری اسلامی ایران و ۱۵ کشور همسایه آن (۸ کشور از طریق آب و ۷ کشور از طریق خشکی).

محیط ایران حدود ۸۵۷۴ کیلومتر است. ایران بعد از چین و روسیه سومین کشور دنیا با بیشترین تعداد همسایگان است (۸ کشور از طریق آب و ۷ کشور از طریق خشکی). ایران کشور بزرگی است و با کشورهای همسایه در طول تاریخ اختلافات جدی و جنگهای زیادی داشته است. در دریای خزر بر اساس قرارداد ۱۹۴۲ بین ایران و شوروی سابق، هر کشور تا ۱۰ مایل مرز سیاسی و اقتصادی دارند و بقیه دریا مشترک است. مرز ایران در جنوب تابع مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین الملل دریاها است. در خلیج فارس مرز سیاسی ۱۲ مایل دریایی از ساحل است. مساحت خلیج فارس حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است و ایران دارای ۳۵ جزیره در آن است که نیمی از آنها مسکونی است. مرز سیاسی در جزایر ۶ مایل دریایی است (بجز جزیره فارسی که خط منصف بین آن و جزیره متعلق به عربستان است). در دریای عمان مرز سیاسی ۱۲ مایل دریایی از ساحل و مرز اقتصادی با کشور عمان ۵۰ مایل و بقیه دریا بین المللی است.

۱-۲-۱-۲-۲ - همسایگی ایران با ابر قدرت شرق: ایران ۲۶۴۰ کیلومتر با شوروی سابق مرز مشترک داشت. این موضوع در روابط ابر قدرت غرب با شوروی در زمان دوستی و خصومت با ایران مورد توجه بود. در جنگ جهانی دوم برای رساندن نیرو و امکانات غرب به شوروی، کشور ایران بهترین مسیر بود (هنوز هم برای ارسال تدارکات نیروهای ناتو به افغانستان و ترانزیت کالا به کشورهای شوروی سابق بهترین مسیر است). سه قدرت بزرگ جهان (اول شوروی و انگلیس در ۱۳۲۰/۶/۳ و سپس آمریکا) سراسر خاک ایران را اشغال کردند و کشور عزیزمان را زیر فشارهای سهمگین سیاسی، اقتصادی و نظامی زبون و ناتوان ساختند. در زمان دوستی با ایران نیز، آمریکا و غرب:

- کشور ما را پایگاه جنگ افزارهای خود کردند تا در مقابل تهدیدات احتمالی شوروی علیه منافع غرب، از آنها استفاده کنند.
- بخش عمده ای از پول ملت که باید صرف زیر ساخت ها می شد، برای خرید اسلحه بیش از نیاز کشور و برای حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس و حفاظت از حاکمان ضعیف کشورهای عربی آن مصرف می شد.

۱-۲-۱-۳-۳ - موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران و منابع طبیعی آن:

ایران در منطقه حساس خاورمیانه دارای سه امتیاز موقعیتی است:

- ۱- متصل به موقعیت بری اوراسیا (مجموعه دو قاره اروپا و آسیا به عنوان بزرگترین قطعه خشکی جهان) می باشد.
- ۲- به علت داشتن سواحل طولانی در دریای عمان و خلیج فارس، از موقعیت بحری ممتازی برخوردار است.
- ۳- به خاطر در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است (صدور روزانه ۱۸ میلیون بشکه نفت از این تنگه بر اساس آمار سال ۱۳۷۹).

ایران با موقعیت و توان ژئوپلیتیکی^{۱۲} بالا: بر حوزه های ژئوپلیتیکی مجاور خود تأثیر گذار بوده و امنیت ملی ایران از حوزه های ژئوپلیتیکی مجاور تأثیر پذیر است. ایران در پیدایش تشکلهای منطقه ای نقش مهمی دارد. خلیج فارس و تنگه هرمز در تمامی معادلات و استراتژیهای شرق و غرب حضوری پررنگ دارند. ایران در منطقه حساس خاورمیانه، اهمیت استراتژیک فوق العاده ای برای دنیای غرب دارد. طول خلیج فارس از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز حدود ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق ترین نقطه خلیج فارس در ۱۵ کیلومتری تنب بزرگ حدود ۹۳ متر است. عرض تنگه هرمز تقریباً ۳۹ کیلومتر و عمیق ترین نقطه آن نزدیک رأس المسندم و ۱۸۲ متر است. حدود ۷۵ درصد ذخایر نفت جهان در کشورهای غیر کمونیست و ۶۶ درصد کل ذخایر نفت دنیا در منطقه خلیج فارس قرار دارد (برآورد ۱۳۵۹).

^{۱۲} - ژئوپولیتیک علمی است که رابطه بین قدرت، سیاست و جغرافیا را مشخص می کند.

پنج کشور نفت خیز حوزه خلیج فارس (ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و امارات) به تنهایی ۸۰ درصد ذخیره نفت کشورهای عضو Opec و ۶۰.۵۸ درصد کل ذخایر نفت دنیا را دارند. نفت شیشه عمر کشورهای غربی است. چرخ صنایع عظیم کشورهای غربی با نفت می چرخد (در ۱۹۷۹ آمریکا ۳۰ درصد، ژاپن ۸۵ درصد و اروپای غربی ۷۰ درصد نفت خود را از خلیج فارس تأمین می کردند). خلیج فارس حساس ترین منطقه مبارزه جوئی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بوده و خواهد بود (آمریکا قصد حفظ ثبات آنرا داشت - بخاطر منافع خود - شوروی تلاش می کرد با جانبداری و تقویت یکی از کشورهایی که با همسایگان خود اختلافات تاریخی، مرزی و سیاسی داشت باعث ناآرامی و عدم ثبات منطقه شود). آمریکا خلیج فارس را همواره منطقه منافع حیاتی خود می داند (ایجاد اختلاف توسط کشورهای غربی بین کشورهای حوزه خلیج فارس در این راستا قابل تفسیر است). آمریکا مخالف نفوذ شوروی در خلیج فارس است.

امتیاز برجسته دیگر ایران، قرار گرفتن دریای خزر به عنوان سومین منبع انرژی جهان (نفت و گاز) بعد از خلیج فارس و سیبری در شمال ایران است. ایران تنها کشور جهان است که بین دو منبع بزرگ انرژی (دریای مازندران و خلیج فارس) قرار دارد. ایران بیش از ۱۱ درصد نفت جهان را در اختیار داشته و از نظر منابع گازی، دومین کشور جهان است. ایران کل سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان را در اختیار دارد. ایران کشوری غنی از نظر منابع زغال سنگ، سنگ آهن، مس، قلع، منگنز، کرم، گوگرد، طلا، نقره، فیروزه، خاک نسوز، خاک سرخ، اورانیوم و .. است و قدرتهای بزرگ برای بهره برداری از این منابع همیشه به دنبال اعمال نفوذ در کشورمان بوده اند (تا افراد و احزاب مورد نظر غرب در رأس حکومت باشند).

۲-۱-۲-۱-۴- ایران کشور تک محصولی است (۸۰ درصد درآمد ارزی آن حاصل از نفت است).

نفت باید استخراج شده، از تنگه هرمز به کشورهای دیگر صادر شود و ارز حاصله برای تأمین نیازهای وسیع کشور صرف شود. تنگه هرمز ۶۳ کیلومتر عرض دارد و در سال ۱۳۶۶ ماهیانه ۶۰۰ کشتی (۴۰۰ هزار تُنی) از آن عبور می کردند. محمدرضا شاه طی مصاحبه با تلویزیون فرانسه (۱۳۵۵/۱۱/۰۹) گفت: باز و ایمن بودن تنگه هرمز برای کشور ما حیاتی است و در هر شرایطی باید برای عبور و مرور کشتیها باز باشد. تنگه هرمز یک شاهرگ حیاتی است و حکم ریه دارد که با آن تنفس می کنیم و زندگی ما به آن بستگی دارد.

۲-۱-۲-۱-۵- ترکیب جمعیتی ایران

ایران کشوری است که اقوام فارس، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن، لر، آذری و ... در آن زندگی می کنند و هر کدام از آنان مانند دیگر مردم ایران ممکن است در مقطعی از زمان، از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... دچار مشکل شوند. قدرتهای بیگانه پیوسته کوشیده اند، می کوشند و خواهند کوشید از نارضایتی های مقطعی آنان در راستای اهداف استکباری خود بهره برداری نمایند. تحریک اقوام ایرانی به قیام مسلحانه علیه دولت مرکزی و تجزیه طلبی از سیاست های شناخته شده قدرتهای بیگانه برای رسیدن به مقاصد خود می باشد:

- اقدامات حزب دموکرات آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴

- اقدامات گروه معدودی از ایرانیان عرب زبان خوزستان در جنوب و ترکمن ها در شمال طی سالهای ۵۸-۱۳۵۷

- قائله کردستان در اوایل انقلاب که تا اواخر جنگ تحمیلی هم ادامه داشت.

۲-۱-۲-۱-۶- میزان جمعیت ایران: میزان جمعیت یکی دیگر از مؤلفه های اقتدار ملی است. جمعیت ایران در سال ۱۳۵۴

حدود ۳۴/۵ میلیون نفر بود (بیش از جمعیت تمام کشورهای عربی حوزه خلیج فارس). جمعیت زیاد و ثروت فراوان بهترین

بازار تجارت برای کشورهای شرق و غرب است. در عصری که منافع اقتصادی تعیین کننده سیاست خارجی است، ایران بسیار مورد توجه است. لذا کشورهای استکباری برای اعمال نفوذ در دستگاههای دولتی و مردم ایران توطئه های فراوان می کنند.

۲-۱-۲-۱-۲- نفوذ قدرتهای فرهنگی، سیاسی و نظامی ایران در سایر کشورها: مردم کشورهای همجوار و بسیاری از کشورهای دوردست، علاقه مند به سیاست های کلی، افکار، عقاید و اهداف ما هستند و الگوبرداری می کنند. در ۸۰ شهر آمریکا علیه ترور شهید احمدی روشن و به نفع ایران تظاهرات کردند. قطع شبکه های ماهواره ای ایران در آبان ۱۳۹۱ برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران قابل تفسیر است. وجود مقلدین علماء در کشورهای دیگر، مواضع حق طلبانه، عدالت خواهانه و ضد استکباری نظام اسلامی، سیاست های انسان دوستانه و الهی ایران (برخورد انسانی در دوران جنگ با مردم عراق، حمایت غیر مستقیم از عراق در زمان حمله آمریکا به آن کشور) و ... باعث شده مردم ایران جایگاه ویژه ای در بین مردم آزاد اندیش جهان داشته باشد.

سیاست آمریکا، نفوذ در ایران و جلوگیری از تاثیرگذاری ایران در منطقه است. حضور مقتدرانه ایران در آمریکای لاتین (که حیاط خلوت آمریکا می باشد)، باعث شد کنگره آمریکا (۱۳۹۱/۱۰/۲) قانون جلوگیری از نفوذ ایران در آمریکای لاتین را تصویب نماید. اظهارات ترامپ (۱۳۹۶/۷/۲۳) نشان داد آمریکا از نفوذ ایران در منطقه عصبانی است. جوزف دانفورد رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا طی مصاحبه ای (۲۰۱۷/۶/۱۸) تلاش برای کاهش نفوذ ایران در منطقه را جزو «اهداف اصلی» دولت آمریکا توصیف کرد. قدرتهای بزرگ برای جلب همکاری ایران یا مجبور کردن کشورمان به همراهی با سیاستهای استکباری خود از هیچ توطئه و تلاشی فروگذار نیستند. در مواردی برای جلوگیری از نفوذ ایران در سایر نقاط دنیا (که به ضرر منافع کشورهای استکباری یا کشورهای همدست آنها در منطقه است) جنگ های مستقیم یا نیابتی راه می اندازند. در تمام موارد فوق و برای دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی نیاز به یک ارتش مقتدر می باشد.

۲-۲-۱-۲- شرایط خاص ایران در زمانهای مختلف (سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی):

در مقاطعی از تاریخ اتفاقاتی در منطقه و جهان رخ می دهد که بسته به نوع موضعگیری کشورمان در آن مقطع، باعث ایجاد خصومت یا دوستی برخی کشورها می شود. بدیهی است در صورت بروز تنشهای سیاسی و به دنبال آن بروز جنگ، این ارتش مقتدر است که بایستی از تمامیت ارضی کشور دفاع کند.

۲-۲-۱-۲- به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس توسط دولت شاهنشاهی ایران و دشمنی اعراب با ایران - پس از آنکه در ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) دولت شاهنشاهی ایران رژیم اشغالگر قدس را بصورت دوفاکتو به رسمیت شناخت (موجودیت آنرا قبول کرد)، جمال عبدالناصر (که در راه وحدت اعراب تلاش می کرد) رابطه سیاسی مصر با ایران را قطع کرد، تبلیغات وسیعی علیه ایران انجام داد، سعی می کرد خوزستان را از ایران جدا کند، رادیو صوت العرب را راه اندازی کرد که از قاهره مطالب زیادی علیه ایران و تمامیت ارضی آن پخش می کرد. در ۲۰ آذر ۱۳۴۳ (۱۱ دسامبر ۱۹۶۴) کنفرانسی از حقوقدانان عرب تشکیل داد و آنها هم اعلام کردند خوزستان جزء جدائی ناپذیر سرزمین اعراب است. ناصر دولت های عربی را هم علیه ایران تحریک می کرد. دولت سوریه که جناح تندرو دولت های عربی بود نظر ناصر را پذیرفت (۱۹ آبان ۱۳۴۴ - ۱۰ نوامبر ۱۹۶۵) و سفیر خود را از ایران فراخواند (حزب بعث در بهمن ۱۳۴۱ برابر فوریه ۱۹۶۳ در سوریه به قدرت رسید). اختلافات اعراب و اسرائیل (الآن دیگر نیست) هم در تشدید تیرگی روابط ایران و عراق مؤثر بود. بعد از جنگ ۱۹۶۷ اعراب با اسرائیل دولت عراق، ایران را تهدید کرد که از صدور نفت به انگلستان و حامیان غربی آن خودداری نماید. ایران این خواسته را رد کرد و عراق را به پاسخ متقابل نظامی تهدید کرد که عراق عقب نشینی کرد (در ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل به مصر، سوریه و لبنان حمله کرد و طی ۶ روز اعراب را شکست داده و بخشی از اراضی آنها را اشغال کرد). بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳، نیز

که اعراب صدور نفت به کشورهای حامی اسرائیل را قطع کردند، به ایران هم فشار آوردند ولی باز شاه ایران زیر بار نرفت و به سیاست قبلی خود ادامه داد که نتیجه آن تشدید خصومت بین ایران و اعراب بود (بعد از انقلاب این رویه عوض شد ولی اعراب هیچ حمایتی از ایران نکردند).

۱-۲-۲-۲- خصومت تاریخی عراق با ایران- عراق همسایه ایران است، از همان ابتدای تشکیل (۱۰ اوت ۱۹۲۰) دولت عراق اغلب با ایران روابط خصمانه داشته است. در هر فرصتی تمامیت ارضی ایران را مورد تهدید قرار می داد (به بهانه حمایت از اقلیت ایرانیان عرب زبان خوزستان و مشکلات مرزی).

۱-۲-۲-۳- پیمان دوستی و همکاری بین شوروی و عراق- امضای این پیمان (۲۰ فروردین ۱۳۵۱-۹ آوریل ۱۹۷۲) بر نگرانی ایران از تهدیدات احتمالی عراق افزود (شوروی برای اولین بار با کشوری در ساحل خلیج فارس ارتباط نزدیک برقرار کرده بود، این موضوع برای روسها فوق العاده ارزشمند بود و برای تحکیم روابط، سیل انواع سلاحهای پیشرفته را روانه عراق کرد. دولت بعثی عراق بعد از امضای قرارداد الجزایر (۱۹۷۵) با شتاب اقدام به خرید انواع سلاحهای پیشرفته نمود (بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۳ حدود ۱۷/۶ میلیارد دلار اسلحه از شوروی و فرانسه خرید). شاه در ۱۲ آبانماه ۱۳۵۶ در مصاحبه با خبرنگار نیوزویک علت خرید اسلحه فراوان توسط ایران را گسترش تجهیزات نظامی عراق اعلام می کند.

۱-۲-۲-۴- بی اعتمادی شاه ایران به آمریکا- دولت آمریکا در طول تاریخ نشان داده است که متحد قابل اعتمادی نیست. در جنگ هند و پاکستان ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) با وجود موافقتنامه نظامی بین پاکستان و آمریکا و اینکه اکثر سلاحهای پاکستان، آمریکائی بود و به پشتیبانی آمریکا نیاز مبرم داشت، آمریکا اعلام بی طرفی کرد که برای پاکستان فاجعه بود و باعث شکست پاکستان شد (هند متحد روسیه بود و این مشکل را نداشت). مثال: (عدم حمایت آمریکا از صدام، لیبی، شاه ایران، یمن، مصر، منافقین، القاعده و ... در مواقع خطر). آمریکا همیشه به منافع دائمی نه دوست و دشمن دائمی می اندیشد.

ایران در بلوک غرب قرار داشت، در ۱۳۳۸ (۱۹۵۹م) پیمان سنتو (ایران، ترکیه، پاکستان و انگلیس) تشکیل شد (آمریکا وارد این پیمان نشد ولی با هر سه کشور و برای تقویت پیمان سنتو قرارداد جداگانه با شرایط یکسان امضاء کرد. طبق قوانین آمریکا این موافقتنامه چون بصورت عهدنامه نبود لذا برای تصویب به کنگره ارسال نشد، لذا برای آمریکا الزام آور نبود و در صورتی که ایران مورد حمله قرار می گرفت خود به تنهایی باید دفاع می کرد). هدف اساسی پیمان سنتو مقابله با تهدیدهای شوروی بود (آمریکا فقط در صورت حمله شوروی به ایران در کنار ایران قرار می گرفت). شاه ایران که خود را کمتر از طرف شوروی مورد تهدید می دید و بیشترین نگرانی را از عراق و کشورهای تندرو عرب حامی عراق داشت، چاره را در آن دید که به کمک آمریکا امیدوار نباشد و ارتش ایران را برای دفاع از کشور آماده و مجهز نماید.

۱-۲-۲-۵- سیاست های تهاجمی شوروی در خلال دهه های ۶۰ و ۷۰: طی این سالها شوروی سیاست تهاجمی داشت و کوشش می کرد در کشورهای خاورمیانه و ... (که اغلب در اردوگاه آمریکا بودند) نفوذ کرده و این کشورها را از بلوک غرب جدا نماید که مهمترین نمونه آنها به شرح زیر است:

نفوذ شوروی در عراق، سوریه و لیبی در شهریور سال ۱۳۴۸، یمن جنوبی، الجزایر در زمان هواری بومدین، سومالی در زمان حکومت زیاد باره، حبشه در سال ۱۳۵۳، دوستی شوروی با هند ۱۳۴۴، نفوذ شوروی در افغانستان در سال ۱۳۵۷، و شوروی با اعزام ارتش سرخ در ۱۳۵۸/۱۰/۰۶ افغانستان را اشغال کرد. شاه ایران و آمریکا هر دو نگران نفوذ شوروی در ایران بودند.

۱-۲-۲-۶- ضعف سازمان ملل و نگرانی کشورها در حفظ امنیت و تمامیت ارضی خود: تشکیل سازمان ملل متحد (بعد از جنگ جهانی دوم) نتیجه: خستگی بشریت از جنگ و خونریزی، اعتراض بشریت به رنجهای انباشته از جنگ ها، انسانی که نمی خواهد فرزندان خود را بدست یکدیگر کشته و معلول ببیند، این سازمان آرزوی بزرگ

انسانهایی است که با تمام احساس و اندیشه خود جنگ را نمی خواهند، خواهان فروغ جاودانه پرتو صلح در تمام قاره هاستند.

مهمترین وظایف سازمان ملل متحد به شرح زیر است:

- دفع تهدیدها علیه استقلال و تمامیت ارضی کشورها.
- برقراری عدالت و صلح در جهان.
- تنبیه متجاوزین و احقاق حقوق مظلومین.

ولی به دلایل زیر و در عمل، سازمان ملل تاکنون نتوانسته اهداف و آرزوهای فوق را برآورده نماید:

- ✓ وجود نیات زورگویانه کشورهای قدرتمند عضو سازمان و حق وتوی نامشروع آنها.
 - ✓ در عمل سازمان ملل، نهادی است ناتوان که تصمیمات آن کمتر در جهت برقراری عدالت و صلح جهانی است.
 - ✓ در اکثر موارد تصمیمات آن فاقد قدرت اجرایی است.
 - ✓ در خدمت قانونی جلوه دادن اقدامات خودسرانه برخی اعضای دائمی شورای امنیت است.
 - ✓ در خدمت اهداف و منافع کشورهای فاقد اخلاق و مستکبر است.
 - ✓ در راستای تنبیه متجاوزین و احقاق حقوق مظلومین نیست.
 - ✓ قادر به دفع تهدیدها علیه استقلال و تمامیت ارضی کشورها نیست.
- عملکرد ناموفق سازمان ملل باعث شده است تا کشورها برای دفاع از تمامیت ارضی، استقلال خود و رفع تهدیدها، مبالغه گزافی از بودجه خود را صرف تقویت ارتش نمایند. این بودجه ها می توانست صرف: رفع محرومیت، توسعه زیرساختها، تحصیل، بهداشت و رفاه اجتماعی شود و کشورهای عمده تولید کننده جنگ افزار دیگر نمی توانستند با فروش اسلحه، کسری موازنه بازرگانی خارجی خود را جبران و سطح اشتغال را در کشورهای خود بالا ببرند (درآمد و ایجاد اشتغال به چه بهائی).

عوامل دیگری که بر خریدهای کلان نظامی ایران (در زمان شاه) تأثیر گذار بود:

۱- نقش ایران به عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه - انگلیس در دیماه ۱۳۴۶ اعلام کرد تا ۱۳۵۰ کلیه نیروهای خود را از شرق کانال سوئز خارج می کند (همزمان با اعلام دکترین نیکسون در ۱۹۶۹)، و به نقش امنیتی ۱۵۰ ساله خود در خلیج فارس پایان می دهد (ایجاد خلأ قدرت در منطقه)، آمریکا هم بعد از جنگ ویتنام قادر به قبول مسئولیت نظامی در آسیا نبود، شیخ نشین های ضعیف خلیج فارس نیز قادر به دفاع از خود نبودند (انگلیس حمایت می کرد) و مورد تهدید عراق و قیامهای داخلی قرار می گرفتند (پابگاه مردمی ندارند). بنابراین این «ایران به عنوان ژاندارم منطقه مسئول حفظ امنیت و وضع موجود را به عهده گرفت» که برای انجام این وظیفه لازم بود با خریدهای نظامی ارتش ایران را تقویت نماید.

۲- **دکترین نیکسون** - نیکسون رئیس جمهور آمریکا در خرداد ۱۳۴۸ (ژوئن ۱۹۶۹) مجموعه سیاست هائی را به شرح زیر اعلام کرد که به دکترین نیکسون معروف شد:

- آمریکا از اعزام نیرو یا دادن کمک مالی و نظامی به برخی کشورها خودداری می کند.
- با تشکیل گروهائی از کشورها در یک منطقه، وظیفه دفاع از آن منطقه را به عهده خودشان بگذاریم.
- ایشان خطاب به کنگره گفت «بگذارید آسیائی ها با آسیائی ها بجنگند»^{۱۳}

^{۱۳} - چهارمین گزارش نیکسون به کنگره آمریکا، می ۱۹۷۳. نقل از 95 Cedetim. Op. cit.

- نیکسون از کشورهای خاصی می خواست ارتش نیرومندی تشکیل داده، با پول خود اسلحه خریداری کنند (ایران و عربستان برای اجرای این سیاست انتخاب شدند). بعد از امضای پیمان دوستی و همکاری شوروی با عراق (۲۰ فروردین ۱۳۵۱)، نیکسون و هنری کیسینجر یکماه بعد (اردیبهشت ۱۳۵۱) هنگام بازگشت از مسکو طی توقف کوتاهی در تهران، با شاه ملاقات کردند و توافق شد که هر نوع اسلحه بجز سلاح اتمی در اختیار ایران قرار گیرد.

۳- تقویت اوپک و بالارفتن قیمت نفت: از سال ۱۳۴۸ به بعد Opec ابتکار عمل را در تولید و تعیین قیمت نفت بدست گرفت. در سال ۱۳۵۲ قیمت نفت از ۲/۹ دلار در اوایل آن سال به ۱۱/۶۵ دلار افزایش یافت و درآمد کشورهای صادر کننده نفت بطور بی سابقه بالا رفت^{۱۴} و منابع مالی کافی برای خرید سلاح در اختیار شاه قرار گرفت.

شاه اصرار داشت پیشرفته ترین و پیچیده ترین جنگ افزارهای روز دنیا را در اختیار ارتش ایران قرار دهد.

سال	صادرات نفت ایران (میلیون بشکه)	درآمد نفتی ایران (میلیارد دلار)
۱۳۵۲	۵.۹	۴.۴
۱۳۵۳	۶	۲۱.۴

جمع بندی نهایی تجهیز ارتش ایران توسط شاه طی سالهای قبل از انقلاب:

یکسال بعد از امضای قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، سنای آمریکا تصمیم گرفت تحقیق کامل و جامعی درباره چگونگی کاربرد سلاحهای خریداری شده ایران از آمریکا بعمل آورد. کارشناسان آمریکا بعد از بازدید از انبارهای مهمات و آزمایش سطح علمی و توانمندی نیروهای نظامی ایران در تیرماه ۱۳۵۵ گزارشی به کمیته روابط خارجی سنای آمریکا تسلیم کردند که مهمترین بندهای آن شامل موارد زیر بود:

- دولت ایران دارای چنان سلاحهای پیچیده ای است که نیروی دریائی آمریکا هم در کاربرد آنها مشکل دارد.

- بین ۵ تا ۱۰ سال آینده ایران نمی تواند با این تجهیزات و بدون راهنمایی آمریکائی ها جنگی را راه اندازی نماید یا اگر مورد حمله قرار گیرد، از خود دفاع نماید (هدف آمریکا از تجهیز ارتش ایران محقق نمی شود).

بنابراین:

- تعداد زیادی از آمریکائیان (تحت عنوان مستشاران نظامی و ...) به ایران آمدند و عملاً کنترل ارتش ایران را در اختیار گرفتند.

- شاه وجود روابط وسیع نظامی و تجاری با آمریکا و حضور آمریکایی ها در ایران را عامل ثبات حکومت و تکیه گاهی برای خود تلقی می کرد لذا برای تشویق آنها برای حضور و اقامت طولانی در ایران، حقوق ماهیانه گزافی از بودجه ارتش به آنها می پرداخت (حقوق ماهیانه حدود ۱۲۰۰۰ دلار و بیشتر). (حدود ۲۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ آمریکائی در ایران بودند)^{۱۵}.

- آمریکائی ها در ایران از امتیازات ویژه ای برخوردار بودند. با هواپیما و بدون هیچگونه تشریفاتی وارد ایران شده و خارج می شدند. ایران را به عنوان یکی از ایالت های خود (مستعمره) می دانستند بطوری که شاه می گوید: ژنرال هایزر (معاون فرماندهی کل نیروهای ناتو) چند روزی در تهران است و من تازه متوجه شده ام (دیماه ۱۳۵۷). آمریکائی ها حاکمیت و استقلال قضائی ایران را لگدمال کرده و کاپیتولاسیون را رسماً برقرار کردند و شاه عامل اجرای آن بود، (در دوران نخست وزیری حسنعلی منصور (۱۳۴۳) مجلس شورای ملی ایران کاپیتولاسیون را تصویب کرد). خریدهای کلان اسلحه باعث وابستگی بیشتر ایران به آمریکا شد و حضور آمریکائی ها استقلال ارتش ایران را خدشه دار کرد. خریدهای کلان اسلحه باعث شد بسیاری از مردم ایران از امکانات اولیه زندگی محروم باشند (بهای یک فروند جنگنده F-14 برابر کل هزینه ساخت یک بیمارستان متوسط و کاملاً مجهز بود).

^{۱۴} - Barry Rubin. Paved with good intentions. The American experience and iran. Penguin books. New York. 1981. P. 130

^{۱۵} - مصاحبه محمد رضا شاه با خبرگزاری آسوشیئد پرس در ۷ آذر ۱۳۵۵

- مردم زیر فشار دیکتاتوری و اختناق بوده از حق آزادی بیان و عقیده محروم بودند. اگر مردم آگاهی داشتند و می دانستند که قانون اساسی کشور (اصل ۲۶ متمم قانون اساسی قبل از انقلاب تصریح می کرد که (قوای مملکت ناشی از ملت است) و این بند اجرائی می شد، از اقدامهای زیان آور جلوگیری به عمل می آمد.

- استبداد ناپینائی می آورد و زمامدار مستبد از درک واقعیتها باز می ماند. شاه فکر می کرد اسلحه ضامن حفظ حکومت است و درک نکرد که قوی ترین پشتیبان حکومت، مردم هر کشور هستند. شاه به مردم پشت کرده و با آمریکا روابط گرمی داشت.

در بهمن ۱۳۵۷ نه اسلحه نه آمریکا نتوانستند حکومت شاه را حفظ نمایند

ولی

در اوایل جنگ مردم با دست تقریباً خالی، هم جلوی دشمن تا دندان مسلح ایستادند هم کشور و نظام اسلامی را حفظ کردند.

وضعیت ارتش ایران از نظر دکترین نظامی:

ارتش ایران را آمریکایی ها سازماندهی کردند (از نظر میزان گسترش، مکان استقرار و چگونگی آرایش در سطح کشور). از نظر ساختار نظامی، ارتش ایران آمریکایی بود و قدرت اصلی در نیروی هوایی متمرکز بود. دکترین نظامی آمریکا برای ارتش ایران سه مأموریت تعریف کرده بود:

۱- **سد نفوذ**- ایجاد سدی در مقابل نفوذ شوروی به داخل ایران و منطقه خلیج فارس (طوری طراحی شده بود که در صورت حمله شوروی، ایران بتواند ۲۴ الی ۴۸ ساعت مقاومت کند تا نیروهای آمریکائی برسند). در خصوص اجرای مأموریت اول، پایگاه هوائی تبریز، همدان و سایر پایگاههای غرب کشور برای مقابله با عراق بود که جزء بلوک شرق و متحد شوروی بود. پادگانهای نیروی زمینی هم براساس همین مأموریت ها مکان یابی و مستقر شده بودند.

۲- **حفاظت و تأمین امنیت جریان انرژی از خلیج فارس (ایران به عنوان ژاندارم منطقه)**- قبل از انقلاب این کار را ارتش ایران با هزینه خودمان انجام می داد. البته عربستان هم نقش درجه دومی را برعهده داشت. بنابراین اکثر پایگاههای هوائی ایران برای اجرای مأموریت دوم در سواحل خلیج فارس قرار گرفتند (بندر عباس، کنارک، بوشهر، امیدیه (بنا بود ۳۰۰ فروند F-16 در این پایگاه مستقر شود!!!) دزفول، شیراز و اصفهان (پایگاه استقرار F-14). پایگاههای نیروی دریائی هم بر اساس مأموریت دوم بود. بعد از انقلاب، آمریکا خود این وظیفه را انجام می دهد (با آوردن حدود ۱۰۰ فروند ناو جنگی، ایجاد پایگاههای نظامی در عربستان، کویت، بحرین، قطر و امارات که هزینه های زیادی را برای آنها دارد).

۳- **حفاظت از رژیم های طرفدار آمریکا در خاورمیانه در برابر نفوذ کمونیسم و شوروی.** در همین راستا زمانی که عمان با چریکهای کمونیستی که یمن حامی آنها بود در منطقه ظفار وارد جنگ شد، ارتش ایران در ۱۳۵۳ برای کمک به پادشاه عمان به ظفار اعزام شد (ملت و دولت عمان در این دوران خاطره خوبی از ایرانیها دارند که هنوز هم روابط خوبی با عمان داریم).

شرایط ایران و عراق قبل از شروع جنگ

۲-۱-۳- **وضعیت ارتش ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تا آغاز جنگ تحمیلی:**

انقلاب دو مرحله دارد و هر مرحله ویژگیهای خاص خود را دارد:

انقلاب در مرحله اول: ۱- پایه های قدرت حاکم را می لرزاند. ۲- نهادهای نگهدارنده آنرا در هم می کوید.

انقلاب در مرحله دوم: می کوشد با همکاری همان نیروهای اجتماعی که انقلاب را به ثمر رسانیدند، بر ویرانه های سیاسی نظام قدیم، ساختار اجتماعی نوین با ایده های جدید بنا کند. انقلاب در این مرحله برای رفع مشکلات فوق باید اصول تازه ای را بنیان گذاری می کرد تا ضمن حفظ حقوق افراد و استقلال جامعه، تلاشهایی را برای رفع عقب ماندگیهای اقتصادی و

زیربنائی شروع کرده، برای ساختن ایرانی آباد، آزاد و پیشرفته با خردمندی، تکیه بر دانش و تخصص، نیروی انسانی تیزهوش و گرانبهای کشور، منابع طبیعی خدادادی و ... اقدام نماید.

اما دشمنان داخلی و خارجی با ایجاد مشکلات فراوان (در ابعاد سیاسی - امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی) برای مدتی فعالیت های مرحله دوم انقلاب را به تأخیر انداختند:

- ایجاد ناامنی و ترور در جامعه با حمایت از گروهک های ضد انقلاب (منافقین و ...).
- بروز اختلافات سیاسی بین جریانهای مختلف سیاسی و افراد رده بالای حکومت.
- تحریک قومیت های ایران برای شورش علیه دولت مرکزی و جدائی طلبی.
- تحریم اقتصادی و بلوکه کردن دارائیهای ایران در بانک های آمریکا.
- ایجاد مشکل در سطوح بین المللی.
- حمله آمریکا به طبرس، طراخی چند کودتا و در نهایت راه اندازی جنگ تحمیلی صدام علیه ایران.

عوامل مؤثر در تضعیف ارتش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی:

- ارتشی که قرار بود پنجمین ارتش قدرتمند جهان شود و برای رسیدن به این هدف تلاش زیاد و هزینه های هنگفتی صرف شده بود، بعد از انقلاب به شدت آسیب دید و به دلایل زیر اقتدار آن تا حدود زیادی کاهش یافت:
- خروج مستشاران نظامی آمریکا از ایران که نقاط کلیدی حساس مدیریتی و فنی ارتش را در دست داشتند.
- قطع کمک های نظامی آمریکا (قطعات یدکی، مهمات مصرفی و ...) به ارتش که کاملاً وابسته به غرب بود. بعد از فرار شاه در ۲۶/۱۰/۵۷ آمریکا بلافاصله تحریم نظامی ایران را شروع کرد.
- لغو قراردادهای خرید تجهیزات نظامی از آمریکا توسط دولت بختیار و دولت بازرگان به مبلغ ۲۱ میلیارد دلار و عدم تحویل آنها به ایران.

علاوه بر اقدامات دشمنان داخلی و خارجی، برخی نیروهای انقلابی هم دست به کارهایی زدند که خسارت های فراوانی را به دنبال داشت. بعد از انقلاب اتفاقاتی به شرح زیر در داخل کشور به وقوع پیوست:

- ✓ که باعث تضعیف ارتش ایران گردید.
- ✓ این اتفاقات پیامدهائی داشت که صدام را برای تجاوز به ایران مصمم و مطمئن ساخت.

۱-۳-۱-۲- بی اعتمادی برخی انقلابیون به ارتش

- اعدام سران ارتش - طی ماه های منتهی به پیروزی انقلاب ارتشیان بسیاری از مردم را به خاک و خون کشیده بودند که خشم مردم و برخی مسئولان انقلاب علیه فرماندهان ارتش را برانگیخته بود. برخی اقدامات صورت گرفته در این فضا بر ضد ارتش به شرح زیر است: در اوایل صبح ۲۶/۱۱/۵۷ اولین دادگاه انقلاب تشکیل و ۱۹ نفر از امیران ارتش به همراه ۶ نفر از دولتمردان رژیم شاه را پس از محاکمه کوتاهی به اعدام محکوم کردند (حکم ارتشبد نصیری، سپهبد رحیمی، سرلشکر خسروداد و سرلشکر ناجی بلافاصله بعد از صدور رأی در ساعت ۲۳:۴۰ در پشت بام مدرسه رفاه اجرا شد).

احکام اعدام چنان زیاد و نگران کننده بود که سازمان عفو بین الملل در ۱۳۵۷/۱۲/۰۲ خواستار توقف اعدامها در ایران شد. در مهر ۱۳۵۸ دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام کرد: «به فرمان امام خمینی به کلیه دادگاههای انقلاب دستور داده ایم تا اطلاع ثانوی هیچگونه حکم اعدامی صادر نکنند». صفائی رئیس عقیدتی سیاسی ارتش در دیماه ۱۳۶۱ گفت: شدت تبلیغات ضد ارتش و افراد آن، چنان بود که در ماههای اول پیروزی، ارتشیان از پوشیدن لباس نظامی خودداری می کردند.

- طرح موضوع انحلال ارتش - برخی از صاحبان قدرت که نسبت به امور نظامی و شرایط خاص ایران آگاهی نداشته، به اهمیت ارتش برای حفظ استقلال کشور توجه کافی نداشتند و حتی از انحلال ارتش سخن می گفتند. به غیر از حزب توده، بقیه گروه‌های چپ مذهبی و غیر مذهبی هم خواهان انحلال ارتش بودند (چریک‌های فدائی خلق و مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق - در ۵۷/۱۲/۰۵ اعلام کردند برای تکمیل انقلاب باید ارتش مزدور شاه منحل و تجدید سازمان شود). برخی انقلابیون، ارتش را یکی از پایه‌های اصلی حفظ و دوام رژیم شاه می دانستند و به ارتشی که بسیاری از فرماندهان آن در دانشکده‌های نظامی آمریکا آموزش دیده بودند، اعتماد نداشتند.

از همان ابتدای پیروزی انقلاب، ناآرامی‌هایی در نقاط مختلف کشور (کردستان، خوزستان و ...) اتفاق افتاد و مسئولین جمهوری اسلامی را نگران وحدت و امنیت کشور کرد. افراد ارتش با وجود شرایط نامساعد به مقابله با مخالفان جمهوری اسلامی مشغول شدند. در آن زمان سپاه تازه تشکیل شده بود (۵۷/۱۲/۰۲)، سازمان و تشکیلات منسجمی نداشت و تجهیزات جنگی لازم را هم در اختیار نداشت. انحلال ارتش ممکن بود نقشه دشمنان باشد که توسط برخی افراد داخل کشور پیشنهاد می شد. اگر ارتش منحل می شد هیچ نیروی جایگزینی نبود، بنابراین چاره در حفظ ارتش برای مصون نگه داشتن نظام و کشور در مقابل خطرات موجود بود. لذا دیدگاه افراطیون مبنی بر انحلال ارتش مردود اعلام شد و مقرر گردید ضمن حفظ ارتش، پاکسازی عناصر وابسته صورت گیرد. امام که متوجه اهمیت ارتش و حفظ آن بود، به حمایت از ارتش برخاست و در ۵۷/۱۲/۱۰ در مدرسه فیضیه قم اعلام کرد: تضعیف ارتش تضعیف اسلام است. تضعیف نکنید البته تصفیه لازم است لیکن همه خیانتکار نیستند. آنها که ارتش را تضعیف می کنند، خائنند.^{۱۶}

امام در پیام نوروزی سال ۱۳۵۸ بیان داشتند: ملت ما موظف است که از ارتش الآن حمایت بکند، ارتش را تضعیف نکنید، ما احتیاج به ارتش داریم، ملت احتیاج به ارتش دارد، ارتش باید از طرف ملت حمایت بشود و تقویت بشود. امام برای تثبیت، تقویت و حمایت بیشتر از ارتش، ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ را روز ارتش اعلام کرد و گفت: ارتش محترم در این روز در شهرستانهای بزرگ با ساز و برگ به رژه پردازند، ملت ایران موظفند از ارتش اسلامی استقبال و به آنان احترام نمایند. اکنون ارتش در خدمت اسلام است و ملت شریف لازم است ارتش را به رسمیت بشناسد و پشتیبانی خود را از آن اعلام نماید. اکنون مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان مرزهای آن است جایز نیست.^{۱۷}

۱-۲-۳-۲- پاکسازی ارتش - با توجه به ضرورت حفظ ارتش و عدم اعتماد به افراد وابسته به رژیم قبلی، پاکسازی در ارتش مورد توجه قرار گرفت. طبق مصوبه شورای انقلاب (کار مجلس را قبل از تشکیل انجام می داد)، در هر وزارتخانه یک هیئت پنج نفره مسئول پاکسازی ادارات دولتی شدند ولی در عمل به علت جو انقلابی (افراطی گری) انتقامگیری صورت گرفت. امکان خردورزی به حداقل رسیده بود. برخی از مراجع تقلید در انتقاد از این وضعیت، موضع گیری نمودند:

- آیت ... مکارم شیرازی در انتقاد از این وضع اعلامیه ای صادر کرد: چرا عده ای پاکسازی را چماقی کرده اند برای اعمال غرضهای شخصی و راندن متخصص ها؟

- انتقامجویی های فردی حرام است (آیت ... قمی اول اسفند ۱۳۵۷).

- ایجاد رعب و وحشت و انتقامهای فردی جایز نیست (آیت ... گلپایگانی ۵۷/۱۲/۰۲).

^{۱۶} - در جستجوی راه امام از کلام امام - دفتر ۱۸ ص ۱۰۱.

^{۱۷} - مجله صف، فروردین ۱۳۶۵

- شورای انقلاب نیز در ۵۷/۱۱/۳۰ کلیه افسران سرتیب به بالا را که اتهامی علیه آنها وجود نداشت بازنشسته کرد (چون نسبت به اینها بدگمانی وجود داشت و آنان را هوادار نظام گذشته می دانستند).

این اقدام موجب ضعف فوق العاده قدرت فرماندهی و مدیریت ارتش گردید.

پاکسازی ارتش تا خرداد ۱۳۵۹ ادامه داشت و باعث تضعیف شدید آن شد. طی واقعه طبس و ورود هواپیماها و هلیکوپترهای آمریکائی به فضای ایران و فرود آنها در صحرای طبس، بدون آنکه هیچیک از مقامات ارتشی و دولتی از آن آگاه شوند، به اعتبار داخلی و حیثیت بین المللی جمهوری اسلامی صدمه زد و دلیل ناتوانی ایران در جلوگیری از تجاوز به تمامیت ارضی ایران بود. صدام نظاره گر این وقایع بود.

۲-۱-۳-۳- صدمات روحی وارده به افراد ارتش - علاوه بر موارد مذکور، با تبلیغات شدیدی که علیه ارتشیان صورت گرفت (به دلیل غلبه تندروری، شعارهای احساسی و دور از واقع بینی بر فضای انقلابی کشور)، شرایطی را ایجاد کرد که حیثیت، غرور و شخصیت ارتشیان مورد تحقیر قرار گرفت.

عمده این اقدامات توسط برخی اعضای کمیته ها و دادگاههای انقلاب صورت می گرفت. پس از پیروزی انقلاب و از هم پاشیدن کلاتریها و شهربانی، برای برقراری نظم و امنیت در تهران و شهرستانها، تعداد زیادی کمیته تشکیل شد که: هر کمیته بطور مستقل و به ابتکار رئیس کمیته در بسیاری از امور دخالت بی مورد می کردند، در مقابل هیچ مقام دولتی هم پاسخگو نبودند. اینها با اعزام نیرو به خانه های اشخاص، ادارات دولتی، پادگانهای ارتش، افراد نظامی و غیرنظامی را بازداشت و اموال مردم را ضبط می کردند. حتی فرماندهان پادگانها را انتخاب می کردند (انتصاب سرهنگ صیاد شیرازی به فرماندهی پایگاههای ساری و گرگان توسط کمیته انقلاب اسلامی تهران در ۵۷/۱۱/۲۹). بازرگان نخست وزیر وقت هم به عملکرد کمیته ها اعتراض داشت. به دستور امام خمینی کمیته مرکزی به ریاست آیت ا... مهدوی کنی برای نظارت بر کار کمیته ها و ایجاد ضوابط در اعمال آنها تشکیل شد.

- امام برای حمایت از ارتشیان (۵۸/۰۱/۲۸) تأکید کرد افراد خارج از ارتش حق ندارند در امور ارتش دخالت کنند و افراد آنرا در داخل یا خارج از ارتش بدون مجوز دستگیر کنند، ولی خشونت عمل کمیته ها و دادگاههای انقلاب در مورد ارتشیان همچنان ادامه داشت. تیمسار فلاحی بعد از آنکه به فرماندهی نیروی زمینی منصوب و منشأ خدمات ارزنده ای شدند، چندین بار توسط دادگاه انقلاب شیراز دستور بازداشت ایشان صادر شد (تضعیف روحیه و هتک حرمت افراد ارتش). به علت تداوم اقدامات خودسرانه در بازداشت افسران ارتش، امام برای حمایت از ارتشیان، در ۵۹/۰۶/۱۸ فرمان ۵ ماده ای را صادر کرد (تعقیب ارتشیان با اطلاع فرمانده مربوطه، احضار فرماندهان با موافقت فرماندهی کل قوا، عدم مجوز دادگاههای غیرنظامی و افراد غیر مسئول - کمیته ها - در تعقیب نظامیان). عده ای هم به اختلافات بین ارتش و سپاه دامن می زدند (ترسیم آینده مبهم برای ارتش) و این امر آسیب روحی جدی به پرسنل ارتش وارد می کرد.

۲-۱-۳-۴- بی انضباطی در ارتش - مهمترین عامل محرکه ارتش و بروز خلاقیت ها و توانمندیهای آن انضباط است. امام در روزهای قبل از پیروزی انقلاب طی اعلامیه ای از سربازان خواست در پادگانها نمانند، از دستور فرماندهان تمرد نموده و در خدمت حکومت ظالم نباشند. بسیاری به این فرمان عمل کردند و این حالت، خاص ماههای انقلاب بود و بعد از پیروزی باید وضع به حالت عادی بر می گشت اما بخاطر شرایط حاکم بر کشور، تمرد و بی انضباطی ادامه یافت. ارتش هم از دستورات دولت تمرد می کرد.

امام برای پایان دادن به این وضعیت، بعد از اعلام روز ارتش، اکیداً برقراری نظم و انضباط و اطاعت از مافوق را یادآوری کردند (دادستان ارتش هم اعلام کرد، هر فرد نظامی که از دستور مافوق سرپیچی نماید دادگاهی خواهد شد).

- نفوذ مسائل سیاسی در ارتش هم از عوامل دیگر بی انضباطی بود که تا جبهه ها هم تأثیر گذاشته بود. امام در ۱۳۶۴/۰۷/۲۴ تذکر جدی دادند و از نیروهای مسلح خواستند در سیاست دخالت نکنند.

۲-۱-۳-۵- کاهش خدمت سربازی- احمد مدنی وزیر دفاع دولت بازرگان (۱۱/۱۲/۵۷) اعلام کرد، خدمت سربازی از ۲ سال به ۱ سال کاهش یافت. این قانون شامل سربازان در حال خدمت هم شد (۱۳ دوره باهم از سربازی ترخیص شدند). به این ترتیب ارتش از نیروی سرباز هم خالی شد. بزودی آثار منفی این طرح آشکار شد و در ۲۵/۵/۵۸ مدت سربازی به ۱.۵ سال و در سال ۶۲ به دو سال قبلی اصلاح شد.

اقدامات تخریبی فوق باعث کاهش پرسنل ارتش از ۵۴۰ هزار نفر به ۲۰۰ هزار نفر شد. آسیب های وارده به ارتش چنان سنگین بود که بازرگان تصریح کرد بعد از انقلاب و قبل از جنگ هیچیک از ارکان مملکت مانند ارتش صدمه ندیده بود.

۲-۱-۳-۶- کودتای نقاب و نقش آن در تضعیف بیشتر ارتش- بعد از پیروزی انقلاب، گروهی از افراد ناراضی ارتش و غیرنظامیان تصمیم گرفتند با قیام مسلحانه، نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند. کودتای نقاب از لحاظ سازمان، تعداد شرکت کنندگان، پیامدها و تأثیری که در تضعیف بیشتر ارتش داشت، شایان اهمیت است. در ۵۹/۳/۲۲ کودتای دیگری هم در پیرانشهر کشف شده بود، عوامل آن ابتدا ۷ نفر بودند (اغلب از نیروی زمینی) و در دادگاه نظامی اعتراف کردند که از عوامل بختیار، اویسی، پالیزبان و رژیمن بعثی عراق هستند. صد نفر در این رابطه دستگیر شدند (ری شهری حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب ارتش). این موضوع هم بهانه دیگری برای پاکسازی ارتش بود. در چنین جوی که ارتش و پرسنل آن متهم به وابستگی به آمریکا بودند، کشف کودتای نقاب مهم بود. کودتا قرار بود در چهارشنبه ۱۳۵۹/۰۴/۱۸ هنگام نیمه شب اجراء شود. کودتاچیان با نام سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) فعالیت می کردند. قرار بود بعد از اینکه یک هواپیمای فانتوم دیوار صوتی را بر فراز تهران شکست، واحدهائی که در جایگاههای مختلف مستقر بودند کار خود را به شرح زیر آغاز کنند:

۱- در ابتدای شب چهارشنبه ۵۹/۰۴/۱۸ - حدود ۲۰۰ افسر و درجه دار از واحدهای مختلف ارتش در خانه (سرهنگ امیر نور) در خیابان وارسته تهران مستقر شوند (برای تصرف رادیو تلویزیون در خیابان جام جم).

۲- استقرار حدود ۸۰ افسر و درجه دار در خانه ای نزدیک چهار راه قصر (برای خلع سلاح کارکنان ستاد ارتش و تصرف آن).

۳- حدود ۴۰ نفر از خلبانانی که باید به اتفاق سرتیپ آیت محققى (فرمانده نیروی هوایی کودتا) به پایگاه نوژه می رفتند، در پارک لاله تهران اجتماع کرده بودند (گروه ضد کودتا برخی از آنان را دستگیر کردند: سرهنگ داریوش جلالی، سروان ملک، ستوان شفیق، سروان سلطانی، سروان جهانگیری، ستوان نقدی بیک). مرکز کودتا ابتدا فرودگاه مهرآباد بود ولی بعداً به پایگاه نوژه^{۱۸} منتقل گردید. برای تصرف پایگاه نوژه، غروب ۱۸ تیر تعدادی افسر و درجه دار ارتش با اتومبیلهای سواری و جدا از هم راهی همدان می شوند (بدون سلاح)، مقرر شد در محل امنی روی تپه های کبوترآهنگ تجمع نمایند و اسلحه لازم را در محل دریافت نمایند. خلبانان با یک اتوبوس ایران پیما به همراه محققى راهی همدان شدند تا پس از تصرف پایگاه با هواپیماهای F-4 و F-5 که مسلح و آماده بودند به تهران حمله کنند، دیوار صوتی را بشکنند و نقاط خاصی را بمباران کنند.

^{۱۸} نوژه نام پایگاه سوم شکاری نیروی هوایی در ۶۰ کیلومتری همدان (پایگاه شاهرخی = پایگاه حر) است. سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه در ۵۸/۰۳/۲۵ در عملیات رفع محاصره پاوه به شهادت رسید و این پایگاه به نام این شهید بزرگوار مزین شد.

اکثر افراد اعزامی به کبوتر آهنگ رسیده بودند ولی عده ای در جاده فرعی پایگاه نوژه به ایست بازرسی پاسدارانی برخوردند که راه را مسدود کرده و منتظر کودتاجیان بودند. طی درگیری عده ای از اینها کشته، زخمی یا دستگیر می شوند. کسانی که بعداً به این محل رسیدند از جمله اتوبوس خلبانان، متوجه لو رفتن عملیات شده و در تاریکی شب فرار کردند و به تهران برگشتند. تعدادی هم همان شب در راههای فرعی اطراف فرودگاه دستگیر شدند. کسانی که در تهران منتظر شروع عملیات بودند تا صبح پنجشنبه شکسته شدن دیوار صوتی را نشنیدند و به خانه های خود بازگشتند.

برنامه های کودتاجیان:

- بمباران اقامتگاه امام، ریاست جمهوری، نخست وزیری، مدرسه فیضیه قم، ستاد مرکزی کمیته، محلهای تجمع نیروهای سپاه، پادگان ولیعصر و انبارهای مهمات ارتش، محل سکونت نمایندگان مجلس در باشگاه سابق معلمان.
- آزاد کردن گروگانهای آمریکائی.

- گروگانگیری عده ای از مسئولان جمهوری اسلامی یا اعدام آنها.

- دعوت از شاپور بختیار به ایران به عنوان رهبر کشور و ایجاد حکومت مورد نظر خود.

مقرر بود در ۵۹/۰۴/۲۱ بعد از تصرف رادیو و تلویزیون اعلامیه کودتا قرائت شود و سپس عناصری از کماندوهای تیپ ۲۳ نوه، لشکر ۹۲ زرهی اهواز و لشکر ۷۷ پیاده خراسان به کودتاجیان پیوندند.

کشف کودتای نقاب مسئولان را برای پاکسازی بیشتر ارتش مصمم تر کرد. حدود ۵۰۰ نفر در رابطه با کودتا مشارکت داشتند که ۲۴۰ نفر محاکمه، ۱۲۱ نفر اعدام (۸۱ نفر نظامی، ۳۴ نفر غیر نظامی)، ۱۱۹ نفر زندانی و تعدادی نیز با هلیکوپتر به ترکیه پناهنده شدند. امام طی دستوری به آقای موسوی اردبیلی (رئیس شورای عالی قضائی) خواهان برخورد قاطع با کودتاجیان می شود. در این مرحله از تصفیه، نیروی هوایی، لشکر ۹۲ زرهی اهواز و لشکر ۷۷ پیاده خراسان بیشترین آسیب را دیدند. هر دو حالت پیروزی یا شکست کودتا به نفع بیگانگان بود چون در صورت پیروزی موفق به سرنگونی نظام نوپای اسلامی می شدند و حکومت مورد نظر خود را پیاده می کردند. در صورت شکست هم:

۱- از دست دادن عده ای از ورزیده ترین فرماندهان، خلبانان و کارکنان فنی هواپیمائی و تضعیف نیروی هوائی ایران (که قدرت آن موجب هراس عراق بود).

۲- از دست دادن عده ای از ورزیده ترین فرماندهان لشکر ۹۲ زرهی اهواز و فروپاشی آن (که برای حفاظت از استان راهبردی خوزستان در مقابل تجاوز احتمالی عراق تقویت شده بود و قوی ترین مانع هجوم عراق به خوزستان بود). حدود ۲۷۰ نفر از افسران آن بازداشت شدند (یعنی تمام کادر افسری). هنگام حمله عراق از ۳۸۵ تانک این لشکر فقط ۲۸ تانک آماده به کار بودند. لشکر ۷۷ خراسان هم به سرنوشت مشابهی دچار شد.

با تضعیف نیروی هوایی ایران و لشکر ۹۲ زرهی اهواز، در کودتای نقاب راه برای پیشروی عراق در هفته های نخستین جنگ فراهم شد. در آغاز حمله عراق، با در خواست بنی صدر (رئیس جمهور وقت و فرماندهی کل قوا) امام کلیه خلبانان دستگیر شده در کودتای نقاب را عفو نمودند که بعد از آزادی، عازم نبرد با دشمن شدند.

نقش دولت های بیگانه در کودتای نقاب: از مشکلات اجتماعی که بر بخشی از مردم سایه افکنده این باور غلط و نابود کننده اراده ملی است که «قدرت های بیگانه سرنوشت ما را تعیین می کنند» قدرت حاکم را تعیین می کنند، هر زمان خواستند فرد یا گروهی را حاکم کرده و هر زمان که بخواهند آنها را برکنار می کنند. همه کسانی که به ایران آزاد، آباد و پیشرفته فکر می کنند باید با این باور تباه کننده اراده ملی «که خواست قدرتهای بیگانه است» مبارزه کنند و این باور سازنده را در اندیشه همگان

استوار سازند که: عصر ما عصر حاکمیت ملتهاست، عصر بیداری ملتها، عصر پیدائی اراده آرام ناپذیر آنها برای بدست گرفتن سرنوشت خویش است. مردم غیور ایران که آسیب های فراوانی از حکومت های استبدادی طولانی دیده بودند، در آغاز قرن ۲۱ تصمیم گرفتند بر سرنوشت خویش مسلط شوند. در عصر ما تنها ملت ها قادر به تعیین سرنوشت خویش هستند و قدرتهای بیگانه در برابر ملت آگاه و متحد ایران، کاری از پیش نخواهند برد. اما قدرتهای بیگانه بخاطر از دست دادن منافع نامشروع خود (بعد از انقلاب) از هیچ توطئه ای علیه کشور ما دریغ نکرده و در آینده هم این رویه را ادامه خواهند داد، ولی آگاهی و همبستگی ملی، اطاعت از ولایت فقیه و امید به الطاف بیکران الهی، تمام توطئه های دشمنان را بی اثر خواهد کرد.

همه کشورهای با توجه به منافع ملی خود با کشورهای دیگر دوستی یا دشمنی می کنند (آمریکا، انگلیس، فرانسه و ... که در جنگ تحمیلی حمایت همه جانبه از عراق داشتند در کمتر از دو سال و بعد از حمله عراق به کویت در ۱۳۶۹/۵/۱۱، همگی در جبهه مقابل عراق قرار گرفته و با بمبارانهای سنگین تأسیسات نظامی، اقتصادی و ... این کشور را با خاک یکسان نمودند. این ضربه مصیبت بار بدین جهت بر عراق وارد آمد که مردم آن حاکم بر سرنوشت خود نبودند.

برقراری حاکمیت ملی خواست زمان نیست بلکه ضرورت زمان است. دلایلی که باعث حمایت قدرتهای استکباری از عراق در جنگ تحمیلی شد همان دلایل در حمایت این کشورها از کودتای نقاب هم بود (همانگونه که حمله عراق به ایران در جهت منافع استکباری بود، کودتای نقاب هم در همان راستا قرار داشت). کشورهای استکباری (بخصوص آمریکا) بخاطر منافع حیاتی خود در خلیج فارس و بخاطر موقعیت ژئوپولیتیک ایران، بطور مداوم در امور داخلی کشور ما دخالت می کنند و توطئه ها راه می اندازند. وجود حاکمیت ملی، رابطه تنگاتنگ دولت و ملت با رهبری، قادر به خنثی کردن هر توطئه ای است در غیر اینصورت دخالت و توطئه های بیگانگان آسان به ثمر خواهد نشست. علاوه بر مواردی که ذکر شد آمریکا، عراق و ایرانیان معارض مهاجر در ترکیه هم در کودتا نقش داشتند. ایرانیان معارض که در عراق و ترکیه پناهنده بودند، گروههای نظامی تشکیل داده بودند (ارتش آریانا) تا با کمک اقوام ایرانی مستقر در مرزهای شوروی تا پاکستان اقداماتی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام دهند (تحریک اقوام به تجزیه کشور). آمریکا هم قول حمایت همه جانبه را داده بود.

ماجرای توخاچوفسکی و شباهت آن با کودتای نقاب - آلمان نیز چنین توطئه ای را علیه شوروی قبل از حمله به آن کشور اجرا کرد. توخاچوفسکی از طراحان برجسته نظامی و از افسران مشهور شوروی بود و در زمان استالین، وابسته نظامی شوروی در آلمان بود. هیتلر برای تضعیف ارتش شوروی اسنادی جعلی (دال بر ارتباط توخاچوفسکی با مخالفین استالین) را در کیف یک پیک سیاسی گذاشت. هوایمای حامل پیک در کشور چک سقوط کرد. بنش رئیس جمهور چک که دوست استالین بود، این اسناد را به شوروی تحویل داد. استالین با برپائی دادگاههای کوتاه مدت، ایشان و ۳۰۰ نفر از افسران و فرماندهان ارتش را اعدام کرد. هیتلر مدتی بعد از اعدام توخاچوفسکی به شوروی حمله کرد. بعد از مدتی استالین به اشتباه خود پی برد و برای این قهرمان ملی تمبر یادبود چاپ کردند (ولی ...).

از ماجرای توخاچوفسکی و کودتای نقاب نتیجه می گیریم که برخی از افراد داخل کشور نباید در زمینی که دشمن مهیا می کند بازی کنند و مسئولان داخلی هم نباید با تصمیمات شتابزده نیروهای کلیدی را بدون دلیل حذف نمایند.

Mikhail Tukhachevsky



he was secretly arrested on May 22, 1937, and brought back to Moscow in a prison van



باتوجه به مطالب فوق وضعیت ارتش ایران در زمان حمله عراق به کشورمان به شرح زیر بود:

- خروج مستشاران آمریکایی، تحریم و ندادن قطعات یدکی تجهیزات نظامی از طرف آمریکا، فرار، اعدام، پاکسازی، بازنشستگی اجباری فرماندهان و پرسنل ارتش، کاهش خدمت سربازی و ... باعث فلج شدن ارتش شده بود. سپاه و بسیج هنوز بطور مطلوب سازماندهی و تجهیز نشده بودند و ... لذا ایران از نظر قوای نظامی در بدترین شرایط ممکن قرار داشت.

- ارتش فاقد فرماندهان با تجربه و متخصص در رده های بالا بود، فرماندهان جدید تجربه و علم بهره برداری از تجهیزات نوین را نداشتند و ارتش انسجام لازم را نداشت.

- آقای خامنه ای (رئیس جمهور): در آغاز حمله عراق، مسئولان کشور از وضع ارتش، توان رزمی و لجستیک آن اطلاع دقیق نداشتند، فنون جنگ را هم بلد نبودند. برای اولین بار در ستاد مشترک ارتش جمع شدیم دولت و نظامیان نمی دانستند چکار باید کرد؟ همه حالت سردرگمی داشتیم. جالب آنکه در روز اول حمله عراق حتی فرماندهان نظامی هم امکانات عظیم ارتش را نمی شناختند، از شمار سلاح ها و تعداد نفرات خبر نداشتند (حتی ۱۱ ماه بعد از جنگ از وجود برخی سلاحها خبر نداشتند).

- (آقای خامنه ای ۶۱/۰۶/۳۱): تحریم نظامی آمریکا علیه ایران باعث توقف دریافت لوازم یدکی برای تجهیزات ارتش و زمین گیر شدن آنها شد. در آغاز جنگ یک تپ ما فقط با ۱۸ تانک در مقابل ۳ لشکر مجهز عراق در منطقه دب حردان قرار داشت.

- آقای رفسنجانی (رئیس مجلس) طی مقاله ای در خرداد ۱۳۶۱ نوشت: وقتی عراق به ایران حمله می کرد ما چیزی از جنگ نمی فهمیدیم، فرماندهان ارتش از فنون جنگ کم اطلاع بودند، آمادگی لازم برای جنگیدن نداشتند همچنین وسایل و تجهیزات جنگی هم برای عملیات آماده نبود. استفاده از جنگ افزارها مستلزم نگهداری و مراقبت دائمی است. با از هم پاشیدن سازمان ارتش و صدمات وارده به آن، این مهم مورد غفلت قرار گرفته بود و حداقل ۱.۵ سال بدون مراقبت مانده بودند.

- علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه (بهمن ۱۳۶۱) طی مصاحبه با مجله دیرس در وین: زمانیکه عراق با ۱۲ لشکر مجهز در شهریور ۵۹ حمله را آغاز کرد ما حتی ۲ لشکر کامل نیز در اختیار نداشتیم. در خوزستان که مهمترین هدف تصرف عراق و بزرگترین منبع درآمد ایران بود، در شهریور ۱۳۵۹ فقط ۲۸ تانک آماده بکار وجود داشت.

آقای خامنه ای (در خطبه نماز جمعه تهران ۶۷/۰۵/۲۱ بعد از پذیرش قطعنامه): نه تنها در آغاز جنگ، ما قدرت نظامی درست و حسابی نداشتیم بلکه چهار سال بعد هم به علت نداشتن لوازم یدکی نمی توانستیم از جنگ افزارهای موجود استفاده کنیم.

- لغو قراردادهای خرید تجهیزات و وسایل نظامی، تهیه طرح فروش تجهیزات مدرن نظامی از قبیل (ناوها و ناوچه های نیروی دریائی و هواپیماهای F-14) هم اقدام شده بود. بختیار آخرین نخست وزیر شاه برای کم کردن نارضایتی مردم از صرف بودجه هنگفت برای خرید جنگ افزار، برخی از این قراردادها را لغو کرده بود.

طبق اعلام وزارت دفاع آمریکا قراردادهای لغو شده شامل:

- شانزده فروند F-16 (۳/۵ میلیارد دلار).

- هفت فروند هواپیمای پیچیده اخطار هوابرد (۱/۳ میلیارد دلار) دو فروند رزمناو (۱/۴ میلیارد دلار).

- ۲۰ فروند هواپیمای جنگنده و شناسائی (۰/۵ میلیارد دلار) ۴۰۰ فروند موشک فینکس (۱ میلیارد دلار) بوده است.

آقای رفسنجانی (رئیس مجلس در بهمن ۱۳۶۶): رژیم شاه همان ۵۷/۱۱/۱۲ سقوط کرده بود این ده روز را هم مقاومت کردند تا خیانت های خود را تکمیل کنند و قراردادهای نظامی را لغو کنند (حدود ۲۱ میلیارد دلار که به آمریکا پرداخت شده بود).

شرایط ایران و عراق قبل از شروع جنگ تحمیلی:

۲-۲- وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی:

پس از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی، کشور ما در مرحله گذار از نظام سابق و انتقال به نظام حکومت انقلابی بود.

خصوصیات مرحله گذار و انتقال:

- اقتدار درون کشور (قدرت حکومت مرکزی) اغلب کاهش پیدا می کند.

- اقتدار احزاب، گروهها و جریانات سیاسی (با شناسنامه یا بدون شناسنامه) افزایش پیدا می کند.

از ابتدای پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی، ایران در مرحله تثبیت نظام جدید، ایجاد نهادها و ساختارهای مورد نیاز نظام اسلامی بود. نظام انقلابی در حال تدوین قانون اساسی بود (بدلیل نگرانی از استبداد و دیکتاتوری رژیم های قبلی، سعی شده بود در ساختار جدید، قدرت در کشور به شرح زیر توزیع شود):

✓ رهبری (فرماندهی کل قوا و ...).

✓ رئیس جمهور (یک مقام تشریفاتی و غیر اجرایی بود).

✓ نخست وزیر (رئیس قوه مجریه بود که در سال ۱۳۷۴ با اصلاح قانون مربوطه، حذف شد).

✓ مجلس شورای اسلامی (تصویب قوانین، نظارت بر کار رئیس جمهور و وزرا، استیضاح عزل آنها و ...).

✓ مجلس خبرگان رهبری (انتخاب رهبر و نظارت بر عملکرد رهبری، ...).

بنابر این بر عکس عراق، در ایران حکومت غیر متمرکز بوده و اختیارات تقسیم شده است.

از نظر سیاسی - همه احزاب، گروهها و مردم احساس آزاد می کردند (بدون داشتن تعریف مشخصی از آزادی). چون شرایط داخل کشور تثبیت شده نبود لذا در دوران دولت موقت یک وضعیت خاصی حاکم بود (در وضعیت ارتش به برخی موارد اشاره شد). ساختار سیاسی درون کشور یک ساختار شکننده و غیر منسجم بود. در این شرایط خاص، اتفاقاتی داخل کشور افتاد که در حمله عراق به ایران تأثیر گذار بودند.

سه عامل تأثیرگذار داخلی در ترغیب صدام برای حمله به ایران:

۲-۲-۱- طرح شعار صدور انقلاب اسلامی (در زمان نامناسب و روش ناصحیح)

دنیای امروز دنیای اندیشه ها است. بعد از پیروزی انقلاب و آغاز به کار دولت موقت در خصوص نحوه اداره کشور دو اندیشه متضاد وجود داشت:

الف- مهندس بازرگان (نخست وزیر وقت)، همکارانش و برخی از مردم برای تحقق (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)، توجه اساسی به سیاست داخلی را مقدم بر سیاست خارجی می دانستند و تحقق این شعار را در برقراری حکومت قانون، ایجاد نظم و امنیت، تأمین نیازهای اولیه مردم، مشارکت هرچه بیشتر مردم در اداره کشور و بالا بردن آگاهی ملت برای تشخیص منافع ملی می دانستند. اینها معتقد بودند با تلاش و ساختن ایرانی آباد، آزاد و پیشرفته بر مبنای اصول حکومت اسلامی، الگوئی الهام آفرین برای مردم تحت ستم جهان خواهیم بود. البته این شعارها با تفکرات لیبرالها و غربگرایان دولت بازرگان سازگاری ندارد. دکتر ابراهیم یزدی (معاون نخست وزیر): سعی کنیم در امور دیگران دخالت نکنیم، فکر ایران باشیم، کشور را بسازیم، امنیت خود را حفظ کنیم. این گروه اسلام را برای ایران می خواستند.

ب- گروه دیگری به صدور انقلاب تأکید داشتند (احتمالاً بدون توجه به ابعاد حقوقی آن در عرف بین الملل).

اعضای این گروه معتقد بودند:

- اگر انقلاب در مرزهای ایران محدود شده و طرفدارانی در خارج نداشته باشد، محکوم به شکست خواهد بود.
- برای تحکیم پایه های انقلاب و حفظ آن، برقراری حکومت مشابه ایران در سایر کشورها ضروری است تا پایگاه هائی در خارج برای حمایت از انقلاب بوجود آید. این گروه ایران را برای اسلام می خواستند.

صدور انقلاب در عرف بین الملل مترادف با اقدامات زیر است:

ایجاد آشوب و شورش داخل کشور دیگر، تحریک ناراضیان داخلی آن کشور به قیام علیه دولت مرکزی، تلاش برای سرنگونی نظام حاکم و تشکیل حکومت مورد نظر، اعزام افراد آموزش دیده برای انجام اقداماتی بر خلاف مصالح دولت حاکم برای سرعت بخشیدن به صدور انقلاب، در مواردی هم اعزام نیروهای مسلح برای سرنگونی دولت حاکم است.^{۱۹} کلیه موارد فوق از مصادیق بارز دخالت در امور داخلی کشورها است. تمام کشورهای عضو سازمان ملل طبق منشور ملل متحد و حقوق بین الملل پذیرفته اند که در امور داخلی سایر کشورها دخالت نکنند.

مثالهایی از اقدامات انجام شده در خصوص صدور انقلاب اسلامی در سالهای اول پیروزی:

- فعالیت های سید مهدی هاشمی زیر نظر آیت ا... منتظری (دفتر نهضت های آزادی بخش در قم).
- حجت الاسلام مهری (امام جماعت شیعیان کویت) در کویت مطالبی را بیان می کند و بعد از آن شیعیان کویت تظاهراتی انجام می دهند، دولت کویت این اظهارات را مداخله در امور کشورش تلقی کرده و مهری و ۱۹ نفر از اعضای خانواده اش را در ۵/۰۵/۵۸ از کویت اخراج می کند. روزنامه کویتی رأی العام: تهران مایل است به نام اسلام یک امپراطوری تأسیس کند، اعراب به هیچکس اجازه نمی دهند بین آنها تفرقه انداخته و زیر لوای شعارهای دروغین در امور داخلی آنها دخالت کند.
سفیر کویت در تهران- مهر ۵۸: اگر ما مطمئن شویم ایران در کشور ما دخالت نمی کند حاضر به حمایت بی قید و شرط از ایران هستیم. اجازه بدهید مسائل کویت را خودمان حل کنیم.

- حجت الاسلام هادی مدرسی (امام جماعت شیعیان بحرین): دولت بحرین در راه فعالیت های ایشان موانعی ایجاد کرد و اظهارات مدرسی را دخالت در امور داخلی خود تلقی و ایشان را (که رهبر جنبش آزادی بخش بحرین بود) دستگیر و بعد از سلب تابعیت اخراج کرد و ایشان در تاریخ ۵۸/۰۷/۰۱ وارد ایران شد.

صدام که همواره مترصد فرصتی بود تا کشورهای عربی را از ایران دور کند و خود را حامی آنها معرفی نماید وارد عمل شد و نهایت استفاده را از این موقعیت پیش آمده (که خودمان ایجاد کرده بودیم) به عمل آورد و در مهر ۱۳۵۸ اعلام کرد:
هر کشوری که بخواهد به حاکمیت بحرین یا کویت تجاوز نماید با قدرت عراق روبرو خواهد شد.

پیامدها و عوارض اقدامات صورت گرفته (بی موقع و نپخته) در باب صدور انقلاب:

۱- کشورهای عرب منطقه را دچار نگرانی کرد (بجز عراق بقیه به ضعف نظامی خود در برابر ایران واقف بودند و بیمناک شدند).
۲- کشورهای عرب منطقه نگران امنیت داخلی و شورش مردم خود بودند. انقلاب اسلامی اشتراکات زیادی با آنها داشت و مورد توجه آنان بود. شعار نه شرقی نه غربی و اینکه آمریکا دشمن اصلی ما است (فشارهای مداخله جویانه آمریکا را حس کرده بودند). وجود حکومت های ضد ملی در کشورهای عربی که مورد حمایت شرق و غرب بودند را دچار نگرانی کرد.
۳- طرح شعار صدور انقلاب باعث دور شدن اعراب از ایران و نزدیکی آنها به عراق شد.

^{۱۹} - اقداماتی که از سال ۱۳۹۰ کشورهای استکباری غربی و دولت های مرتجع عرب در سوریه انجام می دهند و اقدامات عربستان و کشورهای

همسو در یمن از ۱۳۹۳ به بعد، نمونه ای از این فعالیت ها است.

- ۴- شعار صدور انقلاب، روابط دوستانه با کشورهای عربی خلیج فارس را به سوی تقابل با ایران سوق داد.
- ۵- وجود شیعیان در کشورهای عربی و احتمال الگوبرداری آنها از انقلاب ایران برای سرنگونی حاکمان خودکامه، عامل دیگری بود که باعث احساس تهدید از موضوع صدور انقلاب شده بود. در این کشورها حکومت دست اهل سنت بوده و شیعیان اغلب تحت ستم هستند لذا احتمال وقوع انقلاب بالا بود.
- ۶- با شعار صدور انقلاب این بهانه را به آمریکا دادیم تا در خلیج فارس حضور نظامی پیدا کند. آمریکا منتظر این فرصت طلایی بود. رابطه دوستانه اعراب با رژیم شاه باعث حفظ صلح و ثبات در منطقه بود و آمریکا بهانه ای برای حضور نظامی در خلیج فارس نداشت. آمریکا به بهانه حمایت از کشورهای حوزه خلیج فارس ناوگان خود را در منطقه تقویت کرد.
- ۷- قبل از انقلاب، دولتهای غربی بخاطر منافع حیاتی خود، کشورهای عربی را از شوروی و اسرائیل می ترساندند و آنها را به خود وابسته می کردند، بعد از انقلاب ایران هراسی جایگزین شد.
- در ابتدای انقلاب برخی مسئولین به مفهوم «صدور انقلاب» در عرف بین الملل آگاه نبودند. بعد از آگاهی، هنگام بیان این واژه توضیحاتی برای کاهش عوارض آن اضافه می کردند. امام در دیدار با مسئولان صدا و سیما^{۲۰}: ما قصد صدور انقلاب را نداریم، اینها حرف دشمنان ماست، ما دنبال صلح و آرامش در دنیا هستیم. اگر ما می گوئیم انقلاب باید صادر شود یعنی اسلام باید همه جا رشد کند. ما نیاز به دخالت نظامی در جایی نداریم.
- این اظهارات نتوانست ذهنیت همسایگان عرب ما را اصلاح کند و عوارض زیر را به دنبال داشت:
- ۸- حمایت همه جانبه غرب و اعراب از عراق در جنگ با ایران برای جلوگیری از صدور انقلاب بود.
- ۹- صدور انقلاب بهانه مناسبی برای انعقاد پیمانهای نظامی غرب با کشورهای عرب منطقه بود.
- ۱۰- عراق با توسل به شعار صدور انقلاب و به بهانه اینکه حاکمیت و استقلال آن کشور مورد تهدید قرار گرفته، توانست نظر سازمان ملل را جلب نماید که حمله به ایران در مقام دفاع مشروع از خود بوده است (تنها دلیل محکمه پسند صدام).

درست آن بود که:

شعار صدور انقلاب را در آن سالها نمی دادیم، با تلاش و مشارکت همه مردم، زیر ساخت ها، کشاورزی، اقتصاد و ... را رونق داده، برای ریشه کنی فقر و بیسوادی و ... اقدام می کردیم آنگاه ایران به عنوان یک کشور مستقل، آزاد، آباد و نمونه اسلامی به جهان اسلام معرفی می شد (خود آمریکائیان در سال ۱۳۹۱ درخواست کردند از برنامه بهداشت خانواده ایران الگو بگیرند).

انقلاب مانند یک رود خروشان راه خود را باز کرده، از موانع پیش رو عبور کرده و به راه خود ادامه می دهد. یک ایران مقتدر و با حیثیت هر انسان عاقلی را جذب خود می کرد و از عوارض زیانبار شعار صدور انقلاب در امان بودیم. در حال حاضر (مهر ۱۳۹۵) نفوذ انقلاب اسلامی ایران در اغلب نقاط دنیا دیده می شود (عراق، یمن، لبنان، سوریه، افغانستان، آمریکای لاتین، فلسطین و ...).

۲-۲-۲- اشغال لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) و گروگانگیری دیپلمات های آمریکایی:

عوامل متعددی در شکل گیری تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، دخیل و مؤثر بودند که تقریباً همه این عوامل، متأثر از عملکرد خصمانه دولت آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران بود. انواع حرکت های توطئه آمیز در سراسر کشور علیه انقلاب شکل گرفت که به گونه ای آشکار، دست آمریکایی ها در وقوع آنها دیده می شد. سفارت آمریکا عملاً به صورت یک مرکز

^{۲۰} - روزنامه اطلاعات ۶۱/۰۵/۱۷ و روزنامه صبح آزادگان ۶۱/۰۷/۰۸

جاسوسی، برای سازماندهی حرکت‌های تفرقه افکن و تجزیه‌طلبانه، درآمده بود. امام بر این مسأله واقف بودند و در تمامی سخنرانی‌ها و اعلام مواضع خودشان، طلاب و دانشجویان و جوانان را به‌هوشیاری در برابر آمریکا و ضرورت مقابله با توطئه‌های این دولت، فرامی‌خواندند.

انگیزه‌های اصلی اشغال سفارت آمریکا:

- مقابله با احتمال سلطه دوباره آمریکا بر ایران.
- اعتراض به جنایت‌های ۲۵ ساله آمریکا در ایران که به‌طور مشخص با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شده بود.
- اعتراض به حضور شاه مخلوع در آمریکا بعد از فرار از ایران.
- تثبیت جریان‌ارزشی و اصولگرا.
- مقابله با حرکت‌های کند و غیر انقلابی دولت موقت که با تفکرات لیبرالی و غربگرایانه خود، به تدریج زمینه دلسردی مردم و انقلابیون واقعی را از انقلاب و دستاوردهای آن فراهم می‌کرد. عملکرد دولت موقت سبب شد تا عده‌ای با هدف در تنگنا قرار دادن و استعفای آن، سفارت را تسخیر کنند.

تسخیر سفارت، حرکتی خودجوش، مردمی و غیر دولتی بود که عده‌ای از دانشجویان (مسلمان و غیر مسلمان) دانشگاه‌ها با هدایت آقای موسوی خوئینی‌ها انجام دادند. مردم ما، در طول سالیان حضور آمریکایی‌ها در کشورمان، هیچ‌خاطره خوشی نداشتند و تنها در ذهن آنها تحقیر و فشار، چپاول، ظلم و فساد نقش بسته بود لذا، زمینه اقدام علیه آمریکا، به‌طور طبیعی وجود داشت. گروهی موسوم به «دانشجویان پیرو خط امام» در ۱۳/۰۸/۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) سفارت آمریکا در تهران را اشغال کردند و ۵۲ نفر از کارکنان آن را گروگان گرفتند. کل گروگانها ۶۶ نفر بودند. ۱۳ نفر از گروگان‌ها بین ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ آزاد شدند (که زن یا سیاه‌پوست بودند) و یک نفر از آنها در ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۰ آزاد شد. ۵۲ نفر باقیمانده ۴۴۴ روز به عنوان گروگان در اختیار و کنترل دانشجویان بودند (نه دولت موقت). در روز اشغال سفارت، شش دیپلمات آمریکایی توانستند بگریزند (بیرون از سفارت بودند) و در سفارتخانه‌های دولت سوئد و کانادا پناه بگیرند و در نهایت در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ با گذرنامه‌های کانادایی از ایران خارج می‌شوند.

به تدریج نهادهای مدنی در ایران تشکیل می‌شود:

- ✓ در ۱۳۵۸/۰۹/۱۳ با همه‌پرسی، قانون اساسی تصویب می‌شود.
 - ✓ در ۱۳۵۸/۱۱/۰۵ انتخابات ریاست جمهوری انجام شد و بنی‌صدر رییس‌جمهور شد.
 - ✓ در ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ و ۱۳۵۹/۰۲/۱۹ انتخابات مجلس شورای اسلامی صورت گرفت و در ۱۳۵۹/۳/۷ مجلس افتتاح گردید.
 - ✓ در ۱۳۵۹/۶/۱۹ مجلس به کابینه شهید رجایی رأی اعتماد داد (۱۲ روز قبل از آغاز رسمی جنگ عراق علیه ایران).
- بعد از شکل‌گیری بخشی از ساختارهای حکومتی، در ۵۹/۰۶/۱۸ یکی از کارکنان سفارت آلمان در واشنگتن به Edmund muskie (وزیر خارجه) و Warren Christopher (معاون او) اطلاع می‌دهد که یک مقام عالی‌رتبه ایرانی تمایل دارد با مقامات آمریکایی بطور محرمانه ملاقات و در باره حل بحران گروگانها مذاکره کند. صادق طباطبائی (برادر زن حاج احمد آقا) برای مذاکره با آمریکا انتخاب شده بود (به احتمال قوی با موافقت امام و دفتر ایشان). امام در ۱۳۵۹/۰۶/۲۱ طی سخنرانی فرمودند: در صورت تعهد آمریکا به عدم دخالت در امور داخلی ایران، احترام به حاکمیت و استقلال آن و استرداد کلیه اموال و دارائی‌های توقیف‌شده ایران، برای مذاکره در باب آزادی گروگانها موافق است. آمریکا Warren Christopher (از حقوقدانان برجسته) را همراه عده‌ای به بن‌اعزام کرد. از ۲۵ تا ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ طباطبائی با هیئت آمریکایی مذاکره کرد. هیئت

آمریکائی موافقت کرد ۵۰ میلیون دلار اسلحه و لوازم یدکی به ایران تحویل دهد. کارتر در حال رقابت با ریگان برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (۵۹/۰۸/۱۳) بود. او برای پیروزی، به تصمیم ایران برای آزادی گروگانها نیاز مبرم داشت. کارتر بعد از حمله عراق به ایران (با آگاهی از نیاز فراوان ایران) در ۵۹/۰۷/۰۹ مبلغ توافق شده ۵۰ میلیون دلار را به ۱۵۰ میلیون دلار افزایش داد. در ۵۹/۰۷/۲۶ شهید رجائی طی مصاحبه ای در سازمان ملل اعلام کرد: مجلس ایران بزودی شرایط آزادی گروگانها را تعیین خواهد کرد. گفتن همین جمله باعث شد مقامات آمریکا موارد زیر را اعلام نمایند:

در ۵۹/۰۷/۲۶ کارتر گفت: نیروهای عراقی بیشتر از هدف نهائی که صدام اعلام کرده بود جلو رفته اند و من اکیداً میل دارم نیروهای مهاجم عقب نشینی کنند. آقای E.maskie گفته بود: حمله نظامی به ایران ثبات منطقه خلیج فارس را تهدید کرده است و اراضی یک کشور نباید با زور تصرف شود. ایشان در ۵۹/۰۷/۲۷ اعلام کرد: امید معقولی است پس از آزادی گروگانها تحریم اقتصادی ایران لغو شود. در ۵۹/۰۷/۲۸ کارتر در یک سخنرانی انتخاباتی اعلام کرد: اگر گروگانها آزاد شوند دارائیهای ایران را آزاد و تحریم اقتصادی ایران را لغو خواهد کرد. در ۵۹/۰۸/۰۱ مک هنری نماینده آمریکا در جلسه شورای امنیت سخنرانی کرد و برخلاف جلسات قبلی، آشکارا از ایران جانبداری کرد و صراحتاً بیان داشت «ما عمیقاً علاقه مند هستیم که این درگیری^{۱۱} طبق اصول و حقوق بین الملل حل شود». او خطاب به شورا گفت: شورا باید با جدیت کامل به ایران و عراق کمک نماید تا آتش بس را برقرار نموده، عقب نشینی را شروع کرده و با همدیگر مذاکره نمایند. همه ما باید مخالف تجزیه ایران باشیم، آمریکا معتقد است همبستگی و ثبات ایران به نفع ثبات و پیشرفت تمام منطقه است. امروز تمامیت ارضی ایران با تهاجم عراق مورد تهدید قرار گرفته است (چنین جانبداری از ایران بعد از انقلاب توسط آمریکا بی سابقه است).

یک وعده کلی از طرف رئیس جمهوری ایران (شهید رجایی) و این همه واکنش های مثبت از طرف بالاترین مقامات رسمی آمریکا. زمان به سرعت می گذشت، خبری از آزادی گروگانها نشد لذا کارتر در ۵۹/۰۸/۰۶ (یک هفته قبل از انتخابات) اعلام کرد، اگر گروگانها آزاد شوند، کلیه تجهیزات متعلق به ایران که پول آنها را پرداخت کرده تحویل خواهیم داد. شدت نیاز کارتر به حل بحران گروگانها قبل از انتخابات بحدی بود که مجدداً اعلام کرد بعد از آزادی گروگانها: ۱۲ میلیارد دلار بلوکه شده را آزاد کرده، تحریم اقتصادی را لغو می کند، کلیه تجهیزات خریداری شده را تحویل می دهد و از همه مهمتر در شورای امنیت از ایران جانبداری می کند. تا کنون فرصتی در تاریخ پیش نیامده است که بالاترین مقامات یک ابرقدرت مستکبر و مغرور، با چنین وضعیتی به ایران التماس کنند و ابتکار عمل در دست ایران باشد. ایران گروگانها را آزاد نکرد، کارتر در انتخابات شکست خورد و ریگان پیروز شد. ایران این فرصت طلائی را که دیگر هرگز بدست نیامد از دست داد. سرانجام (۷۷ روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا) در ۵۹/۱۰/۳۰ (همزمان با ادای سوگند ریگان) ایران گروگانها را با شرایطی تأسف بار، بدون گرفتن هیچگونه امتیازی و با تحمل خسارات فراوان که به زیان ایران بود و هیچ دستاوردی برای ایران نداشت آزاد کرد. بهزاد نبوی (وزیر مشاور دولت شهید رجائی و مسئول مذاکرات آزادی گروگانها) توافقتنامه الجزایر را امضاء کرد (تشبیه کار ایشان به قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله^{۲۲}).

^{۱۱} - شورای امنیت برای حمایت از عراق و متجاوز نشناختن آن هیچگاه کلمه جنگ را در عنوان دستور جلسات خود بکار نبرد.

^{۲۲} - پیمانی که در ۱۹۱۹ میلادی پس از ۹ ماه مذاکره پنهانی میان دولت بریتانیا با و ثوق الدوله صدراعظم احمدشاه قاجار و با پرداخت ۴۰۰ هزار تومان رشوه منعقد شد. به موجب این قرارداد، انگلیس، زمام امور مالی، اقتصادی و ارتش ایران را در دست می گرفت. تعرفه گمرکی نیز به سود بریتانیا تغییر می یافت. موجی از مخالفت در داخل و خارج از کشور (آمریکا و فرانسه) علیه این قرارداد ایجاد شد، و سرانجام این معاهده، به علت فشار شدید افکار عمومی و مغایرت آن با قانون اساسی مشروطه، عملی نشد و پس از برکناری و ثوق الدوله، لغو گردید.

پیامدها و عواقب دراز مدت اشغال سفارت، گروگانگیری دیپلمات های آمریکایی و سوء مدیریت این ماجرا برای ایران: تصرف سفارت آمریکا بر خلاف اصول فرهنگ ایرانی، اسلامی و قوانین بین المللی و دیپلماتیک بود. طبق قوانین و حقوق بین الملل، سفارتخانه هر کشور حکم سرزمین آن کشور بوده و حفاظت از آن به عهده کشور میزبان است. کارکنان سفارت مصونیت دیپلماتیک داشتند ولی زندانی شدند. گروگان گرفتن کارکنان سفارت (گرچه آنها اعمال غیر دیپلماتیک انجام داده بودند) پیامدهای زیانباری به شرح زیر برای ایران داشت:

۱- اولین رویارویی شورای امنیت با ایران- در ۵۸/۰۹/۱۳ شورای امنیت طی قطعنامه ۴۵۷ و در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ طی قطعنامه ۴۶۱، دولت ایران را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری گروگانها شد. با خودداری ایران از آزادسازی گروگانها، شورای امنیت در ۵۸/۱۰/۲۳ قطعنامه تحریم اقتصادی ایران را به رأی گذاشت ولی با توی شوروی تصویب نشد. دیوان دادگستری لاهه و عموم کشورها گروگانگیری را محکوم کردند. بهزاد نبوی: هیچ کشوری در دنیا از ایران حمایت نکرد و حرکت دانشجویان را تأیید نکرد (مسعود رجوی و سازمان منافقین این اقدام را تأیید کردند).

۲- قطع رابطه سیاسی آمریکا با ایران- ایران با وجود محکومیت و فشار دولتها و افکار عمومی جهان، گروگانها را آزاد نکرد. انتشار عکس آنها با دست ها و چشمان بسته، اتهام جاسوسی به همه ۵۲ نفر، تهدید به محاکمه و مجازات آنها، اعتراض و خشم مردم آمریکا علیه ایران را برانگیخت (شدیدتر از خشم آنان در قبال حمله ژاپنی ها در جنگ جهانی دوم به بندر پرل هاربور). کارتر بعد از عدم موفقیت در آزادی گروگانها (ناامید شدن از حل مشکل از طریق دیپلماتیک)، تحت فشار مداوم مردم و رسانه های آمریکا در ۱۳۵۹/۰۱/۱۸ رابطه سیاسی با ایران را قطع کرد. چون نفس گروگانگیری برخلاف موازین بین المللی و عامل نگرانی اغلب کشورها بود، اقدام آمریکا بازتاب جهانی گسترده ای داشت. بخش مهم سیاست خارجی (رابطه با آمریکا و اروپا) به دست جوانانی سپرده شده که فاقد تجربه در سیاست خارجی و روابط بین الملل بوده، هیچگونه مسئولیت رسمی نداشته و با احساسات ملتهب خود، ملت ایران را با رویدادی خلاف روابط بین الملل روبرو ساختند که هنوز هم تاوان آن را می پردازیم (برخلاف قوانین سازمان ملل، آمریکا در فروردین ۱۳۹۳ از صدور ویزا برای آقای ابوطالبی نماینده معرفی شده دولت آقای روحانی در سازمان ملل خودداری کرد تا اینکه بعد از حدود ۱۲ ماه (۹۳/۱۱/۸) ایران مجبور شد آقای غلامعلی خوشرو را برای این سمت معرفی نماید). همچنین طرد ایران از جوامع غربی که تا به امروز نیز ادامه دارد.

۳- وضع نخستین تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران- قطع رابطه سیاسی همراه با تحریمهای اقتصادی آمریکا و اروپا که از زمان گروگانگیری آغاز شده بود، بر وخامت اوضاع اقتصادی و فشار بر مردم ایران افزود.

۴- پیدایش سالها دشمنی آمریکاییان علیه ایران.

۵- ضبط و مصادره میلیاردها دلار اموال ایران در خارج از کشور (بیش از ۲۱ میلیارد دلار).

۶- نفس عمل گروگانگیری، نشانه بارز پراکندگی قدرت و نبود وحدت و مدیریت در اداره کشور بود. «گروهی دانشجو بدون اطلاع دولت، شورای انقلاب، حتی بدون اطلاع و هماهنگی با امام این حرکت را انجام می دهند». در جلسه دانشجویان قبل از حمله به لانه جاسوسی، عنوان شد که ما این کار را به عنوان اعتراض به عمل آمریکا، انجام خواهیم داد و اگر -احیاناً- حضرت امام با این کار مخالف باشند، قطعاً تبعیت می کنیم و جریان را خاتمه می دهیم و اگر ایشان تأیید فرمودند برای ما وضعیت بسیار ایده آلی پدید می آید. اصلاً قرار نبود بحث تسخیر سفارت، تا این مدت طول بکشد. برنامه دانشجویان برای چندساعت و در نهایت، یکی دو روز بود. هدف آنها جمع کردن نمایندگان رسانه های بین المللی بود، به صورتی که این خبر در دنیا انعکاس پیدا کند و اعتراض دانشجویان (به عنوان نمایندگان ملت ایران) به گوش جهانیان برسد.

در واقع، ابعاد ماجرای که انجام شد به هیچ وجه برای دانشجویان قابل پیش بینی نبود». اعضای شورای انقلاب (که بعد از استعفای دولت موقت اداره امور کشور را به عهده داشت) با گروگانگیری مخالف بودند (عزت... سحابی عضو شورا) و آنها با وجود تلاشهای فراوان برای آزادی گروگانها توفیق نیافتند. بازرگان: قدرت تعدادی جوان غیر مسئول بیشتر از دولت قانونی و مسئول است. این نشانگر ملوک الطوائفی اداری، پراکندگی قدرت و تعدد مراکز تصمیم گیری است.

۷- حمله آمریکا به طبس - علی رغم اینکه مردم آمریکا بخاطر تلفات سنگین در جنگ ویتنام:

- با هرگونه دخالت نظامی آمریکا در هر نقطه جهان مخالف بودند.

- نمایندگان کنگره نیز برای همراهی با نظر مردم، بودجه نظامی را کاهش دادند و ...

ولی با وجود این احساس ضد جنگ در آمریکا، بعد از گروگانگیری، برای اولین بار مردم آمریکا خواهان اقدام نظامی علیه ایران شدند، ۵۰ نفر از نمایندگان کنگره در دیماه ۱۳۵۸ از کارتر رئیس جمهور خواستند برای آزادی گروگانها به جنگ متوسل شود (ولی او هنوز به راههای مسالمت آمیز امیدوار بود). ایران باید این خواست جامعه آمریکا را جدی می گرفت چون رئیس جمهور و نمایندگان کنگره بخاطر نیاز به رأی مردم در انتخابات ممکن بود تسلیم خواست مردم شوند. کارتر گفت: مقامات ایران نمی خواهند یا نمی توانند گروگانها را آزاد کنند (تعدد مراکز تصمیم گیری). پس از شکست دولت کارتر در آزادسازی گروگانها از کانالهای دیپلماتیک، یگان ویژه دلتا فورس نیروهای مسلح آمریکا، مأموریت پیدا کردند گروگانهای آمریکایی را در یک عملیات کماندویی آزاد کرده و به آمریکا بازگردانند. تصمیم آمریکا برای حمله به طبس دو روز بعد از اشغال لانه جاسوسی و در ۱۳۵۸/۰۸/۱۵ اتخاذ و طرح عملیات تهیه شده بود و در ۵۹/۰۱/۰۲ به تصویب نهائی رسید (۵ ماه روی این طرح کار شده بود). آمریکا در ۱۳۵۹/۲/۴ با عملیات نظامی به طبس حمله کرد. حمله به طبس با شکست مواجه شد و سرافکنندگی دیگری برای آمریکا رقم خورد. برای آمریکا دشوار بود طرح حمله دیگری تهیه کند چون اگر بازم شکست می خوردند، مورد انتقاد شدید مردم و حزب رقیب قرار می گرفتند و انتخابات بعدی را از دست می دادند (گروگانها هم در شهرهای مختلف و نامشخص تقسیم شده بودند و انجام عملیات در چند نقطه برای آمریکا مشکل بود). به علت عدم انسجام دولت و ارتش در ایران، مسئولان نظام اسلامی، زمانی از واقعه طبس آگاه شدند که شب بعد کارتر در تلویزیون ظاهر شد و نتیجه عملیات را به مردم آمریکا اعلام کرد. ایران باید در این زمان درک می کرد که رئیس جمهور آمریکا تا چه حد تحت فشار است که حاضر شده به عملیات نظامی دست بزند.

۸- طراحی کودتای نقاب و حمایت از آن توسط آمریکا - چون عملیات طبس با شکست مواجه شد، حداقل یکی از اهداف مهمی که آمریکا از کودتای نقاب انتظار داشت، آزادسازی گروگانهای آمریکایی بود.

۹- تشویق صدام برای حمله به ایران و حمایت همه جانبه از عراق در جنگ تحمیلی - چون عملیات طبس با شکست مواجه شد (کودتای نقاب هم که ناکام ماند)، آمریکا راه دیگری را در پیش گرفت، «باید کاری کرد که مسئولان ایران قدرت خود را در خطر بینند و برای حفظ قدرت خود ناچار به آزاد کردن گروگانها شوند». گزینه بعدی آمریکا تشویق صدام به تجاوز نظامی به ایران و به خطر انداختن مرکز قدرت مسئولان بود (طبق اسناد محرمانه آمریکا که در ۱۳۹۵/۷/۳ از طبقه بندی خارج شده، دو ماه بعد از گروگان گیری دیپلماتهای آمریکا در تهران، جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا دستور تحریک صدام به اشغال جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس را صادر کرده بود). حمله به طبس، چراغ سبز آمریکا به صدام برای حمله به ایران بود.

اثرات مثبت اشغال سفارت آمریکا در داخل ایران:

- باعث قطع رابطه کامل و خروج آمریکا از ایران شد (تعبیر امام از این واقعه به انقلاب دوم بدان علت است که انقلاب اول در بهمن ۱۳۵۷ دیکتاتور داخلی را از ایران اخراج کرد و انقلاب دوم باعث خروج استکبار جهانی از ایران شد).
 - بحران گروگانگیری باعث شفاف شدن مواضع گروهها و نیروهای داخلی انقلاب و سقوط دولت موقت شد.
 - حامیان امام خمینی گام بزرگی به سوی تحکیم پایه‌های انقلاب و ایجاد حکومت اسلامی برداشتند. آنها گروگانگیری را ادامه دادند تا لیبرالها، غربگرایان و میانه‌روها را تضعیف و قانون اساسی مد نظرشان را به تصویب برسانند. بحث و مجادله در مورد قانون اساسی، با این ادعا که چنین بحثهایی اکنون خائنانه است، رنگ باخت.
- در داخل کشور از این اتفاق بیشتر برای تسویه حساب بین افراد و جریانات سیاسی استفاده شد (گروگانگیری، برخی از رادیکال‌ترین چهره‌های بنیادگرایان را در مرکز عرصه سیاسی ایران قرار داد و صدای عناصر میانه‌رو را خاموش ساخت).

آیا به اهداف مورد نظر از اشغال سفارت آمریکا رسیدیم؟

آمریکا دست از توطئه علیه ایران برداشت و پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، سفارت کانادا با درخواست جیمی کارتر به مرکز فعالیت‌های جاسوسی سازمان سیا تبدیل شد. کن تایلر که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ سفیر کانادا در تهران بود، گفته که وی عملاً به مسئول اطلاعاتی شماره یک آمریکا در ایران تبدیل شده بود و اطمینان داشت که مقامات ایرانی به فعالیت‌های سری وی پی نخواهند برد و بدین ترتیب آمریکا از کانالهای دیگر همچنان به جاسوسی از ایران و طراحی توطئه‌های مختلف علیه کشورمان ادامه داد.

چند اقدام مشابه (حمله به سفارت) و عملکرد دولت‌ها:

۱- طی اقدامی مشابه، در ۱۰/۲/۱۳۵۹ عده‌ای به سفارت ایران در لندن حمله می‌کنند (۱ نفر را کشته و ۲۰ نفر را گروگان می‌گیرند). پلیس لندن با حمله به مهاجمین تمام گروگانها را آزاد می‌کند. بنی صدر طی نامه‌ای برای ماگارت تاچر از پلیس تشکر می‌کند که با مهارت، جان فرزندان بسیار عزیز ایران را نجات داده است.

۲- در روز پنجشنبه مورخه ۹/۹/۹۱ منافقین به دیوارهای بیرونی سفارت ایران در برلین حمله کردند. وزیر امور خارجه آلمان بلافاصله در نیمه شب، طی تماس تلفنی با آقای علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران، از قصور پلیس آلمان در حفاظت از سفارت ایران عذر خواهی کرد. آقای وستروله ضمن عذرخواهی رسمی از این حادثه، گفته است که دولت آلمان حفاظت از سفارت و سرکنسولگری ایران در آلمان را وظیفه خود می‌داند و اجازه نمی‌دهد این حادثه تکرار شود.

صالحی با تأسف بار خواندن تعرض به سفارت ایران، گفت: "انتظار ما از دولت و پلیس آلمان این بود که از وقوع این حادثه جلوگیری نموده و وظیفه خود را به خوبی انجام می‌داد." صالحی حمله به سفارت ایران را "اقدامی زشت" خوانده و خواستار "رسیدگی جدی به این مساله و محاکمه عوامل دخیل" در آن شد.

۳- پس از حمله به مراکز دیپلماتیک بریتانیا در تهران در سال ۱۳۹۰، آقای وستروله در گفتگویی با آقای صالحی، مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از مراکز دیپلماتیک را به او یادآور شده و وزیر خارجه ایران نیز از آن حمله ابراز تأسف کرده بود.

هشتم آذر ۱۳۹۰، جمعی از دانشجویان تجمعی در "اعتراض به سیاست‌ها و رفتارهای خصمانه انگلیس در مقابل سفارت این کشور در تهران برگزار کردند. تعدادی با عبور از سد نیروهای پلیس وارد سفارت شده و با پایین کشیدن پرچم انگلیس، پرچم ایران را به اهتزاز درآوردند. گرچه برخی این اقدام دانشجویان را نتیجه طبیعی سیاست‌های خصمانه آن کشور تعبیر کردند، اما این حرکت با انتقاد رهبر انقلاب و رئیس جمهور وقت مواجه شد؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ۱۷ مرداد ۱۳۹۱ هزاران

نخبه و فعال دانشجویی فرمودند: "در قضیه اخیر اشغال آن سفارت خبیث، احساسات جوانان درست بود ولی رفتن شان به داخل سفارت درست نبود... با وجود مواضع کاملاً روشن نظام در این زمینه (مجموعه‌های استبدادی منطقه)، نباید با کار دیپلماسی سنتی و متعارف مخالفت شود". به خاطر اشغال سفارت، دولت انگلیس در ۱۳۹۰/۹/۱۵ درخواست پرداخت خسارت یک میلیون پوندی توسط ایران نموده است. سفارت دو کشور (بعد از ۴ سال قطع رابطه) بطور همزمان در ۲۳ اوت ۲۰۱۵ (اول شهریور ۱۳۹۴) در سطح کاردار مقیم بازگشایی شد.

۲-۲-۳- عدم تحرک وزارت امور خارجه ایران

وزارت خارجه طی پاکسازی های اوایل انقلاب، آسیب های فراوانی دید (تا ۵۸/۱/۶ حدود ۲۴۱ نفر سفیر و ... برکنار شدند). افرادی بدون داشتن تجربه دیپلماتیک و دانش سیاسی به وزارت خارجه وارد شدند. وزارت خارجه زمانی از هم پاشید که مصلحت کشور، مردم و نظام اسلامی ایجاب می کرد که این وزارت فعالترین و مؤثرترین وزارتخانه در کشور و سطح بین المللی باشد.

قبل از انقلاب، رژیم شاه: روابط بین المللی گسترده ای با اغلب کشورها داشت و ایران از موقعیت ممتازی در جهان برخوردار بود. در اوایل انقلاب لازم بود: افراد با تجربه سیاسی به کشورهای دیگر رفته و اصول سیاست خارجی نظام اسلامی را تبیین نمایند. هرگونه ابهام و نگرانی آنها را برطرف نموده، روابط مسالمت آمیز (بخصوص با همسایگان) را تقویت نمایند (سپس در داخل کشور به ساختن و آبادانی مشغول شوند). ولی در عمل و بخاطر ضعف و نابسامانی وزارت خارجه:

- هیچ هیئتی از طرف وزارت امور خارجه با این هدف به خارج از کشور اعزام نشد و ابتکار عمل را از دست داد.
- افراد غیر مسئول و ناآگاه به سیاست، در خصوص روابط با کشورهای دیگر اظهارات نسنجیده می کردند که بر مشکلات سیاست خارجی می افزود (سفیر کویت در ایران: گفتن برخی مطالب توسط بعضی اشخاص غیر مسئول درباره کشورهای حوزه خلیج فارس، مانع بزرگی در برقراری روابط حسنه با این کشورهاست).

- تعدد مراکز قدرت برای تصمیم گیری در روابط خارجی: در ۶۴/۰۱/۱۸ دبیرکل سازمان ملل (خاویر پرز دکوئیار) برای خاتمه دادن به جنگ شهرها وارد تهران شدند. او ناچار می شود با رئیس جمهور (آقای خامنه ای)، رئیس مجلس (آقای رفسنجانی)، نخست وزیر (آقای موسوی) و وزیر امور خارجه (آقای ولایتی) جداگانه دیدار کند.

- رفتن افراد بدون هیچ مأموریتی از طرف دولت یا داشتن مقام رسمی به خارج از کشور و مذاکره با مقامات خارجی.
معاون وزیر امور خارجه می گوید حتی ۱۰ سال بعد از انقلاب، هرکس با هر نوع پاسپورتی می تواند از مرز خارج شود، با هر مقامی تماس بگیرد و هر حرفی بزند و ما تسلطی بر این امور نداریم (کیهان هوائی ۶/۰۷/۰۶). واضح است که در سالهای حساس قبل از حمله عراق به ایران که بایستی وزارت خارجه آگاه، مقتدر و فعال باشد با چه اوضاعی روبرو بوده است.

- عراق قبل از حمله سراسری (۱۳۵۹/۶/۳۱) دفعات زیادی به تمامیت ارضی ایران تجاوز کرده (۷۳۶ مورد) بود ولی در اکثر موارد توسط وزارت امور خارجه ایران اعتراض و شکایتی به عراق و سازمانهای بین المللی صورت نگرفته بود.

- بعد از حمله سراسری عراق، بایستی وزارت خارجه به شورای امنیت شکایت کرده و تقاضای جلسه فوری می کرد. طبق بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی است. با عدم تحرک وزارت خارجه ایران، نمایندگان مکزیک و نروژ (عضو شورای امنیت بودند) برای رسیدگی به جنگ ایران و عراق، تقاضای تشکیل جلسه دادند. جلسات شورا در ۴ و ۶ مهرماه ۱۳۵۹ تشکیل شد (رویه معمول آن است که نماینده کشوری که مورد تجاوز واقع شده، چگونگی تجاوز را مشروح و مستدل به اعضای شورای امنیت اطلاع داده و تقاضای محکومیت متجاوز را بنماید). وزارت

خارج نماینده ای به این جلسات اعزام نکرد. حتی دبیرکل سازمان ملل طی تماس تلفنی از نماینده ایران می پرسد آیا می خواهید جلسه تشکیل شود؟ ایشان پاسخ منفی می دهند. دبیرکل همین سؤال را با وزارت امور خارجه ایران مطرح می کند و همین جواب را می شنود.

در مقابل نماینده عراق فعالانه شرکت کرد و مطالب زیادی علیه ایران در ذهن اعضاء جای داد. در پایان جلسه، شورای امنیت قطعنامه ۴۷۹ را (که حقوق مسلم ایران و حتی مواد منشور ملل متحد را نادیده گرفته بود) به سود عراق تصویب کرد. در جلسات شورای امنیت برای رسیدگی به جنگ ایران و عراق در (۲۳ و ۲۵ مهر ۱، ۲ و ۷ آبانماه ۱۳۵۹) نماینده ایران شرکت کرد. بعد از این تاریخ تا ۱۳۶۷/۴/۲۴ نماینده ایران در جلسات مربوطه در شورای امنیت شرکت نکرد، حتی در جلسه بسیار مهم و سرنوشت ساز ۱۳۶۶/۰۴/۲۹ که برای نخستین بار هفت وزیر امور خارجه در آن حضور داشتند (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین و امارات متحده عربی و جانشین وزیر خارجه ژاپن). در این جلسه قطعنامه ۵۹۸ تصویب گردید. نماینده عراق در این جلسه و تمام جلسات در طول ۸ سال جنگ، فعالانه شرکت کرد و در میدانی که مسئولان وزارت خارجه برای عراق خالی کرده بودند، هر مطلبی را علیه ایران بیان کرد بدون اینکه نگران پاسخ نماینده ایران باشد. پس از حدود ۸ سال بی اعتنائی به شورای امنیت، با سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو u.s.s.vincens در ۱۳۶۷/۰۴/۱۲، ناگهان وزارت خارجه ایران از شورای امنیت تقاضای تشکیل جلسه فوری نمود.

عدم ثبات در وزارت خارجه به گونه ای بود که در کمتر از یک سال چهار وزیر خارجه عوض می شود (دکتر سنجابی، یزدی، بنی صدر و قطب زاده). بنی صدر در ۵۹/۰۷/۱۵ اعلام کرد: وزارت خارجه عملاً تعطیل است و مثل همیشه ما در سخت ترین مواقع، برای حساس ترین پستها، کم مایه ترین و کم استعدادترین افراد را گمارده ایم و باید نتایج آنرا هم تحمل کنیم. آقای رفسنجانی (دیماه ۱۳۶۰- مصاحبه با مجله پاسدار اسلام): وزارت خارجه از اول انقلاب تا این اواخر فلج بود.

در سالهای مهم و حساس پیروزی انقلاب باید وزارت خارجه موارد زیر را بدقت انجام می داد:

- خنثی کردن تبلیغات گسترده غرب علیه انقلاب اسلامی ایران.
- مقابله با تبلیغات دولت عراق که قصد بدنام کردن ایران و دور کردن کشورهای عربی از ما بود.
- توضیح و تشریح مقاصد و سیاست های نظام اسلامی.

هنوز هم (سال ۱۳۹۸) بعد از گذشت ۴۰ سال، ساختار، اهداف، فعالیت ها و عملکرد وزارت خارجه در شأن و طراز جمهوری اسلامی ایران نیست (انفعال نسبت به عملکرد کشورهای اروپایی و آمریکا، غربگرایی، تفکر لیبرالی، عدم ارتباط مناسب با کشورهای جبهه مقاومت و ضد استکباری، عدم اصلاح و بهبود روابط با برخی همسایگان و ...).

۲-۳- وضعیت ایران از نظر اقتصادی - «اوضاع اقتصادی ایران قبل از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی»

۲-۳-۱- اقتصاد ایران قبل از انقلاب- توسعه اقتصادی قبل از انقلاب طی سه برنامه از ۱۳۲۸ لغایت ۱۳۴۶ طراحی گردید. با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ رشد صنعت پیشرفت خاصی نکرد، وابستگی به خارج در صنعت، کشاورزی، خدمات، بهداشت و ... افزایش یافت. همچنین واردات کالا و مصرف عمومی افزایش یافت. در این دوران ایران از جانب آمریکا و با حمایت آنها ژاندارمی منطقه را به عهده داشت و برای اجرای این سیاست، سهم هزینه های دفاعی در بودجه کل کشور در فاصله سالهای ۵۷-۱۳۵۲ بطور قابل توجهی افزایش یافت (در مقایسه با دوره های قبل و بعد از آن). در این دوره سهم هزینه های دفاعی ۳۳/۳ درصد کل بودجه دولت بود. قبل از دهه ۱۳۵۰ درآمدهای نفتی حدود ۵۰ درصد درآمدهای دولت را تشکیل می داد، اما در بازه زمانی ۵۷-۱۳۵۲ به حدود ۷۵/۲ درصد رسید.

۲-۳-۲- اقتصاد ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۵۹)

از نیمه دوم سال ۱۳۵۶ (با افزایش اعتصابات و هرج و مرج ناشی از انقلاب و ...) رکود بر اقتصاد ایران حاکم شد. بعد از سرنگونی رژیم شاه، اغلب متغیرهای اقتصادی وضعیت نامطلوب پیدا کرد و حجم و اندازه دولت بطور بی سابقه ای گسترش یافت. با تصویب قانون اساسی (براساس اصول سوم، ۲۹، ۳۰، ۴۴ و ...) سهم و نقش دولت در اقتصاد افزایش یافت (ملی شدن بانکها، بیمه ها، دولتی شدن مالکیت برخی واحدهای اقتصادی، مصادره اموال و ...). در کشورهای در حال توسعه نفت خیز، دخالت دولت در اقتصاد محرز است. یکی از معیارهای میزان دخالت دولت در اقتصاد (نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص داخلی است).

نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص داخلی در ۱۳۴۵	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۶
۲۲ درصد	۳۳/۶ درصد	۵۱ درصد	۴۸/۷ درصد

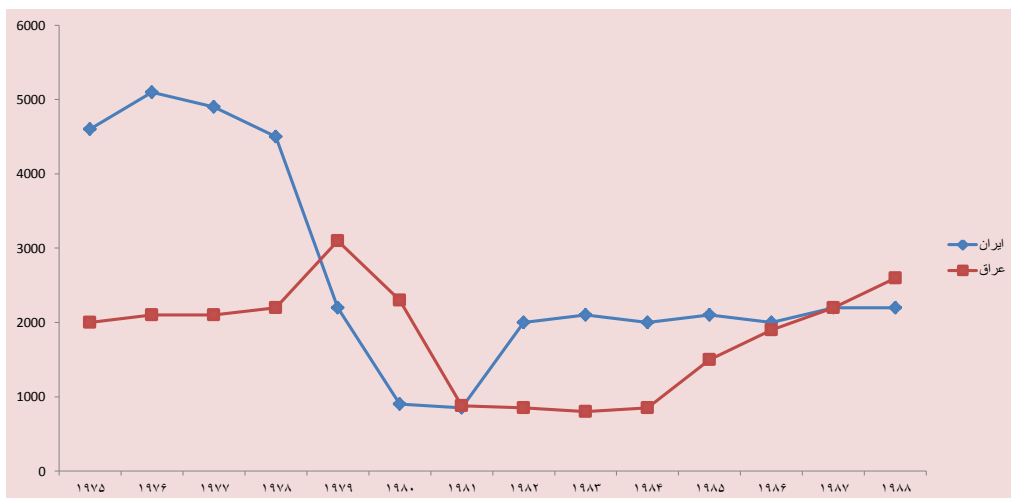
کسری بودجه دولت	۶۰۸/۹ میلیارد ریال	۹۷۲/۵ میلیارد ریال
سال	۱۳۵۷	۱۳۵۹

سهم و هزینه امور دفاعی از کل هزینه های دولت در سال های جنگ تحمیلی (برای مقایسه با قبل از انقلاب):

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
کل هزینه های دولت در امور دفاعی - میلیارد ریال	۳۷۵	۳۲۵.۸	۳۳۴.۵	۳۳۰	۳۶۰	۴۸۰.۲	۴۷۰.۲	۴۶۰.۷	۵۲۵.۹
سهم امور دفاعی در کل هزینه های دولت - درصد	۱۶.۳	۱۲	۱۰.۵	۹	۱۰.۷	۱۴.۵	۱۴.۹	۱۲.۶	۱۲.۵

صدور نفت	سال ۱۳۵۶	۱۳۵۸	۱۳۵۹
میزان (میلیون بشکه)	۴/۸	۲/۴	۰/۷۹۶
قیمت هر بشکه (دلار)	۱۳/۴۶ دلار	؟؟؟؟	۳۷ دلار

صادرات نفت خام ایران و عراق - هزار بشکه در روز



منبع: Opec Annual Statistical Bulletin, 2005

- یکی از اهداف انقلاب، کاهش وابستگی به خارج و مصرف کالاهای خارجی بود. سعی شد واردات کالاهای مصرفی، لوکس و غیر ضروری کاهش یابد ولی بدلیل کاهش تولید داخلی این امر میسر نشد.

ارزش واردات کالاهای مصرفی	۲۱۱۴ میلیون دلار	۲۵۵۹	۲۸۹۹
سال	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹

چون دولت انقلابی سعی داشت بر طبقات محروم فشار اقتصادی کمتری وارد شود، لذا یارانه های زیادی پرداخت می شد:

سال	۱۳۵۷	۱۳۵۸
یارانه قند و شکر	۴/۴ میلیارد ریال	۱۲ میلیارد ریال
یارانه گوشت	۱۰/۱ میلیارد ریال	۱۷/۵ میلیارد ریال

نرخ تورم قبل از آغاز جنگ به شرح جدول زیر بود:

تورم	۸/۵٪	۲۳/۵٪
سال	۱۳۵۷	۱۳۵۹

مهمترین مشکلات اقتصادی ایران در سال ۱۳۵۹:

- کاهش استخراج، صادرات، مشکل فروش نفت در بازارهای جهانی و کاهش قیمت آن و تضعیف بنیه اقتصادی ایران.
 - تحریم های اقتصادی و معلق ماندن قراردادهای تجاری با کشورهای غربی که در زمان پهلوی منعقد شده بود.
 - بلوکه شدن دارایی های ایران در بانک های آمریکا.
 - حرکت کند چرخ های اقتصادی کشور به دلیل عدم امکان تهیه و خرید مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز صنایع، اعتصابات و اغتشاشات گروه های چپ در محیط های کارگری.
 - وضعیت نابسامان بانک ها، بدهکاران فراری (بسیاری از وابستگان رژیم شاه بدهی های کلانی به بانک های کشور داشتند و فراری شدند، خالی بودن خزانه دولت به دلیل غارت و انتقال دارایی های کشور به خارج توسط خانواده سلطنتی و ...).
 - عدم پیش بینی راه حل اقتصادی متناسب با استراتژی عدم وابستگی به شرق و غرب.
- به دلیل شرایط خاص بعد از انقلاب و نابسامانی اوضاع داخلی در دوران گذار (نبود دولت مقتدر، فرار برخی متخصصین و صاحبان سرمایه به خارج از کشور، برخورد نامناسب با سرمایه داران در داخل کشور و ..) اقتصاد و تولید فعال نبودند و در آغاز جنگ وضعیت اقتصادی مناسبی نداشتیم.

۲-۴- وضعیت ایران از نظر روابط بین الملل:

در آغاز جنگ تحمیلی، با آمریکا و همپیمانان این کشور، اروپا، برخی کشورهای عربی، برخی اعضای بلوک شرق و ... قطع رابطه بودیم (در مباحث مربوط به وقوع انقلاب و پیامدهای آن، اشغال لانه جاسوسی، شعار صدور انقلاب، شعار نه شرقی نه غربی و ... به طور مفصل بیان شد).

در جمع بندی این بخش می توان گفت با توجه به مواردی مانند:

- ✓ ضعف ارتش ایران و کاهش توان رزمی آن (اعدامها، پناهندگیها، بازنشستگی، پاکسازیها، بازداشت های همراه تحقیر، گماردن افسران کم تجربه به فرماندهی واحدها، بی انضباطی ها، تغییرات پیاپی فرماندهان - از زمان انقلاب تا حمله عراق (طی ۲۰ ماه) پنج نفر رئیس ستاد ارتش شدند (قرنی، فرید، شادمهر، سرتیپ شاد و سرتیپ غلامی)، پنج نفر فرمانده نیروی هوایی (سپهد مهدیون، سرتیپ ایمانیان، سرهنگ معین پور، سرلشکر باقری، سرهنگ فکوری)، سه نفر فرمانده نیروی دریایی (دریادار مدنی، طباطبائی، ناخدا افضلی).
- ✓ ضعف وزارت امور خارجه، طرح شعار صدور انقلاب اسلامی در زمان نامناسب، گروگانگیری سفارت آمریکا (خصومت کشورهای غربی با ایران) و نزدیکی آنها به عراق، باعث انزوای سیاسی ایران در مجامع بین المللی شد.

✓ صدام با آگاهی از اوضاع داخلی ایران (پاکسازی نیروهای با تجربه، مصادره اموال برخی افراد، بیکاری، تعطیلی دانشگاهها، تظاهرات دانشجویان، شرایط بد اقتصادی، کمبودها، تحریم، تورم و گرانی، درگیری جمهوری اسلامی با شورشهای مسلحانه، به خطر افتادن یکپارچگی و وحدت ملی و ...)، احساس می کرد مردم ایران به علت مشکلات و عدم رضایت، در صورت حمله عراق به استقبال آنها می روند. عراق در تحریک قومیت ها هم تا حدودی موفق بود و فکر می کرد بعد از شروع جنگ، گروهکهای داخلی و اقلیت های معترض، فشار بیشتر به ارتش ایران می آورند و از تمرکز نیروهای نظامی ایران در مرزها جلوگیری می کنند

این عوامل باعث شد عراق (در چنین شرایط نابسامانی) با خیال خام خود و با امید به پیروزی برق آسا به ایران حمله کند.

استبداد، نابینائی سیاسی می آورد و مستبد از شناخت واقعیت ها دور می ماند، صدام به این مشکل گرفتار بود، دچار اشتباه محاسباتی شده بود چون:

✓ از تاریخ ایران چیزی نمی دانست و متوجه نبود که ایرانیان برای دفاع از خاک خود فارغ از هرگونه ملاحظات مذهبی، قومی و ... تا آخرین قطره خون خود ایستاده اند.

✓ نمی دانست که ایرانیان همواره در طول تاریخ با هجوم و اشغال بیگانگان مبارزه کرده اند.

شرایط ایران و عراق قبل از شروع جنگ

۲-۵-۲- وضعیت عراق قبل از آغاز جنگ تحمیلی

۲-۵-۱- ترکیب جمعیتی عراق: در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۸م) که حزب بعث با عقاید کمونیستی به قدرت رسید، عراق دارای یک ثبات حکومتی شد (قبل از آن کشور کودتاها بود). انگلیسی ها زمان خروج از عراق، حکومت را به دست اقلیت سنی عرب دادند و حکومت عراق همیشه دست اقلیت عرب سنی بوده که اغلب در استانهای الانبار، نینوا و صلاح الدین سکونت دارند. بعثی ها یک حکومت مرکزی بوجود آوردند که روز به روز قوی تر می شد. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عراق یک حکومت با ثبات و مقتدر تمرکزگرا داشت که کردها و شیعیان سهمی در حاکمیت نداشتند. در آغاز جنگ جمعیت عراق حدود ۱۳ میلیون نفر بود (۶۰-۵۵ درصد شیعه، ۲۰ درصد عرب سنی و حدود ۲۰ درصد کردها).

مهمترین ویژگی های حزب بعث:

- ضد اسلام بخصوص ضد شیعه، بسیار ضد ایران و ایرانی.
- تکیه بر قومیت عربی و برتری آن به سایر اقوام، پیگیری جدی همبستگی عربی و تشکیل امت واحده عرب با محوریت عراق.
- یک حکومت خشن و مقتدر که تمام مخالفین را می کشتند (کوچکترین مخالفتی را در نطفه خفه می کردند). صدام در جوانی از عناصر مهم حزب بعث بود و در ۵۸/۰۴/۲۵ (۱۶ جولای ۱۹۷۹) رئیس جمهور عراق شد (قبل از این نخست وزیر بود). بیشترین کشتار مخالفین در عراق در دوران حاکمیت حزب بعث بود. عراقی ها معتقدند تا زمان سقوط صدام، حزب بعث حدود دو میلیون عراقی را کشته بود (اطلاعات بیشتر در این خصوص در ضمیمه ۵ آمده است).

۲-۵-۲- **وضعیت عراق از نظر نظامی:** به دلیل عضویت عراق در بلوک شرق، تمام ساختار و تجهیزات ارتش آن را روسها طراحی و به سلاحهای روسی مجهز کرده بودند. در سازماندهی ارتش عراق هم دکترین شوروی حاکم بود (قدرت اصلی با نیروی زمینی است که در این نیرو هم قدرت اصلی در زرهی و آتش توپخانه خلاصه می شود). از ۱۲ لشکر عراق ۷ لشکر زرهی - مکانیزه بودند (بقیه لشکرها پیاده یا دارای تجهیزات دیگر بودند). زمانی که قصد عملیات داشتند ابتدا توپخانه آتش سنگین می ریخت سپس زرهی حرکت می کرد. بر خلاف ارتش ایران که غربی بود و نیروی هوایی قدرت اصلی ارتش را در اختیار داشت، در ارتش عراق (قبل از جنگ تحمیلی) نیروی هوایی تعیین کننده نبود.

- در داخل عراق تقریباً صنایع نظامی وجود نداشت و تمام پشتیبانی ارتش از خارج و توسط شوروی انجام می شد. حدود دو سال قبل از آغاز جنگ به تدریج ارتش عراق به سمت استفاده از سلاحهای فرانسوی رفت^{۲۳}. در مواردی که روسها نقص داشتند (نیروی هوایی)، فرانسوی ها جبران کردند. فرانسه بعد از شوروی دومین تأمین کننده نیازهای نظامی عراق بود و این روند تا آخر جنگ هم ادامه داشت. روسها رادار رازیت نداشتند که بتواند پیاده ها را ببیند (فرانسه در اختیار عراق گذاشت). ابتدا نیروی هوایی عراق توسط انواع میگ تجهیز شد (اما قدرت مانور اینها کافی نبود). فرانسه هواپیماهای میراژ به عراق داد که در آخر جنگ نیروی هوایی آن کشور یک رشد کیفی یافت. بخصوص جنگ در خلیج فارس با هواپیماها، بمب های لیزری و موشکهای ضد کشتی فرانسه انجام می شد. فرانسه از روزهای قبل از جنگ تا انتهای آن نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری در تقویت و تجهیز نیروی هوایی عراق داشت.

۲-۵-۲-۱- امکانات نیروی دریایی عراق (در آغاز جنگ تحمیلی):

بدلیل ارتباط محدود عراق با دریا (۴۸ کیلومتر)، هیچگاه عراق نیروی دریایی مقتدری نداشته است. در آغاز جنگ، تجهیزات نیروی دریایی عراق به چند ناوچه موشک انداز کوچک Oza محدود می شد، لذا قادر به انجام عملیات دریایی مؤثری نبودند (ضعف نیروی دریایی را با نیروی هوایی حل می کرد). پرسنل نیروی دریایی عراق ۱۰۰۰۰ نفر بودند. قبل از آغاز جنگ، عراق برای خرید ۱۱ فروند ناو اقیانوس پیما (۱۰ ناو جنگی و یک ناو لجستیکی) به ایتالیا سفارش داده بود. در آغاز جنگ و با فعالیت دیپلماتیک ایران، ایتالیا این ناوها را تحویل نداد (حتی نیروهای عراقی آموزش دیده روی این ناوها آماده خروج از ایتالیا بودند که مجوز خروج داده نشد). البته هلیکوپترهای شنوک خریداری شده توسط شاه را هم تحویل نداد.

۲-۵-۲-۲- امکانات نیروی زمینی عراق (در آغاز جنگ تحمیلی):

نیروی انسانی	۴۲۰۰۰۰ نفر
یگان های مانوری	۱۲ لشکر و ۱۵ تیپ
تانک	۳۱۰۰ دستگاه
نفربر	۲۳۰۰ دستگاه
توپخانه صحرایی	۸۰۰ قبضه
توپخانه پدافند هوایی	۴۰۰ قبضه
موشک انداز	۶۰ فروند

همچنین نیروی زمینی عراق موشکهای زمین به زمین (صراد، اسکاد B و اسکاد C) ساخت شوروی را در اختیار داشت.

۲-۵-۲-۳- امکانات نیروی هوایی عراق (در آغاز جنگ تحمیلی):

نیروی انسانی	۳۲۰۰۰ نفر
هواپیمای جنگی	۴۵۰ فروند
بالگرد	۴۰۰ فروند

۲-۵-۳- وضعیت عراق از نظر ساختار سیاسی:

در عراق ریاست جمهوری در عین حالی که رئیس دولت بود، مسئولیت های زیر را نیز به عهده داشت:

^{۲۳} - در اروپا فرانسه تنها کشوری است که تمایلات سوسیالیستی دارد و اغلب چپ ها در آنجا حاکم هستند. لذا رابطه عراق با فرانسه در ارتباط با شوروی قابل ارزیابی است نه غربی ها.

- قدرت اداره کشور را داشت (چون نخست وزیر هم بود).
 - قدرت نظامی کشور هم بود (چون فرمانده کل قوا بود).
 - قدرت حزبی هم بود (چون حزب بعث تنها حزب و رئیس حزب هم رئیس جمهور بود).
 - قدرت انقلابی هم بود (چون رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق بود).
- بنابراین قدرت و ساختار حکومتی در عراق بسیار متمرکز و تمام اختیارات در شخص رئیس جمهور خلاصه می شد.

۲-۵-۴- عراق از نظر روابط بین الملل - براساس مرامنامه حزب بعث، عراق قبل از جنگ با تمام کشورهای بلوک شرق روابط صمیمانه داشت (بجز سوریه که روابط گرمی نداشتند ولی بحرانی هم نبود). با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس روابط عادی داشت چون این کشورها اغلب در بلوک غرب تعریف می شدند.

عراق با اسرائیل رابطه نداشت و به نوعی خصمانه بود. اسرائیل نگران دوستی ایران و عراق بود و جنگ بین دو کشور به نفع اسرائیل بود. تا زمان جنگ، با آمریکا هم روابط خاصی نداشت ولی قبل از آغاز حمله به ایران، در رابطه با آمریکا بازنگری کردند (آمریکا عراق را از لیست کشورهای حامی تروریست خارج می کند و بتدریج رابطه با عراق حسنه می شود). عراق با شوروی یک پیمان دوستی ۱۵ ساله داشت که در حین جنگ تمدید شد (براساس آن شوروی موظف بود تمام روابط اقتصادی و نظامی را در بالاترین سطح ممکن با عراق داشته باشد). عراق با اروپائیان هم روابط عادی داشت.

۲-۵-۵- وضعیت عراق از نظر اقتصادی - در آمد عراق متکی به نفت بود. با ملی شدن صنعت نفت عراق در اول ژوئن ۱۹۷۲، ظرف چند سال در آمد نفتی عراق ۱۵ برابر شد (مجله تایم، ۱۹۸۰ میلادی ص ۲۶). این ثروت فراوان توانست قدرت حزب بعث را پایدار سازد، ارتش عراق را توسعه دهد تا برای جنگ با ایران آماده کند. جمعیت عراق در آغاز جنگ ۱۳ میلیون نفر بود. عراق تقریباً برابر ایران نفت تولید و صادر می کرد (در آمد سرانه عراق قبل از آغاز جنگ سه برابر ایران بود). ذخیره ارزی این کشور حدود ۳۳ میلیارد دلار بود لذا قدرت اقتصادی بالائی برای شروع جنگ داشت.

مقایسه تطبیقی اوضاع سیاسی، امنیتی و روابط بین المللی ایران و عراق در آستانه جنگ تحمیلی

ایران در حال استقرار حاکمیت نظام اسلامی	عراق در حال تحکیم قدرت حزب بعث
ایران در گیر گروههای تروریسم داخلی	عراق سرکوبی مخالفان بدون نگرانی از اوضاع سیاسی داخلی
ایران دچار بلاتکلیفی در روابط خارجی	عراق در حال توسعه و تحکیم روابط خارجی
امنیت داخلی ایران دچار مشکلات جدی	امنیت داخلی عراق با قدرت متمرکز و استبدادی در وضعیت مناسب
فاصله گرفتن ایران از قدرتهای جهانی و منطقه ای به دلیل ماهیت استکبار ستیزی	نزدیک شدن عراق به قدرتهای جهانی و منطقه ای و انعقاد پیمانهای دوستی با آنها
در ایران: اختلافات سیاسی بین احزاب، گروههای سیاسی و حتی سران رده بالای حکومت	عراق دارای ثبات سیاسی و قدرت متمرکز

۲-۵-۶- عراق از نظر وضعیت جغرافیایی - عراق موقعیت استراتژیکی در منطقه داشته و ۴۳۴۹۲۴ کیلومتر مربع مساحت دارد (یک چهارم ایران). این کشور از نظر توپوگرافی، جلگه ای و مسطح محسوب می شود (بیش از ۹۰ درصد آن جلگه و دشت های نسبتاً بدون عارضه طبیعی است). فقط در شمال و شمال شرقی به علت امتداد ارتفاعات زاگرس ایران و توروس ترکیه،

کوهستانی می باشد. غرب عراق کویری، شرق آن جلگه ای و حاصلخیز، شمال شرقی آن کوهستانی و سردسیر و جنوب آن هم جلگه ای و گرمسیر است.

عراق کشوری است که به دلایل زیر در تنگنای ژئوپلیتیک قرار گرفته است:

۱- دو رودخانه مهم که باعث آبادانی آن شده (دجله و فرات) از کوههای ترکیه سرچشمه می گیرند. دجله از ترکیه عبور کرده و بعد از طی مسیر کوتاهی در سوریه، وارد عراق شده و تقریباً به موازات مرز ایران تا جنوب عراق ادامه مسیر می دهد. رودخانه فرات ابتدا وارد سوریه شده و سپس وارد عراق می شود. اگر این دو کشور با احداث سد باعث کاهش ورود آب به این رودخانه ها شوند، اکوسیستم و کشاورزی عراق دچار مشکلات جدی زیست محیطی خواهد شد. دجله و فرات در قرنہ (شمال بصره) به هم پیوسته و شط العرب را تشکیل می دهند. شط العرب حدود ۸۰ کیلومتر در خاک عراق جریان دارد (از قرنہ تا نهر خین). با الحاق رودخانه کارون در نهر خین به شط العرب، اروندرود تشکیل می شود که به طول ۸۴ کیلومتر تا دهانه خلیج فارس، مرز مشترک آبی ایران و عراق را تشکیل می دهد.

۲- ارتباط محدود عراق با خلیج فارس - عراق فقط ۴۸ کیلومتر از سواحل شمالی خلیج فارس را در اختیار دارد (از رأس البیشه در فاو تا بندر ام القصر). بصره، فاو و ام القصر سه بندر عراق هستند و در شمال خلیج فارس هم سکوهای البکر و الامیه را در اختیار دارد که حمل و نقل دریایی خود را از طریق اینها انجام می دهد.

۲-۵-۷- اهمیت عراق و بغداد برای ایران و مسلمانان - حدود دوهزار سال قبل از میلاد، سومریان، اکدی ها و آشوریها تمدن دیرینه و پربراری را در بین النهرین بنا نهادند. حمورابی از پادشاهان مشهور این دوران و کتاب قانون نامه وی نخستین قانون مکتوب و مدون جهان است. حدود پانصد سال قبل از میلاد، کورش هخامنشی بخشی از عراق فعلی را به ایران ملحق کرد. هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان بر عراق حکومت کردند (عراق در این دوره پایتخت ایران و ایوان مدائن و طاق کسری از آثار این دوره است). از سال ۳۵ هجری قمری کوفه مرکز خلافت امام علی (ع) بود (جنگهای جمل، صفین و نهروان در این دوره اتفاق افتاد). از سال ۴۱ تا ۱۳۲ ه. ق حکومت صفیانی و مروانی بر عراق حاکم بود. بعدها مرکز حکومت خلفای عباسی شد (در سال ۱۴۵ ه. ق منصور دوانیقی پایتخت را به شهر نوبنیاد بغداد منتقل کرد). از سال ۳۳۴ تا ۴۴۷ ه. ق آل بویه بر عراق حکومت کردند (در ترویج مراسم عاشورا، عید غدیر، ترویج شیعه و ساخت مقابر امامان شیعه سهم به سزایی داشتند). با یورش هولانگوخان مغول در ۶۵۶ ه. ق حکومت عباسی از بین رفت. در اواخر قرن نهم ه. ق و دوره حکومت شاه اسماعیل صفوی عراق مجدداً جزئی از ایران شد. در سال ۹۸۵ ه. ق و بعد از مرگ شاه طهماسب اول، عراق به دست امپراطوری عثمانی افتاد و تا سال ۱۹۱۸ و شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و تجزیه آن تحت حکومت عثمانی بود. عراق محل زندگی و مدفن شش تن از امامان شیعه است و شهرهای نجف (مدفن امام علی)، کربلا (امام حسین و یارانش)، کاظمین (امام موسی کاظم و امام جواد) و سامرا (امام حسن عسکری و امام هادی) از شهرهای زیارتی شیعیان است. قبور نواب اربعه امام زمان، سلمان فارسی (مدائن و طاق کسری)، ابوحنیفه، احمدابن حنبل، محمدابن جریر طبری، راغب اصفهانی، ابن ابی الحدید، بهلول و شیخ کلینی در بغداد قرار دارند. بغداد توسط رود دجله به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده و برخی محلات آن شیعه نشین، برخی سنی نشین و محلاتی هم بصورت مختلط است.

مهمترین محورهای مواصلاتی عراق به جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۱- محور سلیمانیه، سیدصادق، پنجوین و میوان.

۲- محور بغداد، خانقین و خسروی.

۳- محور خانقین، نفت خانه و نفت شهر.

۴- محور بغداد، کوت، عزیزیه، بدره و مهران.

۵- محور علی غربی، ارتفاعات حمزین، عین خوش، تپه های علی گره زد، پل نادری و دزفول.

۶- محور فکه، تپه برغازه، ارتفاعات ابوصلیبی خات (رادار) و شهر شوش.

۷- محور عماره، حلفائیه، شیب، جزابه و بستان.

۸- محور بصره، نشوه، طلائییه و هویزه.

۹- محور بصره، تنومه، شلمچه و خرمشهر.

۲-۶- روابط ایران و عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

از سال ۱۳۵۳ ماهیت روابط ایران و عراق طبق مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و (ظاهراً) بر اساس حسن همجواری پی ریزی گردید که تا ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی) ادامه داشت. روابط دو کشور به مدت ۵ سال تقریباً دوستانه و عاری از تنش بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حکومت عراق بزودی رژیم جدید ایران را به رسمیت شناخت و دو روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تبریک گفت و علاقه خود را به ادامه حسن همجواری و روابط دوستانه اعلام کرد. بعد از همه پرسی ۱۲ فروردین ۵۸ در ۵۸/۰۲/۱۶ حسن البکر تلگراف تبریک به امام فرستاد. عراق در خواست کرد نظام انقلابی ایران با تجدید نظر در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در بخش اروندرود به ظلم و اجحافی که رژیم شاه به عراق وارد کرده بود پایان دهد. ایران به استناد لایتنر بودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، درخواست عراق را رد کرد و در کمتر از دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم عراق به تدریج مواضع خصمانه سازمان یافته ای را علیه ایران آغاز کرد (به تحریک عراق عده ای شورشی در ۵۷/۱۱/۳۰ پادگان مهاباد را تصرف کردند، ۵۸/۰۱/۰۱ آرامش سندج را بر هم زدند، در ۵۸/۰۳/۱۴ هواپیماهای عراقی روستاهای کردنشین ایران را بمباران کردند و ...). صدام بعد از انقلاب در صدد ایجاد رابطه دوستانه با ایران بود تا بصورت مسالمت آمیز ایران را وادار به عقب نشینی از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نماید و حاکمیت مطلق خود را بر اروندرود عملی کند. او وقتی از این راه موفق نشد، تصمیم گرفت با تضعیف قدرت ایران و موقعیت بین المللی آن اقدام نموده و پس از اطمینان از پیروزی خود، جنگ با ایران را آغاز کرده و خواسته خود را به ایران شکست خورده تحمیل نماید.

طرح ادعاهای واهی عراق علیه ایران:

- احقاق حقوق اعراب در خلیج فارس (باز پس گرفتن جزایر سه گانه ایرانی).
- اعلام حمایت و پشتیبانی از اقدامات تجزیه طلبانه اقلیت های قومی ایران برای کسب خودمختاری.
- عراق مدعی شد ایران قصد صدور انقلاب به عراق را دارد و با تحریک کردهای بارزانی و شیعیان در امور داخلی عراق دخالت می کند.
- صدام مدعی بود ایران در توطئه ترور نافرجام نخست وزیر و مقامات عراق دست دارد (دانشگاه مستنصریه بغداد) و او قسم یاد کرد که انتقام می گیرد.

اقدامات خصمانه عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی علیه ایران:

- تجهیز و نفوذ دادن عناصر خرابکار به داخل ایران (به ویژه خوزستان) برای خرابکاری در تأسیسات نفتی.
- اخراج هزاران شیعه عراقی بطور قهرآمیز و راندن آنها به ایران.
- تعلل و کارشکنی در اجرای مفاد عهدنامه ۱۹۷۵ (بخصوص در اروندرود که حالت بحرانی پیدا کرده و دامنه آن گسترش می یافت).

عراق با اقدامات زیر عملاً تعهدات مربوط به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (بخصوص ماده ۶ آن در خصوص حسن همجواری) را بطور آشکارا زیر پا گذاشت:

- تمرکز بی سابقه نیروهای عراقی در مرزها، تشدید برخوردهای مرزی، اظهارات تند و تهدیدهای مقامات عراقی از اوایل سال ۵۹ باعث تیرگی روابط دو کشور شده و مقدمات بروز یک فاجعه را فراهم کرد.

- عراق در ۱۹-۱۷ شهریور ۵۹ به مناطق زین القوس و سیف سعد (خان لیلی و میمک) حمله و این مناطق را اشغال کرد.

- صدام در ۲۶/۰۶/۵۹ به بهانه نقض قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی ایران، بطور یکجانبه و برخلاف موازین بین المللی این عهدنامه را باطل و حاکمیت خود را بر تمامی اروندرود اعلام کرد.

- عراق در ۳۱/۰۶/۵۹ (۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰) با یک حمله سراسری در طول نوار مرزی و حمله همزمان هوایی به فرودگاهها، پالایشگاهها و پایگاههای هوایی رسماً جنگ را علیه کشورمان آغاز کرد.

۲-۷- علل تهاجم رژیم بعث عراق به ایران:

دلایل حمله عراق به ایران را می توان در مجموعه ای از علل نظامی، جغرافیایی و ژئوپولیتیک، اقتصادی، سیاسی، فرامنطقه ای، روانی و سابقه طولانی و تاریخی مناقشات مرزی با ایران دانست.

الف - علل سیاسی تهاجم رژیم بعث عراق به ایران (از دیدگاه عراق):

۱- عراق مدعی بود ایران قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نقض کرده است و اصولاً این قرارداد را تحمیلی می دانست که در زمان ضعف عراق منعقد شده و ناگزیر از احقاق حقوق عراق در باز پس گیری اراضی مورد ادعا یعنی خان لیلی و میمک (این هدف در روزهای ۱۷ تا ۱۹ شهریور ۵۹ با حمله عراق محقق شده بود) و حاکمیت کامل بر اروندرود بود.

۲- براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران.

۳- جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی و جلوگیری از حمله قریب الوقوع ایران به عراق با پیش دستی در حمله به ایران.

۴- جبران عقده حقارت تاریخی صدام ناشی از امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر- رهبران عراق از پذیرش روش خط تالوگ در اروندرود دچار احساس حقارت شده و از طرف مخالفین خود در داخل عراق تحت فشار بودند (بخصوص شخص صدام که قرارداد را امضاء کرده بود). صدام گفته بود قرارداد الجزایر را امضاء می کردم در حالی که در دلم خون می گریستم و آرزو می کردم هرچه زودتر آنرا پاره کنم.

۵- خروج عراق از تنگنای ژئوپولیتیک- عراق با اشغال خوزستان و بوشهر به بخش قابل توجهی از سواحل شمالی خلیج فارس تسلط پیدا می کرد (از ۴۸ کیلومتر به ۸۰۰ کیلومتر) و تسلط بر منابع نفت، گاز و جلگه سرسبز و حاصلخیز خوزستان.

۶- تضاد عقیدتی حزب بعث با انقلاب اسلامی ایران- شعار پان عربیسم حزب بعث هیچ هماهنگی با تفکر وحدت مسلمین امام خمینی (ره) نداشت.

۷- باور صدام به حمایت اعراب ایرانی خوزستان از تهاجم عراق.

۸- آرزوی صدام برای رهبری جهان عرب و به دست آوردن ژاندارمی آمریکا در منطقه.

۹- ماهیت اخلاقی شخص صدام (جاه طلبی، کشور گشایی، برتری طلبی و ...).

۱۰- عدم وحدت نظر و همدلی بین دولت، نهادهای سیاسی و مذهبی ایران.

۱۱- چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد تهاجم به جمهوری اسلامی ایران (با دیدار برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر با صدام در تیرماه ۱۳۵۹ در مرز اردن و اعلام موافقت و حمایت آمریکا از تهاجم عراق به ایران).

۱۲- موافقت اکثر کشورهای عرب، ابرقدرتهای شرق و غرب و همپیمانان آنها با تهاجم صدام به ایران.

اختلافات مرزی نمی توانست دلیل محکمی برای تجاوز باشد (چون قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با جامعیت بی نظیر خود تقریباً کلیه اختلافات دو کشور از زمان امپراطوری عثمانی تا ۱۹۷۵ را عادلانه و حتی در مواردی به سود عراق حل و فصل نموده و برای رفع اختلافات احتمالی آینده هم راهکارهای اجرائی و حقوقی مناسبی پیش بینی کرده بود). از طرف دیگر از زمان تشکیل کشور عراق (۱۹۲۰) تا شروع جنگ (۱۹۸۰) ایران و عراق به دفعات در شرایط حاد تری قرار گرفته بودند ولی به جنگ تمام عیار متوسل نشده بودند.

ب- علل نظامی تهاجم رژیم بعث عراق به ایران:

۱- موارد مندرج در خصوص وضعیت ارتش ایران در فاصله زمانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (بی اعتمادی به ارتش، پاکسازی، صدمات روحی وارده به افراد ارتش با شعار انحلال ارتش از طرف گروههای ضد انقلاب، اعدام و برکناری یا فرار فرماندهان رده بالای ارتش و ایجاد ضعف در مدیریت ارتش، بی انضباطی در ارتش، کاهش خدمت سربازی، کودتای نقاب، رکود در برنامه های آموزشی و عدم تعمیر دوره ای و نگهداری سلاح و تجهیزات، خروج ۱۲۰۰۰ نفر مستشاران نظامی آمریکا از ایران و...) و کاهش توان ارتش ایران تا چهل درصد قبل از انقلاب.

۲- لغو قراردادهای خرید تسلیحات از آمریکا توسط بختیار و بازرگان (زیردریایی ها، تانکهای شیر ۱ و شیر ۲ و ...).

۳- قطع پشتیبانی همه جانبه نظامی و لجستیکی کشورهای غربی و شرقی از ارتش و تحریم تسلیحاتی ایران.

۴- درگیری بخش عظیمی از یگانهای ارتش (حدود پنجاه درصد)، سپاه و ژاندارمری در کردستان، سیستان و بلوچستان و ... با ضد انقلاب و حضور کمرنک آنان در مرز مشترک با عراق.

۵- فرصت طلبی صدام جهت بهره برداری از ضعف مقطعی ارتش ایران.

و در نقطه مقابل:

۶- آمادگی رزمی ارتش عراق، پیش بینی و برنامه ریزی همه جانبه برای شروع جنگ از سالهای قبل شامل:

۱-۶- امضای پیمان نظامی پانزده ساله با اتحاد جماهیر شوروی توسط صدام در سال ۱۹۷۲.

۲-۶- انعقاد قراردادهای بزرگ خرید نظامی از فرانسه و ایتالیا.

۳-۶- افزایش خدمت سربازی از ۲ سال به ۵ سال.

۴-۶- تقویت و توسعه سازمان رزم ارتش عراق در بعد نیروی انسانی، آموزش و تجهیزات.

ج- علل اقتصادی تهاجم رژیم بعث عراق به ایران:

موارد مندرج (در خصوص اوضاع اقتصادی ایران در اول انقلاب): اعتصابات، نابسامانی های داخلی، کاهش استخراج و صادرات نفت، بلوکه شدن داراییهای ایران در آمریکا، قطع رابطه سیاسی با آمریکا و اروپا، تحریم اقتصادی، معلق ماندن قراردادهای اقتصادی، و ... باعث تضعیف اقتصاد ایران شده بود و در مقابل کمک های همه جانبه کشورهای عربی، بلوک شرق و غرب به عراق، که قدرت اقتصادی بالایی را برای عراق در اول جنگ فراهم کرده بود.

مهمترین علت وقوع جنگ تحمیلی (از دیدگاه ایران)، **پیروزی انقلاب اسلامی**، آثار و پیامدهای آن در منطقه و جهان بود!!!:

۱- فرو ریختن استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج فارس با پیروزی انقلاب اسلامی که بر دو ستون ایران و عربستان استوار بود.

۲- رژیم اشغالگر قدس مهمترین حامی خود (شاه ایران) در منطقه را از دست داد و ایران حامی آرمانهای فلسطین شد (که با تعهدات آمریکا برای حفظ موجودیت و امنیت اسرائیل در تضاد بود).

۳- آمریکا مهمترین و نزدیکترین پایگاه خود به ابر قدرت شرق (اتحاد جماهیر شوروی) را از دست داد.

۴- خطر الگو شدن انقلاب ایران برای کشورهای منطقه که حاکمان آنها پایگاه مردمی نداشته و دست نشانده آمریکا و انگلیس بودند (بیداری اسلامی).

۵- روابط ایران و عراق دچار تغییر و تحول شد چون حمایت های آمریکا از ایران پایان یافت و عراق احساس کرد برتری قدرت نظامی ایران دیگر وجود ندارد.

۶- مشکلات فراوانی که نظام نوپای اسلامی با آنها مواجه بود (آشفته‌گی نیروهای نظامی ایران، عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر، مشکلات اقتصادی، اقدامات گروهک های ضد انقلاب و ...).

۷- با خروج ایران از لیست متحدین آمریکا در منطقه، خلاء قدرت بوجود آمد و عراق که سالها رؤیای کسب قدرت در منطقه و رهبری جهان عرب را در سر داشت، تحریک شد تا بجای ایران ژاندارم منطقه شود.

۸- دو ابر قدرت شرق و غرب دریافتند با برهم خوردن نظم و تعادل موجود در منطقه (ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی) منافع نامشروع آنها در منطقه به خطر افتاده است، بنابراین از خصوصیات فردی صدام و ویژگیهای حزب بعث عراق استفاده کرده و برپایی یک درگیری نظامی و پشتیبانی همه جانبه از صدام را در دستور کار خود قرار دادند.

بنابر این از دیدگاه کلی، ضرورت شروع جنگ توسط عراق و مهمترین هدف آن:

سرنگونی انقلاب اسلامی یا تعدیل و مهار کردن انقلاب به منظور اعاده شرایط قبل از انقلاب بود.

به همین منظور دو ماه پس از سرنگونی شاه، جلسات محرمانه ای بین سران حزب بعث تشکیل و دستورات زیر صادر شد:

۱- تحلیل سرنگونی رژیم شاه، روابط او با آمریکا و نقش شاه در دفاع از منافع غرب در منطقه که جمهوری اسلامی دیگر قصد انجام نقش ژاندارمی آمریکا در منطقه را ندارد.

۲- تنها کشوری که می تواند این خلأ قدرت را پر کند عراق است و این کار باید با برنامه ریزی، دقت و سرعت انجام شود.

۳- به منظور شناسائی این موقعیت (توانمندی های عراق) توسط دنیای غرب، حمله نظامی به ایران، وارد کردن یک ضربه مؤثر که به شکست ایران منتهی شود، لازم است. ضربه زدن، تضعیف، مرعوب ساختن و سرنگونی جمهوری اسلامی با حمله نظامی گسترده عراق و پیامدهای ناشی از این جنگ (از جمله تجزیه استان راهبردی خوزستان) یکی از مطمئن ترین راههایی بود که هر کدام از دولت های مرتجع عرب و قدرتهای جهانی با توجه به نیت و منافع خود (چه با محدود نمودن انقلاب یا شکست آن) سود می بردند، بنابراین:

تجاوز عراق علیه ایران از سوی ابر قدرتهای شرق و غرب، همپیمانان آنها و ارتجاع عرب مورد موافقت، حمایت و پشتیبانی همه جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی به شرح زیر قرار گرفت:

۲-۸- کشورهای حامی عراق در جنگ تحمیلی

بعد از جنگ جهانی دوم (دوران جنگ سرد)، بین دو بلوک شرق (پیمان ورشو) و غرب (ناتو) به ندرت مواردی را می توان یافت که دو ابر قدرت روی آن اتفاق نظر داشته باشند. در جنگ عراق علیه ایران، آمریکا، شوروی و کشورهای هم پیمان با آنها، کشورهای مرتجع عرب (بجز سوریه) هر نوع کمک: اقتصادی، سیاسی، نظامی و.. در اختیار عراق قرار می دادند. جنگ ایران و عراق یکی از پیچیده ترین جنگهای جهان و منطقه بود که به مرور زمان، اسرار و ناگفته هایی از این جنگ منتشر می شود. بخشی از حقیقت، درون جنگ ماست و بخش دیگر آن در دست ۲۶ کشوری است که چرخ های ماشین جنگی عراق را روغن می زدند که به گوشه هایی از آن اشاره می کنیم (توضیحات تکمیلی در ضمیمه ۶-):

خلاصه ای از کمکهای کشورهای مختلف به عراق در طول ۸ سال جنگ تحمیلی علیه ایران		
۱	ارسال بمب های خوشه ای توسط آمریکا به عراق	۱۰
۲	شوروی بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق	۱۱
۳	انگلستان و ساخت شبکه پناهگاه های زیر زمینی برای صدام	۱۲
۴	فرانسه و فروش جنگنده های میواز	۱۳
۵	خیماره های دو زمانه فرانسه	۱۴
۶	مصر کانالی برای فروش تسلیحات ناتو	۱۵
۷	بلژیک و ساخت پایگاه های نظامی برای عراق	
۸	کمک های هسته ای و سلاحهای غیر متعارف: همکاری های هسته ای برزیل	
۹	فرانسه و اعطای یک بمب اتمی به عراق	۱۶

نکات مهم جدول فوق:

- شوروی با ۶۱ درصد، بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق بود و فرانسه در رتبه دوم قرار داشت.
- سازمان های اطلاعاتی فرانسه در سال ۱۹۸۶ برآورد کردند که اگر سه هفته از ارسال کمک به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد (تنها فرانسه)!!!! اگر ۲۶ کشور دیگر هم؟؟ روز کمکها را قطع می کردند.....
- صدام سال ۱۹۹۰ را برای استفاده از بمب اتم در منطقه جنوبی جنگ تعیین کرده بود. فرانسه به طور جدی زمینه اعطای یک بمب اتمی به عراق را برنامه ریزی کرده بود.
- با کمکهای اطلاعاتی و ماهواره ای آمریکا، عراقی ها قادر بودند به راحتی تصاویر سربازانی که در پادگان های ایران در حال آموزش هستند، ببینند. حتی کسی که در رژه، دست و پایش را به اشتباه حرکت می داد در این عکس ها مشخص بود. در کارخانه سیمان، تعداد کیسه هایی که روی کامیون ها قرار داشت را به راحتی شمارش می کردند.
- از ۱۳ کشور (که نیروی انسانی به عراق اعزام کرده بودند) اسیر داشتیم.
- هاوارد تیچر (عضو شورای امنیت ملی آمریکا در زمان ریگان) معتقد است آمریکا برای صدام حسین کاری کرد که تا آن روز برای هیچ یک از متحدین خود نکرده بود.
- مقام نخست آلمان در توسعه تسلیحات شیمیایی عراق. حدود ۴۵۵ شرکت آلمانی، انگلیسی، آمریکایی، بلژیکی، ایتالیایی، برزیلی، هلندی و هندی بدون توجه به اصول بشردوستانه، عراق را به سلاح های شیمیایی مجهز کردند و در مقابل استفاده عراق از این سلاح ها نیز طبیعی بود که سکوت نمایند.
- ویلیام فایر، نظریه پرداز غربی: «ما با ایران چه کنیم؟ هرچه پول در رگهای عراق تزریق شد، نتیجه نداده است. اگر عراق از دست برود، فردا کویت و پس فردا سعودی نیز خواهد رفت. تنها یک روزنه امید هست. با سقوط قیمت نفت ایران ورشکست می شود و ماشین جنگی آن از کار می افتد. شاید این درمان کارگر شد و این آخرین شانس ما است.

بنابر اعتقاد برخی صاحب نظران، تصمیم قطعی صدام برای حمله به ایران در تیرماه ۱۳۵۹ و بعد از ملاقات ایشان با برژینسکی (مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا و طراح فروپاشی شوروی سابق) در مرز اردن گرفته شد.

برخی اقدامات متناقض کشورها در مورد ایران:

کشور ژاپن از فروش خودروهای تویوتا Land cruiser به ایران خودداری می کرد و می گفت: ممکن است در جنگ بکار ببرند. مقداری سیم خاردار خریده بودیم که هنگام عبور قطار از خاک شوروی، توقیف کردند. قیمت هر متر مربع گونی نخی برای ساخت سنگر یک پنجم سنت بود، به ایران دو سنت می فروختند.؟؟!!

کشورهای حامی ایران در جنگ تحمیلی: در آغاز جنگ تحمیلی، اغلب سه کشور مساعدت هایی به ایران داشتند:

- ۱- کره شمالی- این کشور به جهت حضور نیروهای آمریکایی در کره جنوبی و ژاپن و دشمنی با این کشورها و آمریکا، امکان حمایت و پشتیبانی از ایران را نداشت و درگیر مشکلات خود با آمریکا و همیمانان آن بود.
- ۲- لیبی ابتدا حمایت خود را از ایران اعلام کرد اما در اواسط جنگ از حمایت خود منصرف شد و به ایران اعلام جنگ داد (در ۱۳۶۵).
- ۳- سوریه هم به دلیل اینکه بخشی از سرزمین آن کشور در اشغال اسرائیل است و تعدادی از نیروهای مسلح آن نیز در لبنان با اسرائیل در حال جنگ بودند، امکان حمایت شایانی از ایران نداشت ولی از ابتدا تا انتهای جنگ در کنار ایران بود و اقدامات زیر را انجام داد:
- ۱-۳- محسن رفیق‌دوست (وزیر سپاه در دوران دفاع مقدس): آقای حافظ اسد دستور داد در فرودگاه دمشق، یک آشیانه و انبار تحویل من دادند و ما هم چیزهایی که می‌خریدیم را به آنجا می‌بردیم و در موقع مناسب هواپیما می‌فرستادم تا آنها را به کشور بیاورند. ما به کشورهای مثل بلغارستان، مجارستان، لهستان و ... می‌رفتیم و به اسم سوریه خرید می‌کردیم و کشتی‌ها هم پس از بارگیری، بجای سوریه به ایران می‌آمدند.
- ۲-۳- نقش سوریه در جلوگیری از سقوط خط فاو- رفیق‌دوست گفت: سوریه یکبار کمکی به ما کرد که شاید از نظر کمیت و ارزش بالا نبود اما از لحاظ زمانی بسیار اهمیت داشت. قبل از شروع عملیات فاو بود که ما یک کشتی مهمات ۵۰ هزار تنی از چین خریده بودیم و این کشتی به دلایلی تأخیر کرد و ۴-۵ قلم از مهمات ما تمام شده بود که اگر این مهمات ظرف ۴۸ ساعت نمی‌رسید، خط فاو سقوط می‌کرد. لذا شبانه با سوریه تماس گرفتیم و بعد از آن ۱۰ پرواز به دمشق انجام دادیم و هزار تن از مهماتی که نیاز داشتیم رسید (معادل مصرف ۱۰ روز ما بود)، فاو را حفظ کردیم تا کشتی (مهمات چین) هم رسید. شاید ارزش آن مهمات که سوریه داد ۱۰-۲۰ میلیون دلار بود ولی آن زمان برای ما باعث حفظ فاو شد.
- ۳-۳- صدام قصد داشت جنگ خود علیه ایران را جنگ اعراب با ایران نشان دهد ولی قرار گرفتن سوریه در جبهه ایران، این توطئه را خنثی کرد. حافظ اسد (رئیس جمهور سوریه) در ۱۳۵۹/۸/۱۷ تهاجم عراق به ایران را محکوم کرد و آنرا برای انحراف افکار عمومی اعراب از مبارزه با اسرائیل ارزیابی کرد.
- ۴-۳- سوریه به طرفداری از ایران در تیرماه ۱۳۶۱ خط لوله انتقال نفت عراق از خاک سوریه به مدیترانه را مسدود کرد.
- ۵-۳- آموزش یگان موشکی سپاه در زمانی که ایران کمترین تجربه ای در این زمینه نداشت (۱۳۶۳) و کمک به پایه گذاری صنعت موشکی ایران (به همت شهید بزرگوار حسن طهرانی مقدم و همزمان ایشان). طبق اطلاعات سال ۱۳۹۳، الان چهارمین صادر کننده موشک دنیا هستیم.
- بنابر این دفاع و حمایت ملت ایران از سوریه (بخصوص در مبارزه با داعش) به عنوان عضو مؤثر جبهه مقاومت به دلایل زیر است:
- ۱- دفاع ما از سوریه دفاع از منطق و آزادی خواهی در مقابل دنیای استکبار است.
 - ۲- قدردانی و جبران کمکهای این کشور به ایران در جنگ تحمیلی.
 - ۳- به خاطر دور کردن تهدیدات از مرزهای ایران (هدف دشمنان از تأسیس داعش سرنگونی حکومت انقلابی سوریه، سپس عراق و در نهایت سرنگونی انقلاب اسلامی ایران به عنوان عضو مهم جبهه مقاومت و نابودی محور مقاومت بود. بنابر این عقل و منطق حکم می کند که نباید اجازه می دادیم نقشه دشمن در سوریه و عراق عملی شود چون هدف اصلی آنها ایران بود.
 - ۴- دفاع از حریم اهل بیت پیامبر (ص) در سوریه و عراق.
- ۹-۲- اهداف کلی رژیم بعث عراق در تهاجم به ایران:**
- ۱- حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود با تصرف خرمشهر و آبادان و لغو عملی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.
 - ۲- تصرف استان راهبردی خوزستان و الحاق آن به عراق.
 - ۳- خروج عراق از تنگنای ژئوپلیتیک و دسترسی به سواحل شمال غربی خلیج فارس با تصرف بندر امام، بوشهر و بندر ماهشهر و ... (خاطرات و فیک السامرای، ۱۳۸۸ ص ۷۲).

- ۴- ادعای برگرداندن مالکیت جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس به کشورهای عربی.
- ۵- کسب رهبری جهان عرب توسط صدام.
- ۶- سرنگون کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران.
- ۲-۱۰- **زمینه سازی و اقدامات عراق، قبل از آغاز رسمی تهاجم (علل نزدیک جنگ):**
- رژیم عراق برای آماده سازی افکار عمومی داخل و خارج عراق برای اجرای تهاجم به ایران اقدامات زیر را انجام داد:
- ۱- اخراج حدود پنجاه هزار اتباع شیعه عراقی (ایرانی الاصل) و مصادره اموال آنان.
 - ۲- ایجاد مزاحمت برای علمای برجسته و روحانیون ایرانی مقیم عتبات عالیات و زوار ایرانی.
 - ۳- پناه دادن به بسیاری از ضد انقلابیون فراری، وابستگان رژیم پهلوی و ...
 - ۴- ساخت یکی از پر هزینه ترین فیلم های سینمایی جهان بنام قادیسیه دوم (با موضوع غلبه و پیروزی مجدد اعراب بر ایران).
 - ۵- ایجاد تشنج و درگیریهای محدود در طول مرز مشترک که از ۱۳/۰۱/۵۸ آغاز و تا شهریور ۵۹ ادامه داشت و تعداد آنها به ۷۳۶ مورد می رسید (ایران در برخی از این موارد به شورای امنیت شکایت می کرد).
 - ۶- ایجاد دفتر به اصطلاح آزادی بخش خوزستان و تلاش برای تحریک ایرانیان عرب زبان خوزستان به قیام، برای کسب خودمختاری و جدائی از ایران.
 - ۷- اعزام عناصر خرابکار به خوزستان و خرابکاری و انفجار در لوله ها و تأسیسات نفتی.
 - ۸- دخالت مستقیم، مؤثر و پشتیبانی همه جانبه از جریانات تجزیه طلب کردستان (کومله، دموکرات، رزگاری و ..).
 - ۹- ایجاد فرستنده های رادیویی و پخش برنامه های تحریک آمیز به زبان اقلیت های قومی ایران برای ایجاد تفرقه، فتنه های قومی و مذهبی در ایران.
 - ۱۰- تهیه و چاپ نقشه های جعلی و تفکیک بخشهای مهمی از خاک ایران (خوزستان، کردستان و سیستان و بلوچستان).
 - ۱۱- تهیه و چاپ کتابهای مجعول (تاریخ سیاسی امارات عربستان (خوزستان)- درگیریهای عرب و فارس، تاریخ عربستان (خوزستان)).
 - ۱۲- تقاضای خروج بی قید و شرط ایران از جزایر سه گانه و واگذاری آنها به اعراب.
 - ۱۳- ادعای تحمیلی بودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مظلوم نمائی و لزوم احقاق حق تاریخی عراق، حربۀ خوبی برای برانگیختن احساسات ناسیونالیستی مردم عراق علیه ایران بود.
 - ۱۴- احداث پاسگاههای جدید مرزی و تقویت پاسگاههای مرزی قدیمی و بازسازی جاده های نزدیک مرز.
 - ۱۵- فراخوان نیروهای ذخیره ارتش عراق (حدود هشتاد هزار نفر).
 - ۱۶- حمله به پاسگاههای مرزی ایران و به اسارت بردن مرزبانان و مردم روستاهای مرزی.
 - ۱۷- پرداخت یکصد میلیون دلار به اردن برای ایجاد تسهیلات عبور وسایل جنگی از بندر عقبه.
 - ۱۸- انتقال هواپیماهای نظامی و مسافربری از عراق به عربستان و اردن برای حفاظت از آنها.
 - ۱۹- انتقال کشتی های تجاری عراق از بندر بصره و اروندرود به مناطق امن تر.
 - ۲۰- برگزاری رزمایش یگانهای ارتش عراق در مناطق مشابه با ایران.
 - ۲۱- استقرار و تقویت یگانهای نظامی و ایجاد مواضع در سرتاسر مرز با ایران یک ماه قبل از شروع تهاجم سراسری.
- صدام در فروردین ۱۳۵۹ طی یک سخنرانی در شمال عراق اعلام کرد، توقف بحران بین دو کشور (که خودش ایجاد کرده بود) مشروط به تحقق خواسته های عراق به شرح زیر است:

- خروج بی قید و شرط ایران از جزایر سه گانه.
- به رسمیت شناختن خودمختاری و عربی بودن خوزستان.
- بازگرداندن اروندرود به حالت قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

صدام اعلام کرد، عراق آماده است با توسل به زور تمام موارد فوق را اجرائی نماید.

فصل سوم - شروع جنگ تحمیلی

اقدام به جنگ و تهاجم به یک کشور هیچوقت نمی تواند طی یک تصمیم یک شبه انجام شود، بلکه به سوابق طولانی بر می گردد. علل اقدام به تهاجم از سه دیدگاه قابل توجه است:

دیدگاه اول - عوامل اثرگذار درون مرزهای کشور مهاجم: مشکلات جغرافیائی و تنگناهای Geopolitic (محدودیت های فضای حیاتی عراق)، اختلافات دیرینه مرزی مربوط به اروندرود، احساس سرشکستگی از امضاء قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام که نافی تمام ادعاهای قبلی عراق بر اروندرود بود، ایدئولوژی حزب بعث و شخصیت صدام، سیاست حزب بعث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ادعاهای واهی مالکیت اعراب بر جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس، ادعای خرابکاری و تجاوزات مرزی توسط ایران، حضور برادران مسعود و ادیس بارزانی و کردهای طالبانی در شمال عراق و ادعای حمایت آنها توسط ایران ضد عراق، وجود جمعیت غالب شیعه در عراق و ... در قالب این دیدگاه قابل ارزیابی است.

دیدگاه دوم - شرایط داخلی کشور هدف: پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عدم انسجام مدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سالهای نخست بعد از پیروزی انقلاب، از هم پاشیدن ساختار و سازمان ارتش، عدم وجود یک نیروی بازدارنده قوی در مقابل تهاجم خارجی، طرح موضوع صدور انقلاب (که آثار مخرب بر ذهنیت دولت بعث داشت، با توجه به ترکیب مذهبی جامعه عراق با ۶۱/۵ درصد شیعه)، قطع رابطه ایران و آمریکا و خروج ایران از چتر حمایتی آمریکا، انزوای سیاسی ایران در جهان و تحریم دولت های غربی و ... در قالب این دیدگاه قابل ارزیابی است.

دیدگاه سوم - سیاست کلی و منافع نظام سلطه بین الملل در خاورمیانه: سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران، قطع منافع نامشروع امپریالیست (آمریکا) در ایران، احساس تهدید کشورهای عرب منطقه (که حکومت دیکتاتوری دارند) از فرهنگ انقلابی ایران، گروگانگیری در سفارت آمریکا (شکستن ابهت کاذب غرب)، همسوئی منافع غرب و شرق (در مقابله با ایران) با اعراب منطقه و صدام، تغییر جهت سیاسی ایران از متحد اسرائیل به حامی آرمان فلسطین، به وجود آمدن خلاء قدرت با از بین رفتن ژاندارم منطقه و به هم ریختن مناسبات و ترتیبات امنیتی منطقه که حافظ منافع غرب بود.

۱-۳- چیدمان و نحوه استقرار نیروهای مسلح عراق:

کشورها براساس استراتژی امنیت ملی خود نسبت به چیدمان و استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور اقدام می کنند (اولویت با نقاطی است که احساس خطر بیشتری از آن جهت می شود). پایگاههای هوایی عراق (بجز الولید که در غرب عراق و نزدیکی مرز اردن است) اغلب در نزدیکی مرزهای ایران احداث شده است (تهدید اصلی را ایران می دانسته است).

گسترش لشکرهای نیروی زمینی عراق هم با همان دیدگاه بوده است:

سپاه یکم عراق: محل استقرار کرکوک (با هدف حفاظت از مناطق نفت خیز شمال و مقابله با کردها. چون قبل از عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مشکل اساسی عراق با کردهای بارزانی بود). لشکرهای این سپاه همگی پیاده و پیاده کوهستانی و شامل لشکرهای (۲، ۴، ۷، ۸، ۱۱ و...) بود (قبل از انقلاب لشکرهای ۱۱، ۹ و ۱۲ زرهی شکل نگرفته بود).

سپاه دوم عراق: شامل لشکرهای ۳، ۶ و ۱۰ زرهی و محل استقرار آن در بغداد بود.

سپاه سوم: مرکز آن در ناصریه در جنوب عراق و شامل لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه و ۹ زرهی بود.

۲-۳- محوره‌های تهاجم، استعداد نیروهای دو طرف و اهداف هر محور در جنگ:

۲-۱- در شمال عراق (شمال غربی ایران) که حوزه عمل سپاه یکم بود، مجاور مرزهای آذربایجان غربی و کردستان از دالامپرداغ تا باویسی (حدود ۲۰ کیلومتری قصر شیرین)، عراق هدفی برای حمله و ورود به خاک ایران نداشت، بنابراین فقط لشکرهای ۷ پیاده کوهستان و لشکر ۱۱ پیاده (منهای تیپ ۴۹ پیاده)، تعدادی از تیپ‌های احتیاط و گارد مرزی مستقر بودند و مأموریت آنها تأمین اهداف زیر بود:

- کنترل محورها و معابر ارتباطی نقاط مرزی بین ایران و عراق (محور حاج عمران- پیرانشهر، محور اربیل- سردشت و محور سید صادق- مریوان).

- پشتیبانی نظامی و مالی از گروهکهای ضد انقلاب و تجزیه طلب که از اوایل سال ۱۳۵۸ در آن مناطق با نیروهای مسلح ایران درگیر بودند.

- برای حفظ نقاط حساس و حیاتی کردستان عراق و ایجاد امنیت منطقه در مقابل تهدیدات حزب دموکرات کردستان عراق، سایر گروههای مسلح حاضر در منطقه و حملات احتمالی ایران.

- مهمترین هدف عراق، زمین‌گیر کردن نیروهای مسلح ایران از طریق حمایت و پشتیبانی از ضد انقلاب در کردستان و آذربایجان غربی بود که حدود ۵۰ درصد از کل استعداد نیروی زمینی ارتش ایران را به خود مشغول کرده بود.

سدام در شورای فرماندهی ارتش عراق گفته بود: ما هرچه ارتش ایران را در کردستان درگیر کنیم، در خوزستان راحت‌تر عمل می‌کنیم.

۲-۲-۳- در منطقه میانی که تحت پوشش سپاه دوم عراق بود:

از باویسی (شمال قصر شیرین) تا چنگوله (جنوب مهران) به طول حدود ۴۰۰ کیلومتر تحت پوشش سپاه دوم عراق بود. این سپاه قرارگاه خود را از بغداد به قزل رباط منتقل کرده بود. سپاه دوم با در اختیار گرفتن لشکرهای ۲، ۴ و ۸ پیاده کوهستانی، لشکرهای ۶ و ۱۲ زرهی و تیپ مستقل ۳۲ نیروهای مخصوص، تیپ‌های احتیاط و گارد مرزی و ... در این محور مستقر شده و مأموریت آنها به شرح زیر بود:

هجوم به داخل ایران (در مرز استان‌های کرمانشاه و ایلام) و تصرف (مناطق حساس) ارتفاعات و شهرهای مرزی و رسیدن به گردنه پاتاق در شرق سرپل ذهاب، کنترل تنگه کنجان چم (در مهران).

محوره‌های تهاجم در منطقه میانی از شمال به جنوب بدین شرح است:

محور ۱-۲- پیشروی از منطقه باویسی (با هدف دور زدن ارتفاعات قراویز و باباهادی) و الحاق با نیروهای مستقر در قصر شیرین. این مأموریت به عهده لشکر ۸ پیاده کوهستان بود (که با واحدهای لشکر ۶ زرهی ادغام شده بود).

محور ۲-۲- حمله به قصر شیرین - با دو هدف:

- رسیدن به سرپل ذهاب و گردنه پاتاق. - حرکت به طرف گیلانغرب (با یگانهای لشکر ۶ زرهی).

محور ۲-۳- حمله به سومار و نفت شهر (لشکر ۴ پیاده کوهستان).

محور ۲-۴- حمله به میمک (در ۱۶ شهریور ۵۹ توسط ارتش عراق اشغال شده بود) (لشکر ۱۲ زرهی و ۴ پیاده).

محور ۲-۵- تصرف شهر مهران و تنگه کنجان چم (لشکر ۲ پیاده کوهستان، تیپ ۳۷ از لشکر ۱۲ زرهی).

در مقابل این ۵ لشکر پیاده و زرهی عراق (۲، ۴ و ۸ پیاده - ۶ و ۱۲ زرهی)، تنها لشکر ۸۱ زرهی ارتش ایران (که یک تیپ آنهم در جوانرود با ضد انقلاب درگیر بود) و با گردان ۱۸۲ از تیپ ۸۴ خرم آباد تقویت شده بود قرار داشت (در یک خط تماس بطول ۴۰۰ کیلومتر از باویسی تا چنگوله در جنوب مهران).

مقاومت نیروهای مردمی، هوانیروز و نیروی هوایی در سرپل ذهاب و گیلانغرب بسیار اثرگذار بود.

ارتش عراق در منطقه میانی به دنبال مقاصد زیر بود:

- تصرف شهرهای مرزی قصرشیرین، نفت شهر، سومار، مهران، سرپل ذهاب و گیلانغرب برای بهره برداری تبلیغاتی و آوارگی مردم به منظور ایجاد مشکلات داخلی برای جمهوری اسلامی ایران.
- تصرف عوارض حساس ارتفاعات زاگرس برای یک پدافند مطمئن و ایجاد فضای امن برای شهرهای مرزی عراق.
- اگر ایران از این مناطق طرحی برای حمله و تهدید بغداد داشت جلوگیری کنند.

۳-۲-۳- در منطقه جنوبی که تحت پوشش سپاه سوم عراق بود (از چنگوله تا فاو حدود ۳۸۵ کیلومتر): قرارگاه سپاه سوم از ناصریه به حارثه در حومه بصره منتقل شد و با در اختیار گرفتن لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه، ۳، ۹ و ۱۰ زرهی، ۲ تیپ زرهی و تیپ مکانیزه گارد ریاست جمهوری، ۲ تیپ نیروی مخصوص ۳۱ و ۳۳، دو تیپ پیاده از لشکرهای ۷ و ۱۱ که از سپاه یکم آمده بودند، تعدادی از تیپ های احتیاط و گارد مرزی مأموریت داشت استان راهبردی خوزستان را تصرف نماید.

محورهای تهاجم در منطقه جنوبی بدین شرح است: تلاش اصلی عراق در این منطقه بود. با توجه به جغرافیای منطقه خوزستان، این سپاه نیروهای تحت امر خود را به شرح زیر مستقر کرده بود:

محور ۳-۱- در شمال این ناحیه لشکر ۱۰ زرهی با هدف عبور از مرز در ارتفاعات نهر عنبر، پیشروی به طرف عین خوش، تپه های علی گره زد، عبور از کرخه، محاصره یا تصرف دزفول و اندیمشک.

محور ۳-۲- لشکر ۱ مکانیزه با هدف عبور از مرز (فکه) تصرف ارتفاعات ابوصلیبی خات (سایت)، عبور از کرخه، تصرف شهر شوش، محاصره دزفول از جنوب و الحاق با لشکر ۹ که مأموریتش در شمال اهواز بود.

۳-۲-۴- وضعیت آرایش دفاعی نیروهای ایران در شمال خوزستان:

- تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز، (با ۵۰ درصد استعداد سازمانی) در عین خوش که با یک گردان توپخانه پشتیبانی می شد. در جلوی این تیپ، گردان ۲۸۳ زرهی از لشکر ۹۲ (با ۳۰ درصد توان) در یک فضای ۳۵ کیلومتری مستقر شده بود (در مقابل لشکر ۱۰ عراق).

- در فکه (منطقه هموار است) یک گردان زرهی از تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۱۳۸ پیاده از لشکر ۲۱ حمزه و ۳ روز بعد هم گردان ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ حمزه با حداقل پوشش آتش پشتیبانی (در مقابل لشکر ۱ مکانیزه که با تیپ ۱۲ زرهی ابن الولید هم تقویت شده بود)، توانستند حداقل ۶ روز جلوی پیشروی عراق را بگیرند و مانع عبور آنها از کرخه شوند.

محور ۳-۳- در ناحیه میانی خوزستان (چزابه، بستان، تپه های الله اکبر، طلائی، سوسنگرد و اهواز) - لشکر ۹ زرهی عراق مستقر بود با هدف پیشروی و تصرف دشت آزادگان، محاصره اهواز از شمال شهر، الحاق با لشکر ۱ مکانیزه (که در شوش قرار بود از کرخه عبور کند و محور اندیمشک - اهواز را قطع کند). این لشکر هجوم خود را در محور شمال و جنوب کرخه به طرف سوسنگرد و از طلائی بطرف هویزه و سوسنگرد اجرا کرد (تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ اهواز در شمال کرخه و نیروهای مردمی در جنوب کرخه جلوی دشمن را گرفتند و در ۵۹/۰۸/۲۶ پیشروی عراق به سمت داخل کشور در سوسنگرد (محاصره سوسنگرد شکسته شد) متوقف شد.

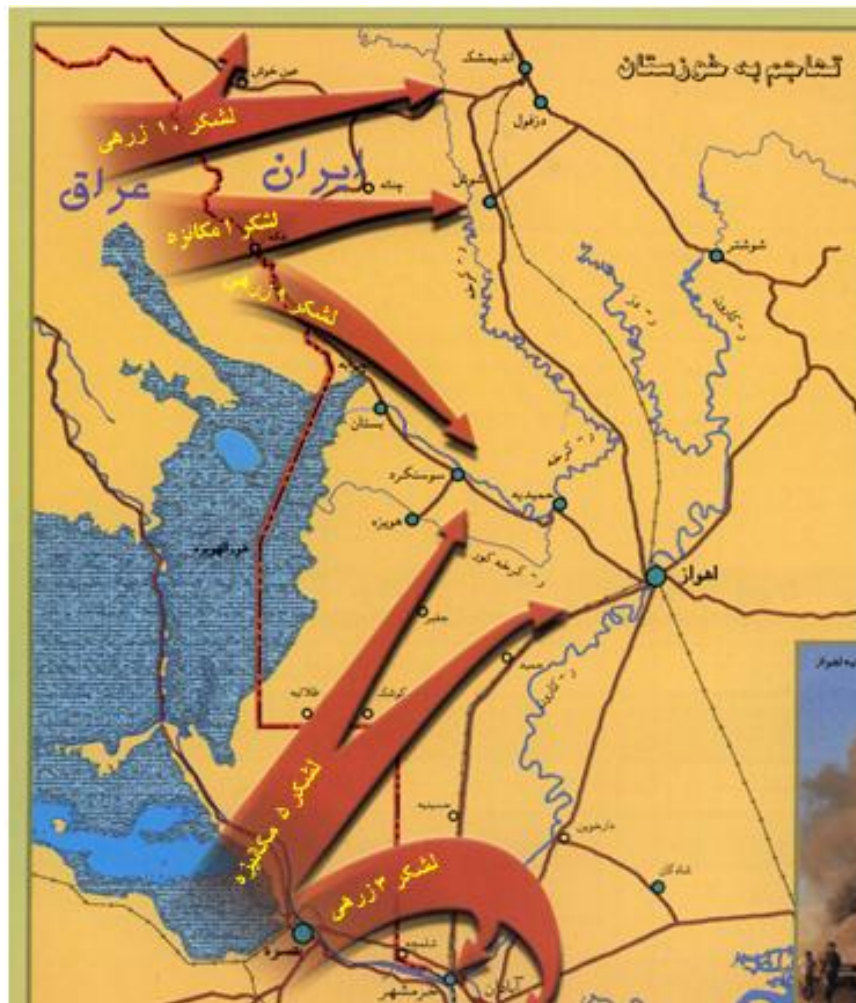
- در جنوب خوزستان:

محور ۳-۴- لشکر ۵ مکانیزه عراق با هدف پیشروی بطرف کوشک و اهواز و محاصره این شهر از طرف جنوب.
محور ۳-۵- لشکر ۳ زرهی تقویت شده- در محور شلمچه- خرمشهر بطرف کارون با هدف تصرف جزیره آبادان و پیشروی به طرف بندر ماهشهر.

نیروهای ایرانی مقابل اینها- در دشت باز شمال خرمشهر، گردان ۱۵۱ پیاده (گردان دژ) مستقر بود، در کوشک و طلائی تپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی اهواز (با ۵۰ درصد توان) قرار داشت. در شلمچه علاوه بر عناصری از یگانهای یاد شده (گردان تکاوران نیروی دریائی خرمشهر، یگانهای کوچکی از ژاندارمری، نیروهای مردمی و سپاه) حضور فعال داشتند بطوری که لشکر ۳ عراق نتوانست تا ۵۹/۰۷/۰۸ از پل نو و نهر عریض عبور کند، در حالی که در شمال این منطقه لشکر ۵ توانسته بود مقاومت تپ ۱ را در هم شکسته و به ۱۵ کیلومتری غرب اهواز برسد ولی در محور شلمچه- خرمشهر به علت مقاومت نیروهای مردمی، گردان دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه، گردان ۲۳۲ تانک از تپ ۱، تکاوران نیروی دریائی، ژاندارمری و سپاه، دشمن قادر به پیشروی سریع نبود.

اهداف تهاجم ارتش بعثی عراق در منطقه جنوبی:

- ۱- کنترل کامل اروندرود با تصرف خرمشهر و آبادان و لغو عملی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.
- ۲- دسترسی به سواحل شمال غربی خلیج فارس با تصرف بندر امام تا بوشهر (خاطرات و فیهو السامرایی، ۱۳۸۸ ص ۷۲).
- ۳- تصرف منابع نفت، گاز و ... استان راهبردی خوزستان با هدف تضعیف و نابودی اقتصاد ایران.
- ۴- تصرف استان خوزستان و الحاق آن به عراق.



۳-۳- مراحل مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران:

به منظور بررسی و مطالعه علمی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع مقدس ملت رشید ایران، لازم است تمام مراحل جنگ به هم دیده شوند تا نتیجه مطلوبی برای خواننده حاصل شود. چنانچه مقاطعی از جنگ بصورت گزینشی انتخاب شوند (مانند برخی قطعات یک پازل) طبیعی است که تصویر شفاف و کاملی تشکیل نخواهد شد. این مراحل به شرح زیر است:

۱- آغاز رسمی تهاجم و پیشروی عراق در خاک ایران (۳۱ شهریور ۵۹).

۲- توقف پیشروی عراق و تثبیت مواضع ایران (۸ یا به عبارتی ۲۶ آبان ۱۳۵۹).

۳- بیرون راندن متجاوز از خاک ایران.

۴- راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز با پیشروی ایران در خاک عراق.

۵- جنگ نفتکشها و جنگ شهرها.

۶- درگیری مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس و فاو.

۷- قبول قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ (جنگ تحمیلی ۲۸۸۷ روز طول کشید یعنی ۶۱ روز کمتر از ۸ سال).

اضافه می شود:

۸- حمله عراق به کویت (دوم اوت ۱۹۹۰ مصادف با ۱۱/۵/۱۳۶۹)، اعلام متجاوز بودن عراق از طرف شورای امنیت و اثبات حقانیت مواضع و تلاشهای مردم ایران در دفاع مقدس (چون بخش مهمی از خواسته های ملت ایران بعد از حمله عراق به کویت محقق شد).

۳-۳-۱- آغاز رسمی تهاجم و پیشروی عراق در خاک ایران- صدام بعد از امضای قرارداد الجزایر، امکانات عراق را برای رویارویی با ایران آماده می کرد و مصمم بود اگر از طریق مسالمت آمیز به اهداف خود نرسید، جنگ با ایران را آغاز نماید. بعد از استقرار گسترده نیروهای بعثی عراق در خطوط مرزی، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶/۶/۱۳۵۹) شب هنگام نمایندگان مجمع ملی عراق برای جلسه ای فوق العاده دعوت شدند و صدام بعد از سخنرانی مفصل، لغو یک طرفه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که خود امضاء کرده بود اعلام کرد. او گفت همان طوری که شاه از استرداد اراضی عراق خودداری کرد و ما ناگزیر شدیم این سرزمینها را به زور آزاد کنیم (خان لیلی و میمک که در ۱۷ تا ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ توسط عراق اشغال شده بود)، لذا در مقابل شما قرارداد ۱۹۷۵ را از طرف عراق ملغی اعلام می کنم. صدام در مقابل دوربین تلویزیون، قرارداد ۱۹۷۵ را پاره کرد و گفت ما این تصمیم تاریخی را برای بدست آوردن حاکمیت بر اراضی و آب های خود گرفته ایم و هرکس بخواهد با این تصمیم مشروع ما مخالفت کند با تمام قدرت و شایستگی، مقابله خواهیم کرد. عراق بالاخره بعد از تهیه مقدمات لازم ۲۴، در ساعت ۱۴:۱۵ - ۱۳۵۹/۰۶/۳۱ (به وقت تهران) بطور رسمی با ۱۹۲ فروند هواپیمای جنگی حمله به ایران را آغاز کرد.

^{۲۴} در ۵۹/۰۱/۱۲ در دانشگاه مستنصریه بغداد به طارق عزیز سوء قصد شد. ایران را عامل حمله اعلام کردند و صدام سه بار قسم یاد کرد که انتقام خواهد گرفت. او اقدامات زیر را انجام داد: پاکسازی مقامات بالای حزب بعث از شیعیان، برکناری آنان از مقامات حساس دولتی، اخراج ۱۰۰/۰۰۰ شیعه ایرانی تبار، اعدام آیت ... محمد باقر صدر و خواهرش، ارسال نامه به سازمانها و شخصیت های بین المللی، شدت بخشیدن به زد و خورد های مرزی و

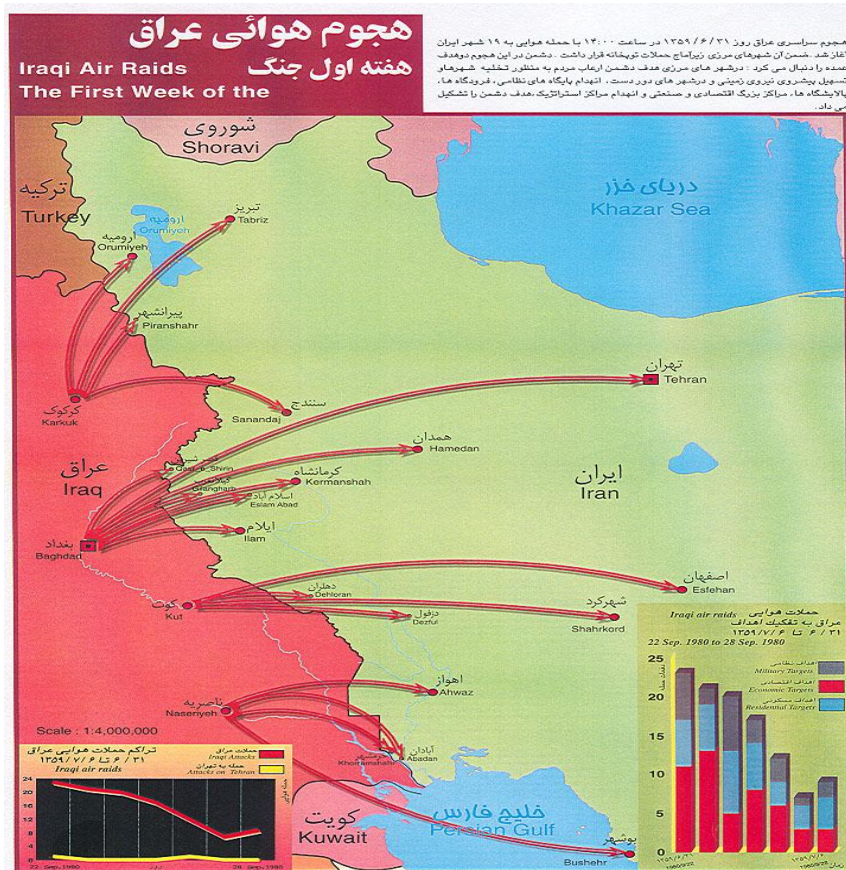
در ۵۹/۰۱/۱۸ قطع رابطه سیاسی ایران با آمریکا اتفاق افتاد. صدام مصمم به حمله بود فقط دنبال فرصت مناسب بود (عراق از قدرت نظامی شاه هراس داشت و نگران حمایت جدی آمریکا از ایران بود. حال این دو مشکل رفع شده بود). در ۵۸/۱۰/۰۶ شوروی به افغانستان حمله کرده و درگیر آنجا بود، بدلیل حمایت ایران از افغانها در مقابل اشغال شوروی لذا ایران با شوروی هم رابطه دوستانه نداشت.

بعد از کشف کودتای نوژه صدام دریافت که با کودتا و آشوبهای داخلی نمی توان انقلاب ایران را سرنگون کرد، لذا تا ایران مشغول تضعیف ارتش است و لشکر ۹۲ زرهی اهواز سازمان مجدد نیافته باید با حمله به ایران به مقاصد خود دست یابد.

فرودگاه تهران (با ۳ فروند mig-23) و فرودگاههای ۱۰ شهر دیگر هم بمباران شد (این کار عراق، یک کپی برداری ضعیف از بمباران سال ۱۹۶۷ مصر توسط اسرائیل بود). در مورخه ۵۹/۰۷/۰۱ حمله گسترده زمینی عراق علیه ایران در طول ۵۵۰ کیلومتر از مرز (از کردستان تا اروندرود)، آغاز شد و حداکثر به عمق ۱۰۰ کیلومتر پیشروی کرده و در کل حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را اشغال کرد. عراق در شهریور ۱۳۵۹ (از نظر اقتصادی، سازمان و تجهیزات ارتش، وحدت مدیریت و موقعیت بین المللی) دارای شرایط مساعدی بود و صدام را بر آن داشت که به ایران فرصت رسیدگی به امور و سامان یافتن ندهد و در اوج آشفتگی های داخلی (بعد از پیروزی انقلاب) به ایران حمله کرد.

عراق بسیار تلاش کرد تا ایران را متجاوز و آغازگر جنگ و روز شروع جنگ را ۴ سپتامبر ۱۹۸۰ (۵۹/۰۶/۱۳) اعلام کند (مدعی بود ایران با توپهای ۱۷۵ میلیمتری، شهرهای مندلی، خانقین، زرباتیه و نفت خانه را گلوله باران کرده است) ولی تمام مدارک مکتوب، روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ را روز شروع جنگ و صدام را آغازگر جنگ می دانست.

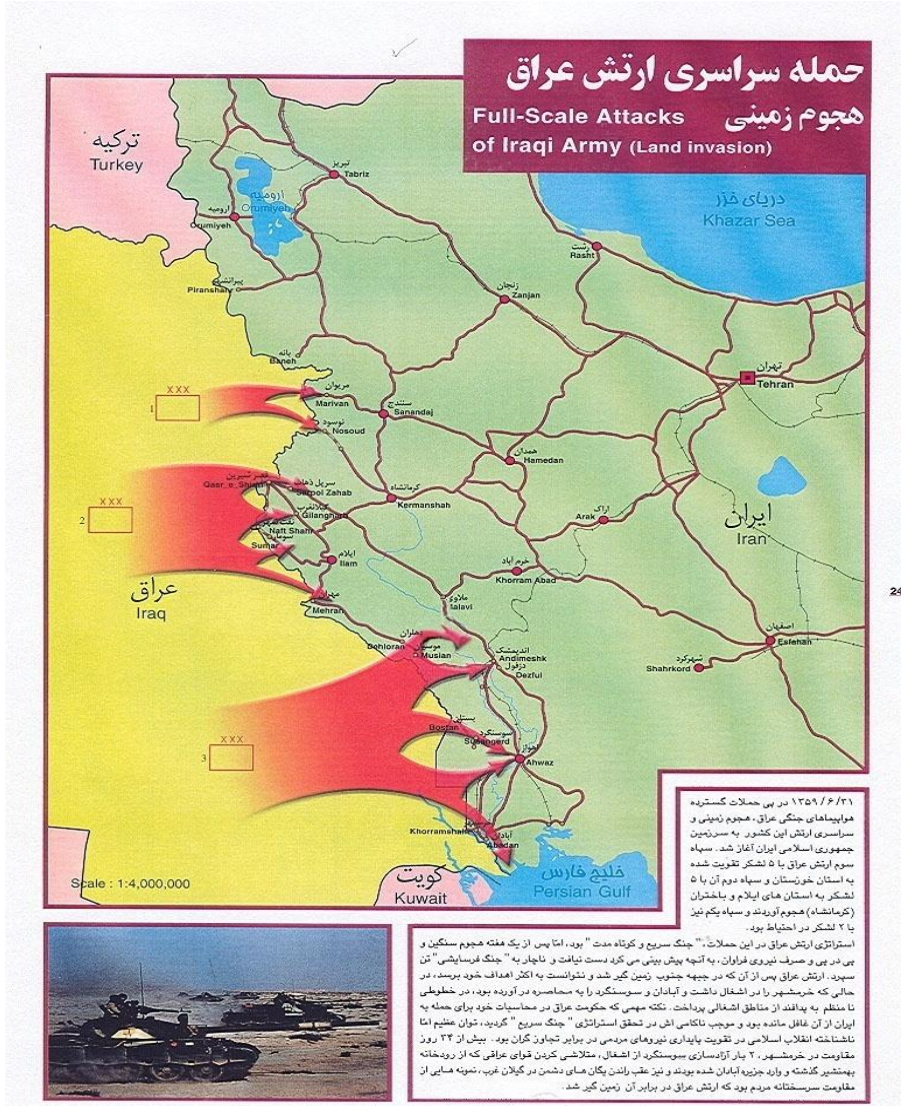
- چند وقت بعد، رژیم عراق علت این تجاوز همه جانبه را پیشدستی در حمله به منظور جلوگیری از حمله قریب الوقوع ایران به عراق عنوان و آنرا دفاع مشروع و پیش دستانه خواند.



عملیات کمان ۹۹ - خلبانان ایرانی (که ماهر و باتجربه بودند) در هفته های اول جنگ حماسه ها آفریدند و هر روز با انجام مأموریت های جنگی، تسلط خود را بر آسمان ایران و عراق محرز کردند. در ۵۹/۰۷/۰۱ نیروی هوایی ایران با ۱۴۰ فروند هواپیما (عملیات کمان ۹۹) بغداد و برخی شهرهای مهم عراق را مورد بمباران سنگین قرار دادند.

مذاکره صادق طباطبائی با مقامات آمریکائی برای حل موضوع گروگانها (۵۹/۰۶/۲۷) عراق را وادار کرد زمان حمله را جلو بیندازد چون احتمال می داد اگر مشکل آمریکا با ایران حل شود، آمریکا به دوستی خود و حمایت از ایران ادامه داده و حمله صدام عملی نخواهد شد.

وضعیت دشمن بعد از پایان عملیات کمان ۹۹ (سایه البرز): طی این عملیات، تمامی اهداف از پیش تعیین شده در خاک عراق در هم کوبیده شد. پایگاه های هوایی الرشید بغداد، کوت (استان العماره)، موصل (استان نینوا)، ناصریه (استان ذیقار)، شعبیه (استان بصره)، پایگاه هوایی کرکوک (استان کرکوک)، پایگاه های هوایی حبانیه شامل دو پایگاه تموز و هضبه در غرب بغداد، پایگاه هوایی ام القصر، فرودگاه بین المللی بغداد و فرودگاه المثنی، توسط بمب افکن های ایران بمباران شد. هر دو باند پروازی پایگاه کرکوک، پالایشگاههای نفت کرکوک و بصره، فرودگاه حبانیه شمالی، فرودگاه المثنی، پل های ارتباطی نوموه و بصره، چاه های نفت باباگرگر و مخازن نفت موصل و تأسیسات گازی کرکوک، تنها قسمتی از خسارات وارد شده به عراق بود. با انجام این عملیات، فرودگاه بغداد تا مدتی آسیب جدی دیده بود و قابل استفاده نبود لذا مسافران عادی ابتدا وارد اردن شده از آنجا با اتومبیل به بغداد می رفتند. نیروی هوایی عراق بیش از ۵۵ درصد از توان خود را از دست داد و تا مدت ها پایگاه های هوایی آنان قادر به استفاده از تمام یا بخشی از توان خود نبودند. پایگاه هوایی الرشید (یکی از مهمترین پایگاه های هوایی عراق)، تا ۶۹ روز نتوانست عملیاتی شود (شدت حملات خلبانان نیروی هوایی ایران را نشان داد) و از سویی تمام برآوردهای دشمن را درباره این نیرو برهم زده بود زیرا اطلاعات آنان حکایت از زمینگیر بودن نیروی هوایی ایران داشت. براستی خلبانان شجاع ما نه تنها تمامی معادلات عراق را برهم ریخته بودند، بلکه به کشورهای دوست و هم پیمان عراق شامل کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، فرانسه، آلمان و از همه مهمتر آمریکا، پاسخی قاطع داده بودند و آنان تازه فهمیده بودند که محاسبات شان چندان هم دقیق نبوده است. نیروی هوایی با فداکاری خلبانان خود بر آسمان هر دو کشور تسلط داشت.



در هفته های اول جنگ سراسر ایران سرشار از شور و احساس وظیفه و حضور مردم در جبهه های جنگ بود. تمام اقشار مردم بخصوص جوانان جبهه ها را پر کرده و بطور باور نکردنی برای توقف پیشروی عراق فداکاری می کردند. با فرمان امام همه به سوی جبهه ها هجوم می آوردند و کمکهای مردمی نیز به سوی جبهه ها سرازیر شده بود. اعضای سپاه پاسداران با آموزش نظامی اندک و سلاح ناچیزی که داشتند، آنچه در توان یک انسان شجاع بود در برابر ارتش انبوه و مجهز عراق دلیرانه مقاومت می کردند و در جلوگیری از پیشروی عراق و سپس در حمله به خطوط مستحکم و مجهز عراقیها حماسه ها آفریدند. در این میان تکاوران نیروی دریائی خرمشهر و مردم فهیم و شجاع آن شهر جایگاه ویژه ای در هفته های اول جنگ داشتند. آنها با دست خالی و کوکتل مولوتف جلوی دشمن تا دندان مسلح مقاومت می کردند. ارتش عراق چندین بار به داخل شهر نفوذ کرد ولی مدافعان اندک خرمشهر با کمک مردم، شجاعانه و بطور افسانه ای پایداری کرده و ارتش مهاجم را عقب راندند، ۳۴ روز مقاومت کردند و برگ زرین دیگری به تاریخ ایران افزودند.

خرمشهر در ساعت ۱۶:۳۰ روز ۴ آبان ۱۳۵۹ بعد از ۳۴ روز پایداری سرسختانه، سقوط کرد (در جنگ جهانی دوم پادگان ورشو- لهستان- و مردم آن شهر ۱۴ روز در مقابل ارتش آلمان مقاومت کردند و شهرت جهانی یافتند).

علی رغم تصور صدام در بدست آوردن پیروزیهای برق آسا و تصرف شش روزه خوزستان، پیشروی عراق محدود به ۵ هفته اول جنگ بود (۸ تا آبان محاصره سوسنگرد یا ۲۶ آبان ۱۳۵۹ آزادسازی آن). عراقی ها با وجود برتری همه جانبه، در استان خوزستان تنها بستان (۱۳۵۹/۷/۴) و خرمشهر (۵۹/۸/۴)، را اشغال و آبادان را محاصره کردند و روز ۵/۷/۵۹ به دب حردان در ۲۰ کیلومتری اهواز رسیدند (اشغال حدود یک پنجم از مساحت خوزستان یا دو شهر از ۲۶ شهر این استان). در استان ایلام نیروهای سپاه دوم توانستند شهر مهران (۱۳۵۹/۷/۲) و شهر موسیان (۱۳۵۹/۷/۱۲) توسط سپاه سوم) را اشغال نمایند. در استان کرمانشاه شهرهای سومار و نفت شهر (۱۳۵۹/۷/۲) و قصرشیرین (۱۳۵۹/۷/۴) به اشغال دشمن درآمدند. از آن به بعد ارتش عراق در تمام جبهه ها به علت تلفات سنگین و پایداری روز افزون ارتش، سپاه و مردم ناگزیر به توقف شد و عراق در ۱۳۵۹/۷/۶ پیشنهاد آتش بس داد. بدون شک بعد از یاری خداوند، رهبری های حکیمانه امام، حضور بی نظیر مردم در صحنه سیاسی و هجوم آنها به جبهه ها، سه عامل اساسی بود که مانع فروپاشی نظام سیاسی کشور گردید و جلوی پیشروی ماشین جنگی عراق را گرفت. نیروهای ارتش که آسیب های فراوان دیده بودند با مشاهده شور و حال مردم روحیه دوچندان گرفتند و با اراده ای قوی تر جلوی دشمن ایستادند.

نظرات و تدابیر دفاعی حضرت امام (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تهاجم سراسری رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور جلوگیری از سلطه بیگانگان، امام خمینی خط و مشی سیاسی کشور را استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و شعار نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی اعلام کردند. برای رهبری روشن و آشکار بود که استکبار جهانی (و در رأس آن آمریکا) پذیرای چنین سیاستی نیست و قطعاً مشکلاتی را برای نظام نوپای اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد. بنابر این تدابیر ارزشمندی را در فراهم نمودن توان بازدارندگی و دفاعی اتخاذ نمودند که مهمترین این اقدامات به شرح زیر است:

۱- **حفظ ارتش، حمایت و تقویت آن** (مقابله با کسانی که خواهان انحلال ارتش یا تضعیف آن بودند، نامگذاری ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ به عنوان روز ارتش، صدور فرمان پنج ماده ای در ۱۳۵۹/۶/۱۸ برای جلوگیری از تعقیب ارتشیان توسط کمیته ها و دادگاههای انقلاب و ...).

۲- دستور تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷/۱۲/۲ و اعلام رسمی آن در ۱۳۵۸/۲/۲ به منظور ایجاد امنیت، صیانت از انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن.

۳- دستور تشکیل نیروی مقاومت بسیج (ارتش بیست میلیونی) در ۱۳۵۸/۹/۵ به منظور بهره گیری از قدرت عظیم نیروهای مردمی در عرصه های مختلف (برای ایجاد امنیت و حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی، سازندگی و ...).

نظرات و تدابیر دفاعی حضرت امام (ره) پس از تهاجم سراسری رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

۱- تحقیر دشمن، امیدوار نمودن مردم به مبارزه و حتی شکست دشمن (توصیه به مردم برای ایمان و توکل به خدا، انجام تکلیف، نترسیدن از دشمن ضعیفی چون صدام).

۲- راه اندازی عملیات روانی علیه دشمن بعثی (به مردم اطمینان دادند که یک دزدی آمده سنگی انداخته و فرار کرده، مشخص کردن ماهیت تجاوز با اعلام اینکه صدام کافر و عامل سیاست های آمریکا است، این جنگ اسلام و کفر است).

۳- ابلاغ ساختار و سازمان دفاعی برای مقاومت (تشکیل شورای عالی دفاع، تشکیل قرارگاه خاتم الانبیاء، ایجاد هماهنگی و انسجام در نیروهای مسلح، و ...).

عملیات مروارید - اسکله های نفتی البکر و الامیه از بزرگترین مراکز صدور نفت عراق است که در شمال خلیج فارس، نزدیک جزیره بوبیان کویت قرار گرفته و از شاهرگک های حیاتی اقتصاد عراق از طریق دریا به حساب می آیند. نیروی دریایی ایران در ششم آذر ۱۳۵۹ طی عملیات مروارید، به این سکوها حمله کرد و با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش، ضمن وارد آوردن ضربات کوبنده بر نیروی دریایی و هوایی دشمن، بیش از دو سوم این پایانه ها را منهدم کرد.

سرانجام پس از ساعت ها نبرد بی امان، هنگام ظهر ۷ آذر ۱۳۵۹، در حالی که دلاورمردان نیروی دریایی ایران آخرین گلوله های خود را به سوی دشمن نشانه می رفتند، ناوچه پیکان مورد اصابت چند موشک قرار گرفت. نتیجه این مصاف، ساقط شدن پنج فروند هواپیمای جنگی عراق، انهدام بزرگترین پایانه های صدور نفت عراق و از کار انداختن بیش از ۵۰ درصد توان رزمی نیروی دریایی عراق (نابودی ۱۴ فروند ناوچه) بود. همچنین نیروی دریایی ایران، باقیمانده ناوهای جنگی عراق را در بندر نظامی ام القصر محبوس نموده و عراق را تا پایان جنگ در استفاده از اروندرود و خلیج فارس محروم کرد.



پشتیبانی هوایی از عملیات مروارید توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۳-۲- توقف پیشروی عراق، تثبیت مواضع ایران و بیرون راندن ارتش متجاوز دشمن از خاک ایران:

پس از توقف پیشروی ارتش عراق، بتدریج انجام عملیات های محدود علیه دشمن مدنظر قرار گرفت. حضور بنی صدر در مقام ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا مشکلات زیادی را در تأمین تدارکات و برنامه ریزی جنگ ایجاد می کرد. عراق بعد از ناکامی در تصرف خوزستان، در جنگ زمینی استراتژی دفاعی اتخاذ کرده و جنگ شهرها را آغاز کرد تا با افزایش فشار بر مردم در کوتاهترین زمان ممکن دولت را تسلیم و وادار به مذاکره نماید اما با مقاومت مردم به هدف خود نرسید. تا پایان سال ۱۳۵۹ علاوه بر حملات چریکی و پارتیزانی، حدود ۱۸ عملیات محدود علیه عراق انجام شد که به علت کارشکنی های بنی صدر، موفقیت چندانی حاصل نشد. برخی از عملیات های این سال به شرح زیر است:

✓ **عملیات تنگ حاجیان** در ۵۹/۱۰/۱۴ در گیلان غرب.

✓ **عملیات نصر** (شمال کرخه کور) در ۵۹/۱۰/۱۵ در هویزه انجام شد که به علت آتش پر حجم دشمن بعد از هشت روز نبرد، به محل استقرار اولیه عقب نشینی کردند.

✓ **عملیات توکل** در ۵۹/۱۰/۲۰ در شرق رود کارون برای عقب راندن دشمن به غرب کارون و جلوگیری از محاصره آبادان، توسط نیروهای ارتش، ژاندارمری، تکاوران نیروی دریایی و گروه جنگهای نامنظم انجام شد ولی با تحمل تلفات نسبتاً سنگین به مواضع قبلی خود عقب نشینی صورت گرفت.

مرحله سوم جنگ- بیرون راندن ارتش متجاوز دشمن از خاک ایران

مهمترین تحولات سال ۱۳۶۰- در این سال و قبل از ۱۳۶۰/۳/۲۱ هم تعدادی عملیات به شرح زیر انجام شد:

✓ **عملیات تپه چشمه** (این تپه موقعیت عالی دیده بانی داشت) در ۶۰/۱/۱۵ در غرب پل نادری برای تصرف تپه چشمه توسط لشکر ۲۱ حمزه (ع) انجام گرفت ولی منجر به عقب نشینی شد.

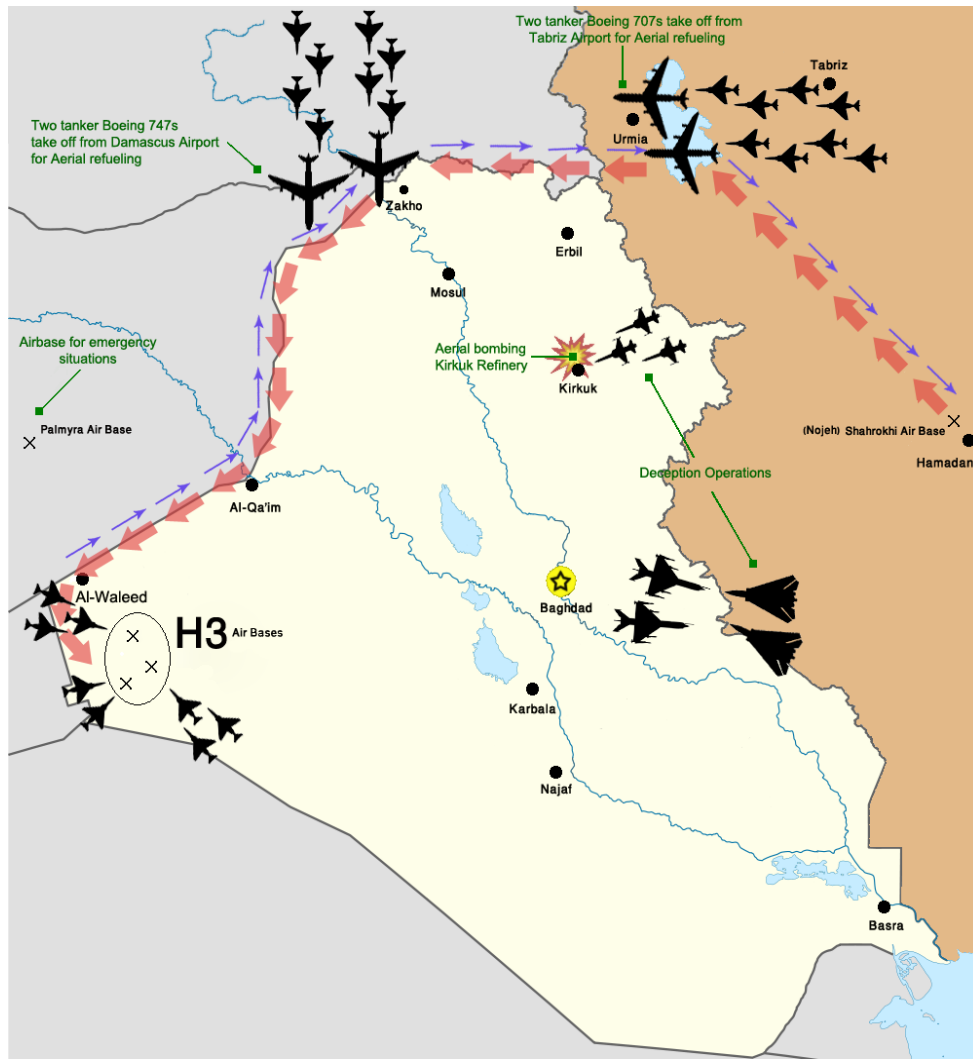
✓ **عملیات استراتژیک هوایی الولید (حمله به H3):**

پایگاههای الولید در منتهی الیه غرب عراق در نزدیکی مرز اردن و سوریه قرار گرفته و شامل سه فرودگاه به فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتر از یکدیگر شبیه یک مثلث می باشند. به علت بعد مسافت تا مرزهای ایران، رژیم عراق این پایگاه را به عنوان محل امن برای نگهداری هواپیماهای جنگی خود در نظر گرفته بود.

زمان عملیات ۱۳۶۰/۱/۱۵ انتخاب شد. ساعت برخاستن هواپیماها از پایگاه نوژه همدان ساعت ۰۷:۰۰ به وقت گرینویچ و زمان TOT (Time On Target) ساعت ۰۸:۵۳ تعیین شد. در این عملیات دو فروند هواپیمای سوخت رسان بوئینگ ۷۰۷ و ۷۴۷ از پایگاه مهرآباد، در ساعت ۰۳:۱۵ هواپیماهای F-14 از پایگاه هشتم شکاری اصفهان، ۱۰ فروند F-4e در دو گروه پروازی الوند و شاهین به لیدری سرگرد خلبان فرج الله براتپور و سرگرد خلبان محمود اسکندری از پایگاه نوژه همدان مشارکت داشتند (۸ فروند وارد خاک عراق شدند).

در ساعت ۰۴:۳۰ سه فروند هواپیمای F-5 هم از پایگاه هوایی تبریز به سمت پالایشگاه کرکوک حرکت کردند تا ضمن حمله به تأسیسات نفتی کرکوک، سیستم پدافند هوایی عراق را به خود مشغول نمایند. در ساعت ۰۳:۰۰ یک فروند هواپیمای هرکولس C-130 شناسایی الکترونیکی (خفاش) از پایگاه مهرآباد برخاسته و خود را به منطقه ایستایی شمال غرب کشور رساند تا با رهگیری علائم راداری، موشکهای زمین به هوای دشمن و شنود رادیویی از پدافند هوایی عراق تحرکات و اقدامات آنها را شناسایی نماید. جنگنده های ایرانی بعد از رسیدن روی هدف به سه گروه تقسیم شده و در ساعت ۰۵:۲۳ اولین بمب های خود را روی اهداف مورد نظر فرو ریختند. درست در همین زمان هم گروه دیگر (هواپیماهای F-5) پالایشگاه

کرکوک را بمباران کرده و سالم به تبریز بر می گردند. هواپیماهای F-4 بعد از انجام مأموریت به سرعت منطقه را ترک کرده و خود را به تانکر سوخت رسان که از دمشق برخاسته بود می رسانند تا سوختگیری نمایند. یکی از هواپیماهای گروه شاهین هنگام برگشت آسیب دیده و به فرودگاه پالمیرا هدایت می شود و اجازه فرود اضطراری می گیرد. این هواپیما بعد از تعمیر توسط مکانیسین های ایرانی، توسط سرگرد خلبان محمود اسکندری (علی رغم آتش پر حجم پدافند و هوشیاری دشمن) با مهارت از شمال عراق به کشور منتقل می شود. در ابتدا، با توجه به نزدیکی اسرائیل به اردن و این که در سال ۱۹۶۷ نیز اسرائیلی ها فرودگاه های این کشور را بمباران کرده بودند، عراقی ها تصور کردند که حمله از جانب اسرائیلی ها صورت گرفته است. طراحان این عملیات استراتژیک، سرهنگ فریدون ایزدستا و سرلشکر بهرام هوشیار بودند.



نقشه عملیات حمله به H3 (پایگاه هوایی الولید) توسط نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران

نتایج عملیات حمله به H3: در اثر این عملیات حماسی و بی نظیر، خسارات زیر به عراق وارد شد: انهدام ۴۸ فروند انواع هواپیمای جنگی و هلی کوپتر، انهدام انبار مهمات، رادار و آشیانه های پایگاه، بمباران پالایشگاه کرکوک. بعد از انجام موفقیت آمیز این عملیات، جنگنده های F-15 و F-16 اسرائیل از فرصت استفاده کرده و در ۱۳۶۰/۳/۱۷ نیروگاه اتمی اوسیراک عراق را بمباران کرده و رآکتور آنرا منهدم ساختند اما هرگز به نیروگاه بوشهر نزدیک نشدند.

دستاوردهای عملیات حمله به H3:

۱- برکناری و تیرباران فرمانده پدافند هوایی منطقه به دستور صدام حسین.

۲- کاهش روحیه جنگندگی رهبر عراق، فرماندهان و نظامیان عراقی که تبعات روانی آن در عملیات های ثامن الائمه و فتح المبین آشکار گردید.

۳- سکوت رسانه های جمعی رژیم اشغالگر قدس و استکباری در ناتوان نشان دادن ایران و خوشحالی مسلمانان جهان.

۴- یکی از اهداف استراتژیک این عملیات هشدار به نیروی هوایی اسرائیل بود مبنی بر اینکه نیروی هوایی ایران به سادگی قادر است خود را به خاک آن کشور رسانده و هر هدفی را مورد اصابت قرار دهد تا خیال حمله به نیروگاه اتمی بوشهر را در سر نداشته باشد.

۵- اثبات این نکته به رژیم عراق که هیچ نقطه از خاک آن کشور از برد جنگنده های نیروی هوایی ایران در امان نیست. مسیر طی شده توسط فانتوم های ایرانی برای اجرای موفقیت آمیز این عملیات بیش از ۳۵۰۰ کیلومتر بود (سه برابر برد هواپیماهای ایرانی) که با چهار مرحله سوخت گیری در آسمان ممکن شد. دو فروند هواپیمای ۷۴۷ سوخت رسان از فرودگاه دمشق بلند شده و مرحله دوم و سوم سوختگیری هوایی در خاک سوریه انجام گرفت. حمله به H3 یکی از عملیات های درخشان و جالب توجه نیروی هوایی در دوران هشت سال دفاع مقدس بود که باعث شادی مردم ایران و امام امت شد. امام سه روز بعد (۱۳۶۰/۱/۱۸) طراحان، خلبانان و فرماندهان شرکت کننده در این عملیات را به حضور پذیرفتند.

✓ **عملیات بازی دراز** در ۶۰/۲/۲ در سرپل ذهاب توسط ارتش و سپاه انجام شد و بعد از پنج روز نبرد منجر به تصرف قلعه ۱۱۵۰ و گرفتن تعدادی اسیر شد. ارتفاعات بازی دراز به محورهای شمالی گیلان غرب و سرپل ذهاب، غرب منطقه تا شرق قصرشیرین تسلط کامل داشته و امتیازات تاکتیکی زیادی دارند.

در این زمان، بنی صدر دیگر از حمایت امام برخوردار نبود و در ۶۰/۳/۲۱ از فرماندهی کل قوا عزل شد و امام خود فرماندهی کل قوا را به عهده گرفتند. در همین روز عملیاتی به شرح زیر انجام شد:

✓ **عملیات فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا** در ۶۰/۳/۲۱ برای تصرف خاکریزهای اول و دوم دشمن در جنوب دارخوین توسط ارتش، ژاندارمری و سپاه انجام شد (باعث آزادسازی نه کیلومتر مربع از اراضی منطقه و اسارت ۲۰۰ نفر عراقی شد). بنی صدر برای مقابله با مخالفان خود که اغلب افراد مذهبی و انقلابی بودند، با سازمان منافقین که ضد جمهوری اسلامی دست به اقدامات مسلحانه زده بودند متحد شد. در ۱۳۶۰/۰۳/۲۹ منافقین و بنی صدر از هواداران خود خواستند علیه حکومت اسلامی به خیابانها بریزند و قیام کنند. در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تظاهرات خشونت آمیزی در تهران و تعدادی از شهرهای دیگر اتفاق افتاد که با عکس العمل شدید نیروهای وفادار به انقلاب روبرو شدند.

در ۶۰/۰۳/۳۱ مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی بنی صدر داد (۱۷۷ رأی موافق، ۱۲ ممتنع و ۱ رأی مخالف) که با تأیید امام دستور بازداشت او به اتهام خیانت و توطئه علیه نظام صادر شد (خلبان بهزاد معزی هدایت بنی صدر و رجوی را از فرودگاه مهرآباد به پاریس فراری داد).

پیامدهای عزل بنی صدر: بعد از برکناری بنی صدر، امام فرماندهی کل قوا را در دست گرفت، زمینه برای حضور نیروهای انقلابی در صحنه های تصمیم گیری جنگ فراهم شد، ارتش و سپاه با هم متحد شدند، سلاح و تجهیزات به اندازه کافی در اختیار سپاه قرار گرفت و اختلافات و منازعات در بین مسئولین رده بالای کشور کاهش یافت. ارتش و سپاه پس از غافلگیری و آشفتهگیهای اولیه آغاز جنگ، انسجام بیشتری یافته و تجارب زیادی هم کسب کرده بودند، متوجه شدند ایران قادر است ضربات اساسی تری به عراق وارد کند. در نیمه اول سال ۱۳۶۰ حدود ۱۹ عملیات و در نیمه دوم ۱۳۶۰ حدود ۸ عملیات دیگر توسط ایران انجام شد که مهمترین اینها به شرح زیر است:

عملیات ثامن الائمه (۶۰/۰۷/۰۵): این عملیات توسط ارتش، سپاه و نیروهای مردمی در شمال آبادان و شرق کارون انجام شد.

در ۱۳۶۰/۷/۷ با انهدام پل حفار، شرق کارون به تصرف نیروهای ایران در آمد و به عقبه دشمن دسترسی یافتند.

نتایج عملیات ثامن الائمه - محاصره آبادان بعد از ۳۴۹ روز شکسته شد، جاده اهواز - آبادان و جاده آبادان - ماهشهر نیز باز شد.

عملیات ثامن الائمه یکی از کلیدی ترین عملیاتها بود (اولین عملیات بزرگ سپاه و ارتش، اولین پیروزی بزرگ ایران و جزء عملیات های کاملاً موفق و نسبتاً گسترده بود).

عملیات طریق القدس: در ۶۰/۰۹/۰۸ توسط سه تیپ ارتش و سه تیپ از سپاه (که با هم ادغام شده بودند) انجام شد. هدف

آن آزادسازی بستان و هفتاد روستای بین سوسنگرد تا بستان و اطراف جزایه و رسیدن به بخشی از مرز بین المللی بود. در این عملیات از تانک ها و نفربرهای لشکر سه زرهی عراق که در عملیات ثامن الائمه به غنیمت گرفته شده بود استفاده شد. رزمندگان اسلام با عبور از مناطق رملی و دور زدن شهر بستان و تصرف توپخانه های دشمن، به کلیه اهداف خود رسیدند.

نتایج عملیات طریق القدس: آزاد سازی بستان بعد از ۴۲۷ روز اشغال. همچنین با آزاد سازی ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران،

غرب شوش و دزفول از وجود عراقیها پاکسازی شد. این عملیات تجربه موفقیت آمیز مشارکت گسترده مردم را نشان داد و

امام خمینی آنرا فتح الفتوح نامیدند (چون جبهه پیوسته دشمن را در خوزستان به دو بخش تجزیه کرد که بعداً عملیات فتح المبین در شمال و بیت المقدس در جنوب این منطقه انجام شد).

مهمترین تحولات سال ۱۳۶۱ - در این سال هشت عملیات انجام شد که مهمترین آنها به شرح زیر است:

عملیات فتح المبین (۱۳۶۱/۰۱/۰۲) در غرب شوش و دزفول و غرب رودخانه کرخه و طی چهار مرحله (با هدف آزادسازی

منطقه عمومی غرب رودخانه کرخه) صورت گرفت. برای این عملیات سپاه و ارتش هرچه در توان داشتند به میدان آوردند.

نتایج عملیات فتح المبین: باعث آزادسازی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران شد (شامل ارتفاعات عین خوش، علی گره زد، ابوغریب، تنگ رقیبه، دشت عباس، تپه های ابوصلیبی خات، سایت و رادار فکه، جاده دزفول - دهلران و ..) و شهرهای شوش،

اندیمشک، پایگاه وحدتی دزفول و جاده اهواز - اندیمشک از دید و تیر مستقیم و برد آتش توپخانه دشمن خارج شد. از

نیروهای عراقی حدود ۱۷۰۰۰ نفر اسیر، ۱۰۰۰۰ نفر کشته و مجروح و دو لشکر آنها تقریباً نابود شد. در این عملیات ۱۱ فروند هواپیمای جنگی، ۳ فروند هلیکوپتر، ۳۶۱ دستگاه انواع تانک و نفربر و صدها دستگاه خودروی نظامی ارتش عراق منهدم شد و تعداد زیادی سلاح و مهمات به غنیمت رزمندگان ایرانی در آمد. خسارات وارده باعث کاهش توان رزمی ارتش عراق شد و فرصت برای انجام عملیات بزرگ بیت المقدس فراهم گردید.

فتح المبین علمی ترین عملیات بود (چون تمام اصول و قوانین جنگ در آن رعایت شد).

امام خمینی در ۱۳۶۱/۱/۲ ضمن ارسال پیام تبریک برای فرماندهان و رزمندگان شرکت کننده در این عملیات فرمودند:

مبارک باد بر شما عزیزان افتخار آفرین، پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوت اعلی نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیه الله الاعظم نمودید. رحمت و اسعه خداوند بر آن پدران و مادرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشانید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت چنین جوانان رزمنده ای و مبارک باد بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستند. اینجانب از دور، دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم.^{۲۵}

^{۲۵} - صحیفه امام، ج ۱۶ ص ۱۴۳

• **عملیات بیت المقدس** در (۶۱/۰۲/۱۰) آغاز شد. منطقه عملیات بین شهرهای اهواز تا خرمشهر و منطقه مرزی بود که از سه

طرف توسط موانع طبیعی احاطه شده بود (از طرف شرق رودخانه کارون، شمال رود کرخه و غرب هورالهویزه و مرز بین المللی).

حفظ خرمشهر برای صدام بسیار مهم بود بطوری که به فرماندهان گفته بود (حفظ خرمشهر یعنی حفظ بصره و امنیت بصره

یعنی حفظ بغداد). به این جهت عراق مهمترین تدابیر امنیتی را در اطراف خرمشهر (برای حفظ آن) در نظر گرفته بود:

عراق حدود ۴۱ گردان زرهی (هر گردان ۳۴ دستگاه تانک)، ۳۸ گردان مکانیزه (هر گردان ۳۴ دستگاه نفربر)، ۴۰ گردان

پیاده، ۳۰ گردان توپخانه صحرایی یعنی در کل حدود ۲۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰۰۰ نفر نیروی پیاده و ۵۰۰ قبضه توپ

صحرایی در خرمشهر مستقر کرده بود. یک پدافند ۱۸۰ درجه ای از سمت شرق و شمال شهر پیش بینی کرده بود. دو هفته قبل

از عملیات در میدان گمرک موانع عمودی برای مقابله با هلی برن ایران ایجاد کرده بود.

مستشاران نظامی فرانسوی طی یک بازدید از وزارت دفاع عراق در سیزدهم آوریل ۱۹۸۲، اعلام کردند که: هیچ اسلحه و

نیروی قادر به بازپس گیری خرمشهر نیست زیرا عراق این شهر را به صورت یک پایگاه دفاعی بسیار مستحکم در آورده

بود. تا حدی که **صدام**، این سخن تاریخی خود را با اطمینان کامل بیان کرد که:

اگر ایرانی ها خرمشهر را باز پس گیرند، من کلید بصره را به آنان تقدیم خواهم کرد!

سازمان و استعداد نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس:

قرارگاه^{۲۶} مرکزی کربلا با سه قرارگاه اصلی (قدس، نصر و فتح) و قرارگاه پشتیبانی (فجر) هدایت عملیات را به عهده داشت.

در این عملیات ۱۴ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه با ۱۲۰ گردان (هر کدام از تیپ ها با ۹ گردان، استعداد یک لشکر

داشتند) و ۳ لشکر و ۵ تیپ از ارتش (شامل ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه که هر گردان شامل ۲۰ دستگاه تانک و نفربر بود، ۳۶ گردان

پیاده). گرچه ارتش و سپاه تمام توان آزاد خود را پای کار آوردند ولی طبق محاسبات اولیه، هنوز ۶ لشکر کم بود. هوانیروز با

۹۶ فروند انواع هلیکوپتر، عملیات را پشتیبانی می کردند. نیروی هوایی ارتش با انجام ۲۱۶۱ سورتی پرواز و استقرار سامانه

پدافند هوایی^{۲۷}، از نیروهای عمل کننده پشتیبانی کرد. همچنین ۲۹ گردان توپخانه صحرایی ارتش پشتیبانی عملیات را به عهده

داشتند. در این عملیات ۳ گردان مهندسی رزمی ارتش، یک گروه مهندسی، یک گردان پل شناور و یک گروهان شناور

زرهی سنگین GSP ارتش، عملیات عبور از رودخانه را پشتیبانی می کردند. کار احداث سه دهنه پل PMP روی رودخانه

کارون در شب اول عملیات توسط نیروی زمینی ارتش با موفقیت نصب شد و دو پل دیگر در طول عملیات نصب گردید.

نتایج عملیات بیت المقدس:

بعد از عبور نیروهای خودی از رودخانه کارون، جاده اهواز خرمشهر بطور کامل آزاد شد، با عقب نشینی تعدادی از لشکرهای

عراق، بیشتر مناطق مورد نظر به جز خرمشهر آزاد شد. پس از رسیدن نیروهای خودی به مرز بین المللی، دشمن از نظر روحی

آشفته و از هم پاشیده شده بود (عراق برای فرار از محاصره احتمالی یک پل روی اروند رود احداث کرد که توسط خلبان

اسکندری و امیر اکبر زمانی منهدم شد) و همه چیز برای ورود رزمندگان اسلام به خرمشهر مهیا بود. پس از یک نبرد سنگین،

نیروهای ایران ساعت ۱۰ صبح از شمال غرب وارد خرمشهر شدند. این عملیات طی چهار مرحله انجام شد که علاوه بر

آزادسازی حدود ۵۴۰۰ کیلومتر از اراضی اشغالی، نتایج زیر را در بر داشت.

^{۲۶} - قرارگاه، تأسیسات نظامی موقت یا دائمی در یک منطقه است که تجهیزات مخابراتی و ترابری زمینی و هوایی داشته و مرکز فرماندهی و کنترل یگانها می باشد.

^{۲۷} - کلیه اقداماتی که به منظور انهدام، خنثی کردن یا کاهش اثرات عملیات هواپیماها، موشکهای بالستیک و ... دشمن در هوا انجام می گیرد و شامل چهار مرحله تجسس، شناسایی، رهگیری و انهدام می باشد.

- باعث آزادسازی خرمشهر (در ساعت ۱۱ روز ۱۳۶۱/۳/۳) بعد از ۵۷۵ روز اشغال گردید، هویزه و پادگان حمید نیز آزاد شده و موجب افزایش روحیه در نیروهای خودی شد.
 - در این عملیات حدود ۲۰ فروند هواپیما و دو فروند هلیکوپتر دشمن ساقط و ۴۱۸ دستگاه تانک و نفربر منهدم شد. تعداد اسرا ۱۹۷۰۰ نفر و تعداد کشته و زخمی های دشمن ۱۶۵۰۰ نفر بود.
- این عملیات یکی از گسترده ترین و با ارزش ترین عملیاتهای دوران دفاع مقدس بود (یکی از ۱۲ عملیات بزرگ و مؤثر). هر مرحله از این عملیات در مقایسه با عملیات ثامن الائمه و طریق القدس خود یک عملیات بزرگ بود. غنایم به دست آمده به قدری زیاد بود که تا دو ماه تخلیه آنها ادامه داشت. این مقدار مهمات تا سه سال علیه دشمن استفاده می شد. همانطور که اشغال خرمشهر برگ برنده عراق محسوب می شد، آزادسازی آن موازنه را به نفع ایران تغییر داد. عملیات بیت المقدس بزرگترین پیروزی نظامی ایران بود. ارتش و سپاه پاسداران پس از آشفته‌گی های ماههای آغازین جنگ، انسجام و قدرت خود را بازیافته، علاوه بر توقف پیشروی عراق به حملات متقابل دست زدند.
- بیشترین دستاوردهای دوران دفاع مقدس در عملیات بیت المقدس حاصل شد.

یگانهای منهدم شده دشمن در عملیات بیت المقدس	
نام یگان	جمعی واحد
تیپ های ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه	از لشکر ۳
تیپ ۶۰۶ پیاده، تیپ ۲۴ مکانیزه، تیپ ۴۱۷، تیپ ۴۲۶، تیپ ۵۱ پیاده، تیپ ۳۴ زرهی، تیپ ۲۷ مکانیزه، تیپ های ۶ و ۱۲	از لشکر ۲
تیپ ۶۰۵، تیپ های ۲ و ۶ پیاده، تیپ ۹۰ پیاده، تیپ ۴۸ پیاده، تیپ ۱۰ زرهی، تیپ ۴۶ مکانیزه، تیپ ۳۷ زرهی	از لشکر ۱۲
تیپ های ۸، ۹، ۱۰ و ۲۳۸	گارد مرزی
تیپ ۳۳	نیروی مخصوص
تیپ ۱۴ زرهی، گردان تانک المنصور، یک گردان شناسایی و تیپ ۲۴۳ توپخانه	ستاد کل ارتش عراق
غنایم بدست آمده از دشمن در عملیات بیت المقدس:	
تانک و نفربر	۱۰۵ دستگاه
انبار مهمات	دهها انبار
انواع مین	۹۵۰۰۰ عدد
خودرو سبک و سنگین	صدها دستگاه
جیب حامل توپ ۱۰۶	۳۰ دستگاه
لودر، بولدوزر و ماشین آلات مهندسی	تعداد زیادی
توپ ۱۳۰ میلیمتری	۱۸ قبضه

اوضاع نظامی، سیاسی و اقتصادی عراق بعد از فتح خرمشهر توسط ایران:

- ۱- عراق در نبرد خرمشهر پس از دادن تلفات سنگین و اسیران بسیار از خرمشهر عقب نشینی کرد.
- ۲- ناتوانی عراق در مقابل حملات مکرر ایران به صدام و جهانیان آشکار شد.

۳- رژیم عراق بدلیل شرایط حادی که برایش عارض شده بود (ضعف های موجود) تحت عنوان صلح طلبی دست به عقب نشینی از بقیه نقاط مرزی (حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع) زد و در نقاطی که موانع طبیعی داشت موضع گرفت تا کمبود نیروی انسانی خود را جبران کند.

۴- تلفات نیروی انسانی، تجهیزات منهدم شده و به غنیمت گرفته شده در این عملیات بقدری بالا بود که عراق توان ادامه جنگ را نداشت و رژیم عراق در آستانه سقوط قرار گرفت.

۵- موقعیت صدام درون حزب بعث و مردم عراق تضعیف شد (برخی سران حزب بعث خواهان برکناری او و ریاست جمهوری مجدد حسن البکر شدند).

۶- بعد از فتح المبین و بیت المقدس بکلی توازن جنگ به نفع ایران تغییر یافت و عراق شدیداً در موضع انفعالی قرار گرفت (صدام بعد از باز پس گیری فاو در سال ۶۷ گفت: بعد از آزاد سازی خرمشهر توسط ایران، فقط یک تپ داشتیم که برای حفاظت از بغداد گماردیم).

۷- اعتبار نظامیان عراق شدیداً زیر سؤال رفت، توان و کارائی ارتش عراق را در داخل و خارج مورد تردید جدی قرار داد.

دلایل ضعف های موجود در ارتش عراق بعد از فتح خرمشهر:

- ✓ عدم برنامه ریزی برای جنگ دراز مدت در داخل خاک ایران.
- ✓ شکست روحی ناشی از عدم موفقیت برای پیروزی برق آسا.
- ✓ ناتوانی در مقابله با جنگهای نامنظم و پارتیزانی ایران.
- ✓ عدم دسترسی به خطوط دفاعی منظم و قابل اتکاء.
- ✓ دادن جناح و فاصله زیاد بین خط مقدم و عقبه نیروهای عراقی.
- ✓ دست نیافتن به اهداف مورد نظر و فقدان انگیزه در سربازان عراق.

اقتصاد عراق هم با مشکلات فراوانی مواجه شد:

- ۸- سوریه در فروردین ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) به طرفداری از ایران، لوله انتقال نفت عراق به مدیترانه را بست.
- ۹- کشورهای عربی خلیج فارس که انتظار طولانی شدن جنگ را نداشتند، کمکهای مالی خود به عراق را قطع کردند. (طارق عزیز طی سالهای ۸۳-۱۹۸۲ به علت مزیغه مالی به شرکت های خارجی شاغل در عراق اعلام کردند: ما قادر نخواهیم بود مانند سال قبل پول نقد پردازیم).

۱۰- با فتح خرمشهر، احتمال پیروزی صدام در جنگ تحمیلی منتفی شد و ایران در جبهه ها در موضع قدرت قرار گرفت. دستاوردهای عملیات بیت المقدس چنان گسترده بود که اوضاع منطقه خاورمیانه و جهان را دگرگون ساخت و در این رابطه اقداماتی انجام شد (اغلب برای نجات صدام) که مهمترین آنها به شرح زیر است:

بعد از پیروزیهای پی در پی و با شکوه ایران تا فتح خرمشهر که دشمن متحمل ضربات سنگینی شده و وادار به عقب نشینی تا پشت مرزهای بین المللی گردید، وارد مرحله جدیدی از جنگ شدیم که اوضاع منطقه و اوضاع بین المللی نیز دگرگون شد.

۱- اقدامات آمریکا و اسرائیل (برای نجات صدام) بعد از فتح خرمشهر

پس از فتح خرمشهر، استکبار جهانی دست به طراحی عملیاتی نظامی گسترده زد تا ابعاد این فتح عظیم را تحت الشعاع قرار دهد. رژیم اشغالگر قدس جهت اجرای این عملیات از سوی استکبار، انتخاب و با توجه به خوی ددمشانه و توسعه طلبانه این

رژیم صفاک، مأموریت حمله به لبنان به رژیم صهیونیستی واگذار شد. اسرائیل به دستور آمریکادر ۱۳۶۱/۰۳/۱۶ (۱۳) روز بعد از فتح خرمشهر) به لبنان حمله کرد و طی سه روز تا نزدیکی بیروت پیشروی کرد.

اهداف آمریکا و اسرائیل از حمله به لبنان:

- ۱- انحراف افکار عمومی، جلوگیری از بازتاب گسترده و تحت الشعاع قرار دادن پیروزی بزرگ ایران در فتح خرمشهر.
- ۲- درگیر کردن ایران در جبهه های جدید (لبنان) و مستمسک سازی برای مداخله مستقیم قدرت های بزرگ در جنگ به نفع صدام (که از اواخر سال ۱۳۶۶ صورت گرفت).

در این زمان دو موضوع عمده در شورای عالی دفاع ملی ایران مورد بحث قرار گرفت:

- ۱- ادامه نبرد با صدام، ورود به خاک عراق برای نیل به اهدافی که قبلاً ذکر شد.
- ۲- اعزام نیرو به لبنان جهت مقابله باحمله رژیم صهیونیستی به این کشور- مسئولین سیاسی ایران و برخی فرماندهان نظامی، به این نتیجه رسیدند که باید جهت کمک به مردم مظلوم لبنان وارد عمل شد. آنان می پنداشتند که توانایی نبرد در دو جبهه وسیع برای کشور وجود دارد، زیرا هم مردم با پیروزی خرمشهر آمادگی و روحیه نبرد دارند و هم وسعت خاک لبنان حدود یک سوم استان خوزستان می باشد. ضمناً تجربه همکاری ایرانیان با شیعیان لبنان از اواخر دهه پنجاه به واسطه حضور شهید چمران فرمانده شاخه نظامی حرکه المحرومین (سازمان امل) وجود داشت.

امام خمینی (ره) فقط به منظور شناسایی اولیه منطقه و بررسی شرایط نبرد، با اعزام تعداد معدودی نیروی نظامی به منطقه موافقت نمودند. یکی از فرماندهان سپاه با دو گردان رزمی (یکی از تیپ ۲۷ حضرت رسول سپاه و دیگری از لشکر ۲۱ حمزه نیروی زمینی ارتش) جهت هماهنگی با دیگر نیروهای موجود در منطقه، به سوریه اعزام شدند. فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش نیز به همراه عده ای جهت شناسایی کلی مواضع صهیونیست ها به سوریه رفت. هنگامی که این فرمانده ارتش به تهران بازگشت گزارش وضعیت منطقه را به حضرت امام داد، ایشان فرمودند: "بگویند برگردند؛ اگر یک قطره خون از دماغ کسی بریزد من مسؤل نیستم". بعد هم آن جمله معروف حضرت امام خمینی (ره) که فرمودند: "راه قدس از کربلا می گذرد" حضرت امام با این جمله:

۱- هم تاکتیک فریب ما در لبنان را گوشزد فرمودند.

۲- هم دست رزمندگان و فرماندهان را برای تعقیب متجاوز در داخل خاک عراق از لحاظ شرعی باز گذاشتند.

۳- هم اعلام کردند اولویت اول، نبرد با صدام است.

در آن روزهای پیروزی عملیات بیت المقدس، نخست وزیر اسرائیل «بگین» گفت: «اگر نیروهای ایران از دجله عبور کنند، ما با

آنها مقابله خواهیم کرد» و حقیقتاً نگران بودند که این قدرت، سرزمین عراق را در هم بکوبد و به طرف قدس حرکت کند.

هرچند با ابتکار امام، ایران از این دام رهایی یافت اما صدام از این فرصت، نهایت استفاده را کرد و ضمن ساماندهی ارتش خود، به سرعت بر استحکامات شرق بصره افزود. در این فاصله حدوداً ۵۲ روزه، به دلیل فرصتی که (استکبار جهانی توسط

رژیم صهیونیستی) برای صدام ایجاد کرده بود:

قوای بعضی با اتخاذ سیاست فوق العاده قوی پدافندی، اقدام به تقویت هرچه بیشتر یگانهای رزمی در خطوط مقدم، یگانهای

واکنش سریع و نیروهای احتیاط نمودند. عراق فوری موانع و خطوط دفاعی خود را تقویت کرد تا از سقوط بصره جلوگیری

کند. کارشناسان نظامی غربی و اسرائیلی هم عراق را در این امر یاری می دادند.

قدرت های بزرگ دنیا به ویژه آمریکا (که بقاء و گسترش انقلاب اسلامی ایران را خطر بزرگی برای منافع استکباری خود می دانستند) با این پیروزی ها به صراحت دریافتند که طرف پیروز جنگ ایران است، بنابراین با جدیت و حساسیت روند حمایت های مادی و معنوی از رژیم صدام را تشدید کردند تا جایی که علاوه بر ارسال انواع سلاح های پیشرفته غربی و شرقی و کمک های مالی شیوخ عرب، شاهد اعزام نیروهای نظامی از سوی برخی کشورهای عرب به عراق بودیم.

بار دیگر شناسایی مناطق عملیاتی جهت طراحی یک عملیات گسترده علیه متجاوزان بعثی در دستور کار فرماندهان ایران قرار گرفت. فرماندهان جنگ معتقد بودند باید منطقه ارزشمندی از خاک دشمن را تصرف کنیم تا بتوانیم هنگام مذاکرات صلح احتمالی، با فشار به دولت بعثی عراق، حقوق ملت ایران را به طور کامل استیفا نماییم. پس از تکمیل شناسایی ها، طراحی عملیاتی گسترده با هدف تهدید شرق بصره و دستیابی به ساحل شرقی اروند آغاز شد. فرماندهان و مسئولین عالی رتبه نظام به این نتیجه رسیدند که دشمن در موضع ضعف و جبهه خودی در موضع قدرت است و این شرایط فرصت خوبی است تا تکلیف جنگ یکسره شود اما دو مشکل عمده وجود داشت:

- ۱- به نظر می رسد تحلیلگران جنگ از احتمال نقش آفرینی و مداخله بیشتر قدرت های بزرگ در پشتیبانی از صدام غفلت کرده و یا راهکار مناسبی برای مقابله با آن پیش بینی نکرده بودند.
- ۲- افت معنوی در جبهه ها و پشت جبهه ها کاملاً مشهود بود (آنچه ما را در عرصه های مختلف مبارزه پیروز ساخته بود و همیشه امتیاز ما نسبت به دشمنان محسوب می شد، توکل و توسل ما بود).

۲- اقدامات سازمان کنفرانس اسلامی (برای نجات صدام) بعد از فتح خرمشهر

احمد سکوتوره (رئیس جمهور گینه) رئیس هیأتی از کنفرانس اسلامی که مأمور برقراری صلح بین ایران و عراق بود، در ۶۱/۰۳/۱۹ از ایران و عراق خواست با توجه به حملات اسرائیل، به جنگ خاتمه داده و نیروهای خود را برای دفع تجاوز اسرائیل به یک کشور مسلمان آماده نمایند. صدام بی درنگ به درخواست سکوتوره جواب مثبت داد (چون در شرایط دشواری به سر می برد، بیم آن داشت که پیروزیهای بیشتر ایران پایه های قدرت او را متزلزل سازد). صدام روز بعد (۱۳۶۱/۰۳/۲۰) اعلامیه ای از طرف رهبری حزب بعث و شورای فرماندهی عراق توسط نماینده عراق در سازمان ملل برای دبیر کل ارسال داشت که حاوی مطالب زیر بود:

- ✓ اعلام آمادگی برای عقب نشینی فوری نیروهای عراقی از مناطق اشغالی تا مرزهای بین المللی (طی دو هفته).
 - ✓ عراق حاضر است هر رأی داوری سازمان کنفرانس اسلامی را که طی یک جلسه فوری برای این منظور تشکیل شود و طرفین متعهد به رعایت آن باشند، بپذیرد.
 - ✓ اگر ایران رأی کنفرانس اسلامی را نپذیرد، عراق هر رأی داوری جنبش عدم تعهد یا شورای امنیت را که طرفین متعهد به رعایت آن باشند می پذیرد.
- با توجه به ادعاهای صدام در آغاز جنگ (درباره شط العرب، خوزستان، جزایر سه گانه، توسل به زور، اشغال سه روزه خوزستان و ...) اهمیت اعلامیه فوق و عقب نشینی صدام قابل درک است و حکایت از استیصال همه جانبه او و کشورش در این زمان دارد. در ۱۳۶۱/۰۴/۰۱ (۲۲ ژوئن ۱۹۸۲) نماینده عراق در سازمان ملل دوّمین اعلامیه صدام را به دبیر کل سازمان تسلیم کرد. عراق بدون آنکه منتظر پاسخ سازمان ملل یا ایران بماند از ۶۱/۰۳/۳۰ عقب نشینی نیروهایش را آغاز کرده و اطمینان داد که تا ۱۰ روز آینده به اتمام خواهد رسید (البته دروغ می گوید). در ۱۳۶۱/۰۴/۱۰ (اول ژوئیه ۱۹۸۲) صدام سومین نامه خود را برای دبیر کل ملل متحد نوشت که حاوی مطالب زیر بود:

✓ عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی ایران بطور کامل انجام شده و می توانید آنرا مورد بررسی قرار دهید.

✓ خواستار تشکیل کمیسیون ویژه ای برای تعیین مسئول شروع جنگ شد!!!

✓ تقاضای اعزام نیروهائی از سازمان ملل، جنبش عدم تعهد و کنفرانس اسلامی به مرزهای مشترک برای نظارت بر آتش بس.

۳- اقدامات صدام (برای نجات خود) بعد از فتح خرمشهر

صدام در صدد بود با عقب نشینی از برخی اراضی ایران، نبرد را از میدان های جنگ به عرصه های سیاسی بکشاند و بدون آن که شرایط ایران برای صلح در نظر گرفته شود، با به دست آوردن وجهه صلح طلبی، هم ایران را وادار به پذیرش شرایط جدید خود نماید و هم با نگاهی به چندماه آینده که قرار بود میزبانی «هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد» و ریاست آن را به مدت ۸ سال عهده دار شود، شرایط دلخواه خود را به ایران تحمیل نماید.

به علت عدم تلاشهای مؤثر دیپلماتیک جدی وزارت خارجه ایران، از ۵۷ کشور، ۵۳ کشور عضو غیر متعهدها به نفع عراق رأی دادند تا اجلاس در بغداد تشکیل شود. در این زمان، ایران با اتخاذ روشی مبتنی بر تداوم نبرد تا تحقق شرایط خود و نا امن کردن عراق برای کنفرانس غیر متعهدها (با عملیات شهید سرلشکر خلبان عباس دوران در سی ام تیرماه ۱۳۶۱)، عراق را از میزبانی «هفتمین کنفرانس سران جنبش عدم تعهد» محروم ساخت. با این عملیات بی نظیر، اجلاس به دهلی نو منتقل (در اسفند ۱۳۶۱ هفتم مارس ۱۹۸۳) شد و شکست سیاسی بزرگی متوجه عراق و حامیان آن کشور شد (کم کاری وزارت خارجه را جان برکفان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران جبران کردند).

۴- اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد (برای نجات صدام) بعد از فتح خرمشهر

ایران همواره اصرار داشت که شورای امنیت باید مسئول شروع جنگ و متجاوز را اعلام نماید. ولی شورای امنیت به علت حمایت های بی دریغ پنج عضو دائمی آن از عراق، از انجام این وظیفه قانونی طبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد خودداری می کرد (شورای امنیت در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ و بعد از ۱۱ سال تأخیر، عراق را به عنوان آغازگر جنگ و متجاوز اعلام کرد). این شورا که از اکتبر ۱۹۸۰ (مهرماه ۱۳۵۹) که جنگ با شدت در تمام جبهه ها و به ضرر ایران ادامه داشت سکوت اختیار کرده بود، بعد از ۲۱ ماه سکوت و پس از نامه های صدام در ۱۳۶۱/۰۴/۲۱ (و در شرایطی که اوضاع جبهه ها به نفع ایران بود) تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را تصویب کرد که مهمترین محورهای آن به شرح زیر بود: (لزوم برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی و نظارت بر آنها را تأکید کرد).

نماینده ایران گرچه در جلسات مهر ۱۳۵۹ (اکتبر ۱۹۸۰) شورای امنیت شرکت کرده بود و هر سال هم در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت می کرد، اما در جلسه فوق و سایر جلسات شورای امنیت تا سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) شرکت نکرد و از این مجمع قانونی برای دفاع از حقوق ایران بهره نگرفت.

با توجه به نامه های صدام و قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت (در صورت حسن نیت طرف های مقابل که آثاری از آن دیده نمی شد)، فرصت شایسته ای برای ایران بدست آمد تا بعد از پیروزی بزرگ خرمشهر و از موضع قدرت به جنگ ویرانگر بعد از ۲۲ ماه پایان دهد، از شورای امنیت بخواهد متجاوز را اعلام کند و دو ملت مسلمان ایران و عراق را از مصیبت های رهائی بخشد ولی ایران (به دلایل درستی که در ادامه اشاره خواهد شد) یک روز بعد از تصویب قطعنامه ۵۱۴ در ۱۳۶۱/۰۴/۲۲ طی عملیات رمضان به داخل خاک عراق حمله کرد.

امکان پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر (۱۳۶۱/۰۳/۰۳):

در تیرماه ۱۳۶۱ به دلایل زیر احتمال حل مسالمت آمیز اختلافات ایران و عراق (در صورت حسن نیت طرف های مقابل که آثاری از آن دیده نمی شد) وجود داشت:

- ۱- صدام از برخی ادعاهای خود (در اول جنگ) عقب نشینی کرده بود.
- ۲- قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا و شوروی به برخی اهداف خود در جنگ ایران و عراق دست یافته بودند.
- ۳- کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مصرانه خواهان پایان جنگ بودند تا توجه جهانیان را به تجاوز اسرائیل به لبنان جلب نمایند و زمینه مناسبی بود که خسارتهای ایران را هم جبران نمایند (ولی این فرصت هم از دست رفت).
- ۴- دولت عربستان بعد از حمله اسرائیل به لبنان طی نامه ای به آقای خامنه ای (رئیس جمهوری) خواهان اعزام نمایندگان برای مذاکره با عراق برای برقراری صلح نمود.

۵- وابسته نظامی ایتالیا به ناخدا افضلی (فرمانده وقت نیروی دریائی ارتش) اعلام می کند کشورهای عربی حاضر هستند ۶۰ میلیارد دلار خسارت جنگ را بپردازند (سند رسمی برای این ادعا وجود ندارد) و ایران از شرط سوم خود که مجازات صدام است منصرف شود (۱۳۶۰/۱۲/۰۵ سه ماه و ۱۵ روز قبل از اعلام داوطلبانه عقب نشینی عراق از مناطق اشغالی).

عدم توقف جنگ در این مقطع موجب همبستگی کشورهای عربی در دفاع از عراق و ضدیت با ایران، مخالفت بیشتر قدرتهای بزرگ و شورای امنیت با ایران، کمک بزرگی به عراق شکست خورده برای دریافت کمکهای مالی و تسلیحاتی کرد، همچنین کمک بزرگی به تأمین منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه نمود، باعث متهم شدن ایران به جنگ طلبی در افکار عمومی و نزد دولتها شد، در اثر ادامه جنگ تلفات و خسارتهای سنگین به ایران وارد شد (پارسادوست ص ۶۱۸).

دلایل جمهوری اسلامی ایران برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

- ۱- عدم پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق.
- ۲- تداوم اشغال بخش هایی از خاک ایران توسط عراق- تا فتح خرمشهر حدود ۸۲ درصد از مناطق اشغالی از دست دشمن آزاد شده بود. در این زمان هنوز بخش هایی از ارتفاعات مسلط بر شهرهای سومار، قصرشیرین، گیلان غرب و مهران، ارتفاعات میمک و نفت شهر و بخشی از مرز شلمچه تا اروندرود (حدود ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر مربع) در دست ارتش بعثی عراق بود. اگر در این مقطع جنگ را متوقف می کردیم در آینده هرکسی طمع می کرد با این شیوه بخشی از خاک ایران را اشغال نماید. این مقطع جنگ افتخاری در تاریخ ایران برای نسلهای بعدی است.
- ۳- برتری نظامی ایران نسبت به ارتش عراق- پیروزیهای مستمر ایران و انجام چهار عملیات پی در پی و موفق باعث شد ایران احساس کند توانایی نظامی لازم برای غلبه نهایی بر ارتش عراق و شکست صدام را دارد. بنابراین می تواند با تداوم عملیات نظامی از موضع برتر به اهداف بلندتری در جنگ دست یابد (رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ ص ۲۴۲-۲۴۵).
- ۴- درخواست آتش بس و عدم ارائه هیچگونه پیشنهاد صلح عادلانه از طرف عراق یا مراجع بین المللی- آتش بس (Case Fire) و ایجاد شرایط (نه جنگ و نه صلح) حالت پایداری نیست و هر لحظه احتمال نقض آن و شعله ور شدن آتش جنگ وجود دارد و منجر به صلحی پایدار نخواهد شد. این وضعیت و طولانی شدن آن به سود عراق و به ضرر ایران بود. صلح در عرف سیاسی به حالت عدم مخاصمه بین کشورها اطلاق می شود. بین کشورهایی که در حال جنگ هستند، صلح در حالی برقرار می گردد که بین آنها پیمان صلح به امضاء برسد. لذا از آتش بس در جنگ و حالت ترک مخاصمه نظیر وضعی که بین کشورهای عربی و اسرائیل (غیر از مصر) وجود دارد، صلح تلقی نمی شود زیرا این کشورها، هر لحظه ممکن است بدون اخطار

قبلی وارد جنگ شوند. بطور مثال کره شمالی در فروردین ۱۳۹۲ توافق نامه آتش بس ۶۰ ساله (۱۹۵۳) با کره جنوبی را لغو کرده و هشدار داد گام بعدی حمله تلافی جویانه علیه دشمن خواهد بود. از آنجا که جنگ کره، با توافق نامه آتش بس و نه توافق نامه صلح پایان یافت، دو کره از آن زمان در وضعیت جنگی در مقابل هم قرار داشته‌اند.

باید توجه داشت که عمده نیروهای رزمنده ایران داوطلبان بسیجی بودند که با توقف جنگ (آتش بس) به سر کار و زندگی خود برمی گشتند و ایران قادر نبود حجم گسترده ای از نیروهای ثابت را در جبهه ها برای مدت طولانی در شرایط نه جنگ و نه صلح نگهداری نماید. لذا این احتمال وجود داشت که در صورت عدم حصول نتیجه در مذاکرات، عراق با ارتش مجهز خود با غافلگیری ایران و با حمله مجدد نقاط بیشتری از کشورمان را اشغال نماید.

۵- عدم توازن دفاعی در جنوب - نقاط مرزی در جنوب خوزستان در یک دشت وسیع قرار داشت که از نظر نظامی عبور از آنها برای واحدهای زرهی ارتش عراق به سادگی میسر بود. چون عمده قدرت نظامی ایران متکی بر نیروهای پیاده بود، لذا ضروری بود به یک مانع (عارضه) طبیعی مثل اروندرود برسیم تا بتوانیم پدافند مطمئنی داشته باشیم. عراق از محل استقرار نیروهای خود قادر بود با خمپاره خرمشهر را بزند ولی ما با توپخانه هم با مشکل می توانستیم بصره را مورد حمله قرار دهیم. با شیطنت انگلیس و هنگام تعیین مرزهای زمینی (۱۹۱۳)، مرز را از کنار آبادان و خرمشهر و از فاصله ۲۰ کیلومتری (هوایی) بصره عبور دادند. اگر فاصله مرز تا خرمشهر و مرز تا بصره مساوی بود، پذیرش آتش بس منطقی به نظر می رسید.

۶- عدم اعتماد به تعهدات صدام و حزب بعث - سوابق تاریخی صدام و حزب بعث ثابت کرد آنها زمانی که در موضع قدرت هستند توافقات قبلی خود را نادیده گرفته و ادعاهای واهی خود را تکرار می کنند. به طور مثال:

۶-۱- قبل از سال ۱۹۷۵ با غرور از احقاق حقوق خود از طریق توسل به زور سخن می گفتند اما با قدرت نمایی ارتش ایران تن به امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و قبول خط تالوگ در اروندرود دادند.

۶-۲- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و نابسامانی های خاص آن زمان ایران در زمینه های مختلف، مجدد به زور متوسل شدند.
۶-۳- بعد از عملیات پیروزمندانه بیت المقدس (۶۱/۰۲/۱۰) و تحمل تلفات شدید، رژیم عراق بدلیل شرایط حادی که برایش عارض شده بود، تحت عنوان صلح طلبی دست به عقب نشینی داوطلبانه از بقیه نقاط مرزی زد. صدام طی سه نامه به دبیرکل سازمان ملل خواهان برقراری آتش بس شد.

۶-۴- در آستانه پایان جنگ تحمیلی، شخص صدام با نوشتن شش نامه به ایران با التماس خواهان پایان جنگ شد.

۷- انتظار مردم ایران برای سرکوبی کامل دشمن - مردم ایران (بخصوص خانواده های آسیب دیده از جنگ) این احساس را داشتند که نه تنها قوای متجاوز را باید از ایران بیرون کرد بلکه دولت متجاوز را باید مجازات کرد و شرایطی را فراهم نمود که حکومت بعثی عراق در آینده هیچگاه فکر حمله به ایران را در سر نداشته باشد (رفسنجانی، ۱۳۸۶ ص ۱۲۳).

۸- اگر شورای امنیت، آمریکا، شوروی و شخص صدام صداقت داشتند و خواهان پایان جنگ بودند، باید می گفتند قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر به قوت خود باقی است.

دلایل واقعی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر:

۱- تداوم کمک های تسلیحاتی، اقتصادی و ... حامیان صدام بخصوص فرانسه و ... به حکومت بعثی صدام (سازمانهای اطلاعاتی فرانسه در سال ۱۹۸۶ بر آورد کردند که اگر فرانسه سه هفته از ارسال کمک به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد). (تنها فرانسه)!!!! اگر ۲۶ کشور دیگر هم ۴۰؟ روز کمکها را قطع می کردند »

۲- عدم پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام و تداوم اشغال بخشی از خاک ایران- پس از فتح خرمشهر و برتری سیاسی- نظامی ایران، رژیم بعث عراق درحالی مسئله آتش بس را مطرح کرد که هیچ تغییری در ماهیت رفتار سران این رژیم مشاهده نمی شد (پافشاری عراق بر ادعای قبلی خود مبنی بر عدم پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، حضور در بخشی از خاک ایران و ادامه حملات به داخل ایران). بنابر این تلاش عراق، مجامع بین المللی و کشورهای حامی آن در منطقه برای طرح آتش بس، نه از روی اعتقاد بلکه به دلیل شرایط حادی بود که آنان را در موضع ضعف قرار داده بود و منافعشان را تهدید می کرد.

۳- کارشناسان عملکرد مغرضانه شورای امنیت را از جمله عوامل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و ورود نیروهای مسلح ایران به خاک عراق طی عملیات رمضان می دانند.

کدام طرف ها از طولانی شدن و ادامه جنگ سود می بردند؟ - شیمون پرز نخست وزیر وقت رژیم اشغالگر قدس: طولانی شدن جنگ ایران و عراق یعنی طولانی شدن عمر اسرائیل، چون از هر طرف کشته شوند به نفع ما است. طولانی شدن جنگ فرصت خوبی برای آمریکا بود تا سلاح بیشتری به کشورهای عربی خلیج فارس بفروشد.

با عنایت به مطالب فوق، عده ای یک سوال شبه انگیز مطرح کردند که چرا بعد از فتح خرمشهر ایران آتش بس را نپذیرفت؟ این سؤال در چه زمانی مطرح شد؟ بعد از جنگ مطرح شد. اگر صداقت داشتند چرا همان سال ۶۱ مطرح نکردند؟ این سؤال توسط چه کسانی مطرح شد؟

۱- عده ای که واقعیت را می دانند ولی شبهه افکنی می کنند (نهضت آزادی با نظریه ۲+۶، دولت موقت و بنی صدر). بنی صدر عدم جنگیدن خود را گردن قوه قضائیه، سپاه و ... می انداخت. چون پیروزیها بعد از عزل بنی صدر (از فرماندهی کل قوا) اتفاق افتاد و آبرو و حیثیت بنی صدر و دولت موقت رفت. لذا بعد از جنگ و در دانشگاهها برای جبران شکست های خود، این سوال را مطرح کردند (اوج آن در دولت اصلاحات بود).

۲- عده ای که از واقعیت ها اطلاع ندارند (هم کسانی که در جنگ بودند و هم افرادی که بعد از جنگ وارد جامعه شدند و مرتب بر تعداد اینها اضافه می شود).

چرا این سؤال مطرح شد؟

۱- می خواستند پیروزیها را کوچک و بی ارزش جلوه دهند و بگویند بعد از بنی صدر ۲ سال خوب بود و ۶ سال آخر جنگ خوب نبود.

۲- منافقین، نهضت آزادی و ... از کسانی که جنگ را با افتخار پیش بردند می ترسیدند که نکند قدرت و سیاست را در دست بگیرند، رزمندگان را رقیب خود می دانستند (لذا شروع به تخریب دستاوردهای دفاع مقدس کردند).

۳- این سوال از خارج کشور مطرح شد - این مقطع جنگ افتخاری بزرگ در تاریخ برای نسلهای بعدی است. طی ۲۰۰ سال گذشته بی سابقه بود. اگر ثابت شود این افتخارات در زمان امام بود و رهبری دینی نهادینه شود، این ایدئولوژی به عنوان یک افتخار ثبت می شد و الگویی برای سایر مسلمین شده و بیداری اسلامی را رقم می زد لذا می خواستند: با ۶ سال آخر دستاوردهای ۲ سال اول را بی اثر کنند و ابهت رهبری دینی و ولایت فقیه را بشکنند.

۳-۳-۳- راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز (بیشروی نیروهای نظامی ایران در خاک عراق):

ملاحظات پیرامون ورود نیروهای ایران به خاک عراق:

بعد از عملیات بیت المقدس، توان یگانهای خودی هم تحلیل رفت (هدف اصلی این عملیات گرفتن بصره بود ولی بعد از فتح خرمشهر به علت گستردگی این عملیات کم آوردیم و نتوانستیم ادامه بدهیم) و تا عملیات بعدی (رمضان) حدود ۵۲ روز وقفه

افتاد. عراق موانع و خطوط دفاعی خود را تقویت کرد تا از سقوط بصره جلوگیری کند. کارشناسان نظامی غربی و اسرائیلی هم عراق را در این امر یاری می دادند. در این شرایط فرماندهان جنگ تصمیم گرفتند وارد خاک عراق شویم. **مسئولان جنگ معتقد بودند:** باید تا آنسوی شط العرب پیشروی کنیم تا بتوانیم خواسته های به حق خود را به دشمن و حامیان او تحمیل کنیم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و گفتند اگر با وضعیتی که داریم جنگ را ادامه دهید و موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام نشدنی است و باید تا نقطه خاصی ادامه بدهیم. حضرت امام با ورود به خاک عراق مخالف بودند، معتقد بودند بعد از فتح خرمشهر بهتر است جنگ تمام شود. بهترین موقع پایان جنگ است.^{۲۸}

مسئولان جنگ با چه دلایلی امام را قانع کردند تا با ورود به خاک عراق موافقت کند؟

سه روز پس از فتح خرمشهر فرماندهان ارتش و سپاه از حضرت امام برای چگونگی ادامه جنگ کسب تکلیف کردند. هاشمی رفسنجانی: امام موافق نبودند نیروهای ما وارد خاک عراق شوند و در عین حال متوقف کردن جنگ در این مقطع را هم قبول نداشتند و گفتند ورود ما به داخل خاک عراق مشکلات زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱- مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی کنند و آنهایی که الآن با ما (شیعیان جنوب عراق) هستند به عنوان متجاوز به ما نگاه می کنند، پس نباید مردم عراق را مقابل خودمان قرار دهیم.

۲- الآن از لحاظ بین المللی موضع برحق داریم و اگر وارد خاک عراق شویم، دنیا ایران را به اشغالگری متهم می کند.

۳- اگر وارد خاک عراق شویم، مردم بی گناه آسیب دیده و اذیت می شوند.

۴- پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام صریح می شوند و کار ما دشوار می شود.

فرماندهان با منطق نظامی خود گفتند: اگر دشمن بداند ما وارد خاک عراق نمی شویم، احساس امنیت می کند، لزومی در چیدن نیرو در مرزهایش نمی بیند، نیروهایش را متمرکز کرده و در مقاطع خاصی به ما حمله می کند. لذا نباید چنین حاشیه امنی را به دشمن بدهیم. باید به گونه ای باشد که عراق احساس کند تا بغداد هم پیش می رویم.

امام قبول کردند و استدلال فرماندهان را پذیرفتند (رحمانی، ۱۳۸۳ ص ۷۵). امام پس از فتح خرمشهر و بعد از آنکه برخی اعضای شورای عالی دفاع عبور از مرز را برای دفاع ضروری دانستند، با طرح شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه، سرنگونی صدام حسین و نظام بعثی با همت، کمک و حرکت مردم عراق را در اندیشه خود داشتند.

دلایل پیشروی ایران در خاک عراق:

- ✓ خارج ساختن آبادان و خرمشهر از برد توپخانه عراق و فراهم کردن زمینه بازگشت مردم.
- ✓ جلوگیری از استمرار استراتژی هجومی عراق در زمین، دریا و هوا.
- ✓ تنبیه متجاوز (وجود انگیزه قوی به علت تقویت روحیه رزمندگان اسلام پس از پیروزی های بسیار شیرین در نبردهای بزرگ پیشین از ثامن الأئمه تا بیت المقدس).
- ✓ فشار بر جامعه جهانی جهت وادار کردن مجامع بین المللی به قضاوت عادلانه در خصوص خواسته های به حق ایران (اعلام متجاوز، عقب نشینی نیروهای صدام به طور کامل تا پشت مرزهای شناخته شده بین المللی، قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق، پرداخت غرامت جنگی به ایران و استرداد اسرای جنگی).
- ✓ انهدام واحدهای باقیمانده ارتش عراق.

^{۲۸} - حاج احمد آقا در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۷۴/۰۱/۱۴.

عملیات رمضان:

مسئولین ایران پس از حل شبهات شرعی و سیاسی در خصوص ورود به خاک عراق، عملیات رمضان را برای تصرف بخشی از خاک عراق طراحی و در ۱۳۶۱/۴/۲۳ (حدود ۵۲ روز پس از فتح خرمشهر) اجرا کردند.

منطقه عملیاتی رمضان در شلمچه (شمال غربی خرمشهر و شرق بصره) بود. (این منطقه از شمال به «کوشک» و «طلاییه» و پاسگاههای مرزی، در جنوب به هویزه و حاشیه جنوبی «هورالهویزه» از غرب به رودخانه اروند - در نقطه تلاقی دجله و فرات به نام القرنه - تا شلمچه در غرب خرمشهر، از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی و از کوشک تا شلمچه منتهی می شد). در این منطقه سراسر مواضع دشمن با موانع سخت و پیچیده اعم از انواع مین ها، بشکه های انفجاری و آتش زا، سیم خاردارهای متعدد، کانال های عریض و عمیق (۲×۳ و ۲×۴ متر) و خاکریزهای متعدد و متواتر موسوم به مثلثی (همانند خط نفوذ ناپذیر "بارلو" در آخرین نبرد اعراب با اسرائیل) مجهز شده بودند که امکان عبور از این همه موانع، سخت و بعضاً ناممکن می نمود. مهندسین عراقی در منطقه شمال غربی «بصره» و «تنومه» خطوط پدافندی عراق را با ساخت یک کانال به طول ۳۰ کیلومتر و عرض یک کیلومتر (که مختص پرورش ماهی بود) با پمپاژ آب، احداث موانع، کمین و سنگرهای تیربار به عنوان مانعی اساسی و بازدارنده از حملات احتمالی نیروهای ایرانی به سوی بصره تدارک دیده بودند. همچنین در قسمت جنوبی منطقه (روبروی شلمچه) آب رها کرده بودند تا از هرگونه تردد نیروهای زرهی و پیاده ایران، عملاً ممانعت به عمل آید.

با این حال رزمندگان توانستند خاکریزها و کانال های اول، دوم و سوم را در نوردیده و خود را به دروازه های بصره برسانند؛ به نحوی که پایه های حکومت بعثی عراق را به لرزه در آورند. عملیات رمضان در شب بیست و سوم تیرماه ۱۳۶۱ در ساعت ۲۱:۳۰ با رمز مبارک "یا صاحب الزمان ادرکنی" و تحت فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا با چهار قرارگاه عملیاتی آغاز شد. در شب ۲۳ تیر ماه خط دشمن شکست و ستون های پیاده و زرهی ما به سمت بصره پیشروی را آغاز کردند. سر و ته ستون ها با چشم غیرمسلح قابل مشاهده نبود. من با خود گفتم دشمن هرگز نخواهد توانست در مقابل این نیروهای عظیم ایستادگی کند و ما تا بغداد پیش خواهیم رفت. بعد از عملیات با هر کس که صحبت می کردیم از وجود این حس غرور در خود خبر می داد. بعد از عقب نشینی در مرحله اول به قعر پل نو در خرمشهر منتقل شدیم و آن شب بعد از نماز مغرب و عشاء، شهید احمد کاظمی فرمانده وقت تیپ نجف اشرف و حاج آقا سمندری روحانی تیپ در سخنرانی خود صریحاً اعتراف کردند که ما را غرور گرفته بود و با این عدم الفتح (عقب نشینی مرحله اول) خدا ما را گوش مالی داد (منبع: ویژه نامه سروقامتان روزنامه جوان).

نتایج مثبت عملیات رمضان:

عملیات تا ۷ مرداد ادامه داشت و رزمندگان اسلام توانستند با به اسارت گرفتن ۱۳۱۵ نفر و کشته و زخمی نمودن ۷۴۰۰ نفر، انهدام ۱۰۹۷ دستگاه تانک، نفربر و چند صد دستگاه خودروهای نظامی و مهندسی، ساقط کردن ۵ فروند هواپیما و تعداد زیادی از توپخانه و انواع سلاح های سنگین و نیمه سنگین و سبک، ضربه فلج کننده ای را بر پیکر دشمن وارد نمایند. همچنین بیش از ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ده ها دستگاه خودروهای نظامی و ادوات مهندسی و تعداد زیادی انواع سلاح های نیمه سنگین را به غنیمت بگیرند. هر چند که محدوده پاسگاه زید عراق به وسعت ۴۰۰ کیلومتر مربع تصرف و لشکر ۹ زرهی عراق به طور کامل منهدم شد و هدف اصلی تأمین نگشت، اما این عملیات یک اقدام مثبت تلقی گردید (به اهدافی مانند تنبیه متجاوز و انهدام هر چه بیشتر نیروهای بعثی و مقابله با تمامی فشارهای سیاسی - تبلیغاتی دنیای استکبار بود، دست یافتند). این اولین عملیات گسترده برون مرزی جمهوری اسلامی ایران بود. در چهار مرحله قبلی این عملیات موفقیت هایی نصیب ایران شد، ولی به

موفقیت صد در صدی دست نیافت. در عین حال به دشمن فهماندیم که هر وقت اراده کنیم می توانیم حتی در داخل خاک عراق هم ضربات سهمگینی به دشمن وارد کنیم.

نیروهای ایران در عملیات رمضان، با وجود استحکامات متعدد عراق، خط را شکستند و حدود ۱۸ کیلومتر پیشروی کردند و حتی در یکی از محورها، به نزدیکی شهر بصره رسیدند اما با روشن شدن هوا و پاتک سنگین زرهی عراق کار مشکل تر شد و سرانجام بعد از چند روز جنگ سنگین، ایران به آن چه که می خواست دست نیافت و با نوعی عدم الفتح مواجه شدیم.

پیامدهای منفی عدم الفتح در عملیات رمضان: به هر حال، عملیات رمضان در تحقق اهداف ایران در عرصه نظامی و سیاسی ناکام بود. تنها اثر سیاسی عملیات رمضان در بعد بین المللی صدور قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ساعات اولیه اجرای این عملیات آن هم به منظور فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران جهت قبول آتش بس و تقویت نیروهای متجاوز بعثی بود. با توجه به اینکه آثار این عدم الفتح می توانست بر روحیه مردم و رزمندگان اسلام اثرات منفی زیادی بگذارد، حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: ما به تکلیف عمل می کنیم و نتیجه فرع آن است. همین جمله باعث شد که ما سریع از لحاظ روحی بازسازی شویم و جهت ادامه مبارزه با استکبار آماده تر در میادین نبرد حضور پیدا کنیم.

دلایل عدم الفتح در این عملیات: متخصصان و تحلیلگران نظامی مستقر در قرارگاه ها: قدرت زرهی برتر عراق، تشکیل یگان های دفاع متحرک در ارتش عراق، عدم ارزیابی صحیح از امکانات دشمن، و تأخیر (۵۲ روزه) در شروع عملیات را از جمله عوامل این ناکامی ذکر کردند. مهمترین درسی که باید از عملیات رمضان بگیریم این است که تحت هیچ شرایطی به توانمندی های خود غره نشویم و خدا را فراموش نکنیم. فراموش نکنیم، «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة» اما باذن الله. بدیهی است که طبق حکم عقل و دستور قرآن باید خود را به علم و فناوری های روز مجهز سازیم اما این را نیز فراموش نکنیم که جز به نصرت الهی پیروزی حاصل نمی شود.

پیامدهای ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق طی عملیات رمضان در ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱:

- ۱- دولت ایران که در دهکده جهانی در انزوای سیاسی قرار داشت به عنوان دولت جنگ طلب معرفی شد.
- ۲- آمریکا نگران امنیت اسرائیل بود، ادامه جنگ را به نفع اسرائیل می دانست (باعث تضعیف دو کشور قدرتمند اسلامی می شد).
- ۳- ادامه جنگ باعث شکاف در اوپک، تضعیف آن و دسترسی به نفت ارزان برای آمریکا و متحدانش بود.
- ۴- شوروی که نگران قدرت گرفتن ایران بود به حمایت از عراق برخاست (به علت پیمان دوستی با عراق، حفظ پایگاه خود در سواحل خلیج فارس، جلب اعتماد کشورهای سوریه، اتیوپی و یمن جنوبی به حمایت شوروی، جلوگیری از نفوذ اندیشه های اسلامی در قفقاز و جنوب شوروی، جلوگیری از مزاحمت های ایران قوی در افغانستان و ...).
- ۵- دولت های عربی در سطح بین المللی به نفع عراق و علیه ایران فعالیت کردند و به آمریکا نزدیکتر شدند (براساس پیمان اتحادیه عرب، نگرانی از شعار صدور انقلاب اسلامی و نگرانی از سرایت جنگ به کشورهای خود).
- ۶- آمریکا بعد از ۱۷ سال قطع رابطه با عراق در مارس ۱۹۸۲ عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج کرد و در ۲۶ اکتبر ۱۹۸۴ (۱۳۶۳/۰۸/۰۴) رابطه سیاسی با آن کشور برقرار کرد.
- ۷- باعث افزایش همبستگی کشورهای عربی در دفاع از عراق و ضدیت با ایران شد.
- ۸- مخالفت بیشتر قدرتهای بزرگ و شورای امنیت با ایران.
- ۹- کمک بزرگ به عراق شکست خورده برای دریافت کمک های مالی و تسلیحاتی بیشتر.
- ۱۰- وارد آمدن تلفات و خسارتهای سنگین به ایران با تداوم جنگ.

عوامل فوق (که پیش بینی آنها ساده بود) منجر به موارد زیر گردید:

- سرازیر شدن سیل کمکهای تسلیحاتی، مالی و نیروی انسانی به سوی عراق شد.
 - حدود ۷۰۰۰ مستشار روسی و فرانسوی وارد بغداد شدند، استقرار موشکهای زمین به زمین در بصره که توسط کامپیوتر کنترل می شدند (چون بصره هدف اصلی ایران بود).
 - تحویل هواپیماهای میگ ۲۹، میراژ ۲۰۰۰، هلیکوپتر سوپرفلون (ضد کشتی و زیردریایی با برد ۱۰۲۰ کیلومتر) و ... به عراق.
 - تبدیل سیستم های دفاعی عراق به سیستم تهاجمی.
 - افزایش تعداد لشکرهای عراق از ۲۵ به ۴۷ لشکر (با کمک های گسترده نظامی شوروی)..
- بعد از ورود ایران به داخل خاک عراق، جنگ با شدت بیشتری ادامه یافت. ایران قصد تصرف بصره را داشت (پایگاه شیعیان و بزرگترین بندر عراق بود) و فکر می کرد اهالی این شهر با ارتش ایران همکاری می کنند، ولی به کمک کارشناسان روسی و فرانسوی از شهر خود دفاع کرده و حملات ایران را ناکام گذاشتند (مانند مردم خوزستان که مقابل صدام ایستادند).
- عراق در شکایت خود به سازمان ملل اعلام کرد ایران از ۶۱/۴/۲۲ تا ۶۱/۵/۶ پنج حمله بزرگ به شرق بصره انجام داده که مدافعین بصره همه را دفع کرده اند (بزرگترین نبرد پس از جنگ جهانی دوم). شورای امنیت در ۱۳۶۱/۷/۱۲ قطعنامه ۵۲۲ را صادر و خواستار آتش بس شد. عراق پذیرفت ولی ایران رد کرد (این واکنش ایران طبیعی بود).
- استراتژی مهار دوجانبه** - نفع نهائی آمریکا آن است که این جنگ طرف پیروز نداشته و ایران و عراق هر دو بازنده باشند (هنری کیسینجر). پیروزی نظامی هر یک از طرفین غیر ممکن است و از نظر استراتژیک هم مطلوب نیست (ریچارد مورفی). کشورهای عربی هم با پیروزی هیچکدام از دو کشور موافق نبودند. شکل کاملتر این استراتژی، برای کنترل دوجانبه ایران و عراق در دوره کلینتون (۱۹۹۳-۲۰۰۱) مطرح شد و تأمین کننده نظرات فوق بود.

مهمترین تحولات سال های ۶۳-۱۳۶۲

بعد از فتح خرمشهر عملیات های رمضان، مسلم ابن عقیل، والفجرهای مقدماتی، ۱، ۲، ۳ و ۴ ... انجام شد ولی هیچکدام نتایج مورد نظر را به دنبال نداشت (تحول اساسی در راستای پایان یافتن جنگ صورت نگرفت). پیچیدگی های جنگ افزایش یافت، اقدامات دفاعی عراق تقویت شد. توان هوایی و موشکی عراق توسعه یافت و جنگ بتدریج از جبهه های زمینی به خلیج فارس کشیده شد. صدام به دنبال دستیابی به جنگ افزارهای جدید و مخرب تر رفت. در مجموع جنگ در داخل خاک عراق و با برتری ایران ادامه یافت اما عراق جنگ را به خلیج فارس کشاند، حملات شیمیایی در جبهه ها را تشدید کرد (از ماه دوم جنگ شروع شده بود و بعد از ورود نیروهای ایران به خاک عراق شدت یافت) و بمباران مناطق مسکونی را شدت بخشید. گرچه بعد از عملیات رمضان، ابتکار عمل دست نیروهای ایران بود ولی موفقیت چشمگیری حاصل نشد (جنگ در جبهه های زمینی قفل کرده بود و بعد از تیرماه ۱۳۶۱ در جبهه خودی رکودی حاکم شده بود که تقریباً تا اواخر ۱۳۶۴ ادامه داشت).

دلایل رکود در جبهه خودی بعد از عملیات رمضان:

- ۱- عدم رشد سازمان رزم نیروهای خودی مانع جدی برای غلبه بر ارتش مدرن و تقویت شده عراق بود.
- ۲- عراق با دفع عملیات رمضان به تحکیم خطوط دفاعی پرداخت و استراتژی دفاع مطلق در زمین را در پیش گرفت و ضعف های خود را اصلاح کرد:
- ۱-۲- بکارگیری یگانهای اصلی در پشت خطوط دفاعی و نزدیک مناطق حساس به منظور کاهش آسیب های وارده در اثر حملات غافلگیرانه ایران به خطوط مقدم جبهه عراق.

۲-۲- تقویت آتش توپخانه، زرهی، افزایش بمباران عقبه جبهه ایران و ...

۲-۳- توان هوایی و موشکی عراق توسعه یافت.

با این حال رزمندگان ایران حدود ۹ عملیات علیه عراق انجام دادند که مهمترین آنها (خیبر و بدر) بود.

عملیات خیبر (۶۲/۱۲/۰۳) - در محور هورالهویزه و شمال بصره، توسط سپاه و ارتش انجام شد.

منطقه عملیاتی خیبر و ویژگیهای آن: برای عملیات خیبر منطقه هورالعظیم انتخاب شد، چون:

۱- این منطقه بکر بود ۲- ضعف خطوط پدافندی دشمن ۳- مسلح نبودن زمین

این منطقه از اواخر سال ۱۳۶۱ مورد توجه فرماندهان سپاه قرار گرفت و شناسایی منطقه به مدت یک سال توسط قرارگاه نصرت (نیروهای شهید علی هاشمی) انجام شد و اولین عملیات آبی - خاکی خیبر طراحی و اجرا شد. محدوده منطقه عملیاتی خیبر از شمال به البیضه و العزیر، از جنوب به آب گرفتگی زید و نهر کتیبان، از شرق به ساحل شرقی هورالعظیم و از غرب به رودخانه دجله منتهی می شد. حدود ۸۰ درصد هور، از نی، چولان و بردی پوشیده شده و تردد فقط از طریق آبراه ها و مسیر نهرها امکان پذیر است. جزایر شمالی و جنوبی مجنون هم داخل هور قرار دارد.

شرح عملیات خیبر:

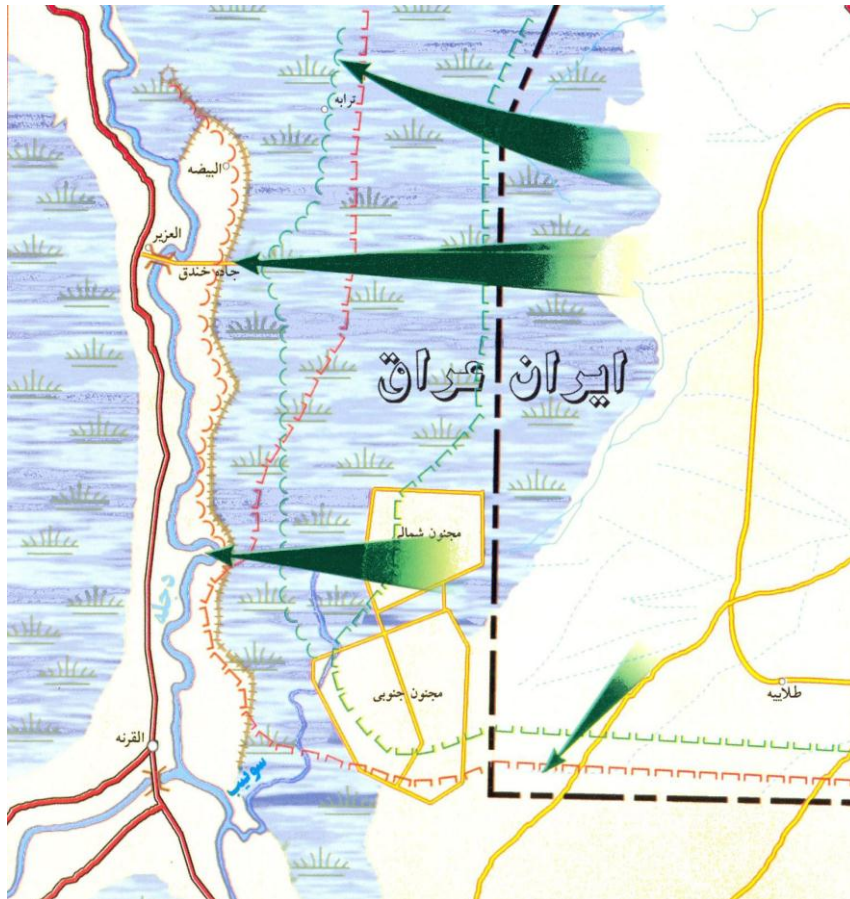
هورالعظیم به عنوان تلاش اصلی به قرارگاه نجف (سپاه) و منطقه زید به قرارگاه کربلا (ارتش) واگذار شد. عملیات در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۲/۱۲/۳ آغاز شد (با رمز یا محمد رسول الله). در مرحله اول عملیات نیروهای تحت امر قرارگاه نجف با موفقیت جزایر شمالی و جنوبی را تصرف و در اتوبان بصره - العماره و القرنه مستقر شدند ولی در باز شدن محور طلائی که عقبه خشکی نیروهای ایران بود موفقیتی حاصل نشد. نیروهای قرارگاه کربلا هم در محور زید بدون موفقیت به مواضع قبلی عقب نشینی کردند. با عدم موفقیت در زید و طلائی پشتیبانی از نیروهای مستقر در العزیر و القرنه امکان پذیر نبود و با فشار بیش از حد دشمن، از این مناطق عقب نشینی و در جزایر مجنون به پدافند پراختم.

از ابتکارات این عملیات: پل شناور ۱۳ کیلومتری خیبر بود که در هورالعظیم احداث شد (شهید مهندس بهروز پورشریف طراح پل خیبر بود) و احداث جاده خندق در امتداد پل خیبر (برای هر متر مربع ۴۰ کمپرسی خاک لازم بود).

نتایج عملیات خیبر:

- ۱- آزادسازی منطقه ای به وسعت ۱۱۸۰ کیلومتر مربع (۱۰۰۰ کیلومتر مربع از هورالعظیم، ۱۴۰ کیلومتر مربع جزایر مجنون، ۴۰ کیلومتر مربع خشکی طلائی).
- ۲- کشته و زخمی شدن ۱۵۰۰۰ نفر از افراد دشمن.
- ۳- اسارت ۱۱۴۰ نفر از افراد دشمن.
- ۴- انهدام ۶ فروند هواپیما و ۹ فروند هلی کوپتر.
- ۵- انهدام ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودرو.
- ۶- غنیمت گرفتن ۱۰ دستگاه تانک و ۶۰ دستگاه کامیون.
- ۷- افزایش توانمندی نیروهای سپاه در طراحی و اجرای عملیات آبی - خاکی.

در دفاع مقدس استراتژی مرحله اول ما آزادسازی مناطق اشغالی بود که با فتح خرمشهر (تقریباً) تمام شد. از آن به بعد دنبال عملی کردن بخش دوم استراتژی بودیم (تعقیب و تنبیه متجاوز و تحمیل اراده خود به دشمن). استراتژی دوم به بن بست خورده بود که با عملیات خیبر تقریباً از این بن بست خارج شدیم. در هر حال توانستیم در یک نقطه ای مقاومت دشمن را بشکنیم، وارد بخشی از خاک عراق شویم، اشغال کنیم و نگه داریم.



نتایج عملیات بدر:

- ۱- آزادسازی ۸۰۰ کیلومتر مربع از هورالعظیم.
 - ۲- تصرف ۱۳ کیلومتر از جاده خندق و استقرار در ۶ کیلومتری اتوبان بصره - العماره.
 - ۳- کشته و زخمی شدن حدود ۱۰۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن.
 - ۴- اسارت ۳۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن.
 - ۵- سرنگونی ۶ فروند هواپیما و ۴ فروند هلی کوپتر دشمن.
 - ۶- انهدام ۲۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودرو.
- علی رغم موفقیت های اولیه در عملیات بدر، نیروهای عمل کننده در ساعت ۱۷ روز ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ مجبور به عقب نشینی شدند.

دلایل عقب نشینی در عملیات بدر:

- ۱- کمبود مهمات و نابرابری آتش پشتیبانی
- ۲- دشواری در پشتیبانی و تدارکات نیروهای عمل کننده

مهمترین تحولات سالهای ۶۵-۱۳۶۴: عملیاتهای خیر و بدر که در آبهای هورالهویزه انجام شد، سبب تجربه های

گرانبهائی شد که زمینه ساز فتح فاو در اواخر سال ۶۴ گردید:

۱- آموزش عملیات آبی - خاکی به نیروهای ایران.

۲- تجربه جنگیدن داخل آب.

بعد از عملیات رمضان در تیرماه ۱۳۶۱ در جبهه خودی رکودی حاکم شده بود که تقریباً تا اواخر ۱۳۶۴ ادامه داشت. طی سال

۱۳۶۴ حدود ۱۶ عملیات انجام شد که مهمترین آنها عملیات والفجر ۸ بود.

عملیات والفجر ۸: در سال ۱۳۶۴ ایران تصمیم گرفت با انجام عملیات و گرفتن نقاط استراتژیک عراق، از موضع قدرت

جنگ را پایان دهد لذا بنا شد فاو را بگیریم (اهداف سیاسی - نظامی).

تصرف بندر استراتژیک فاو می توانست پیامدهای زیر را برای ایران داشته باشد:

- اشغال فاو و تصرف تأسیسات بندری آن، عراق را از دریا محروم می کرد.
- اروند رود بطور کامل در اختیار ایران قرار می گرفت (قبولاندن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ به طور کامل به صدام و حتی فراتر از آن).
- نابودی پایگاههای موشکی عراق که از فاو، نفتکشها و سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس و خارک را هدف قرار می داد.
- تسلط بر آبراه خور عبدالله و تهدید بندر ام القصر.
- تأمین خور موسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی.
- هم مرز شدن با کویت (برای فشار به مجامع بین المللی و ترغیب آنان به پذیرش حقوق ایران).
- حمایت از جبهه سیاسی (که فعالیت چندانی نداشت).

طبق دستور قرارگاه خاتم الانبیاء، ارتش و سپاه موظف شدند بطور جداگانه در مناطق مورد علاقه خود عمل نمایند (سپاه در منطقه فاو و ارتش در منطقه عمومی کوشک و شلمچه). سپاه برای فریب دشمن دو عملیات پشتیبانی در هورالعظیم و جزیره ام الرصاص (شرق بصره) طراحی کرد. نیروی زمینی ارتش به منظور فریب دشمن با بکارگیری پنج لشکر در منطقه عمومی کوشک، زید و شلمچه مستقر گردید و آماده عملیات شد.

ویژگیهای عملیات والفجر ۸ (علاوه بر توکل به خدا) به شرح زیر بود:

- ✓ غافلگیری مطلق دشمن (در این عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء برای غافلگیر کردن دشمن اقدامات زیر را انجام داد: طراحی عملیات فریب بزرگ، رعایت حفاظت اطلاعات، کنترل اطلاعاتی دشمن و شناسایی مواضع دشمن).
- ✓ عبور نیروهای خودی از اروند و کاربرد وسیع غواصی در عملیات رزمی.
- ✓ نقش بارز دفاع ضد هوایی (ساقط کردن حدود ۷۳ فروند هواپیماهای جنگی عراق).
- ✓ انتخاب منطقه جغرافیائی (بجز جناح شمالی مابقی توسط آب احاطه شده بود).
- ✓ انتقال وسیع دستگاههای مهندسی، زرهی و توپخانه به آنسوی آب.
- ✓ انهدام گسترده واحدها و امکانات ارتش عراق.
- ✓ بکارگیری وسیع عوامل شیمیائی توسط عراق.
- ✓ بکارگیری صحیح آتش توپخانه توسط ایران.
- ✓ دقت و کنترل در جزئیات تمامی فعالیت های مقدماتی و شناسایی.

وضعیت و موقعیت منطقه عملیاتی والفجر ۸- شبه جزیره فاو از سه طرف محصور به آب بود (اروند رود، خلیج فارس و

خورعبداله). زمین منطقه عملیات یکی از سرزمین های پیچیده جنگی و عملیاتی آن زمان محسوب می شد (شامل انواع

عوارض طبیعی: رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق، چولان، جاده، روستا، شهر، ساحل، نمک زار، دشت، اسکله و بندرگاه بود).

عمق اروند رود حدود ۸-۱۰ متر و عرض آن بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ متر متغیر است. در طول شبانه روز چهار بار جزر و مد در

رودخانه و نهرهای منشعب از آن رخ می دهد.

اقدامات مهندسی قبل از عملیات والفجر ۸- واحدهای مهندسی سپاه و جهاد سازندگی با بکارگیری حدود ۴۰۰ دستگاه

کمپرسی و تعداد زیادی لودر و بولدوزر و ... قبل از عملیات حدود ۴۷۳ کیلومتر جاده جدید احداث و ۱۱۰ کیلومتر از جاده

های موجود را تعمیر و آسفالت کردند. ساخت بیمارستان صحرائی و مواضع توپخانه، تهیه امکانات لازم برای رفع آلودگی

مواد شیمیایی، احداث مواضع موشک هاوک، قرارگاههای مختلف، پد هلیکوپتر و ... از دیگر اقدامات بود.

شرح عملیات والفجر ۸ - این عملیات در منطقه عمومی فاو (ساعت ۲۲:۱۰ روز ۶۴/۱۱/۲۰)، با رمز مقدس یا فاطمه الزهرا (س)، تحت هدایت دو قرارگاه کربلا و نوح و با پشتیبانی پدافند هوایی، نیروی هوایی، هوانیروز، زرهی و آتش توپخانه ارتش و بطور مستقل توسط سپاه انجام شد. با حرکت غواصان خط شکن در حالی که باران می بارید، عملیات آغاز شد (نیروهای غواص ساعت ۱۹:۵۳ در وارد آب شدند، در ۲۰:۵۶ به آن طرف رودخانه رسیدند، در ۲۱:۳۰ بعد از عبور از موانع به زیر سنگرهای دشمن رسیدند، حدود ساعت ۲۲:۱۲ به سنگرهای دشمن حمله کردند و در ۲۲:۱۵ خط اول دشمن شکسته شد). در روز اول عملیات، لشکر ۲۵ کربلا موفق شد شهر فاو را بطور کامل به تصرف خود درآورد و فرمانده این لشکر پرچم گنبد امام رضا را بر فراز مناره مسجد فاو نصب کرد. پاتک های جدی عراق از روز سوم عملیات و با ورود گارد ریاست جمهوری به فاو آغاز شد و برای حمایت از آنها منطقه را بمباران شیمیایی کرد. به دلیل نزدیکی مواضع دو طرف، ۷۰ درصد نیروهای عراقی هم دچار مصدومیت شیمیایی شدند (ساعت ۵:۳۰ صبح ۱۳۶۴/۱۱/۲۴ خلبانان عراقی بخشی از بمب های شیمیایی را روی لشکر گارد ریاست جمهوری عراق ریختند. این تک شیمیایی برای باز کردن محاصره تیپ های ۳ و ۴ گارد بود). حملات شیمیایی دشمن به قدری شدید بود که بیشتر پرندگان، جانوران و آبزیان منطقه تلف شده و گیاهان، نی ها و ... پژمرده شدند. توپخانه سپاه و ارتش، هوانیروز و جنگنده های نیروی هوایی در تمام هفتاد و پنج روز پدافند عملیات فاو، نیروهای خط مقدم را در برابر پاتک های سنگین دشمن حمایت می کردند. نیروی هوایی عراق روزانه بطور متوسط ۳۵۵ سورتی پرواز و هلیکوپترهای عراق روزانه ۱۳۴ پرواز در منطقه داشتند.

اواخر سال ۱۳۶۴ در میان ناباوری محافل خارجی و کشورهای عربی (بخصوص کویت)، در اوج غافلگیری ارتش عراق، عملیات بزرگ والفجر ۸ انجام شد و منطقه استراتژیک فاو به تصرف ایران درآمد. با فعالیت های ایران طی سالهای ۶۲-۶۴ در منطقه هورالهوریزه و انجام عملیات های (خیبر، بدر، قدس ۱، قدس ۴، قدس ۵، عاشورای ۴) ذهنیت عراق شدیداً متوجه آن منطقه بود و در فاو غافلگیر شدند. بعد از ۳ روز عملیات، فاو به تصرف درآمد ولی تثبیت مواضع اشغال شده حدود ۷۵ روز طول کشید.

نتایج عملیات والفجر ۸:

- ✓ تصرف شهر ساحلی فاو و تأسیسات بندری آن توسط ایران.
 - ✓ تصرف سکوهای موشکی عراق و تأمین خورموسی، شمال خلیج فارس و جزیره خارک.
 - ✓ کنترل خورعبداله و تهدید بندر ام القصر.
 - ✓ آزادسازی حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق در منطقه فاو.
 - ✓ انهدام وسیع نیرو و تجهیزات دشمن.
- در این عملیات حدود ۱۰۰۰۰ نفر از نیروهای خودی شهید و مجروح شدند، حدود ۲۰۰۰۰ نفر مصدوم شیمیایی (که ۳۰۰۰ نفر آنها به شهادت رسیدند) و چهار فروند جنگنده اف-۵ مورد اصابت قرار گرفت.
- پل بعثت** - نیروهای جهاد سازندگی با استفاده از حدود ۳۴۰۰ لوله نفتی ۵۶ اینچ و با یک طرح مهندسی دقیق، توانستند پل بعثت را (به طول ۶۰۰ متر، عرض ۱۲ و عمق ۸ متر) در اروندرود احداث نمایند (سه شنبه ۶۵/۷/۲۲ آماده استفاده شد).

پیامدهای عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو:

- ✓ برهم خوردن توازن سیاسی - نظامی جنگ به نفع ایران.
- ✓ تشدید جنگ شهرها توسط عراق.

- ✓ احساس خطر جدی آمریکا و حامیان عراق از پیروزیهای ایران (افزایش کمکهای اطلاعاتی و ... به عراق، توطئه جهانی برای کاهش قیمت نفت تا ۵/۵ دلار برای تضعیف اقتصاد ایران و ...).
- ✓ از طریق خور عبدالله با کویت همسایه شدیم.
- ✓ وارد کردن فشار به کشورهای عربی حامی صدام.
- ✓ صورتهای موجود را در باره توانمندیهای ایران تغییر داد.
- ✓ با غافلگیری عراق، قدرت جاسوسی آمریکا در منطقه زیر سؤال رفت.
- ✓ وزن پیروزی هایی مانند فاو در سال ششم جنگ به اندازه نیاز ایران نبود (اگر این پیروزی بلافاصله بعد از فتح خرمشهر بود، تأثیر سرنوشت سازی بر روند تحولات جنگ داشت).
- ✓ از این به بعد هزینه عملیتهای عراق در دریا افزایش یافت (ناوچه ها، پایگاه موشکی فاو و ... را از دست داد و فقط با نیروی هوایی به کشتی ها و خارک حمله می کرد).

خسارات وارده به عراق طی عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)	
تعداد کشته ها و مجروحین عراقی	حدود ۳۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر
تعداد اسرای عراقی	۲۱۳۵ نفر
هواپیماهای ساقط شده دشمن	۴۵-۶۰ فروند
هلیکوپترهای ساقط شده دشمن	۱۰ فروند
تانک های منهدم شده	۳۰۰ دستگاه
نفربر های منهدم شده	۲۵۰ دستگاه
خودرو و ماشین آلات مهندسی منهدم شده	۲۵۵ دستگاه
توپ صحرائی منهدم شده	۲۰ قبضه
توپ ضد هوایی منهدم شده	۵۵ قبضه
انهدام ناوچه موشک انداز	۲ فروند
غنائیم عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)	
خودرو	۱۸۰ دستگاه
ماشین آلات مهندسی	۳۰ دستگاه
تانک	۵۰ دستگاه
نفربر	۴۵ دستگاه
توپ صحرائی	۲۰ قبضه
توپ ضد هوایی	۱۲۰ قبضه
رادار موشکی	۳ دستگاه

آغاز استراتژی دفاع متحرک ارتش عراق (حمله به نقاطی از جبهه ایران که به لحاظ پدافندی دچار ضعف بودند تا حداقل برای مدت کوتاهی ابتکار عمل را بدست گیرد، جبران شکست های پی در پی، تقویت روحیه از دست رفته فرماندهان خود و بازسازی یگانهای آسیب دیده عراق در والفجر ۸). (۶۴/۱۲/۱۵) استراتژی دفاع متحرک ارتش عراق با هجوم نیروهای خودی در عملیات کربلای ۱ (۶۵/۰۴/۰۹) و آزاد سازی شهر مهران عملاً شکست خورد (اما به نظر می رسد شکل کامل تر این حرکت در پایان جنگ توسط عراق اجرا شد).

براساس استراتژی دفاع متحرک، ارتش عراق حدود ده حمله تا پایان سال ۱۳۶۵ علیه مواضع ایران به شرح زیر انجام دادند:	
تاریخ	محل حمله
۱۵/۱۲/۶۴	حمله به چوارتا و بازپس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹
۲۹/۱۲/۶۴	تصرف ارتفاعات پنجوبین
۱۵/۱/۶۵	سد دربندیخان و ارتفاعات شاخ شمیران
۱۸/۱/۶۵	جبهه شرهانی و تصرف تپه ۱۷۵
۲۲/۱/۶۵	حمله به سومار و بازپس گیری ارتفاعات اسماعیل خان
۴/۲/۶۵	در محور سیدکان و تصرف ۲۵۰km ² از ارتفاعات منطقه
۶/۲/۶۵	حمله به جزیره مجنون و ۲۰۰متر پیشروی
۱۰/۲/۶۵	حمله به فکه و ۷ کیلومتر پیشروی
۱۹/۲/۶۵	حمله به پیچ انگیزه شرهانی و تصرف ۳۶km ²
۲۴/۲/۶۵	حمله به حاج عمران و تصرف ارتفاعات مهم ۲۵۱۹ و ۲۴۳۵



نقشه تصرف منطقه عمومی فاو توسط ایران در سال ۱۳۶۴

عملیات کربلای ۴ - (۶۵/۱۰/۰۳) - در سال ۱۳۶۵ فرماندهان نظامی تصمیم گرفتند با دستیابی به یک پیروزی دیگر (مانند فاو) جنگ را به یک نقطه روشنی برسانند. این عملیات طراحی شد و توسط سپاه با پشتیبانی ارتش در منطقه ابوالخصب (شلمچه) انجام شد. با کمک اطلاعاتی آمریکا (که نگران منافع استکباری خود با پیروزیهای ایران بود) عراق کاملاً از عملیات آگاه بود. این عملیات لو رفته بود و عراق منتظر نیروهای ما بود لذا شب دوم، عملیات متوقف شد (خیلی اسفناک بود و تلفات زیادی دادیم).

عملیات کربلای ۵ - طی سال ۱۳۶۵ حدود ۱۶ عملیات انجام شد که مهمترین آنها (کربلای ۱ (آزاد سازی مهران)، کربلای ۳ (تصرف سکوی الامیه)، و کربلای ۵ در شلمچه بود. درآمد نفتی عراق هم طی این سالها به شدت کاهش یافته بود (درآمد نفت سال ۱۳۶۴ عراق حدود ۱۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۶۵ به ۶ میلیارد دلار رسیده بود). عملیات کربلای ۵ در نیمه شب (۶۵/۱۰/۱۹) - حدود ۱۵ روز بعد از کربلای ۴، این عملیات طراحی شد (عراق خود را آماده حمله به فاو می کرد و این بار هم از نظر زمانی غافلگیر شد). این عملیات توسط سپاه با پشتیبانی ارتش در محور شلمچه - شرق بصره انجام شد.

اهداف عملیات کربلای ۵:

- ۱- آزادسازی و تصرف شلمچه و پیشروی به سوی بصره.
 - ۲- رسیدن به کانال زوجی در کنار بصره، تهدید بصره و اعمال فشار به رژیم بعث عراق در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی.
 - ۳- انهدام باقیمانده ماشین جنگی عراق.
- عراق نیز تلاش می کرد به هر قیمت ممکن از پیشروی ایران جلوگیری کند (برخلاف والفجر ۸ که زمین را واگذار کرد تا زمان را بدست آورد، در تلاش بود تا زمین را حفظ کند). زمین منطقه عملیاتی شرق بصره دارای ارزش و اهمیت زیادی بود (محور مواصلاتی شلمچه کلید فتح بصره به شمار می رفت، وسعت سرزمین خشک این منطقه که به پنج ضلعی معروف بود به کمتر از ۵۰ کیلومتر مربع می رسید. یک کیلومتر پیشروی در محور شلمچه از نظر اهمیت نظامی و فشار سیاسی بر دشمن برابر ۱۰ کیلومتر در نقاط دیگر مانند فکه بود).

موقعیت منطقه عملیاتی کربلای ۵:

این منطقه از شمال به آبگرفتگی جنوب زید، از جنوب به اروندرود، از شرق به نهر عرایض و از غرب به کانال زوجی و شهر تنومه محدود می شود.

استحکامات و موانع منطقه عملیاتی کربلای ۵:

بعد از عملیات رمضان عراق در این منطقه اقدامات زیر را انجام داده بود:

- ۱- ایجاد استحکامات هلالی شکل - به طوری که درون هر یک از آنها یک دسته تانک می توانست موضع بگیرد و با امنیت تیراندازی نماید. اطراف این استحکامات نیز با چندین لایه سیم های خاردار و میادین مین پوشش داده شده بود.
- ۲- ایجاد نواحی آب گرفتگی در شمال منطقه عملیاتی به منظور جلوگیری از عملیات نیروهای پیاده ایران.
- ۳- تعبیه سنگرهای بتونی، دیده بانی، تیربار و مهمات و نیز تعدادی سنگر تانک به منظور تسلط بر منطقه شلمچه.
- ۴- تعبیه سنگرهای کمین برای محافظت و کنترل از موانع، میادین مین و استحکامات ایجاد شده.
- ۵- نصب تعدادی دکل بلند دیده بانی در غرب اروندرود به منظور کنترل تردد نیروهای ایرانی.
- ۶- استفاده از سلاح ضد هوایی و تانک در خط اول برای جلوگیری از نفوذ رزمندگان اسلام و شکستن خط اول عراق.
- ۷- ایجاد موانع عظیمی از سیم های خاردار، تله های انفجاری، کانال، میادین وسیع مین و سنگرهای بتونی (سنگرهای استراق سمع و سنگرهای کمین در جلوی خط اصلی).
- ۸- ایجاد ده ها ردیف موانع گوناگون داخل آبگرفتگی ها (در زیر آبگرفتگی ها هم مین کاشته بودند).

شرح عملیات کربلای ۵- این عملیات در ساعت ۱:۳۵ بامداد ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ (دو هفته پس از ناکامی در کربلای ۴) صورت گرفت در حالی که زمانی حدود یک ماه برای آمادگی رزمندگان اسلام ضروری بود. اگر این فرصت به ارتش بعثی داده می شد، می توانستند بلافاصله نقاط ضعف خود را بپوشانند و ایران را از دستیابی به منطقه شلمچه بازدارند.

در حین عملیات و پس از به اسارت در آمدن تعدادی از نیروهای دشمن مشخص شد که برخی از فرماندهان ارتش بعثی چند روز پیش از آغاز این عملیات، به مرخصی رفته بودند و برخی دیگر هم در شب عملیات، فرصت رساندن خود به قرارگاه مربوطه را نیافتند. حتی تعدادی از فرماندهان گردان های ارتش بعثی، فرصت پوشیدن لباس نظامی خود را نیز نیافتند و با لباس شخصی به اسارت در آمدند. آنها می گفتند: ما در خانه بودیم که به ما خبر دادند، بصره در تهدید است و ابلاغ کردند که خود را سریعاً به منطقه عملیاتی برسانیم.

در دو روز اول، به دلیل عدم آمادگی نیروهای دشمن، عملیات به خوبی پیش رفت و رزمندگان موفق شدند تعدادی تانک دشمن را به غنیمت بگیرند و حدود ۶۵۰ نظامی عراقی را اسیر کنند. پایگاه موشکی هاوک ارتش ایران نیز در این عملیات فعال گردید و توانست تعدادی از هواپیماهای دشمن را ساقط نماید. یگان های خط شکن سپاه با درهم شکستن موانع گسترده، و اسطوره ای ارتش بعثی در محورهای کانال پرورش ماهی، منطقه پنج ضلعی و شلمچه اقدام به پیشروی کردند. در روز اول رزمندگان اسلام ضمن دفع پاتک های دشمن، با تصرف مواضع هلالی شکل اول و دوم، موقعیت خود را در پنج ضلعی تحکیم بخشیدند. در شب دوم دشمن متوجه هدف اصلی ایران شده و یگان هایی را که برای حمله به فاو آماده کرده بود، با سرعت به شلمچه منتقل کرد. در روز دوم یگان های عراق اقدام به پیش از بیست پاتک سنگین نمودند که با مقاومت حماسی نیروهای ایران و تحمیل تلفات به دشمن، این پاتک ها دفع گردید. در شب سوم عملیات پد اصلی بویان، پل دوم کانال پرورش ماهی و موانع هلالی شکل نوک کانال مذکور به تصرف نیروهای خودی درآمده و جاده شلمچه باز شد. ولی از روز سوم، به تدریج جنگ سختی از سوی ارتش عراق، علیه رزمندگان اسلام شکل گرفت. با بمباران خطوط عملیاتی و عقبه نیروهای ایران، کاربرد سلاح شیمیایی و ... نیروهای ایران را تا حاشیه کانال عقب راند.

در جریان پاتک ها، از ۱۸۰ تیپ ارتش عراق حدود ۱۱۰ تیپ (دو سوم استعداد ارتش عراق) وارد شرق بصره شده بودند و از ۱۱۰ یگان مختلف اسیر داشتیم.

در کربلای ۵ آتش توپخانه کاربرد وسیع و سرنوشت سازی داشت طی آن، ایران حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار گلوله توپ و حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار گلوله انواع خمپاره را به سوی مواضع ارتش عراق پرتاب کرد و به جنگ آتشنا معروف شد. برای پشتیبانی کربلای ۵، هوانیروز ۱۳۰ فروند انواع وسیله پروازی در منطقه مستقر کرده بود و سه تیم عملیاتی (هر کدام شامل ۹ فروند هلیکوپتر جنگی) تشکیل داده بود (یک تیم در حال عملیات، یک تیم در حال سوختگیری و مسلح شدن و تیم سوم در حال رفتن به منطقه عملیاتی بود). سرانجام پس از بیست شبانه روز رزم بی امان رزمندگان اسلام، با تثبیت مناطق تصرف شده و استقرار در ۱۵ کیلومتری شرق بصره این عملیات به پایان رسید.

نتایج عملیات کربلای ۵:

۱- تصرف بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن (پاسگاههای بویان، شلمچه، کوت، خین و جزایر بوارین، ام الطویل و فیاض)، کانال پرورش ماهی، چندین روستای عراقی، شهرک دو عیجی، رودخانه دو عیجی، نهر جاسم و همچنین ۱۰ کیلومتر از جاده شلمچه - بصره و ۱۱ پاسگاه فرماندهی ارتش عراق به تصرف ایران درآمد).

۲- استقرار نیروهای ایران در ۱۵ کیلومتری شهر مهم بصره و قرار گرفتن این شهر در برد توپخانه ایران (جمعیت بصره از یک میلیون نفر به یکصد هزار نفر کاهش یافت).

در این عملیات، عراق بطور گسترده منطقه عملیاتی را بمباران شیمیایی کرد. به علت نزدیکی مواضع دو طرف و وزش باد مقداری مواد شیمیایی هم خود نیروهای عراقی را مصدوم کرد (از عوامل اعصاب، خردل و تاول زا، ترکیبات خردلی و خون، سیانور و خفه کننده و ناتوان کننده ها استفاده کرده بود). به دلیل شدت حملات شیمیایی در کربلای ۵ حدود ۳۵۰ نفر از فرماندهان رده های مختلف سپاه به شهادت رسیدند (شهید خرازی، شیخ عبدالله میثمی دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم الانبیاء (ع)، اسماعیل دقیقی فرمانده لشکر ۹ بدر، حاج علی فارسی فرمانده قرارگاه جهاد سازندگی و ...). در مجموع از نیروهای خودی در این عملیات حدود ۱۲۰۰۰ نفر شهید و ۱۵۰۰۰ نفر مجروح شدند. سال ۱۳۶۵ پر تلفات ترین سال جنگ

بود بطوری که حدود ۴۰۰۰۰ نفر از رزمندگان و مردم در اثر حملات و بمباران های دشمن به شهادت رسیدند. کربلای ۵ یکی از سخت ترین، معروفترین، دشوارترین و به یادماندنی ترین عملیتهای دوران دفاع مقدس بود.

تلفات و خسارت های وارد شده به دشمن در عملیات کربلای ۵	
تعداد کشته ها و مجروحین عراقی	حدود ۶۰۰۰۰ (انهدام ۳۸ تیپ ارتش عراق به میزان ۶۰ تا ۱۰۰ درصد و انهدام ۶۶ تیپ ارتش عراق به میزان ۶۰ تا ۱۰ درصد)
تعداد اسرای عراقی	۲۶۵۵ نفر (شامل ۴۰ افسر ارشد، ۴۰ افسر جزء و ۶۰۰ درجه دار)
هواپیماهای ساقط شده دشمن	۶۰-۳۰ فروند (برتری کوتاه مدت نیروی هوایی ایران)
هلیکوپترهای ساقط شده دشمن	۷ فروند
تانک ها و نفربر های منهدم شده	۷۰۰ دستگاه
خودرو و ماشین آلات مهندسی منهدم شده	۴۰۰ دستگاه
توپ صحرائی منهدم شده	۸۰ قبضه
توپ ضد هوایی منهدم شده	۳۰ قبضه
انهدام خمپاره انداز و توپ ۱۰۶ م	۳۰۰ قبضه

غنائیم به دست آمده در عملیات کربلای ۵	
خودرو	۲۰۰ دستگاه
ماشین آلات مهندسی	۱۰۰ دستگاه
تانک و نفربر	۲۳۰ دستگاه
خمپاره انداز و توپ ۱۰۶ م	۲۵۰ قبضه
توپ صحرائی	۲۰ قبضه
توپ ضد هوایی	۱۰۰ قبضه

پیامدهای عملیات کربلای ۵- این عملیات هم مانند تصرف فاو نتایج و پیامدهای زیادی به شرح زیر داشت:

۱- این عملیات در میان ناباوری عراق انجام شد (فاصله کوتاهی بعد از کربلای ۴ بود، عراق احساس می کرد در پایان سال عملیات سالیانه ایران پایان یافته است).

۲- بعد از کربلای ۵ شرایط سیاسی- نظامی بار دیگر به نفع ایران رقم خورد.

۳- با شکست سنگین عراق در این عملیات، تهاجم به فاو که در دستور کار ارتش عراق بود به مدت دو سال به تعویق افتاد.

۴- بازنگری قدرت های تأثیرگذار جهانی در راهبردها و سیاست های خود پیرامون جنگ و شروع مذاکرات شورای امنیت برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ و توجه به حقوق ایران برای اولین بار.

سه هفته بعد از عملیات پیروزمندانه کربلای ۵، حامیان صدام، آمریکا و شورای امنیت رفتند برای تصویب قطعنامه ۵۹۸.

اقدامات قدرت های جهانی پس از عملیات پیروزمندانه کربلای ۵:

۱- فشار به کشورمان برای قطع صادرات نفت ایران با حضور ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس (۹۶ فروند ناو).

۲- توطئه کاهش شدید قیمت نفت، ایجاد شرایط سخت برای فروش نفت ایران و به دنبال آن کاهش شدید منابع مالی دولت برای اداره کشور و مایحتاج جنگ (کسری بودجه ۵۰ درصدی دولت).

۳- واگذاری تسلیحات پیشرفته برای افزایش برد عملیاتی نیروهای عراق (هوایماهای میز و بمب های لیزری برای عملیات در خلیج فارس تا تنگه هرمز).

۴- ندادن اجازه به ایران برای مقابله به مثل در خلیج فارس به کمک ناوهای آمریکایی.

۵- گسترش جنگ شهرها با واگذاری هوایما و موشک های برد بلند برای هدف قرار دادن عمق خاک ایران (تهران).

۶- شکل گیری یک اتحاد نانوشته به سود صدام، اعلان غیر رسمی جنگ از سوی ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس علیه ایران با همکاری شوروی، فرانسه، کشورهای عربی و

مهمترین تحولات سالهای ۶۷-۱۳۶۶ - زمینه های صدور قطعنامه ۵۹۸ و توافق اعضای شورای امنیت در تهیه پیش نویس آن: رزمندگان اسلام در ۶۴/۱۱/۲۱ (۱۰ فوریه ۱۹۸۶) فاو را تصرف کردند که پیامدهای زیر را به دنبال داشت:

الف- باعث نگرانی جدی ابر قدرتها (آمریکا و شوروی)، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، و حامیان عراق از پیروزی ایران شد. همسایگی ایران با کویت و تهدید آن (بدلیل حمایت کویت از عراق در جنگ تحمیلی)، افزایش لشکرهای عراق به تدریج از ۲۵ به ۴۷ لشکر، سرازیر شدن سیل کمکهای اقتصادی و نظامی به عراق (تبدیل سیستمهای دفاعی عراق به تهاجمی) گردید. کشورهای منطقه هم دچار این توهم شده بودند که بعد از عراق، ایران به سراغ آنها خواهد رفت.

ب- آمریکا که از پایداری ایران مطمئن گردید، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن خود را به ایران نزدیک کند (ماجرای ایران - کنترا با آمدن مک فارلین به ایران). رونالد ریگان، جورج بوش را سه ماه پس از تصرف فاو به منطقه خاورمیانه فرستاد تا با سران کشورهای عرب منطقه ملاقات کند. پس از پایان مذاکرات بود که آمریکا و اعراب به این نتیجه رسیدند که ادامه حمایت از صدام کمکی به پیروزی وی در جنگ نمی کند و بهتر آن است که آمریکا و اعراب اقدام به مصالحه با ایران نمایند و از نفوذ بیشتر ایران در منطقه جلوگیری کنند.

آمریکا ضمن حفظ رابطه نزدیک با عراق و حمایت آشکار از آن کشور، با وجودی که به سایر کشورها برای تحریم تسلیحاتی ایران فشار وارد می کرد، اما خود مخفیانه به ایران اسلحه و لوازم یدکی فرستاد. ماجرای مک فارلین از ۲۹ مرداد ۱۳۶۴ آغاز و تا ۱۳ اسفند ۱۳۶۵ ادامه داشت و در این مدت آمریکا برخی قطعات ادوات جنگی و مهمات را که به علت تحریم امکان فروش آنها به ایران نبود، به ارزش دو میلیارد دلار به ایران داد. اسرائیل نیز بخشی از معامله فروش تسلیحات به ایران را در دست گرفت و از این طریق سعی در شکست نخوردن ایران در مقابل جبهه متحد عربی مخالف اسرائیل داشت.

محموله های ارسال شده به ایران طی ماجرای ایران - کنترا:

۱- موشک ضد هوایی هاوک (۱۸ فروند + ۲۴۰ قطعات یدکی موشک هاوک).

۲- موشک ضدتانک تاو (حدود ۲۵۱۲ فروند).

۳- در ۲۴ شهریور ۱۳۶۴، دومین محموله شامل تعداد ۲۵ قبضه توپ ۱۵۵ میلیمتری جدید دوربرد لوله بلند با شعله پوش ساخت آمریکا بود که در ارتش ایران برای رد گم کردن به توپهای اتریشی معروف شدند. این محموله درون کانتینر در بندرعباس به ایران تحویل داده شد.

توکیب هیئتی که در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۸۶ جهت مذاکرات وارد تهران شد، عبارت بودند از:

۱- الیور نورث، تحلیل گر سازمان سیا

۴- هوارد تیچرمنستول تحویل پول به شورشیان نیکاراگوئه

۲- رابرت مک فارلین مشاور امنیتی رونالد ریگان

۵- امیرام نیر، یکی از مأموران سرویس امنیتی موساد اسرائیل

۳- جورج کیو از مقامات شورای امنیت ملی آمریکا

اهداف آمریکا از ماجرای مک فارلین:

۱- برای جلب نظر ایران و تلاش برای آزادی هفت آمریکایی که گروگان گروههای طرفدار ایران در لبنان بودند.
۲- نزدیکی به دولت ایران برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق و اهداف بلند مدت آمریکا در زمان بعد از فوت امام خمینی. تحلیل آمریکا این بود که بعد از فوت امام، آقای رفسنجانی رهبر خواهد شد (که در این زمان تمایل به بهبود روابط با آمریکا داشتند). در این زمان ریگان، رابرت مک فارلین مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا را برای نزدیک شدن بیشتر به ایران و مذاکره با جناح‌های میانه‌رو ایران (از جمله هاشمی رفسنجانی و طرفدارانش) به ایران فرستاد.

نشریه کویتی المجتمع فاش کرد که اهداف ماجرای مک فارلین به شرح زیر است:

۱- تغییراتی در داخل حاکمیت ایران در حال وقوع است و باید از آن بهره برداری کرد.
۲- برخورد میان دو جناح منتظری و هاشمی رفسنجانی و تمایل آمریکابه حمایت از هاشمی.
۳- تقویت جناح میانه رو در ایران (که تمایل به برقراری رابطه با آمریکا بودند).
۴- ایجاد زمینه تفاهم باحاکمیت پس از فوت آیت الله خمینی (ریگان: هدف آن است که بفهمانیم ما آماده عادی سازی روابط هستیم و دیگر اینکه با جناح میانه رو در جنگ قدرت پس از آیت الله خمینی کانال ارتباطی برقرار نماییم).
ماجرای مک فارلین توسط نامه منوچهر قربانی فر به فتح الله امید نجف آبادی اطلاع رسانی شد و گفته می شود توسط سید مهدی هاشمی در ۳ نوامبر ۱۹۸۶ (۶۶/۰۸/۱۲) در مجله الشراع لبنان فاش شد که اثر نامطلوبی در روابط آمریکا و سایر کشورها بخصوص کشورهای عربی گذاشت.

ماجرای ایران-کنترا بعد از رسوایی واترگیت، بزرگترین رسوایی سیاسی آمریکا لقب گرفت.

رسوایی در سه کشور (ایران، آمریکا و اسرائیل)، از پیامدهای ماجرای مک فارلین بود: در ایران به دنبال انتشار گزارش مجله الشراع، هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس) با توصیه امام در مراسم سالگرد ۱۳ آبان در سفارت سابق آمریکا به تشریح سفر مک فارلین و همراهانش به ایران پرداخت. اعتماد مردم به امام خمینی موجب جلوگیری از اعتراضات مردم در ایران شد ولی برخی رجال سیاسی، نارضایتی خود را به این مسئله اعلام کردند. حدود ۸ نفر از نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند، علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه را استیضاح نمایند. واکنش امام به طرح این سوال بسیار تند و عتاب آمیز بود:

من هیچ توقع نداشتم از بعض این اشخاص، در این زمان که باید فریاد بزنند سر آمریکا، فریاد می زنند سر مسئولین ما! شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع شوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همه دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، و در روزی که هفته وحدت است چرا می خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ نشینان آن جا تندتر است. دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را^{۲۹}.

برخی معتقدند هاشمی رفسنجانی فقط مذاکره برای خرید اسلحه و معامله برای آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان را به امام اطلاع داده است ولی حضور هیات بلند پایه در تهران و تلاش برای عادی سازی روابط با آمریکا را از وی پنهان نموده است.

^{۲۹} - آقای هاشمی: در این شرایط بیانات امام مثل داروی شفابخشی بود که فتنه را از ریشه خواباند. البته ما متأسفیم از اینکه عده ای به گونه ای دیگر مسایل سفر مک فارلین را مطرح می کنند، در حالی که شیرینی این پیروزی را امام فرمودند که: «بزرگترین پیروزی سیاسی تاریخ اخیر ما است»، در این شرایط اینها خواستند این شیرینی را برای ملت ما تلخ کنند که الحمدلله، امام جلوی آنها را گرفتند.

مک‌فارلین و همراهانش با هویت و پاسپورت ایرلندی با یک هواپیمای حمل سلاح در ۴ خرداد ۱۳۶۵ وارد ایران شدند. در پایان دور ششم مذاکرات، هیأت آمریکایی چون نتیجه مذاکرات را قابل قبول نمی‌دیدند، درخواست بازگشت به آمریکا را مطرح نمودند. این گروه در پایان دور هفتم مذاکرات (۱۷ خرداد ۱۳۶۵) گذرنامه خود را دریافت و ایران را ترک کردند. از طرف دیگر آمریکا مطمئن شد بخاطر تعدد مراکز تصمیم‌گیری در ایران، ایجاد رابطه نزدیک مقدور و عملی نیست (از نزدیکی به ایران ناامید شده بود) لذا موجب یک چرخش تند در سیاست آمریکا در جنگ عراق و ایران گردید. از این به بعد، سیاست قاطع آمریکا حمایت از عراق و اعراب و مخالفت خصمانه با ایران بود.

ج- نیروهای ایران در ۶۵/۱۰/۱۹ (۶ ژانویه ۱۹۸۷) با عملیات کربلای ۵، به شلمچه در شرق بصره حمله کرده (با وجود استحکامات نیرومند اطراف بصره، تجهیزات پیشرفته و برتری نظامی عراق، پوشش قوی هوایی و...) و در ۱۵ کیلومتری بصره مستقر شدند و بصره در برد توپخانه نیروهای ایران قرار گرفت (شهری که در برد توپخانه باشد از نظر نظامی عملاً سقوط کرده است). ایران با این عملیات تلفات شدیدی به ماشین جنگی عراق وارد کرد و به دنبال آن دبیرکل سازمان ملل از شورای امنیت خواست برای خاتمه دادن به جنگ اقدامات جدی بعمل آورد.

۵- ایران در ۶۵/۱۰/۲۳ در مرز قصر شیرین ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را اشغال کرد. موفقیت کردها در نزدیک کرکوک رقم خورد و در ۶۵/۱۲/۱۳ اطراف حاج عمران اشغال شد و ...

۵- ایران در ۶۶/۰۱/۱۴ مجدداً حملاتی را در شرق بصره انجام داد ولی نتوانست ضربه نهائی را به عراق وارد کند. این عدم الفتح در سیاست های ایران در خصوص جنگ تأثیر گذاشت (تغییر میدان نبرد از جبهه نظامی به جبهه سیاسی).

با توجه به مطالب فوق:

سال ۱۳۶۶ سال رقم خوردن سرنوشت جنگ نام گرفت (هم از طرف ایران هم از طرف حامیان عراق و شورای امنیت). بنابر این عامل مهم صدور قطعنامه ۵۹۸، عملیاتهای متعدد رزمندگان اسلام در داخل خاک عراق بود (در مواردی تا دهها کیلومتر نفوذ کرده بودند) بخصوص عملیات کربلای ۵ که در شرق بصره صورت گرفت. این عملیاتهای پیروزمندانه اعضای دائم شورای امنیت را وادار نمود بطور جدی دنبال راهکار پایان جنگ باشند.

سرانجام از فوریه ۱۹۸۷ (اسفند ۱۳۶۵) اعضای دائم شورا بطور مشترک و سازمان یافته با تلاشهای ویژه آمریکا برای پایان دادن به جنگ، کار خود را در دو جبهه نظامی و سیاسی آغاز کردند که چند ماه بعد منجر به صدور قطعنامه ۵۹۸ گردید.

الف- اقدامات آمریکا برای پایان دادن به جنگ در جبهه نظامی:

- تقویت ناوگان خود در خلیج فارس و تشویق متحدان خود برای اعزام ناوهای بیشتر به منطقه که این امر مشکلاتی را برای عملیات دریائی ایران بوجود آورد (۹۶ فروند ناو حضور داشتند).

- باز گذاشتن دست عراق برای هر اقدامی در خلیج فارس و جبهه های زمینی.

- در اختیار قرار دادن اطلاعات وسیع ماهواره ای و آواکس ها از اوضاع جبهه های ایران به عراق.

ب- مهمترین اتفاقات (اقدامات آمریکا برای پایان دادن به جنگ) در جبهه سیاسی:

- فشار فزاینده آمریکا به کشورهای مختلف برای جلوگیری از فروش سلاح به ایران و تلاش برای تصویب قطعنامه ای درباره

تحریم فروش اسلحه به ایران (۶۶/۰۲/۲۱). آمریکا قصد داشت ابتدا قطعنامه ای با ضمانت اجرائی مؤثر (طبق مواد ۳۹ و ۴۱

منشور ملل متحد) در شورا به تصویب برساند، از هر دو کشور بخواهد با آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی موافقت نمایند (آمریکا می خواست، بطور صریح نام ایران برده نشود ولی متن قطعنامه بگونه ای تهیه شود که مطابق منافع

عراق بوده و برای ایران غیرقابل قبول باشد). آنگاه آمریکا در قطعنامه بعدی از کلیه کشورها بخواهد هر یک از طرفین جنگ را که با قطعنامه اول مخالفت کرد مورد تحریم شدید فروش اسلحه قرار دهند.

- از طرف دیگر خاویر پرز دکوئیار (دبیرکل سازمان ملل) که حسن نیت داشت در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۷ طی کنفرانس مطبوعاتی از اعضای شورای امنیت خواست تلاش جدی برای برقراری صلح بعمل آورند و جلسه فوری شورا را (در سطح وزیران خارجه کشورها) تشکیل دهند.

- اعضای دائم شورا از فوریه ۱۹۸۷ (بهمن ۱۳۶۵) جلسات زیادی برای بررسی پیشنهاد آمریکا تشکیل دادند (بعد از ۵ ماه مذاکره) در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۷ (۶۶/۰۳/۳۱) درباره متن قطعنامه توافق نمودند. چون بنا بود برای برخوردی از قدرت اجرائی بیشتر، قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شود، متن پیش نویس در خرداد ۱۳۶۶ در اختیار ۱۰ نماینده کشورهای عضو غیر دائم شورا قرار گرفت. برخی کشورها (آلمان) اصلاحاتی در پیش نویس انجام دادند. ایران نیز در مورد اصلاحات پیش نویس اقداماتی را انجام داد.

با توجه به:

✓ سیل کمکهای اقتصادی، نظامی و ... به عراق.

✓ مشکلات ایران در تهیه سلاح حتی از بازار سیاه.

✓ کاهش فوق العاده درآمدهای نفتی.

✓ دشواریهای داخلی ایران و ..

مسئولین ایران متوجه شدند که باید در سیاست گذشته (مبنی بر تعیین نتیجه جنگ فقط در میدانهای نبرد) تجدید نظر اساسی کنند و در جبهه سیاسی هم فعال شوند. ایران از متن قطعنامه پیشنهادی آمریکا مطلع شده بود و قبل از نهائی شدن قطعنامه ۵۹۸، با اعزام هیئت های دیپلماتیک به کشورهای مختلف (۶ ماه قبل از تصویب)، فعالیت های نسبتاً خوبی داشت و باعث شد بندهای ۶، ۷ و ۸ در آن گنجانده شوند. آقای Hans- Dietrich Genscher (وزیر امور خارجه آلمان) اولین مقام غربی بود که عراق را آغازگر جنگ و متجاوز شناخت و با جلب اعتماد ایران توانست طی یک ماه ریاست خود بر شورای امنیت، قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب برساند. وی نقش مهمی در گنجاندن اصلاحات مورد نظر ایران در متن قطعنامه داشت (تعیین مسئول جنگ، پرداخت خسارت).

جلسه استثنائی شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ مصادف با ۱۳۶۶/۴/۲۹:

- برای اولین بار در طول سالهای جنگ هفت وزیر خارجه (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین و امارات متحده عربی و معاون وزیر خارجه ژاپن) در این جلسه شرکت داشتند.

- جلسه در ساعت ۳:۱۲ بعد از ظهر به ریاست وزیر خارجه فرانسه و با عنوان وضعیت بین ایران و عراق تشکیل شد.

- نماینده ایران در این جلسه حضور نداشت، ولی نماینده عراق حضور داشت و به عنوان آخرین نفر صحبت کرد. پیش نویس به رأی گذاشته شد. قطعنامه در ۱۳۶۶/۰۴/۲۹ با ۱۵ رأی موافق، بدون مخالف و بدون ممتنع تصویب شد و به شماره ۵۹۸ در دبیرخانه شورای امنیت ثبت گردید (پایان جلسه ۶:۱۰).

مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت - شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷، با ابراز نگرانی عمیق از اینکه با وجود درخواستهایش برای آتش بس، **منازعه بین جمهوری اسلامی ایران و عراق**، با تلفات سنگین تر انسانی و ویرانیهای بیشتر همچنان ادامه دارد، با ابراز تاسف از **آغاز و ادامه** این منازعه، همچنین با ابراز تاسف از بمباران مراکز کاملاً مسکونی غیرنظامی، حمله به کشتی

های بی طرف و هواپیماهای مسافربری، نقض حقوق بین المللی درباره بشر دوستی و سایر حقوق مربوط به درگیریهای مسلحانه، و به ویژه به کار بردن سلاح های شیمیایی که بر خلاف تعهدات مذکور در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می باشد، با ابراز نگرانی عمیق از اینکه تشدید و گسترش بیشتر **منزاعه** ممکن است وقوع یابد با اتخاذ تصمیم پایان دادن به کلیه عملیات نظامی بین ایران و عراق و با اعتقاد به اینکه **منزاعه** بین ایران و عراق باید به نحو **جامع**، **عادلانه**، **شرافتمندانه** و **پایدار** حل شود، با یادآوری مجدد مقررات منشور ملل متحد، به ویژه تعهد کلیه کشورهای عضو که اختلافات بین المللی خود را از راههای مسالمت آمیز و به گونه ای که صلح و امنیت بین المللی و عدالت دچار مخاطره نگردد، حل نمایند. با **احراز این که نقض صلح در مورد **منزاعه** بین ایران و عراق وجود دارد، با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد:**

۱- **آمرانه** می خواهد که ایران و عراق به عنوان نخستین گام در حل اختلاف از طریق مذاکره، آتش بس فوری را رعایت کنند، کلیه عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا قطع کنند و نیروها را بدون درنگ به **مرزهای شناخته شده بین المللی** بازگردانند.

۲- از دبیر کل درخواست می کند که گروهی از ناظران سازمان ملل را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی اعزام دارد و همچنین درخواست می کند که دبیر کل ترتیبات لازم را با مشورت طرفین فراهم آورد و گزارش آنرا به شورای امنیت تسلیم دارد.

۳- مصرأ می خواهد که اسیران جنگی پس از قطع عملیات خصمانه، طبق کنوانسیون سوم ژنو اوت ۱۹۴۹، بدون درنگ آزاد شوند و به کشورهای خود برگردند.

۴- از ایران و عراق می خواهد در اجرای این قطعنامه و کوششهای میانجیگری برای دستیابی به یک راه حل **جامع**، **عادلانه** و **شرافتمندانه** مورد قبول دو طرف، درباره کلیه مسائل مهم، طبق اصول مندرج منشور ملل متحد با دبیر کل همکاری کنند.

۵- از **کلیه کشورهای دیگر** می خواهد که نهایت خویشتن داری را به عمل آورند و از **هر اقدامی** که ممکن است منجر به **تشدید و گسترش بیشتر **منزاعه**** گردد، خودداری کنند و به این ترتیب، اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.

۶- از دبیر کل درخواست می کند تا ضمن مشورت با ایران و عراق، مسئله ارجاع تحقیق درباره **مسئولیت **منزاعه**** به یک هیات بی طرف را بررسی کند و هرچه زودتر به شورای امنیت گزارش دهد.

۷- با تصدیق ابعاد عظیم خساراتی که در طول **منزاعه** داده شده و ضرورت تلاشهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه **منزاعه**، از دبیر کل درخواست می کند که گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسئله بازسازی تعیین و به شورای امنیت گزارش کند.

۸- همچنین از دبیر کل درخواست می کند از طریق مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه را بررسی کند.

۹- از دبیر کل درخواست می کند، که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه آگاه سازد.

۱۰- تصمیم می گیرد در صورت لزوم برای بررسی اقدامات دیگر به جهت تضمین اجرای این قطعنامه تشکیل جلسه دهد.

برداشت های حقوقی از قطعنامه ۵۹۸:

۱- **لحن قطعنامه آمرانه و قاطع بود (قبلاً جنبه توصیه داشت).**

۲- این بار اعضای شورا ضمن توافق قطعی با یکدیگر مصمم هستند به جنگ پایان دهند. این قطعنامه برخاسته از اعتقاد شورای امنیت و نگرانی عمیق آنان از تداوم جنگ بین ایران و عراق است (در بند یک از واژه Demand استفاده شده است).

(چرا این اعتقاد در سالهای اول تجاوز عراق به ایران بر نخواست؟ چرا زمانی که عراق بر اوضاع مسلط بود و شهرهای بی دفاع، کشتیها و ... ما را هدف قرار می داد این نگرانی عمیق به وجود نیامد. چرا زمانی که ما تصمیم گرفتیم متجاوز را تعقیب و تنبیه کنیم این نگرانی عمیق در شورای امنیت به وجود آمد).

۳- شورا ۷ سال پس از شروع جنگ، تشخیص داد که **نقض صلح** اتفاق افتاده و باید طبق مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد عمل کند (یعنی اگر طرفین جنگ مصوبات قطعنامه را رعایت نکنند، تحریمهای مذکور در ماده ۴۱ را به مورد اجرا خواهد گذاشت).

۴- باز هم شورا از کلمه **منازعه** استفاده کرد نه جنگ.

۵- از دو کشور می خواهد درباره حل کلیه اختلافهای خود و انعقاد موافقت نامه ای که جامع، عادلانه و شرافتمندانه باشد با دبیرکل همکاری کنند (فقط به برقراری آتش بس، عقب نشینی به مرزها و مبادله اسیران اکتفا نکرد). اگر قطعنامه پیام آور صلح عادلانه و شرافتمندانه بود چرا امام راحل پذیرش آنرا جام زهر دانستند؟

۶- در بند ۶ برای اولین بار نظر ایران لحاظ شد و از دبیرکل خواست در مورد **مسئولیت درگیری** تحقیق کند.

۷- شورا در مقدمه قطعنامه برخلاف قطعنامه های گذشته بین آغاز و ادامه درگیری تفکیک قایل نشده است.

۸- بند ۷ نیز در جهت تأمین نظر ایران برای دریافت خسارت است ولی بسیار مبهم است (چگونگی دریافت کمکهای بین المللی، برچه اساسی بین ایران و عراق تقسیم شود و ...).

۹- در بند ۸ به تأمین آزادی و امنیت خلیج فارس با مشارکت کشورهای منطقه اشاره شده است.

۱۰- این قطعنامه نتیجه همکاری ۵ عضو دائمی شورا و تصمیم واقعی آنها برای پایان دادن به جنگ است. (جنگ داشت شدت می یافت، ابعاد و پیامدهای آن قابل کنترل نبود و منافع قدرتها اقتضاء می کرد که جنگ متوقف شود).

۱۱- مفصل ترین و از نظر حجم و عبارات دقیق ترین قطعنامه ای است که تا آن زمان صادر شده بود.

۱۲- به اتفاق آرا صادر شده و هیچ مخالفی نداشت.

۱۳- بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ با بند ۶ آن در تناقض است. وقتی در بند ۶ متجاوز تعیین شد باید طبق بند ۷ خسارات ایران را جبران کند ولی طراحان قطعنامه ۵۹۸ چنین صراحتی را در آن لحاظ نکرده اند. در بخش دوم بند ۷ دریافت غرامت ذکر نشده بلکه کمکهای بین المللی آمده که از نظر حقوق بین الملل با روح غرامت منافات دارد. طبق گزارش دبیرکل به شورای امنیت (۲۲۸۶۳/ک مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱) خسارت مستقیم وارده به ایران را ۹۷ میلیارد دلار اعلام کرد. خسارت غیرمستقیم ۳۴۵ میلیارد، ایران معتقد است خسارات وارده ۱۰۰۰ میلیارد دلار است.

۱۴- بندهای ۸ و ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ تلویحاً به موارد زیر اشاره دارد ولی شفافیت لازم را ندارد:

- تعیین غرامت جنگی و چگونگی پرداخت آن.

- پیش بینی راهکارهای حقوقی و جزائی جهت مجازات آغازگر جنگ و حامیان و عاملان آن.

- راهکارهای افزایش امنیت و ثبات منطقه و چگونگی اجرای آن.

۱۵- حضور گسترده نظامی آمریکا و متحدانش در خلیج فارس و اقدامات آن برخلاف بند ۵ قطعنامه ۵۹۸ بود.

ماده ۴۱ منشور: شورای امنیت می تواند تصمیم بگیرد چه اقداماتی (**بجز کاربرد نیروهای مسلح**) باید انجام شود تا تصمیم های آنرا عملی نماید و می تواند از کشورهای عضو بخواهد آن اقدامات را انجام دهند (قطع تمام یا بخشی از روابط اقتصادی، ارتباطات دریائی، هوائی، راه آهن، پستی، تلگرافی، رادیوئی و قطع روابط سیاسی).

اهداف شورای امنیت از صدور قطعنامه ۵۹۸:

۱- اعاده حیثیت سازمان ملل متحد به عنوان نهاد حافظ صلح بین المللی (چون در طول ۸ سال جنگ با صدور قطعنامه های بی حاصل وجه آن خدشه دار شده بود و عملکرد مغرضانه و جانبدارانه آن بر همگان آشکار بود). لذا برای نمایش قدرت و صلاحیت خود در حل مناقشات بین المللی، حاضر شد تسلیم برخی خواسته های ایران شود (بندهای ۶، ۷ و ۸).

۲- جلوگیری از سقوط صدام- با توجه به عزم جدی ایران برای تعقیب متجاوز امکان سقوط صدام وجود داشت، لذا حامیان صدام تصمیم گرفتند با یک تحرک سیاسی جلوی ابتکار عمل رزمندگان ایران را بگیرند.

۳- تقویت روحیه حامیان رژیم عراق به منظور جلب کمکهای بیشتر آنها برای صدام.

۴- سلب حق دفاع مشروع از ایران براساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد.

ایران در ۶۶/۰۵/۲۲ موضع تفصیلی خود را در ۱۸ بند به شورای امنیت اعلام کرد (اعتراض به عدم نظر خواهی از ایران در تنظیم بندهای قطعنامه، خروج شورا از حالت بی طرفی و...). ایران قطعنامه را **نه رد کرد نه پذیرفت** بلکه خواهان جابجائی در برخی بندهای آن شد.

موضع گیری نه رد نه قبول ایران نزدیک به یکسال ادامه داشت و:

- باعث شد فضائی بوجود آید که ایران بر فشارهای بین المللی فائق آید.
- با درخواست به تقدم بخشیدن به بند ۶ قطعنامه، ایران دلیل خوبی برای پذیرفتن قطعنامه داشت.
- بدینی ایران به عملکرد شورای امنیت در طول جنگ عامل دیگر نپذیرفتن صریح قطعنامه توسط ایران بود.
- بدلیل برتری نظامی ایران در زمان صدور قطعنامه ایران قصد داشت امتیازات بیشتری بگیرد.

حوادث بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸:

آمریکا بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تلاش کرد ایران را به قبول آتش بس و پایان دادن به جنگ وادار نماید.

شرایط ایران در (۱۳۶۶/۰۴/۲۹) زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸: ایران بخشهایی از خاک عراق در جبهه های مرکزی، شمال، اطراف بصره، شبه جزیره فاو و جزایر مجنون (دارای هفت میلیارد بشکه ذخیره نفت بود) را در اختیار داشت و مایل نبود بدون کسب امتیاز این مناطق را تخلیه نموده و به مرزها برگردد. ضمناً اول باید عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را می پذیرفت تا معلوم شود مرز بین المللی کجاست.

شرایط عراق در زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸: در این زمان برتری نظامی (از نظر سخت افزاری) با عراق بود (تعداد تانک ۵ برابر، توپخانه سنگین ۹ برابر، هواپیمای جنگی ۶ برابر ایران و نیروی نظامی ۱۰۰۰۰۰۰ در مقابل ۶۴۴۸۰۰ نفر ایران).

در این مقطع از جنگ به دلایل زیر انجام عملیات در جنوب مشکل شد:

- به دلیل شدت حضور دشمن و حساسیت های فوق العاده در جنوب.

- برتری چشمگیر دشمن از نظر تسلیحات، تجهیزات و ...

- ایجاد خطوط دفاعی مستحکم عراق، ایجاد موانع بسیار و ...

لذا در حالی که عملیات کربلای ۸ آماده انجام بود، جبهه شمال غرب در سلیمانیه برای عملیات تابستانی فعال شد. قرارگاه رمضان در سال ۱۳۶۵ فعال شده بود و امکان بکارگیری کردهای معارض عراقی هم وجود داشت. در طول سال ۶۶ حدود ۵۲ عملیات صورت گرفت (۳ عملیات در جنوب، ۲ عملیات در جبهه میانی و ۴۷ عملیات در شمال غرب و شمال عراق).

در جنوب: عملیات کربلای ۸ در شلمچه انجام شد (۶۶/۰۱/۱۸) که با مقاومت شدید دشمن، پیشروی صورت نگرفت. عملیاتی برای نابودی سکوهای نفتی البکر و الامیه (۶۶/۱۰/۱۸) در شمال خلیج فارس با موفقیت انجام شد. عملیات ظفر ۵ در مورخه ۶۶/۱۰/۲۲ در عماریه انجام شد.

در شمال غرب: با انجام عملیات های متعدد، بخش بزرگی از شمال عراق (ماووت، شمال سلیمانیه، هزار قله، شمال اربیل، حلبچه، شمال موصل، چوارتا، خرمال، محور اربیل - کرکوک، سید صادق، دوکان، سد در بندیخان، دهوک و ..) به تصرف ایران درآمد.

از اواخر سال ۱۳۶۶ پیروزیهای پیاپی برای نظامیان ایران حاصل شد و عراق در یک موضع کاملاً انفعالی (در جبهه های زمینی کاری از پیش نمی برد و ایران هم از شمال تا دهها کیلومتر داخل خاک عراق نفوذ کرده بود و به کمک معارضین کرد شرایط را برای عراق مشکل کرده بود) مترصد فرصت برای تغییر شرایط بود، بنابراین:

- عراق جنگ نفتکش ها را در خلیج فارس دامن زد و جنگ را به دریا کشاند.
- سپاه طی عملیات مقابله به مثل، تعدادی از نفتکش های عربستان و کویت و کشتی های تجاری عازم این کشورها را هدف قرار داد (عراق در دریا اهدافی نداشت تا ما به آنها حمله کنیم لذا حامیان عراق را مورد هدف قرار دادیم).
- آمریکا و شوروی به بهانه اسکورت نفتکشهای کویتی وارد خلیج فارس شدند و جنگ جنبه بین المللی به خود گرفت.
- در این مقطع جبهه های زمینی کلاً راکد بود و جنگ به دریا منتقل شد.

- با برخورد کشتی کویتی بریجتون به مین (که تحت اسکورت ناوهای آمریکائی بود) اوج جنگ نفتکشها آغاز شد. درگیری ایران و آمریکا ابعاد دیگر جنگ را تحت الشعاع قرار داد. حوادث مهم این مقطع از جنگ عبارت است از:

- شلیک موشکهای کرم ابریشم (Silkworm) ایران به کشتی آمریکائی و بندر الاحمدی کویت.
- حمله متقابل آمریکا به سکوهای نفتی و قایق های تندرو ایران در خلیج فارس.

۳-۴- جنگ مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس (برخلاف بند ۵ قطعنامه ۵۹۸) - آمریکا اقدامات وسیعی برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ انجام داد و بعد از تصویب آن در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ طی سال ۱۹۸۷ تلاش کرد ایران را به قبول آتش بس و پایان دادن جنگ وادار نماید. چون فکر می کرد ایران مثل دفعات قبل قطعنامه های سازمان ملل را رد می کند، در صدد تهیه قطعنامه دیگری (شدیدالحن) برای تحریم ایران و منع کشورها برای فروش سلاح به ایران بود ولی این بار ایران قطعنامه را رد نکرد و با دبیرکل در خصوص نحوه اجرای آن به مذاکره پرداخت. آمریکا برای پایان دادن به جنگ (که خطر گسترش آن، تهدید منافع آمریکا و امکان نفوذ شوروی در خلیج فارس را در پی داشت)، تصمیم گرفت با اقدامات یکجانبه خصمانه علیه ایران نقشی در پایان دادن به جنگ داشته باشد. آمریکا در همین راستا اقدامات زیر را انجام داد:

۱- آمریکا در شب دوشنبه ساعت ۲۳:۳۵ مورخ ۱۳۶۶/۶/۳۰ (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷) رسماً با ایران وارد جنگ شد. هلیکوپترهای آمریکائی مجهز به موشک و مسلسل در ۸۰ کیلومتری شمال شرقی بحرین به کشتی کوچک تجاری (ایران اجر) حمله کردند و طی آن ۵ نفر کشته، ۲۵ نفر مجروح و اسیر شدند. این افراد پس از تحقیرهای فراوان از طریق دولت عمان به ایران تحویل شدند، ولی کشتی ایران اجر را در ساعت ۲:۲۱ روز ۶۶/۷/۴ غرق کردند (به اتهام مین ریزی). ایران ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷ (به جای شکایت به شورای امنیت) به دبیرکل سازمان ملل نامه نوشت. آمریکا هم در همین روز به رئیس شورای امنیت نامه نوشت و اطلاع داد که این کشتی در حال مین ریزی بوده است و آمریکا طبق حقوق بین الملل عمل کرده است (بدون ارائه هیچ مدرکی). این اقدام آمریکا چند ساعت قبل از حضور آقای خامنه ای در مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان رئیس

جمهوری ایران انجام شد (برای جو سازی علیه ایران). دولت آمریکا با اقدامات تجاوزکارانه خود نه تنها منشور ملل متحد، و حقوق بین الملل را نقض کرد، بلکه قطعنامه های شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق که متن آنها را عموماً خود تهیه کرده بود نقض نمود (بند ۵ قطعنامه ۵۹۸). اقدامات تجاوزکارانه آمریکا بیانگر آن است که، آمریکا با هر بهانه پوچ و بی اساسی به دنبال مستمسک بود و مصمم بود به ایران ضربه بزند و در این راه از هیچ اقدام غیر انسانی پروا نداشت.

به علت:

- عدم درک واقعیت‌های آن زمان توسط مقامات ایران (ضعف نظامی سال ۶۶، وضعیت مالی کشور، جنگ شهرها و ...)
- تصمیم قاطع آمریکا در پایان دادن هرچه زودتر به جنگ (ادامه جنگ دیگر به ضرر منافع نامشروع آنها بود).
- عدم شکایت ایران به شورای امنیت در خصوص اقدام تجاوزکارانه آمریکا در حمله به کشتی ایران اجر.
- عدم درک این واقعیت که گذشت زمان به زیان ایران است و ...

- و اینکه ایران باید کوشش مدبرانه ای بعمل می آورد و شرایطی در مجامع بین المللی و افکار عمومی دنیا و دولت ها ایجاد می کرد تا آمریکا به هیچ شکلی قادر به تکرار تجاوزات خود نباشد. همچنین باید درک می کردند که مصلحت آن است که قبل از وارد شدن آسیب های بیشتر به کشور، بگونه ای جدی نسبت به پایان دادن جنگ اقدام شود.

دولت آمریکا (که در زور گوئی، تحمیل مقاصد استکباری، نقض قوانین بین المللی و ... سابقه طولانی داشت) را بر آن داشت که همچنان به اعمال تجاوزکارانه خود علیه ایران ادامه دهد و ...

۲- در پنجشنبه مورخ ۱۳۶۶/۰۷/۰۶ (۱۷ روز بعد از حمله به کشتی ایران اجر) ساعت ۹:۵۰ هلیکوپترهای آمریکائی بدون

اخطار قبلی به سه کشتی ایران در اطراف جزیره فارسی حمله کردند (یک قایق را غرق و دوتای دیگر را تصرف کردند).

وزارت خارجه ایران همان راه بیهوده و بی اثر همیشگی را در پیش گرفت و به دبیرکل نامه نوشت.

- ایران بعد از تصرف فاو تعدادی موشک کرم ابریشم در آنجا مستقر کرد و با آنها خاک کویت را مورد هدف قرار داد (۱۳۶۶/۶/۱۳). کویت ضمن شکایت به شورای امنیت و ارائه قطعات موشکهای پرتاب شده، به ۵ نفر از کارکنان سفارت ایران اخطار داد ظرف یک هفته خاک کویت را ترک کنند. دولت عراق که از هر فرصتی برای ابراز همبستگی با اعراب استفاده می کرد، به تلافی اقدام ایران، در ۶۶/۶/۱۷ (۸ سپتامبر ۱۹۸۷) حدود ۱۲ هدف را در ایران بمباران کرد و آنرا روز انتقام اعلام کرد (کارخانه کاغذ سازی دزفول، ماشین سازی اراک، کارخانه قند و سیمان کرمانشاه، کارخانه سیمان درود، برق گیلانغرب و ...).

۳- در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷ (۶۶/۷/۲۴) یک موشک کرم ابریشم به سمت کویت پرتاب شد و به نفتکش کویتی با پرچم آمریکا (sea isle city) اصابت کرد. به تلافی این اقدام در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ چهار ناوشکن آمریکائی طی اقدامی تجاوزکارانه به جزیره رستم (که پایانه نفتی رشادت در آن بود) حمله کردند. فقط ۲۰ دقیقه به کارکنان آن مهلت دادند پایانه را تخلیه کنند، سپس به شدت آنرا با توپ گلوله باران کردند. چون بخشی از آن هنوز سالم بود با اعزام گروه انفجاری تأسیسات آنرا با خاک یکسان کردند. یک گروه کماندوئی هم به میدان نفتی رسالت (۹ کیلومتری شمال جزیره رستم) اعزام و تمامی تأسیسات آنرا نابود کردند.

این اعمال آمریکا (پیاده کردن نیرو در خاک ایران): طبق صراحت مصوبه ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل تجاوز محسوب می شود (باز هم نامه وزارت امور خارجه به دبیرکل نه شکایت به شورای امنیت).

- در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ (۶۷/۰۱/۲۵) ناو جنگی uss samual roberts که نفتکش کویتی را اسکورت می کرد، در خلیج فارس به مین برخورد کرد و بطور جدی آسیب دید.

۴- در ساعت ۹:۰۰ مورخ ۶۷/۱/۲۹ سه ناو جنگی آمریکا سکوی نفتی ساسان را بعد از تخلیه کارکنان آن، گلوله باران کرده سپس با مواد انفجاری قوی آنرا بکلی منهدم کردند. حدود ۱۶۰ کیلومتر دورتر از سکوی ساسان، سه ناو جنگی دیگر آمریکا سکوی نفتی نصر (در حوزه سیری) را به سختی گلوله باران کرده و آنرا به آتش کشیدند.

بعد از این اقدامات تجاوزکارانه آمریکا، جنگ بین ناوهای ایرانی و آمریکائی در گرفت:

ناو موشک انداز جوشن با ناوهای simpson و wainwright درگیر شد. یکی از ناوهای آمریکائی با پرتاب ابری از پاره های فلزی، سیستم هدایت موشک جوشن را گمراه کرده و ناو دیگر با ۴ موشک، جوشن را غرق می کند. هواپیماهای آمریکائی هم ناوهای خودشان را پوشش هوائی می دادند.

ناوهای سهند و سبلان به سمت منطقه درگیری حرکت می کنند، نیروهای آمریکائی که عازم پایانه نفتی رخس برای نابود کردن آن بودند منصرف شده و آرایش جنگی می گیرند، در ساعت ۱۶:۲۲ ناو سهند در دهانه تنگه هرمز به ناو آمریکائی حمله می کند، ناو straus و هواپیماهای آمریکائی با موشکهای Harpoon به سهند حمله می کنند که آتش گرفته و به سختی آسیب می بیند. در ساعت ۱۸:۱۸ ناو سبلان با موشک به ناو jack Williams حمله می کند، آمریکائیه با بمب هدایت شونده لیزری سبلان را از کار می اندازند. آقای Carlucci وزیر دفاع آمریکا اقدام ایران در حمله به ناوهای آمریکائی را تهور بی مورد نامید که از نظر نظامی بی معنا بود (کوچک بودن ناوگان دریائی ایران در مقابل ناوگان آمریکا). برخی محافل نظامی روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ را روز فاجعه مرگبار نیروی دریائی ایران می دانند.

در این نبرد نابرابر، ناخدا سوم شاهرخ فر (فرمانده سهند) از ناحیه پا دچار شکستگی شد. پرسنل وطن پرست و فداکار ناو، صبح روز حادثه بعد از آگاهی از مأموریت، داوطلبانه مرخصی های خود را لغو کردند. اولین موشک هارپون از فاصله ۱۲۰ کیلومتری شلیک شد و انبار مهمات کشتی آتش گرفت. پرسنل برای نجات خود وارد قایق های نجات شدند، هواپیماهای آمریکائی برخلاف قوانین بین المللی، قایق های نجات را نیز هدف گرفتند و باعث شهادت تعدادی از پرسنل شدند. ناوچه سهند در ساعت ۱۷:۴۵ کاملاً غرق شد.

عراق برای مقابله با پیشروی نیروهای ایران در شمال عراق تحرک چندانی نداشت بلکه با استفاده از عدم حضور نیروهای ایران در جنوب و همزمان با درگیری ناوهای ایران و آمریکا در ۶۷/۰۱/۲۹، عراق با کاربرد وسیع بمب های شیمیائی شبه جزیره فاو را باز پس گرفت و موازنه جنگ را به نفع خود بر هم زد و طی تحرکات بعدی مواضع از دست داده خود را پس گرفت. عراق با دلگرمی بیشتر از ورود مستقیم آمریکا به جنگ علیه ایران، حملات خود را با کاربرد وسیع بمب های شیمیائی در جبهه های زمینی آغاز کرده و نیروهای ایران را از اطراف بصره و جزایر معجون دور کرد.

برای باز پس گیری فاو توسط عراق (۱۳۶۷/۱/۲۹ ساعت ۶:۳۰):

✓ آمریکا از سمت جنوب به فاو حمله کرد.

✓ کویت جزیره بویان را در اختیار عراق قرار داد.

✓ بخشی از نیروهای عراقی هم از شمال به سمت فاو حمله کردند.

فاو در سال ۶۴ طی ۳ روز فتح شد، ۷۵ روزه تثبیت شد، ۲ سال و سه ماه در تصرف ایران بود و طی ۳۶ ساعت سقوط کرد.

علل سقوط مواضع ایران در پایان جنگ:

مقایسه نیروی انسانی و تجهیزات نظامی ایران و عراق در سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ میلادی (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ)								
عراق				ایران				سال
۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۷۸	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۷۸	
۱۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۲۴۳۰۰۰	۲۱۲۰۰۰	۶۰۴۰۰۰	۱۰۳۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۴۱۳۰۰۰	کل نیروهای نظامی
۱۰۰۰۰۰۰	۹۵۵۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۵۵۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	نیروهای زمینی
۵۵۰۰	۴۵۰۰	۲۷۵۰	۱۸۰۰-۲۴۵۰	۵۰۰-۶۰۰	۱۰۰۰	۱۷۳۵	۱۶۲۰-۱۷۷۵	تانک
۴۸۵۰	۴۷۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰-۱۶۰۰	۷۰۰-۸۰۰	۱۰۶۰	۱۰۷۵	۱۰۷۵-۱۳۰۰	نفربر زرهی
۲۸۰۰	۳۰۰۰	۱۲۴۰	۹۵۶-۱۱۶۰	۸۵۰-۹۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۷۸۲-۱۲۲۵	توپخانه
۵۰۰-۸۰۰	۵۰۰	۳۳۲	۴۵۰-۴۷۰	۶۰-۱۶۵	۶۰-۱۰۰	۴۴۵	۴۵۹-۴۷۰	هوابیماي جنگی
۴۲۲	۳۸۱	۲۷۴	۳۳۱	۳۰۰	۳۲۰	۶۸۴	۶۸۴	هلیکوپتر
۴۰۰۰	۳۲۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰	۱۰۶۰	۱۱۹۰	۸۲۵	۸۲۵	نفربر زرهی

۱- استقرار بخش عظیمی از نیروی عملیاتی سپاه در موقعیت پدافندی- از سال ۱۳۶۲ بنا به درخواست ارتش، به تدریج سپاه نیز در خطوط پدافندی مستقر شد، با این کار بخشی از توان عملیاتی و تهاجمی سپاه زمین گیر شد. بنابراین در سال ۶۷ بخش عظیمی از نیروی عملیاتی سپاه در پدافندی (فاو، شلمچه، مهران، جزایر مجنون، هورالعظیم و هویزه، حلبچه و شمال عراق) بود.

۲- عدم توسعه توان رزم ایران متناسب با گسترش دامنه جنگ، و به تبع آن رشد کند سازمان رزم سپاه که با ضرورت‌های جنگ هیچ تناسبی نداشت.

۳- توسعه توان رزمی عراق امکان پاسخگویی به تهاجمات ایران در یک یا چند منطقه را می داد. در ضمن عراق قادر به آفند در چند جبهه بصورت همزمان بود (عراق هنگام بازپس گیری فاو: حدود ۵۰۰۰ تانک، ۴۵۰۰ نفربر زرهی، ۵۵۰۰ عراده توپ، ۴۲۰ فروند هلیکوپتر و ۷۲۰ فروند هوابیماي جنگی در اختیار داشت. استعداد نیروی زمینی عراق هم از ۲۶ لشکر (در سال ۱۳۶۵) به ۴۷ لشکر در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته بود).

۴- استفاده وسیع عراق از سلاحهای شیمیایی بدون هیچگونه نگرانی با حمایت کشورهای دارای حق و تو در شورای امنیت.

۵- حمایت های (مستقیم و غیر مستقیم) گسترده مالی، اطلاعاتی، نظامی و سیاسی حدود ۴۴ کشور از عراق. اعضای دائم شورای امنیت بر حمایت از عراق در جنگ با ایران توافق کرده بودند.

۶- تحریمهای اقتصادی، نظامی، سیاسی و ... ایران و کاهش شدید منابع مالی و جنگ افزاری ایران.

اقدامات دشمن برای توسعه جنگ و وادار کردن ایران به منظور توقف اقدامات نظامی

۱- استفاده گسترده عراق از عوامل شیمیایی علیه رزمندگان ایران

کاربرد سلاحهای شیمیایی (گاز خردل، عوامل خون و اعصاب و ...) به دلیل داشتن قدرت تخریبی بالا و اثرات بسیار نامطلوب زیست محیطی آنها، جزء سلاحهای نامتعارف طبقه بندی شده و تولید و استفاده از آنها طبق کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو ممنوع اعلام شده است. با وجود این ممنوعیت، رژیم بعثی عراق (با حمایت استکبار جهانی و در سایه سکوت سازمانهای بین المللی) از آغاز تا انتهای جنگ، از سلاحهای شیمیایی استفاده کرد که در سه دوره زمانی قابل بررسی است:

- از آغاز جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) تا آزاد سازی خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱)- عمده اهداف دشمن از کاربرد سلاح شیمیایی در این مقطع: آزمایش سلاح و عوامل شیمیایی، ارزیابی عکس العمل جهانیان، وارد آوردن تلفات به نیروهای ایرانی بود.

• از عملیات رمضان در ۲۴ تیرماه ۱۳۶۱ تا پایان سال ۱۳۶۵- به عنوان سلاح تدافعی (حدود ۲۳۰ بار) برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایران در خاک عراق، گرفتن تلفات از نیروهای ایران و ایجاد رعب و وحشت در بین رزمندگان استفاده می کرد.

• از ابتدای سال ۱۳۶۶ تا پایان جنگ در مرداد ۱۳۶۷- عراق در این مقطع از سلاح شیمیایی به عنوان سلاح تهاجمی برای بازپس گیری مناطق اشغالی و بیرون راندن نیروهای ایرانی از خاک عراق استفاده کرد.

فاجعه آمیزترین حملات شیمیایی عراق، حمله هواپیماهای عراقی به شهر سردشت ایران (۱۳۶۶/۴/۷) و شهر حلبچه عراق (۱۳۶۶/۱۲/۲۵) بود.

در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بسیاری از کشورهای غربی (آلمان، آمریکا، انگلستان، فرانسه و ایتالیا) که خود از طراحان کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو بودند، در ارسال سلاحهای شیمیایی به عراق نقش کلیدی داشتند.

۲- حملات وسیع هوایی و موشکی عراق به شهرها و منابع حیاتی ایران

بمباران شهرهای ایران از روزهای آغاز تجاوز تا پایان جنگ ادامه داشت (در این مدت ۲۷۶۹ بار حدود ۱۲۷ شهر و جزایر جنوبی ایران در خلیج فارس بمباران شد). بیشترین حملات به شهرها در سال ۱۳۶۵ (حدود ۵۲ درصد) و کمترین آن در سال ۱۳۶۳ (حدود ۲۰ درصد) بود. در اسفند سال ۱۳۶۶ برای اولین بار موشکهای عراقی به تهران اصابت کرد. شهر مذهبی قم ۶۷ بار مورد حملات هوایی صدام قرار گرفت. از شهریور ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۶۱ حدود ۳۱ درصد حملات (بطور متوسط ماهانه ۵۰ حمله)، از سال ۱۳۶۲ تا پایان ۱۳۶۳ حدود ۱۰.۷ درصد حملات (بطور متوسط ماهانه ۲۱ حمله)، از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ حدود ۵۸.۸ درصد حملات (بطور متوسط ماهانه ۶۴ حمله). در این حملات بیش از ۱۶۰۰۰ نفر از شهروندان شهید و ۵۹۰۹۹ نفر مجروح شدند.

جنگ شهرها، ضمن نشان دادن آسیب پذیری ایران در دفاع از شهرها و مناطق مسکونی، ضرورت برخورداری از سامانه های پیشرفته راداری، ضد هوایی و موشکی و افزایش توان بازدارندگی را برای رهبران سیاسی- نظامی کشور مسجل ساخت. در اوج بمباران شهرها، یک فروند میگ-۲۵ عراقی با موشک پدافند هوایی (HQ2) سپاه (که از چین خریداری شده و نیروهای سپاه در آن کشور آموزش دیده بودند) با همکاری ارتش سرنگون و خلبان آن اسیر شد (۱۳۶۴/۱۲/۲۶ در اصفهان). این اقدام نقطه عطفی در تاریخ پدافند هوایی نیروهای مسلح محسوب می شود.

اهداف عمده عراق از بمباران و موشک باران شهرهای ایران:

۱- ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم، وارد آوردن فشار روانی مستقیم بر آنان برای متزلزل کردن اراده آنها در ادامه نبرد، مقاومت و پشتیبانی از جبهه ها.

۲- خارج شدن از بن بست و جبران ناکامی های خود در جبهه های زمینی.

۳- فشار به مسئولان ایران برای وادار کردن ایشان به پذیرش آتش بس مورد نظر عراق.

۴- کاهش توان اقتصادی کشور با بمباران اماکن اقتصادی (پالایشگاهها، کارخانجات و ...).

۳- راه اندازی جنگ نفت کشها و ایجاد ناامنی در خلیج فارس توسط عراق

عراق در پاییز سال ۱۳۶۲ با اجاره ۵ فروند هواپیماهای سوپراتاندارد (برد ۳۴۰۰ کیلومتر) از فرانسه، ترمینال نفتی خارک را با موشکهای اگزوست هدف قرار داد و جنگ نفتکشها آغاز شد. عراق در سالهای بعد (با کمک فرانسوی ها) با دستیابی به فناوری سوخت رسانی هوایی به هواپیماهای میزاج (برد ۳۳۰۰ کیلومتر)، توانست در ۱۳۶۵/۵/۲۱ برای نخستین بار به تأسیسات

نفتی جزیره سیری حمله کرد و با تأثیرگذاری بر روند صادرات نفت، میزان صادرات نفت ایران از ۱.۶ میلیون بشکه به ۶۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. نیروی دریایی سپاه که به صورت رسمی از ۱۳۶۴/۶/۲۶ با حضور جوانان مؤمن و با انگیزه تشکیل شده بود، با بکارگیری قایق های تندرو، موشکهای ساحل به دریا و مین ریزی در خلیج فارس، بطور جدی از اوایل سال ۱۳۶۵ به مقابله به مثل با شرارتهای عراق در دریا پرداخت. در سال ۱۳۶۶ ایران ۸۰ حمله علیه نفتکشهای کویت و عربستان انجام داد و عراق ۸۳ مورد حمله علیه نفتکشهای ایران انجام داد. در خلال جنگ نفتکشها، در ۱۳۶۶/۲/۲۷ هواپیماهای عراقی ناو آمریکایی USS Stark را اشتباهی هدف قرار دادند که باعث مرگ ۳۷ نفر از خدمه آن شد. در طول جنگ تحمیلی، حدود ۱۰۰۰۰ کشتی تجاری و نفتکش توسط نیروی دریایی و نیروی هوایی ایران اسکورت شدند. حدود ۲۵۹ کشتی مورد اصابت دشمن قرار گرفتند (حدود ۲ درصد). از این تعداد هم فقط ۲۰ کشتی آسیب جدی دیدند و بقیه به مقصد رسیده و بار خود را تخلیه کردند.

فاجعه سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا - در شرایطی که حملات عراق تداوم داشت و پیروزیهای پی در پی در بازپس گیری مناطق اشغالی بدست می آورد (بمباران شیمیائی حلبچه توسط عراق، تخلیه حاج عمران و حلبچه توسط نیروهای ایران)، آمریکا هم هواپیمای مسافربری ایران را در خلیج فارس هدف قرار داد. ناو uss vincennes در ۶۷/۰۳/۰۱ وارد خلیج فارس شد: این ناو ۹۶۰۰ تن وزن داشت و مجهز به پیشرفته ترین سیستم راداری جهان (Aegis) بود. شعاع این رادار بیشتر از آواکس بود و تمام طول خلیج فارس را پوشش می داد و در آن واحد صدها هدف کوچک و بزرگ را می توانست شناسائی کند. این ناو بحدی پیشرفته بود که همزمان می توانست به نبرد هوائی، نبرد با زیردریائی و ناوهای جنگی پردازد. در ۱۳۶۷/۰۴/۱۲ (۳ ژوئیه ۱۹۸۸) پرواز شماره ۶۵۵ هما ساعت ۱۰:۴۷ دقیقه از بندر عباس به سمت دبی حرکت کرد. در ساعت ۱۰:۴۲ ناوهای آمریکائی به ۳ قایق تندرو ایران در نزدیکی تنگه هرمز در خلیج فارس حمله کرده بودند. در ساعت ۱۰:۵۵ ناو وینسنس با پرتاب ۲ موشک هواپیمای ایرباس ایران را (بر فراز تنگه هرمز) سرنگون کرد. آمریکا اول گفت یک F-14 ایران را هدف گرفته ولی بعداً ناگزیر به اعتراف شد. علت تغییر نظر آمریکایی ها و پذیرفتن واقعیت آن بود که بیم داشتند انکار موضوع (مانند انکار شوروی در سرنگونی هواپیمای مسافربری کره جنوبی در اول سپتامبر ۱۹۸۳) باعث خشم افکار عمومی جهان علیه آمریکا شود. ریگان برای تحقیر ملت ایران و تشویق افسران به اجرای سیاست های جنگی آمریکا، اقدام William ragers (فرمانده ناو) را ستود و به او مدال لیاقت داد. ریگان در همان روز یک یادداشت سیاسی در ۵ پاراگراف به ایران فرستاد و ضمن تأسف عمیق تلویحاً معذرت خواست.

در این فاجعه کلیه مسافران و خدمه (۲۹۰ نفر) بطور غم انگیزی جان دادند (۴۰ نفر اینها هندی، پاکستانی، ایتالیایی، افغانی، یوگسلاو، کویتی و تبعه امارات متحده عربی بودند). ولایتی وزیر امور خارجه همان روز (۱۳۶۷/۰۴/۱۲) به دبیر کل سازمان ملل نامه نوشت. در تاریخ ۶۷/۰۳/۱۸ دولت امارات به آمریکا برای مداخله ناو وینسنس در عبور و مرور هوائی شکایت کرد.

این همه اقدامات خصمانه آمریکا علیه کشورمان در حالی صورت گرفت که شورای امنیت در:

- بند ۳ قطعنامه ۴۷۹ مصوب سپتامبر ۱۹۸۰
- بند ۵ قطعنامه ۵۱۴ مصوب ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ بعد از فتح خرمشهر با درخواست اردن و آمریکا
- بند ۶ قطعنامه ۵۲۲ مصوب ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲
- بند ۶ قطعنامه ۵۴۰ مصوب ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳
- بند ۷ قطعنامه ۵۸۲ مصوب ۲۴ فوریه ۱۹۸۶
- بند ۵ قطعنامه ۵۹۸ مصوب ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷

از عموم دولت‌ها خواسته بود حداکثر خویشتن‌داری را بعمل آورند و از هر اقدامی که موجب شدت یافتن و گسترش بیشتر مخاصمه شود، خودداری نمایند.

اقدام عجیب، مهم و بی سابقه وزارت امور خارجه ایران - در ۵ ژوئیه ۱۹۸۸ (۶۷/۰۴/۱۴) وزارت خارجه ایران طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت از او خواست برای رسیدگی به جنایت آمریکا فوراً جلسه شورای امنیت را تشکیل دهد (Security Concil Document.s/19981.5 July 1988). این اقدام مهم است چون: هیچ کشوری نمی‌تواند خود را از شورای امنیت دور نگه دارد. ایران و هر کشوری که عضو خانواده جهانی است باید پیوستگی خود را با این شورا حفظ کند و قواعد و نظامهای آنرا که بیشتر به سود کشورهای ضعیف است رعایت نماید. اگر کشوری مانند ایران با تبعیض، بی‌عدالتی و جانبداری مغرضانه شورای امنیت که ناشی از ملاحظات سیاسی - اقتصادی قدرتهای بزرگ است مواجه شود، صحیح آن است که:

✓ همبستگی و علاقه خود را به سازمان ملل (که تکیه‌گاه اساسی ملت‌ها برای مصون ماندن از تجاوزات قدرتهای زورگو و بازگرداندن صلح و امنیت به مناطق آشوب زده است) قویتر ابراز دارد.

✓ در درون سازمان به مبارزه اصولی و پیگیر با زورگویان پردازد.

✓ کوشش نماید جبهه‌ای از ملت‌ها و دولت‌های صلح‌طلب و معتقد به منشور ملل متحد تشکیل دهد.

تقاضای ایران از شورای امنیت (با توجه به شرایط تیرماه ۱۳۶۷) نشان از وجود تغییر آشکار در سیاست مقامات کشورمان نسبت به جنگ داشت و بیانگر آن بود که ایران تمایل به حل مسئله جنگ از طریق سیاسی هم دارد نه فقط از طریق نظامی.

اولین جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به شکایت ایران:

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۸، اولین جلسه شورای امنیت برای بررسی شکایت ایران به ریاست (Paulo nogueria-batista) نماینده برزیل تشکیل شد. دکتر ولایتی برای اولین بار (از سال ۱۳۵۹) در جلسه شورا شرکت نموده و ۹۰ دقیقه صحبت کرد. اطلاعات دقیق از وقوع فاجعه و متن مکالمات خلبان را در اختیار اعضاء قرار داد. جورج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا در این جلسه شرکت داشت. او کمتر به فاجعه هواپیما اشاره کرد و بیشتر دنبال قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران بود و برای جلب رضایت ایران و بدون نام بردن از عراق، کاربرد سلاح شیمیایی را محکوم کرد و حرفی از قطعنامه تحریم فروش سلاح به ایران نزد

شورای امنیت ۳ جلسه دیگر (طی روزهای ۱۵، ۱۸ و ۲۰ ژوئیه) در این خصوص تشکیل داد. ولایتی ۲۷ تیر از نیویورک به تهران برگشت و محمد جعفر محلاتی (نماینده ایران در سازمان ملل) در تمام جلسات شورا شرکت کرد. در ۴ جلسه شورا (برای رسیدگی به سقوط هواپیمای مسافری) نمایندگان ایران، هند، لیبی، پاکستان، سوریه، کوبا، گابن، امارات، نیکاراگوئه و رومانی شرکت کردند. نماینده عراق در هیچکدام از این جلسات شرکت نکرد.

این درخواست اولین بار بعد از ۸ سال توسط ایران صورت گرفت و توجه همگان را جلب کرد. ایران در موارد زیر هم باید در اسرع وقت به شورای امنیت شکایت می‌کرد ولی وزارت امور خارجه ایران تعلل کرد^{۲۰}:

^{۲۰} - حدود ۷۳۶ مورد تجاوزات عراق از ۱۳۵۸/۱/۱۹ تا آغاز رسمی تهاجم سراسری در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

- تجاوز سراسری عراق در ۵۹/۰۶/۳۱ به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران

- حمله به شهرها، حمله به کشتیها، کاربرد سلاح‌های شیمیایی و ...

- عراق در ۶۳/۱۲/۲۶ طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد به علت عملیات جنگی، عراق خود را مسئول امنیت پروازهای بین‌المللی در محدوده قلمرو هوایی ایران نمی‌داند. این اقدام نقض آشکار کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ در مورد حفظ امنیت خطوط هوایی بین‌المللی بود ولی ایران از شورای امنیت درخواست تشکیل جلسه نکرد.

۳-۳-۵- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران - (اتفاق مهم در فاصله جلسات شورای امنیت برای رسیدگی به شکایت ایران در خصوص حمله آمریکا به هواپیمای مسافری ایران) ایران در نیمه شب ۶۷/۴/۲۶ موافقت رسمی خود را با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و برقراری آتش بس اعلام کرد. این امر و مذاکراتی که در داخل و خارج شورا با نمایندگان ایران و آمریکا بعمل آمد، زمینه تهیه پیش نویس قطعنامه ای که از طرف آمریکا و تو نگردد، فراهم نمود. متن قطعنامه ۶۱۶ (در خصوص هواپیمای مسافری) در جلسه ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ به رأی گذاشته شد و به اتفاق آراء از جمله نماینده آمریکا به تصویب رسید (قطعنامه ۵۹۸ هم در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ تصویب شده بود). ولایتی قبل از مراجعه به تهران، در جلسه ۶۷/۰۴/۲۴ به شورای امنیت گفته بود که ایران با طرح زمانبندی اجرای قطعنامه ۵۹۸ موافق است.

ظاهراً جو جلسه تحت تأثیر قبول قطعنامه ۵۹۸ قرار گرفت و:

- هرگونه تصمیم گیری در خصوص سرنگونی هواپیمای مسافری موکول به تحقیق سازمان هواپیمائی بین المللی شد.
- شورا محل هدف قرار گرفتن هواپیما را منطقه جنگی ندانست.
- شورا با وجود وزیر خارجه ایران نام خلیج فارس را کامل ذکر نکرد.
- علی رغم اعلام ریگان به پرداخت غرامت به خانواده قربانیان، هیچ اشاره ای به آن نشد.

۳-۵-۱- دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، روند اجرائی آن و پایان جنگ:

۱- سلب حق دفاع مشروع از ایران طبق بند ۶ قطعنامه ۵۹۸

ماده ۵۱ منشور ملل متحد اشعار می دارد: کشوری که مورد تجاوز واقع شده، تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرائی جهت دفع تجاوز اتخاذ نکند، حق دارد از خود دفاع کند اما به محض اتخاذ تدابیر لازم توسط شورا، باید کشور مورد تجاوز از ادامه حملات خودداری کند تا شورای امنیت بتواند با طیب خاطر و اطمینان بیشتر، در زمینه شناسائی و تنبیه متجاوز به فعالیت خود ادامه دهد. بنابراین از ۱۳۵۹/۰۶/۳۱ لغایت ۱۳۶۶/۰۴/۲۹ (تصویب قطعنامه ۵۹۸) ایران حق داشت از خود دفاع کند و از نظر حقوقی این دفاع حتی داخل خاک عراق مصداق داشت، لذا محافل سیاسی و شورای امنیت هم به این واقعیت اذعان داشته و پافشاری ایران در دفاع از خود و عدم قبول قطعنامه هائی که در آنها احراز تجاوز نمی شد، منطقی و عادلانه می دانستند اما قید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ این حق مشروع را از ایران سلب کرد.

دقیقاً بعد از این مرحله حجم تبلیغات دشمن و حامیان او حول این محور که ایران ناقض حقوق بین المللی است متمرکز شد. سران رژیم عراق آگاهانه اظهار می کردند که مسئول ادامه جنگ و طولانی شدن آن ایران است. در متن قطعنامه هم، شروع جنگ و تداوم جنگ یکسان تلقی شده بود (در حالی که دفاع مشروع هیچگاه ادامه جنگ نامیده نمی شود). درگیری مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس هم در همین راستا بود.

۲- اثرات منفی بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ در تغییر روند تحولات در جبهه های نبرد:

بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تأثیرات منفی مستقیم آن (بخصوص بند ۶) در جبهه های نبرد آشکار شد که یکی از آثار آن عقب نشینی نیروهای ایران از مناطق اشغالی داخل خاک عراق بود. فرماندهان نظامی جنگ با اطلاع کامل از ماده ۵۱ منشور ملل

- حمله عراق به هواپیمای بن یحیی وزیر خارجه الجزایر و سرنگون کردن آن.

- حمله به هواپیمای مسافری تهران- اهواز در ۶۴/۱۲/۰۱.

- حمله به هواپیمای مسافری شیراز- بندرعباس در فرودگاه شیراز در ۶۵/۰۷/۲۳

متحد، بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ ادامه راهکار نظامی را بی نتیجه دانستند (چون بعد از ۱۳۶۶/۴/۲۹ کار ما دفاع محسوب نمی شد)، بنابراین تغییر منفی اوضاع جبهه، فرصت برنامه ریزی عملیات و کلاً راه حل نظامی را منتفی می کرد (اقتناع در جنگ صورت نمی گرفت).

۳- تغییر دفاع از جبهه نظامی به جبهه سیاسی توسط ایران (اصل مقابله به مثل) - تا زمانی که دشمن در جبهه نظامی حمله می کرد ما هم با ابزار نظامی دفاع کردیم و زمانی که (بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸) دشمن جنگ را به جبهه سیاسی کشاند، ما هم باید بصورت سیاسی دفاع می کردیم.

۴- تحریم تسلیحاتی ایران - گرچه ایران در طول جنگ برای تهیه سلاح و ادوات جنگی با مشکل مواجه بود اما بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸، تحریم، مفهوم دیگری داشت:

۴-۱- تحریم متوجه کشوری می شد که قطعنامه را نپذیرد. همچنین در پی این تحریم دلالتان هم حاضر نبودند تا چندین برابر قیمت در بازار سیاه، اسلحه به ایران بفروشند. ایران هم پول کافی برای خرید نداشت (به دلیل کاهش قیمت نفت).

۴-۲- جزء دیگر تحریم، تجهیز طرف مقابل به هر نوع سلاحی، حتی سلاحهای ممنوعه بود.

۵- تغییر استراتژی حمایت مستقیم از صدام، تحت پوشش حفظ صلح و امنیت بین المللی در خلیج فارس - یعنی اگر صدام به هر کاری برخلاف موازین بین المللی دست بزند چون در شرایط جنگی است مورد سؤال قرار نمی گیرد. بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ (۱۳۶۶/۴/۲۹) حمله عراق به کشتی استارک آمریکا، باعث کشته شدن ۲۹ ملوان آمریکایی شد ولی آمریکا به عراق اعتراض نمی کند و می گوید چون منطقه جنگی است این اتفاقات طبیعی است.

۶- معرفی صدام به عنوان صلح طلب و ایران به جنگ افروزی در دنیا - جنگ روانی و تبلیغات هدفمند محافل استکباری، در کنار حضور بی سابقه ناوگان آمریکا و متحدان غربی آن و شوروی در خلیج فارس، شرایط پیچیده ای را ایجاد کرده بود که ایران مظلوم و قربانی تجاوز، جنگ طلب معرفی شود. علی رغم جنایات فراوان عراق در جنگ، چون این کشور تمام قطعنامه های شورای امنیت را پذیرفته بود، چهره ای صلح طلب و ایران که هیچکدام را نپذیرفته بود جنگ طلب معرفی می شد.

۷- کاربرد وسیع سلاحهای شیمیایی و میکروبی توسط عراق - ادعاهای صلح طلبی صدام در محافل بین المللی پوششی شد تا عراق بتواند براحتی مخرب ترین سلاحهای میکروبی و شیمیایی را علیه رزمندگان، مردم ایران و کردهای عراق بکار برد. به همین علت عراق بدون نگرانی از تهدیدات بین المللی، حجم حملات شیمیایی و میکروبی را چند برابر کرد.

۸- نگرانی آمریکا از امکان گسترش جنگ در منطقه حساس خلیج فارس و امکان نفوذ شوروی در آن منطقه در سال ۱۳۶۶ خلیج فارس منطقه منافع حیاتی آمریکا بود و تصمیم داشت با دخالت مستقیم در جنگ هرچه سریعتر آنرا به پایان ببرد. ریگان طی بیانیه ای (۳ بهمن ۱۳۶۶) اعلام کرد آمریکا مصمم است جنگ را هرچه زودتر از طریق مذاکره به پایان برساند بدون آنکه این جنگ طرف پیروز یا شکست خورده داشته باشد (W.post 20 july 1988).

۹- کاهش شدید قدرت نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ - با آنکه ایران همواره از وار دآوردن ضربه نهائی به عراق یاد می کرد ولی عملاً قادر به انجام هیچ حمله مؤثری نبود. عراق متوجه این ضعف شده بود و مقامات ارتش عراق اظهار داشتند: برای اولین بار در تاریخ جنگ تحمیلی، ما می خواهیم ایرانیان حمله کنند، یقیناً قادر به شکستن خطوط دفاعی مستحکم عراق نخواهند بود و با یک شکست، ضعف ایرانیان آشکار خواهد شد^{۳۱}. این مقامات عقیده داشتند که با شکست ایران، کوششهای دیپلماتیک برای منزوری ساختن دوباره ایران را آغاز خواهند کرد. دیپلماتهای منطقه اظهار داشتند که عراق، از اینکه ایران

^{۳۱} Washington post 2 march 1988

حمله نمی کند ناراحت است (Ibid). مقامات شوروی هم نظرات مشابهی داشته اند.^{۳۲} فرماندهان سپاه برای حمله به بصره ۴۰۰ الی ۵۰۰ گردان نیرو درخواست کرده بودند تا از چهار محور فاو، جزیره مینو، شلمچه و هورالهویزه و از هر محور با ۱۰۰ گردان به بصره حمله کنند و ۱۰۰ گردان احتیاط هم پشتیبان محور اصلی (جزیره مینو، شلمچه) باشند. ولی با استعداد فعلی که حداکثر ۱۵۰ گردان بود، چنین حمله ای ممکن نبود.

از طرف دیگر دولت ایران در مقابل تجاوزات و اقدامات خصمانه آمریکا (از ۱۳۶۶/۰۶/۳۰) و حمله به تمامیت ارضی کشور در خلیج فارس، به جای شکایت به شورای امنیت و جلوگیری از ادامه تجاوزات آمریکا، و با وجود ضعف نظامی در برابر عراق، آمریکا را تهدید به تلافی نظامی می کرد و در هر حالی فقط به حل مسئله از طریق نظامی فکر می کرد و از توجه به فعالیت سیاسی یا حداقل ایجاد هماهنگی بین فعالیت های سیاسی و نظامی بازمانده بود. در زمان جنگ مستقیم آمریکا با ایران در خلیج فارس، کشورمان مدت هفت سال، فشارها و زیانهای جنگ را تحمل کرده بود و قادر به فعالیت مؤثر نظامی نبود و شایسته بود سیاست تهدید را (که قابلیت اجرایی هم نداشت) کنار گذاشته و با درایت، تدبیر و سیاست درست عمل نماید.

۱۰- **نگرانی آمریکا از پیامدهای پیروزی عراق در این مقطع از جنگ**- در جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا بخاطر سرنگونی هواپیمای مسافربری در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۸، دکتر ولایتی ماجرا را شرح می دهد. جرج بوش (معاون رئیس جمهور آمریکا) موضوع بحث را عوض کرده و بیانات خود را متوجه لزوم پایان دادن به جنگ کرد و امیدوار بود این جلسه منجر به پایان جنگ شود. بوش سیاست آشتی جویانه ای در پیش گرفت (دیپلماتهای سازمان ملل لحن هر دو طرف را بعد از سالها بیانات تند علیه یکدیگر، آشتی جویانه دیدند). در خصوص لحن ملایم نماینده آمریکا موارد زیر قابل ذکر است: پیروزیهای پی در پی نظامی عراق در فاو، شرق بصره، شلمچه، جزایر مجنون و تخلیه داوطلبانه زبیدات و حلبچه توسط ایران، که آمریکا را نگران پیامدهای پیروزی عراق کرده بود (آمریکا می کوشید که هیچیک از طرفین جنگ پیروز یا بازنده نباشند).

۱۱- **افزایش تهدیدات بین المللی علیه ایران**- با ورود آمریکا و متحدانش، کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس^{۳۳} و شوروی به خلیج فارس و درگیری مستقیم آنها با ایران، جنگ حالت بین المللی بخود گرفت. در این مقطع تهدیدات بین المللی بخوبی از طرف مسئولان بلند پایه ایران احساس شد^{۳۴}، ترتیبات بین المللی در خلیج فارس بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ و عدم پذیرش آن از سوی ایران، با توسل به اصول ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد، اقدامی بین المللی بود. گرچه تهدیدات در طول ۸ سال دفاع مقدس هم وجود داشت ولی بند ۱۰ قطعنامه به آن وجه قانونی داده بود.

بنابراین در چنین شرایطی (افزایش غیرقابل تحمل فشارهای بین المللی، توافق بی سابقه اعضای شورای امنیت برای خاتمه جنگ، حضور گسترده آمریکا و شوروی در خلیج فارس و تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم علیه ایران، وضعیت بحرانی بازار

^{۳۲} - اظهارات Gary sick کارشناس آمریکائی هنگام دیدار با مقامات روس در ژانویه ۱۹۸۷.

^{۳۳} - شورای همکاری خلیج فارس اوایل خرداد ۱۳۶۰ تشکیل شد و اعضای آن عربستان، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات بودند. هدف اصلی این شورا حمایت از عراق در جنگ علیه ایران بود.

^{۳۴} - **آقای خامنه ای رئیس جمهور:** (هنگام اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸): آتش جنگی که عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ برافروخت، اینک ابعاد غیرقابل تصویری بخود گرفته که کشورهای دیگر و حتی غیرنظامیان بی گناه را نیز در شعله های خود گرفتار کرده است (روزنامه اطلاعات ۶۷/۰۴/۲۸).
آقای رفسنجانی (رئیس مجلس و جانشین فرماندهی کل قوا): حمله به هواپیمای مسافربری به هیچ وجه یک اشتباه نبوده بلکه از نظر ما یک اخطار تلقی می شود (کاش حمله به کشتی ایران اجر را اخطار تلقی می کردند). به صدام اجازه داده اند که هر جنایتی را مرتکب شود. مجموعه این شرایط و ادله دیگری که فعلاً ذکر نمی شود، ما را به این نتیجه رساند که مصلحت انقلاب و ملت های ایران و عراق و منطقه این است که قطعنامه مذکور پذیرفته شود (ایران تا بحال اصرار داشت اول متجاوز تعیین شود ولی فعلاً با توجه به شرایط جدید از این شرط خود صرف نظر می کند). متأسفانه تبلیغات جهانی ما را جنگ طلب معرفی می کند و صدام متجاوز را (که قطعنامه را پذیرفته و قضاوت بین المللی را قبول دارد) بصورت عوام فریبانه صلح طلب معرفی می کند. با قبول قطعنامه ۵۹۸ انعطاف پذیری خود را نشان دادیم (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۷/۰۴/۲۸).

نفت و اوضاع اقتصادی، تغییر موقعیت نظامی در جبهه های زمینی به ضرر ایران، کاهش توان نظامی و دفاعی ایران و ... و در تابستان ۱۳۶۷ ایران گزینه ای بهتر از قبول قطعنامه ۵۹۸ نداشت و باعث شد به لحاظ رعایت مصالح نظام و مردم، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد. خوشبختانه مسئولان کشور در این مقطع تدبیر خوبی بکار بردند، و با مانورهای ظریف و هنرمندانه (اتخاذ سیاست نه قبول نه رد قطعنامه ۵۹۸)، توانستند خواست ملت ایران را تا حدودی در طرح اجرائی دبیرکل بگنجانند (نگاه یکسان به بندهای قطعنامه، ایجاد رابطه بین بندهای ۱ و ۶). بنابراین ایران طرح اجرائی دبیرکل را با صراحت پذیرفت، سپس با تقویت دیپلماسی در جبهه سیاسی توانست حقانیت خود را به اثبات برساند و رژیم عراق را به عنوان آغازگر جنگ معرفی نماید. دبیرکل در طرح اجرائی خود (۱۵ اکتبر ۱۹۸۷) تأکید داشت قطعنامه باید کلاً و مجموعاً پذیرفته شود و هیچکدام از بندهای آن بر دیگری تقدم یا ارجحیت ندارد. عراق تأکید داشت بندهای قطعنامه باید بترتیب اجرا شده و آتش بس و عقب نشینی نیروها به مرزها قبل از بقیه بندها عملی شود (به این ترتیب قصد اخلاص و کارشکنی در طرح اجرائی دبیرکل داشت).

۳-۵-۲- پیامدهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام:

امام با پذیرش قطعنامه (بر اساس اختیاراتی که طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رهبری داده شده است):

۱- استراتژی دفاعی را از جبهه نظامی به جبهه سیاسی تغییر داد. اعلام پذیرش قطعنامه برای افکار عمومی (خصوصاً احساسات پاک و پرشور رزمندگان)، نیاز به زمینه سازی و فاصله زمانی مناسب داشت (بعد از تصویب تا قبول قطعنامه). از طرف دیگر بدلیل شرایط منطقه ای و بین المللی ایجاد شده، طولانی شدن زمان، هر روز به ضرر ما بود.

۲- امام: قبول قطعنامه از طرف ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست بلکه با این تصمیم حربه های تبلیغاتی جهانخواران علیه ما کند شده است.^{۳۵}

۳- امام با تغییر شیوه دفاع، دشمنان را خلع سلاح کرد و ثمره تلاش چند ساله ملت ایران را حفظ کردند.

۴- برای مخالفان ایران و حامیان عراق و افکار عمومی دنیا ثابت کرد که شعارهای صلح طلبی صدام طی سالهای قبل، دروغی بیش نبوده بلکه در زمان ضعف نظامی شعار صلح می داد و صلح طلب واقعی ایران است.

۵- پذیرش قطعنامه توسط ایران، عراق را در بن بستهای سیاسی و نظامی قرار داد. علاوه بر عراق، آمریکا و سایر حامیان صدام را هم در محاصره و انفعال قرار داد. صدام در یک جلسه خصوصی: ما فکر می کردیم خمینی یک مرد مذهبی است و هرگز فکر نمی کردیم که او یک سیاستمدار و استراتژیست باشد. او با پذیرش قطعنامه کمر ما را شکست.

۶- روند اجرای قطعنامه ۵۹۸ را به نفع ایران تغییر داد (آمریکا نمی توانست در اجرای قطعنامه کارشکنی نماید چون خود آنرا تهیه کرده بود و ایران را بدلیل نپذیرفتن آن جنگ طلب معرفی می کرد).

۳-۵-۳- چرا قبول قطعنامه برای امام به منزله نوشیدن جام زهر بود؟

۱- پس از ۸ سال دفاع قهرمانانه ملت ایران و تقدیم ۱۸۸ هزار شهید، ۴۹۸۰۰۰ جانباز و ۴۲۱۷۵ نفر اسیر، ملت ایران مصمم بود متجاوزی که به اصول انسانی پای بند نبود را تنبیه نماید ولی مشاهده کردند آمریکا و ... (با وجود تظاهر به شعار دموکراسی و حقوق بشر) با سوء استفاده از قوانین بین المللی برای نجات متجاوز، متفقاً و علناً به صحنه آمدند و با عوام فریبی و تبلیغات دروغین، شعار صلح طلبی سر می دهند (علی رغم استقرار ناوگان عظیم جنگی در خلیج فارس).

^{۳۵} - روزنامه اطلاعات ۶۷/۰۴/۳۰

- ۲- حامیان جنگ طلب عراق، با سلب حق دفاع مشروع از ملتی مظلوم، می روند تا زمینه بین المللی را برای مجازات ملت ایران آماده کنند (جای ظالم را با مظلوم عوض نمایند).
- ۳- فراتر از آن درد امام، ناشی از سرنوشت جوامع بشری و مدیریت جهان است که بدست مشتی عوام فریب بی رحم، مستکبر و متجاوز سپرده شده است.
- ۴- ظاهراً عده ای هم در داخل کشور با عملکرد و نظرات ناصواب خود در دادن جام زهر به دست امام سهم داشته اند.
- ۵- امام به عنوان مصلحی آگاه و روشن ضمیر می دانستند که اگر متجاوز تنبیه نشود در آینده آتش تجاوز صدام توسعه خواهد یافت و دامن کشورهای دیگر را هم خواهد گرفت (بعد از حمله صدام به کویت دنیا متوجه خیرخواهی امام شد).
- ۶- حمله آمریکا و متحدانش به صدام در ۱۳۶۹/۱۰/۲۷ و تنبیه متجاوز بیانگر آن است که خواست ملت ایران و امام درست بود ولی آمریکا و متحدانش با علم به این واقعیت، آنرا کتمان کرده و از متجاوز (تا زمانی که در راستای اهداف استکباری آنان عمل می کرد) حمایت همه جانبه کردند. اینک خود مجبور شدند کار ناتمام ایران را تکمیل و صدام را تنبیه کنند.

برای جنگ تحمیلی سه نوع پایان متصور بود:

- ۱- شکست ایران و پیروزی عراق- اگر قرار بود این حالت رخ دهد، همان اوایل جنگ (هرج و مرج داخل کشور، غافلگیری و عدم انسجام نظامی و ...) عملی می شد. اما بطور معجزه آسایی ایران توانست از پیشروی دشمن جلوگیری کرده، متجاوز را از خاک خود بیرون کند و تا عمق خاک دشمن پیشروی نماید.
- ۲- شکست عراق و پیروزی ایران- تحریم همه جانبه ایران، حمایت بی قید و شرط شورای امنیت، ارتجاع عرب، قدرتهای غربی و شوروی از عراق، اجازه این کار را نمی داد.
- ۳- یک تصمیم بین المللی نقطه پایان جنگ را تعیین کند- شواهد نشان می دهد که اعضای شورای امنیت تحت تأثیر فشار اعضای دارای حق وتوی شورا، با سکوت معنی دار خود عملاً از عراق حمایت کرده و راضی به شکست عراق نبودند (تا زمانی که عراق در جبهه ها برتری داشت، شورای امنیت توجهی به جنگ نداشت ولی در ایام برتری ایران با صدور قطعنامه های پی در پی سعی در نجات عراق از خطر سقوط داشت). این واقعیت بر کسی پوشیده نیست و می توان نتیجه گرفت مسئول تداوم جنگ تا حدودی خود شورای امنیت بود.

۳-۳-۵-۴- حوادث بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران در ۶۷/۰۴/۲۵ برابر با ۱۸ جولای ۱۹۸۸:

الف- حملات مجدد عراق به خوزستان و ...

- ۱- عراق ساعت ۸:۳۰ روز ۱۹ جولای به نیروگاه اتمی بوشهر حمله کرد. شعار صلح طلبی دروغین صدام رخ نشان داد، از سلاحهای شیمیایی به مقدار زیاد استفاده کرد و به بمباران شهرهای ایران اقدام نمود.
- ۲- عراق در ۶۷/۰۴/۳۱ با ۱۳ لشکر مجهز مجدداً به خوزستان حمله کرد و همه چیز را به حالت اول (روزهای آغازین جنگ در پاییز ۱۳۵۹) برگرداند و در خوزستان تا عمق ۱۰۰ کیلومتری وارد خاک ایران شد.
- سپاه سوم عراق با حمایت نیروی هوایی و آتش توپخانه از شلمچه و کوشک هجوم سنگین خود را آغاز می کند، خود را به جاده اهواز - خرمشهر، سه راه حسینیه و پادگان حمید می رساند.
- سپاه دوم عراق هم در غرب کشور حمله گسترده ای را آغاز کرده و شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلانغرب، نفت شهر و سومار و مناطق میمک، صالح آباد، گلان و امیرآباد را اشغال می کند.

- سپاه یکم در سردشت و پیرانشهر حمله می کند که دستاوردی ندارد. حمله عراق در چنگوله (جنوب شرقی مهران) با اقدام به موقع دفع شده و ۱۳ تیپ عراق بین ۳۰ تا ۶۰ درصد آسیب می بینند.

ب- اقدامات ایران برای دفع حملات مجدد عراق

امام در ۶۷/۰۴/۳۱ (طی پیامی به محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) فرمودند:

مسائل سیاسی جنگ به عهده وزارت خارجه است، ولی مسائل جبهه ها به عهده نیروهای نظامی، انتظامی و مردمی است که باید زیر نظر فرماندهی کل قوا این وظیفه مهم را به عهده گیرند. ما با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این یک تاکتیک نیست ولی رزمندگان باید خود را آماده نمایند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدهند. فرزندان انقلابیم توجه کنید که امروز روز حضور گسترده در جبهه ها است، فکر نکنید جنگ تمام شده است، ما با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین المللی نیست و ما تا قبول قطعنامه از سوی عراق جواب دشمنان را در جبهه خواهیم داد. همچنین حاج احمد آقا پیام امام را بصورت تلفنی به اطلاع محسن رضایی می رساند: "اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست یا پیروزی اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچ چیز از هیچکس پذیرفته نیست. اینجا نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات دوباره ای در کشور پیدا کند یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده شود".

- ۱- با فرمان امام مجدداً مردم مانند سال ۱۳۵۹ با شور و نشاط عازم جبهه ها شدند. با فراخوان سپاه پاسداران و حضور پر شور مردم (مانند ابتدای جنگ) در ۱۳۶۷/۰۵/۰۲ از پیشروی مجدد عراق جلوگیری شده و نقشه های دشمن عقیم می ماند.
- ۲- آقای خامنه ای (رئیس جمهور وقت) در ۱۳۶۷/۰۵/۰۴ پیامی به ائمه جمعه می دهد و متعاقب آن امامان جمعه از سراسر کشور عازم جبهه ها می شوند که مایه دلگرمی و افزایش روحیه رزمندگان می شود.
- ۳- همچنین در ۱۳۶۷/۰۵/۰۴ دکتر ولایتی و هیئت مذاکره کننده ایران و عراق برای مذاکره عازم نیویورک شدند.

ج- حمله منافقین از محور قصر شیرین (فروغ جاویدان)

همزمان با حملات عراق و درحالی که ارتش عراق برای تسهیل ورود نیروهای منافقین به خاک ایران حضور خود را در قصر شیرین و سرپل ذهاب حفظ کرده بود، منافقین با عبور از یگانهای ارتش بعث، وارد خاک ایران شدند.

برنامه زمانبندی حرکت منافقین طی عملیات فروغ جاویدان (۶۷/۰۳ لغایت ۶۷/۰۴)	
حرکت از قرارگاه اشرف	ساعت ۱۵ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
عبور از مرز ایران	ساعت ۱۶ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به قصر شیرین	ساعت ۱۷ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به سرپل ذهاب	ساعت ۱۸ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به کوند غرب	ساعت ۲۰ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به اسلام آباد	ساعت ۲۲ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به باختران	ساعت ۲۴ مورخه ۱۳۶۷/۰۳/۳
رسیدن به همدان	ساعت ۵ مورخه ۱۳۶۷/۰۴/۴
رسیدن به قزوین	ساعت ۱۱ مورخه ۱۳۶۷/۰۴/۴
رسیدن به تهران	ساعت ۱۶ مورخه ۱۳۶۷/۰۴/۴

۴- رژیم عراق احساس کرد حضور پر حجم منافقین بعد از قطعنامه ۵۹۸ در عراق در دسرس ساز خواهد بود و با اطلاعات غلط آنها را وادار به حمله کرد تا ضمن ایجاد مزاحمت برای ایران، از شر منافقین بعد از جنگ هم آسوده شود (پیش بینی می کرد اینها در کمین نیروهای ایران، قتل عام شوند).

این اقدام منافقین اوج حماقت و بی خردی آنها را نشان داد (در دام نقشه طراحی شده توسط صدام گرفتار شدند که قصد داشت از شر منافقین بعد از جنگ راحت شود). قرار بود حمله منافقین در ۳۱ شهریور ۱۳۶۷ (سالگرد تجاوز عراق به ایران) صورت گیرد ولی با قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، آنها غافلگیر شده و با عجله و عدم آمادگی کامل، حمله دو ماه زودتر انجام شد. الان (۱۳۹۱) عراق در آستانه اخراج منافقین است و هیچ کشوری حاضر به پذیرش آنها نیست (به دلیل اقدامات ضد بشری و جنایت هایی که در حق مردم ایران، عراق، کویت و .. انجام داده اند).

اهداف عراق از حملات به ایران بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران:

۱- اشغال بخشی از اراضی ایران به عنوان حداقل دست آورد جنگ- صدام دریافت که ۸ سال جنگ نه تنها برای او و متحدانش دستاوردی نداشته بلکه ماهیت جنگ طلبی او برای جهانیان روشن شده و حامیانش برای در امان ماندن از شر او بعد از اجرای قطعنامه ۵۹۸، تغییر مهره در عراق را عملی خواهند کرد. در آن صورت برای صدام و حزب بعث خسارات جبران ناپذیری وارد خواهد شد، لذا اشغال بخشی از اراضی ایران می توانست برای نجات صدام از سلب اعتماد حامیانش مؤثر باشد.

۲- افزایش قدرت چانه زنی- با اشغال بخشی از اراضی ایران و گرفتن اسیر، قدرت چانه زنی خود را پای میز مذاکره بالا ببرد و امتیازات بیشتری بگیرد.

۳- فریب افکار عمومی - عراق یقین داشت تا زمانی که بخشی از اراضی ایران را در اشغال دارد، ایران هیچگاه آتش بس را قبول نخواهد کرد و عراق مانند سابق با شعار صلح طلبی دروغین افکار عمومی را همچنان فریب خواهد داد.

نتیجه حملات عراق بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران:

رزمندگان شجاع ایران با بسیج عمومی و حضوری مؤثر در تمام جبهه های غرب و جنوب، بار دیگر حماسه فتح خرمشهر و ... را تکرار کردند، دشمن زبون را تا آنسوی مرزها عقب راندند، منافقین کور دل را طی عملیات مرصاد سرکوب و تار و مار کردند. تا ۱۳۶۷/۵/۹ دشمن از تمامی خاک ایران بیرون رانده شد و صدام که برای چندمین بار متوجه شده بود با وجود مردم غیور ایران و رهبری حکیمانه امام، قادر به هیچ کاری نیست و از اقدامات ظالمانه خود نتیجه ای نگرفت، به ناچار در ۶۷/۵/۱۵ طی نامه ای به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد: در صورتی که ایران با مذاکرات مستقیم بطور صریح و بدون ابهام موافق باشد و رسماً اعلام کند، عراق نیز با آتش بس موافق است و قطعنامه ۵۹۸ را می پذیرد (عراق در ۱۳۶۶/۵/۱ پذیرش قطعنامه را رسماً اعلام کرده بود ولی در عمل به صراحت آنرا رد می کرد). با اقتدار نیروهای مسلح ایران در جبهه های نبرد، و با فعالیت دیپلماسی مسئولان نظام و با تغییر اوضاع به زیان رژیم بعث عراق، ابرقدرتها، کشورهای منطقه و سازمان ملل مجبور شدند عراق را وادار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نمایند.

بعد از پذیرش قطعنامه توسط ایران، عراق با طرح پیش شرط هائی در صدد کارشکنی در اجرای مفاد قطعنامه برآمد اما ایران با تصمیم قاطع وارد میدان دیپلماتیک شد تا از حقوق ملت ایران دفاع کند (وزارت خارجه متولی مذاکره بود). ایران نیز در ۶۷/۵/۱۶ موافقت خود را با انجام مذاکرات مستقیم پس از برقراری آتش بس اعلام کرد.

برقراری آتش بس و پایان جنگ:

شورای امنیت در ۶۷/۰۵/۱۷ (۸ اوت ۱۹۸۸) با حضور نمایندگان ایران و عراق تشکیل جلسه داد. در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ از ساعت ۳ بامداد به وقت گرینویچ، آتش بس در تمامی جبهه ها برقرار شد (بصورت غیر رسمی از ۶۷/۵/۱۷ برقرار شده بود) و به جنگ هشت ساله و پیامدهای غم انگیز آن پایان داده شد. اولین دور مذاکرات سه جانبه در ۶۷/۰۶/۰۳ برای اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ انجام شد. عدم همکاری عراق در انجام مذاکرات، طرح مسایل حاشیه ای و کارشکنی آنها کاملاً مشهود بود. این موارد باعث شد دبیرکل در آخرین دور مذاکرات که در ژنو (۱۳۶۸/۰۲/۰۳) تشکیل شد، تلویحاً به عدم پیشرفت و شکست مذاکرات اعتراف نماید. بدین ترتیب اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ در عمل به بن بست رسید.

صدام در ۶۹/۲/۱ (۲۱ آوریل ۱۹۹۰) طی نامه ای به آقایان خامنه ای و رفسنجانی خواهان مذاکره مستقیم (در مکه یا مدینه) شد. آقای رفسنجانی بدرستی اصرار داشت قبل از هرگونه مذاکره باید قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق پذیرفته شود. با این نقشه، صدام می خواست حاکمیت مطلق بر شط العرب داشته باشد و شورای امنیت را از مذاکرات حذف نماید. صدام ۶ نامه به ایران فرستاد و ایران طی ۴ نامه به عراق پاسخ داد.

۳-۳-۶- اشغال کویت توسط صدام: صدام در ۶۹/۵/۱۱ به کویت حمله کرد و در نصف روز کل آن کشور را اشغال کرد. با بروز عکس العمل قاطع جهانی علیه صدام (بخاطر حمله به کویت)، وضعیت عراق هر لحظه بحرانی تر می شد. صدام تلاش فراوانی کرد تا ایران را با خود همراه کند و یک ائتلاف ضد غربی تشکیل دهد. ایران اعلام بی طرفی نمود و از دستورات شورای امنیت مبنی بر تحریم عراق تبعیت کرد. صدام کلمه الله اکبر را به پرچم عراق اضافه کرد و شعارهای اسلامی، ضد اسرائیلی و ضد غربی می داد تا اعراب و کشورهای اسلامی را با خود همراه کند ولی موفق نشد. امیر کویت که به عربستان فرار کرده بود از آمریکا رسماً تقاضای مداخله نمود.

۳-۳-۷- دخالت آمریکا برای اخراج صدام از کویت- این اقدام باعث شکستن بن بست مذاکرات در اجرای قطعنامه ۵۹۸ گردید. سرانجام صدام طی نامه سرگشاده ای (۶۹/۵/۲۳) خطاب به آقای رفسنجانی، موافقت خود را با موارد مندرج در نامه (۶۹/۵/۱۷) برابر با ۸ اوت ۱۹۹۰ ایشان اعلام کرد که شامل موارد زیر بود:

✓ قبول مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (یعنی خود صدام اعتراف می کند که پاره کردن قرارداد و حمله به ایران در سال ۵۹ تجاوز بوده است) و موافقت با بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ و آمادگی برای اعزام هیئت بین تهران و بغداد. عراق خواهان فعال شدن سفارتخانه های دو کشور گردید (که در طول جنگ فعال بودند و از سپتامبر ۱۹۸۷ تعطیل شده بود).

✓ صدام گفت به نشانه حسن نیت عقب نشینی نیروهای عراقی از ۱۷ اوت ۱۹۹۰ آغاز خواهد شد. فقط نیروهای مرزبانی عراق در طول مرز خواهند ماند.

✓ مبادله فوری و همه جانبه اسرای جنگی به هر تعداد که در ایران و عراق حضور دارند. ما آغازگر این اقدام از جمعه ۱۷ ماه اوت خواهیم بود.

صدام آشکارا اعلام کرد:

✓ با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده است. بدین ترتیب همه آنچه را که می خواستید و بر آن تأکید داشتید همگی تحقق می یابد و دیگر جز مبادله اسناد، اقدامی نمی ماند تا با هم از موضع مسئولیت، نظاره گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلامی باشیم و حقوق یکدیگر را محترم بشماریم.

۷ بدینوسیله کسانی را که می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم (تا خلیج فارس به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگانهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند) مبدل شود. مضافاً اینکه همکاری ها می تواند در جنبه های دیگر زندگی هم باشد. الله اکبر و لله الحمد.

بدین ترتیب اولین گروه ۱۰۰۰ نفره آزادگان در ۱۳۶۹/۵/۲۶ از طریق مرز خسروی وارد ایران شدند (۲۴ ماه بعد از پایان جنگ) و به دنبال آن اولین گروه ۱۰۰۰ نفره اسرای عراقی هم در ۶۹/۵/۲۷ تحویل مقامات عراقی شدند. عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزها در ۲۲ اوت ۱۹۹۰ صورت گرفت و نیروهای ناظر سازمان ملل در مرز مستقر شدند. تبادل اسیران ۱۲ سال طول کشید و آخرین گروه آنها در ۱۳۸۱/۱۲/۲۶ به طور همزمان مبادله شدند. جنگ تحمیلی در ۵۹/۶/۳۱ بطور رسمی آغاز و در ۶۷/۵/۷ با عملیات مرصاد پایان یافت (۲۸۸۷ روز) و به این صورت جنگی که صدام با خوی تجاوز کارانه و محاسبات غلط خود در سال ۱۳۵۹ علیه ملت ایران به راه انداخته بود، با دفاع مقتدرانه و یکپارچه ملت رشید ایران، رهبری های حکیمانه امام و الطاف بیکران الهی با پیروزی های مطلق ایران در مرداد ماه ۱۳۶۷ بر حکومت بعثی عراق و دهها کشور حامی آن به پایان رسید.

۳-۴- نتایج، دستاوردها و تجارب دفاع مقدس (ماحصل جنگ)^{۳۶}:

جنگ پس از زندگی، قدیمی ترین، مهمترین و هیجان انگیزترین پدیده اجتماعی جهان است و قدمت آن به اندازه عمر بشریت است. جنگ واژه ای است که شنیدن، دیدن و یادآوری صحنه های آن برای هر کسی جلوه خاصی دارد (برای عده ای موجب ترس و دلهره، برای عده ای باعث امید، شادی و غرور است. برای گروهی وسیله سودجویی، احتکار و اختلاس است. برای عده ای به مفهوم آتش و خونریزی، مرگ، ویرانی، تخریب، نابودی و تباهی است. برای گروهی دیگر فرصتی برای ادای تکلیف، رشد و تعالی، سازندگی و ایثار است). جنگ یکی از سخت ترین تجربه انسانها است و روزهای آن پر از چالشهای بزرگ است. روزهایی که در هر لحظه آن با واقعیت جدیدی برخورد می کنید که وقت چندانی برای تصمیم گیری در باره چگونگی روبرو شدن با آن ندارید. این فرصت کم، برای تصمیم گیری و پیچیدگی شرایط، ضریب اشتباهات را بالا می برد و البته از جنگ صحنه ای سرشار از تجربه می آفریند. روایت وقایع جنگ برای به محاکمه کشیدن فرماندهان و مسئولین جنگ نیست. آنها در شرایط سخت و فرصت اندک تصمیمات سختی گرفته اند که فهم شرایط ایشان برای دیگران غیرقابل تصور است. روایت صحنه های جنگ برای تجربه اندوزی ما و آیندگان است. پس هرچه از تاریخ جنگ نوشته شود بازهم به کارهای جدید احتیاج داریم.

۳۶ - تذکرات:

- رسانه ها از ابعاد حماسی به جنگ می پردازند و یک سیری کاذب به مخاطب می دهند.
- در محافل انتخاباتی، حزبی و احساسی جای طرح سؤالات جنگ نیست.
- کلاس درس دانشگاه، حوزه های علمیه و محافل علمی بهترین مکان طرح مباحث جنگ است.
- دفاع از افتخارات و دست آوردهای ۸ سال دفاع مقدس دلیل بر جنگ طلبی ما نیست. جنگ یک پدیده عارضی است، کسی جنگ را دوست ندارد، جنگ یک تهدید بود، ما دفاع کردیم.
- دفاع از نظر عقلی، مذهبی و ... امری طبیعی و واجب است.

۳-۴-۱- تبیین مفاهیم جنگ و دفاع

تعریف اصطلاحی جنگ: برخورد خشونت آمیز نیروهای مسلح دو یا چند دولت پس از به بن بست رسیدن راه حل های سیاسی به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری است (پیری ۱۳۷۲).

تعریف اصطلاحی دفاع: تدابیری که توسط یک یا چند کشور مؤتلفه برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، روانی و یا فناوری کشور یا کشورهای متخاصم اتخاذ می شود، دفاع گویند. توانایی های دفاعی، بازدارندگی را تقویت می کند. بازدارندگی باعث حفظ و حمایت از ارزشهایی نظیر: زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون داخلی، خارجی یا ساختاری می شود (نوروزی ۱۳۸۵).

تعریف اصطلاحی دفاع مقدس: مجموعه مجاهدت ها، حماسه ها، پایمردی ها و فعالیت های متنوعی که ملت شریف ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال (۲۸۸۹ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام دادند و از این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند (نوروزی ۱۳۸۵).

تفاوت بین جنگ و دفاع مقدس: در بسیاری مواقع جنگ اقدامی ناپسند، غیر عقلی، غیر دینی و نامقدس است (مانند حملات نظامی و راه اندازی جنگ به خاطر سلطه طلبی، جاه طلبی، چپاول منابع ملت های دیگر و ...).

اما دفاع مقدس نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یکسو حالت تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته و از سوی دیگر مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه و دارای ارزش دینی و اجتماعی است (مانند جنگ به منظور دفاع از خویش (دفاع مشروع) در مقابل متجاوزین به دین، جان، مال، ناموس و کشور و نیز به منظور دفاع از مظلومین عالم انجام می گیرد.

اهداف جنگ:

- جنگ با هدف تصرف سرزمین و کشور گشایی.
- جنگ با هدف تحمیل اراده سیاسی و عقیده یا جلوگیری از تحمیل اراده سیاسی و عقیده یکی بر دیگری.
- جنگ با هدف قدرت طلبی و جاه طلبی رهبران سیاسی.
- جنگ با هدف دفاع از سرزمین، مملکت و ناموس.
- جنگ با هدف تحقق حقوق بین المللی.
- جنگ با هدف دستیابی به منابع و ذخایر یک کشور.
- جنگ با هدف احیای دین (جمشیدی ۱۳۸۰).

علل و عوامل شروع جنگ ها:

الف- ریشه ها: آن دسته از علت هایی هستند که دارای عمق و پایداری بوده و به آسانی از بین نمی روند.

- ۱- علل تاریخی: در اثر تکرار جنگ و تداوم خصومت و کینه ورزی بین دو کشور در طول سالیان متمادی به وجود می آید.
- ۲- علل ژئوپلیتیکی: اختلافات ناشی از وضعیت جغرافیایی کشورها و ادعاهای ارضی و مرزی دو کشور نسبت به یکدیگر.
- ۳- علل سیاسی: رقابت دو کشور بر سر قدرت و دستیابی به نقش و جایگاه بالاتر در نظام سیاسی منطقه ای و بین المللی.
- ۴- علل اقتصادی: اختلاف دو کشور بر سر منابع، بازار و تضاد منافع اقتصادی.
- ۵- علل اجتماعی و فرهنگی: مانند اختلافات نژادی، قومی، مذهبی و.....

ب- زمینه ها: عواملی هستند که تابع شرایط و وضعیت موجود بوده و پایداری کمتری داشته ولی تأثیر گذار هستند:

۱- محیط بین المللی (ابرقدرت ها، سازمانهای بین المللی و کشورهای منطقه ای):

– ابر قدرت ها: کشورهای دارای توانمندی نظامی، سیاسی و اقتصادی که منافع فرا ملی برای خود در اقصی نقاط دنیا تعریف می کنند.

– سازمانهای بین المللی: سازمانهایی که تعداد قابل ملاحظه ای از کشورها در آن عضویت دارند و از مشروعیت بین المللی برخوردار هستند.

– کشورهای منطقه ای: کشورهایی که هنگام بروز جنگ، آثار و پیامدهایی را (از نظر امنیتی، اقتصادی و ...) بر کشورهای همسایه ایجاد می کنند.

۲- محیط های داخلی کشورهای درگیر جنگ- محیط داخلی کشورهای درگیر جنگ، در ابعاد زیر تأثیرگذار هستند:

– در بعد سیاسی: انسجام و اقتدار حاکمیت و دولت مرکزی، استحکام رابطه دولت و ملت، برخورداری نظام از مقبولیت و مشروعیت، ویژگیهای رهبر حاکم برای هدایت صحیح جامعه در شرایط جنگی و ...

– در بعد نظامی: آمادگی نیروهای مسلح (از نظر نیروی انسانی، سلاح و تجهیزات، پشتیبانی، آموزش و رزمایشهای منظم، فرماندهی و شناخت تهدیدات، داشتن طرحهای دفاعی و ...).

– در بعد اقتصادی: مطلوبیت تولید، ذخایر ارزی، رونق اقتصادی، منابع انرژی و ...).

– در بعد فرهنگی و اجتماعی: وحدت ملی و پرهیز از اختلافات قومی، مذهبی، حزبی، جناحی و ...).

۱- نتایج دفاع مقدس- با توجه به اهداف جنگ تعیین و بررسی می شود.

۲- پیامدها و دست آوردها: جنگ بخاطر اینها شروع نشده ولی اینها بدنبال جنگ می آیند.

۳- تجارب، درسها و عبرتهای دفاع مقدس: اغلب در محافل نظامی و تخصصی بحث می شود.

۳-۴-۲- نتایج دفاع مقدس (نتیجه نهایی آن پیروزی قاطع ملت ایران بود).

الف- دلایل پیروزی ملت غیور ایران در دفاع مقدس:

۱- جلوگیری از رسیدن صدام به اهداف خود در حمله به ایران:

اهداف کلی (مهمترین اهداف) رژیم عراق در تهاجم و آغاز جنگ علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹		
ردیف	اهداف عراق در آغاز جنگ	نتیجه برای عراق در پایان جنگ
۱	سرنگون کردن انقلاب اسلامی	منفی
۲	جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی	منفی
۳	تجزیه استان راهبردی خوزستان و الحاق آن به عراق	منفی
۴	خروج عراق از تنگنای ژئوپلتیک با تصرف سواحل شمال خلیج فارس تا بوشهر	منفی
۵	حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود و لغو قرارداد الجزایر	منفی
۶	کسب رهبری جهان عرب توسط صدام	منفی
۷	تصاحب جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس	منفی

۲- حفظ نظام اسلامی و افزایش اقتدار آن (در مقایسه سال ۵۹ با ۶۷).

۳- حفظ تمامیت ارضی ایران و شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی - در دفاع مقدس حتی یک وجب از خاک ایران از دست نرفت (که در ۳۰۰-۲۰۰ سال گذشته بی سابقه بوده است) در آخرین مورد، پهلوی بحرین و آارات را از دست داد.

۴- عدم مهار صدور انقلاب اسلامی - جنگ باعث شناساندن بیشتر ارزشهای انقلاب شد، ملت ها کنجکاو شدند که این چه ملتی است و چطور توانست به تنهایی جلوی ابر قدرت های شرق و غرب، عراق و ۴۴ کشور حامی آن بایستد (آنهم در شرایط تحریم و مشکلات دیگر). جنگ باعث صدور انقلاب به اقصی نقاط دنیا شد و آثار آن در خاورمیانه، شمال آفریقا، آمریکای لاتین و ... در قالب خیزش های ضد استکباری و بیداری اسلامی قابل مشاهده است. ارائه شیوه های مبارزه با ستمگران و مستکبران و باطل شدن طلسم شکست ناپذیری قدرتهای استکباری، از برکات صدور انقلاب است. آثار و برکات مقاومت دوران دفاع مقدس باعث شد که رویای رژیم صهیونیستی برای گسترش در خاورمیانه (از نیل تا فرات) ناکام شده و این رژیم در گرداب انتفاضه فلسطین و مقاومت حزب الله لبنان گرفتار شود و استراتژی مهار دوجانبه آمریکا با شکست مواجه شود.

۵- قبولاندن مجدد قطعنامه ۱۹۷۵ به عراق - که خود صدام آنرا پاره کرده بود و مجدد خود او در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس جمهور وقت ایران در ۱۳۶۹/۵/۲۴ آنرا قبول کرد.

۶- معرفی رژیم بعث عراق به عنوان متجاوز توسط دبیر کل سازمان ملل - دبیر کل طی سند S/۲۳۲۷۳ در نهم دسامبر ۱۹۹۱م (۱۸ آذر ماه ۱۳۷۰) رسماً رژیم بعث عراق را به عنوان متجاوز اعلام کرد (با ۱۱ سال تأخیر). با این اقدام ثابت شد که ایران پیروز قطعی این جنگ بود چون توانست دشمن را در رسیدن به کلیه اهداف خود ناکام بگذارد و از موجودیت و تمامیت ارضی خود به نحو احسن دفاع نماید.

ب- مهمترین عوامل (علل) پیروزی ملت غیور ایران در دفاع مقدس: (بیان علل موفقیت ایران در تغییر پیش بینی های دشمنان خارجی و بدخواهان داخلی):

در آغاز جنگ عده ای در داخل و خارج از کشور معتقد بودند که کار انقلاب اسلامی تمام است (چون صدام بخشی از کشور ما را تصرف کرده بود و این باور تقویت شده بود، سوابق تاریخی جنگهای گذشته هم این مطلب را تأیید می کرد). کسی باور نمی کرد ملت ایران یکه و تنها بتواند در مقابل دشمن بعثی که مورد حمایت تمام عیار ابر قدرتهای شرق و غرب و چندین کشور دیگر بود، هشت سال مقاومت نماید و با سربلندی این مشکل را پشت سر بگذارد.

۱- رهبری های داهیه، مدبرانه، بی بدیل و پیامبر گونه امام راحل - وجود رهبری معنوی، شجاع، دوراندیش، توانمند، حکیم و مدبر به عنوان نقطه اتکا روحی ملت ایران عمل می کرد. تهدید بزرگ جنگ تحمیلی را به فرصتی برای بروز توانایی های ملت ایران و آزمونی برای جهاد فی سبیل الله تبدیل کرد. انگیزه مقاومت در مردم و روحیه تهاجمی در نیروهای مسلح را بالا برد.

۲- نقش مردم در پشتیبانی از جنگ - توده مردم در جنگ وارد شدند و آنرا اولویت اصلی خود قرار دادند (بخصوص نسل جوان، روحانیت، دانش آموزان و دانشجویان و زنان) و کمک های مالی قابل توجه مردم به جبهه ها.

۳- ابتکارات و خلاقیت ها در جنگ - بزرگترین خلاقیت رزمندگان اسلام در دفاع مقدس این بود که توانستند تاکتیک ها، تکنیک ها و راهبردهای خود را (که نوعی خلاقیت و نوآوری بود)، بر راهبرد و دکترین دشمن غلبه دهند و اصول مهم نظامی دشمن را برهم بزنند (تعویض محیط های جغرافیایی جنگ، غافلگیر کردن دشمن، انتخاب زمان و مکان نبرد و تحمیل آن به دشمن، انجام عملیات های شبانه به دلیل نیازهای غیرقابل تأمین و پوشش ضعف های خودی و کاهش نقاط قوت دشمن،

ساخت تجهیزات مهندسی متناسب با محیط های مختلف عملیاتی مانند پل کوثر، پل شناور خیبر و پل لوله ای بعثت، احداث جاده در مناطق رملی جنوب به منظور عبور از جناحین و رسیدن به عقبه دشمن، ساخت تجهیزات مقابله با حملات شیمیایی دشمن و ...).

۴- **وحدت و همبستگی ملی** - همدلی و اتحاد مردم داخل کشور و عدم همراهی آنان با نقشه های دشمنان خارج نشین. وحدت ملی موجب تقویت نظام و رهبری، دور کردن تهدیدات از کشور، خنثی کردن نقشه و توطئه های دشمن و ... گردید. مهمترین عناصر وحدت ملی عبارتند از: معنویت و آموزه های اسلامی، ارزشهای ملی و فرهنگ ایرانی. از نتایج وحدت ملی می توان به شرکت مردم در جبهه های جنگ، راهپیمایی های روز قدس، ۲۲ بهمن و ...، مشارکت در انتخابات مختلف، مقابله با توطئه های مختلف دشمنان داخلی و خارجی و ...

۵- **شیوه و سبک مدیریت جبهه ها** - گرچه سلسله مراتب فرماندهی و فرمانبری در جبهه ها حاکم بود ولی این اطاعت براساس اعمال فشار بر زیردستان نبود بلکه رابطه ای دو طرفه بر مبنای محبت بین ایشان برقرار بود. تصمیمات جنگی با مشورت و مشارکت نیروها اتخاذ می شد و بعد از آن همه می دانستند که باید با توکل به خداوند متعال تمام تلاش خود را برای موفقیت عملیات انجام دهند.

۶- **اعتقاد و اعتماد واقعی امام به جوانان و محبت به آنها** (عمدتاً جوانان وارد جنگ شده و اداره جنگ را به عهده گرفتند).

۷- **اعتقاد قلبی مردم به نقش والای ولایت فقیه** در حل مشکلات جامعه و اطاعت از آن.

۸- **تلاش و مجاهدت برای رضای خدا، توکل به او و امید به امدادهای غیبی و نصرت الهی.**

۹- **ایثارگری و فرهنگ جهاد و شهادت:**

این فرهنگ در دفاع مقدس به وجود آمد که مبتنی بر محبت و دوستی نسبت به همدیگر بود و یکی از عوامل مهم موفقیت های دوران دفاع مقدس می باشد. برخی از عناصر کلیدی این فرهنگ به شرح زیر است:

۹-۱- **سبقت گرفتن بر دیگران** - رزمندگان ضمن ابراز محبت و برادری نسبت به همدیگر، در انجام وظایف و امور جبهه ها، افزایش معنویت و خلوص ایمان، استفاده از فرصت ها و ... نوعی مسابقه بین خودشان برقرار می کردند.

۹-۲- **خطرپذیری** - علاقه به حضور در خط مقدم و نبرد مستقیم با دشمن و حرکت فرماندهان جلوتر از نیروهای تحت امر.

۹-۳- **افزایش مستمر تواناییها** - افزایش مداوم قابلیت ها، توانمندی و کارایی مادی و معنوی خود از طریق آموزش و عبادت، جبهه به دانشگاه تعلیم و تربیت تبدیل شده بود.

فرهنگ شهادت عبارت است از مجموعه آگاهی ها، باورها، آداب، اعتقادات و اعمالی که موجب وصل انسان به عالی ترین درجه کمال (مرگ آگاهانه در راه خدا) می شود. هرگونه آثار باقیمانده در باره شهید و شهادت، سیره، روش و پیام شهدا و تربیت پاک و مقدس آنها بخشی از این فرهنگ است. در مکتب توحید آن چیزی (عمر، مال، جان و تلاش انسان) دارای ارزش و ماندگاری است که در راه خدا و برای خدا شکل گیرد.

ایثار به معنی برگزیدن منافع و مصلحت دیگران بر خود است (فدا کردن جان و مال خود برای آسایش و امنیت دیگران).

وظیفه جامعه نسبت به شهید و خانواده معظم شهدا - هرچند شهید برای خدا و در راه خدا هستی خود را برای نجات و سعادت جامعه فدا می کند و پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می کند، اما به حکم عقل، جامعه نیز به لحاظ حقی که شهید بر گردن آن دارد، مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهید ایفا نماید (زنده نگهداشتن یاد و نام شهدا، الگوسازی از شخصیت و سیره شهدا، درک پیام و ادامه دادن راه شهدا).

مهمترین دغدغه ها و پیام شهدا در وصیتنامه های آنها- مهمترین محورها پیروی از ولایت فقیه، پاسداری از اسلام و انقلاب اسلامی، مداومت در راز و نیاز و مناجات با خدا، حفظ و تقویت روحیه شهادت طلبی، استکبارستیزی، انجام تکلیف برای جلب رضایت الهی، پرهیز از مظاهر مادی و تشریفات و حفظ بیت المال، اعتقاد به انتظار و مهدویت می باشد.

آمار شهدا، ایثارگران و ... در دفاع مقدس:

عنوان	تعداد	
مجموع شهدای دارای پرونده در بنیاد شهید	۲۱۹۰۰۰ نفر	
شهدای درگیری با ضد انقلاب و ترورهای منافقین	حدود ۲۰۰۰۰ نفر	
شهدای درگیری مستقیم در جبهه ها	۱۷۲۰۰۰ نفر	۱۸۸۰۰۰ نفر
شهدای بمباران شهرها	۱۶۰۰۰ نفر	
اسرای ایرانی	۴۲۱۷۵ نفر	
اسرای عراقی	۷۰۰۰۰ نفر	
بیشترین شهدا مربوط به سال ۶۵	۴۱۰۰۰ نفر	
سن ۷۲ درصد شهدا بین ۱۶-۲۵ سال است (نوجوان و جوان)	(۱۵۵۰۰۰ نفر)	
شهدای مجرد	حدود ۱۳۲۰۰۰ نفر	
شهدای متأهل	حدود ۵۶۰۰۰ نفر	
سن بیشترین شهدا (۲۰ ساله) بود	حدود ۳۰۰۰۰ نفر	
شهدای مؤنث بیش از ۳ درصد کل شهدا	۶۴۰۰ نفر	
بیشتر شهدا به قشر مستضعف جامعه تعلق دارند.	۹۷ درصد	
تعداد جانبازان زیر ۲۵ درصد	۲۱۹۰۰۰ نفر	در مجموع حدود ۴۹۸۰۰۰ نفر جانباز در طول دفاع مقدس داشتیم.
تعداد جانبازان تا ۵۰ درصد	۱۵۱۸۰۰ نفر	
تعداد جانبازان تا ۷۰ درصد	۱۹۷۰۰ نفر	
تعداد جانبازان بالای ۷۰ درصد	۷۵۰۰ نفر	
در بین اقشار جامعه، روحانیت ۱۰ برابر متوسط جامعه شهید شده اند (بیش از ۴۰۰۰ نفر) و پنج برابر میانگین جامعه شهید داده اند. دانشجویان سه برابر شهید شده اند (۳۵۰۰ نفر). اکثر شهدا از پایگاه مسجد عازم جبهه شده اند. حدود ۳۶۶ هزار نفر از دانش آموزان در جبهه حضور داشتند که حدود ۳۶ هزار نفر آنها شهید شدند. براساس تحقیق در وصیت نامه شهدا انگیزه های آنان الهام از نهضت حسینی، پیروی از فریض امام و دفاع از اسلام بوده است.		

تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی

- ۱- هردو برای دفاع از حریم ارزشها، حفظ اسلام، ادای تکلیف و رضای خدا در مقابل دشمن ایستادند.
- ۲- رهبری هردو حرکت توسط ولی امر و امام برحق زمان خود بود (امام خمینی با پیروی از اباعبدالله (ع) تجسم عینی صلابت، پایداری، ذلت ناپذیری، شهادت طلبی، ایثار و فداکاری در راه آرمانهای الهی بود).
- ۳- یاران امام همچون شهیدان کربلا، کانون عرفان و محبت الهی و عاشق شهادت و فداکاری در راه حق بودند.
- ۴- دشمنان حاضر در کربلا و دفاع مقدس هر دو در نهایت قساوت، دنیاپرستی، بی رحمانه و ضد انسانی عمل کردند.

- ۵- همان مظاهر شب و روز عاشورا، در جبهه های دفاع مقدس هم در حد اعلی وجود داشت (نماز و عبادت های عاشقانه در دل شب، تلاوت قرآن و ارتباط با معبود و ...).
- ۶- صحنه ها و موقعیت های عاشورا بارها در جبهه ها اتفاق افتاد (محاصره، تشنگی و گرسنگی، اسارت، جدا شدن سرها و دست ها، شهادت عزیزان، آتش زدن خیمه ها، دادن آب و غذا به نیروهای اسیر شده دشمن و ..).
- ۷- توبه کردن، جدا شدن از جبهه باطل و پیوستن به جبهه حق (اعضای لشکر ۹ بدر که عراقی بودند).
- ۸- پایداری، شکیبایی و پیام رسانی زنان ایران اسلامی جلوه ای از صفات زینب کبری بود.
- ۹- در هر دو صحنه از طفل شیرخواره تا حبیب ابن مظاهرها به شهادت رسیدند.
- ۱۰- هر دو جریان رسوا کننده چهره ستم و نفاق بودند.
- ۱۱- پایان ظاهری دفاع مقدس هم مانند عاشورا، تمام شدن و توقف راه نبود بلکه برکات و دستاوردهای آن باید تا سالیان سال جامعه و فرهنگ ما را تغذیه نماید.
- ۱۲- همان گونه که عاشورا تضمین کننده بقاء و سلامت (عدم انحراف) مکتب نوپای اسلام بود، مجاهدت های دفاع مقدس هم ضامن بقاء و سلامت انقلاب اسلامی شد.
- ۱۴- در هر دو حرکت، غیر مسلمانان هم مشارکت داشتند (در دفاع مقدس مسیحیان، زرتشتیان و ... هم بودند و شهید دادند).
- ارزشهای دفاع مقدس:** دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران در مقابل تجاوز رژیم بعث عراق با مشخصات زیر، یکی از جنگ های منحصر به فرد قرن بیستم میلادی محسوب می شود:
- ۱- اولین جنگی بود (بعد از دوران صدر اسلام) که فرماندهی آن با یک مرجع دینی بود و دفاع با رعایت اصول انسانی و ضوابط دینی صورت گرفت.
- ۲- طولانی ترین و پرهزینه ترین جنگ منطقه غرب آسیا بعد از جنگ جهانی دوم بود.
- ۳- تنها جنگی در دوران جنگ سرد (۱۹۹۱-۱۹۴۵) بود که هردو ابر قدرت از طرف مهاجم (عراق) حمایت کردند. همچنین حدود ۲۶ کشور اروپایی و دولت های عرب منطقه هم از عراق حمایت کردند.
- ۴- این جنگ علاوه بر خسارات جانی، مالی و روحی که به مردم کشورمان وارد کرد، از دست آوردهای مثبت و برکات فراوانی هم به شرح زیر برخوردار بود (تبدیل تهدیدها به فرصت):
- ۱-۴- مقاومت و پایداری مردم غیور ایران در سایه ایمان به خدا و رهنمودهای حکیمانه امام راحل از دستیابی عراق به اهداف تجاوزکارانه خود جلوگیری کرد.
- ۲-۴- دفاع مقدس سرشار بود از:
- حماسه، شجاعت، رشادت و پایداری ملت ما در مقابل عراق و حداقل ۴۴ کشور دنیا بود (از ۱۸ کشور اسیر داشتیم).
- شکوه صحنه های جاودانه در هر عملیاتی که علیه دشمن انجام می شد.
- ایثار و فداکاری رزمندگانی که هستی خود را با خدا معامله کردند. عده ای شهادت را در آغوش گرفتند، عده ای بخشی از پیکر خود را تقدیم آفریدگار کردند، عده ای سالهای سخت و پرماللت اسارت را به جان خریدند.
- همه و همه سرفصلهای کتاب بزرگ حماسه ای جاودانه و تاریخی است که باگذشت زمان ابعاد عظمت و شکوه آن روشن و حقانیت مواضع ملت ما برای جهانیان و نسلهای آینده آشکار می گردد.

۳-۴-۳- پیامدها و دستاوردهای دفاع مقدس: (جنگ بخاطر اینها شروع نشده ولی اینها بدنبال جنگ می آیند). رهبر معظم انقلاب آیت ا... خامنه ای: می خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ باید تاریخ ما را تغذیه کند.

۳-۱-۱- دستاوردهای داخلی - نظامی:

۱- ایجاد قدرت بازدارندگی و بیمه کردن کشور برای آینده: بعد از جدا شدن ایران از اتحاد با آمریکا، نیروهای مردمی در سازمان رزم سپاه پاسداران بکارگرفته شدند، آموزش دیده و تجربه نظامی در حد اعلاء کسب کردند (بزرگترین اشتباه آمریکا این بود که به ما جنگیدن آموخت و دیگر حریف ما نخواهد شد). شروع هر ماجراجوئی در آینده ممکن است با دشمن باشد ولی خاتمه آن با ما است. قدرت دفاعی ایران متکی بر مردم است، نیروهای مسلح ریشه در مردم دارند، دفاع، مردم محور است. هنوز نان بازدارندگی دوران دفاع مقدس را می خوریم (۳ تا جنگ را تا ۱۳۹۱ در نطفه خفه کردیم. در تیرماه ۱۳۹۸ بعد از سرنگونی پهباد آمریکا در هرمزگان توسط سپاه پاسداران، ترامپ دستور حمله محدود به ایران را ۱۰ دقیقه قبل از اجرا لغو کرد). یکی از برکات دفاع مقدس، دور کردن سایه جنگ و تهدیدهای منطقه ای و بین المللی از کشور شد.

۲- بازسازی ارتش، استقلال آن و قطع وابستگی های آن به کشورهای خارجی.

۳- تجربه تأمین نیروی انسانی در ابعاد بزرگ در مواقع ضرورت- ایجاد توان جدید نظامی در قالب سازمان رزم سپاه به عنوان نیروی مکمل ارتش (نیروی نظامی ایران دو برابر شد). تجربه جدید و منحصر بفرد ایران در شناسائی نیروی انسانی داوطلب مردمی، آموزش و بکارگیری آنان در حین نبرد با توجه به محدودیت های شدید زمانی و انسانی.

۴- تجارب ارزنده مهندسی رزمی در طول جنگ- توان مهندسی جهاد سازندگی هم اضافه شد.

۳-۱-۲- دستاوردهای داخلی - فرهنگی و اجتماعی:

۱- ایجاد وحدت و انسجام بی سابقه در دوران گذار اول انقلاب که به شدت خدشه دار شده بود.

۲- توسعه فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه با الهام گرفتن از عاشورا- تکیه به این فرهنگ:

• خلأ توان نظامی ما و دشمن را پر کرد.

• ترس از مرگ را از جلوی ما برداشت.

۳- تقویت اعتماد به نفس و روحیه خود باوری (تکیه بر توانمندی جوانان در عرصه های مختلف).

۴- رشد باورهای دینی، معنوی و فضائل اخلاقی در بستر دفاع مقدس.

۵- تولد تفکر بسیجی به عنوان یک ایدئولوژی کارآمد.

۶- عمل کردن به تکلیف به عنوان یک وظیفه دینی و ملی و واگذار کردن نتیجه به مشیت الهی.

۷- در طول دفاع مقدس ما به دفعات تحقق وعده های الهی را شاهد بودیم.

۸- نهادینه شدن ایستادگی، مقاومت و شهادت مردم (تحمل کمبودها، فشارهای تحریم، بمباران دشمن، از دست دادن عزیزان، دارائی ها و ... خسته نشدن از جهاد، روحیه مقاومت و صرفه جوئی) که در نهایت نه تنها حقوق خود را بدست آوردند بلکه دشمنان را رسوا کردند.

۹- نگاه دینی و انسانی به دفاع (برخورد با مردم عراق، با اسرا، که موجب تحول در آنها شد، توأین آنها آمدند لشکر بدر را تشکیل دادند، با ما هم عقیده شدند، علیه صدام جنگیدند، کلی شهید دادند (گلستان شهدای قم).

۱۰- ایثار و فداکاری مردم در زندگی روزمره و در جبهه ها که هستی خود را با خدا معامله کردند.

دفاع مقدس و دستاوردهای آن متعلق به نسل حاضر نیست بلکه بخشی از هویت کشور ما و متعلق به همه اقشار ملت در تمام دوران ها می باشد.

۱۱- رواج فرهنگ ساده زیستی به جای فرهنگ رفاه طلبی، سرمایه داری و لیبرالی.

۳-۱-۳- دستاوردهای داخلی - سیاسی و امنیتی

- ۱- تثبیت نظام و ارتقاء جایگاه آن در نظام بین الملل - در تمام فرایندهای سیاسی و معادلات منطقه، ایران بازیگر اصلی است. حتی آمریکا برای حل مشکلات خود در افغانستان، عراق و ... از ایران درخواست همکاری می کند.
- ۲- در طول جنگ نقاب از چهره گروههای ضد انقلاب داخلی برداشته شد، همدستی آنها با صدام و آمریکا روشن شد و مدافعین انقلاب و مردم فهیم کردستان با جدیت بیشتر آنها را از خاک ایران اخراج کردند.
- ۳- یکی از تجربه های موفق نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مبارزه فعال و همزمان با ضدانقلاب داخلی و تجاوز خارجی بود. در شرایطی که صدام با حمایت همه جانبه ۲۶ کشور دنیا در تجاوز به ایران شکست خورد، کلیه گروههای ضدانقلاب وابسته در کردستان، دیگر توان و انگیزه ای برای مقابله با حاکمیت انقلاب اسلامی (که امنیت آن بر مبنای مردم سالاری دینی نهادینه شده بود) نداشتند. همچنین احزاب مسلح کومله و دموکرات کردستان سلاح خود را بر زمین گذاشته و تا حد زیادی نفوذ خود را در این مناطق از دست دادند. سازمان منافقین در عملیات مرصاد ضربه جبران ناپذیری خورد و بعد از سقوط صدام از عراق هم اخراج شدند (یک خطر امنیتی از جوار مرزهای کشور دور شد).

۳-۱-۴- دستاوردهای داخلی - صنعتی، علمی و فناوری: (در سایه فرهنگ خودباوری و خلاقیت دفاع مقدس)

- ۱- صنایع موشکی در جنگ متولد شد، توسعه یافت، آلان (۱۳۹۳) چهارمین صادر کننده موشک در دنیا هستیم.
- ۲- تولید مهمات و خود کفائی در آن، ایجاد و توسعه امکانات ساخت سلاحهای سنگین، افزایش توان پدافند هوایی.
- ۳- ایده طراحی و ساخت هواپیماهای شکاری، مسافری، هواپیماهای بدون سرنشین، هلیکوپتر، ناوشکن، زیردریایی، ... (در اثر فشارهای تحریم)، سلولهای بنیادین، انرژی هسته ای، علم نانو، فرستادن ماهواره و موجود زنده به فضا و ...
- ۴- توسعه توانمندی اردنانس در مجموعه وزارت دفاع به ویژه در نیروی هوایی.
- ۵- پشتیبانی سایر صنایع توسط صنایع نظامی (صا ایران و ...).

۳-۱-۵- دستاوردهای داخلی - اقتصادی

- در پیش گرفتن روحیه قناعت و صرفه جوئی و عدم تسلیم در مقابل فشارهای دشمن.
- تجربه مسئولان اقتصادی در توزیع عادلانه کالا با قیمت مناسب و جلوگیری از بروز نارضایتی عمومی در جامعه.
- مدیریت هزینه های نظامی - بودجه ۸ سال جنگ تحمیلی برابر بودجه یکسال کل کشور بود (علی رغم بازار سیاه اسلحه، تحریم اقتصادی، آسیب دیدن زیرساخت های تولید و ...).

۳-۲-۱- دستاوردهای خارجی - عرصه سیاسی

- ۱- تثبیت اقتدار نظام در دفاع از تمامیت ارضی کشور - دور کردن تهدیدات نظامی منطقه ای و بین المللی از کشور، (چندین بار هواپیماهای دشمن تا روی باند هم آمدند ولی لغو شد، در سال ۲۰۰۳ بجای عراق ممکن بود به ایران حمله کنند).
- ۲- تابوی شکست ناپذیری ابر قدرتهای شرق و غرب نزد ملت ها شکست.

۳- پررنگ شدن نقش ایران در تأمین امنیت منطقه و معادلات سیاسی.

۴- شکستن خواب و خیال رژیم صهیونیستی برای گسترش در خاورمیانه، گرفتار شدن در گرداب انتفاضه فلسطین و مقاومت حزب ا... لبنان، با حمایت ایران از محور مقاومت.

۵- اثبات بی عدالتی و مواضع خصمانه شورای امنیت در طول جنگ علیه ملت ایران و برخورد دوگانه با موضوعات جهانی (شورای امنیت ۱۱ سال بعد از تهاجم عراق به ایران، عراق را به عنوان متجاوز اعلام کرد ولی کمتر از ۲ ساعت بعد از تجاوز عراق به کویت، اولین قطعنامه را صادر و متجاوز را محکوم کرد و خواستار خروج بی قید و شرط عراق از کویت شد. در فاصله کمتر از ۳ هفته ۴ قطعنامه دیگر صادر کرد (تحریمهای بی سابقه علیه عراق و ...).

۶- الگوبرداری از انقلاب ایران و دفاع مقدس در بیداری اسلامی.

۷- اثبات حقانیت مواضع ملت ایران (بالاخره شورای امنیت در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ رژیم بعثی عراق را متجاوز اعلام کرد).

۳-۲-۲- دستاوردهای خارجی - عرصه نظامی

۱- به دنیا ثابت کردیم ممکن است یک کشوری شروع کننده ماجراجویی علیه ایران باشد ولی الزاماً پایان دهنده آن بحران نخواهد بود (ابتکار عمل پایان جنگ ایران و عراق به دست ایران، تعیین پیش شرط حزب الله لبنان برای اسرائیل در نبرد ۲۲ و ۳۳ روزه، تعیین شرایط آتش بس توسط جنبش حماس برای اسرائیل در سال ۱۳۹۱ بعد از حمله رژیم صهیونیستی به غزه).

۲- تجربه خوبی بود که نیروهای مسلح ما بجای وابستگی به بیگانگان به متن مردم برگردند و به ملت خود اتکا کنند. عقبه نیروهای مسلح ایران مردمی است، در دنیا کشوری نیست که چنین پیوند عمیقی بین ارتش و مردم آن وجود داشته باشد.



۳- حمایت از جبهه سیاسی:

صدام قصد داشت با قبول میزبانی هفتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۲، اقتدار خود را در برقراری امنیت بغداد در زمان جنگ به جهانیان ثابت کند و با امتیاز میزبانی فشارهای سیاسی به ایران را افزایش دهد. حمله سرنوشت ساز خلبان شهید عباس دوران و همزمانش (۳۰ تیرماه ۱۳۶۱) به ساختمان سالن اجلاس در بغداد این نقشه صدام را خنثی کرد. نتایج عملیتهای غرور آفرین والفجر ۸ و کربلای ۵ باعث شد ایران خواسته های خود را به عراق، حامیان آن و شورای امنیت تحمیل کند تا برونند دنبال تصویب قطعنامه ۵۹۸. چون فاو، شلمچه و جزایر مجنون دست ما بود و موضع برتر داشتیم، لذا اکثر بندها به نفع ما بود. همسایه کویت شده بودیم، بصره را تهدید می کردیم.

نظرات حضرت امام خمینی در خصوص جنگ تحمیلی و دفاع مقدس در اسفند سال ۱۳۶۷:

- حضرت امام: ما افتخار می کنیم در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان، توکل بر خدای بزرگ، دعای بقیه الله، اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیر زنان صحنه کارزار به پیروزی رسیدیم.
- خدا را سپاس که منت هیچ قدرت و کشوری در جنگ بر گردن ما نیست.
- دل و دیدگان ملت را جز رضای خداوند چیزی پر نخواهد کرد، لذا از بذل جان و مال خود در راه خدا لذت می برند و ملاک برتری نزد آنان تقوی و سبقت در جهاد است. من خود را خادم این ملت می دانم و به این خدمت افتخار می کنم.
- ما هر روز در جنگ بر کاتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به دنیا صادر کردیم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نمودیم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخوران برداشتیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناختیم.
- ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ به مردم دنیا نشان دادیم که علیه تمامی قدرتهای متجاوز می توان سالیان سال مبارزه کرد.
- جنگ ما کمک به فتح افغانستان و فلسطین را بدنبال داشت.
- جنگ ما باعث شد تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- علاقه به اسلام شناسی آمریکا، اروپا، آسیا و کل جهان از برکات دفاع ۸ ساله مردم ما است.
- در جنگ فهمیدیم باید روی پای خودمان بایستیم.
- در جنگ حس برادری و وطن پرستی را در نهاد تک تک مردم کشورمان بارور کردیم.
- در جنگ صنایع دفاعی رشد کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود که از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- ما در این جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان نیستیم چون برای ادای تکلیف جنگیدیم.

پیامدهای حمله رژیم بعث عراق به کویت (۶۹/۵/۱۱) برای ایران:

شورای امنیت سازمان ملل با رفتار متناقض و غیر قانونی خود و برای حمایت همه جانبه سیاسی از عراق، در طول جنگ تحمیلی حاضر نشد به واقعیت ها اشاره نماید و خواسته های به حق ایران را به رسمیت بشناسد. چون شورای امنیت، کشورهای مرتجع عرب حوزه خلیج فارس، آمریکا و دهها کشور حامی عراق در جنگ با ایران، بعد از حمله صدام به کویت، در جبهه مقابل عراق قرار گرفتند، ناچار شدند بسیاری از واقعیت های دفاع مقدس را رسماً اعلام نمایند.

اعتراف به حقانیت مواضع ایران با گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت:

در خصوص اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، دبیرکل در ۱۳۷۰/۰۹/۱۸ موارد زیر را به شورای امنیت اعلام می کند:

- عراق آغازگر جنگ بوده است و در طول مخاصمه بطور مستمر خاک ایران را در اشغال داشته است.
- عراق در موارد متعدد از سلاحهای شیمیائی استفاده کرده، به مناطق غیرنظامی حمله کرده و با اسرا بدرفتاری کرده.

- حمله به ایران توسط عراق نقض حقوق بین المللی بوده است.
- عراق از زور استفاده غیرقانونی کرده است.
- عراق به تمامیت ارضی یک کشور عضو سازمان ملل احترام نگذاشته است.
- توضیحات عراق (در خصوص آغاز تجاوز توسط ایران) برای جامعه بین المللی قابل قبول و کافی نیست.
- عراق در جنگ با ایران در موارد متعدد حقوق انسانی را نقض کرده و در سردشت از سلاح شیمیایی استفاده کرد.
- عراق متجاوز است - دبیرکل سازمان ملل در ۱۰/۱۰/۱۳۷۰ طی گزارشی در پایان مأموریت خود، رسماً عراق را به عنوان متجاوز اعلام کرد. شورای امنیت باید در هفته اول جنگ ضمن صدور قطعنامه به موارد فوق اعتراف می کرد!!

در هر حال تجاوز عراق به کویت با هر نیت و اهدافی که بود، برای ایران نتایج مثبتی به شرح زیر به همراه داشت:

- نقش مهمی در اثبات حقانیت ملت مظلوم ایران داشت.
- صحنه رسوائی ستمگران (استکبار و شورای امنیت) بود بگونه ای که خودشان به موارد زیر اشاره و اعتراف کردند:
 - ✓ صدام به عنوان آغازگر جنگ هشت ساله علیه ایران (روزنامه آبرور ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۰)،
 - ✓ عملکرد وحشیانه و غیر انسانی صدام در طول جنگ، خشن و بی رحمی صدام (مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان کارتر طی مصاحبه با تلوزیون CNN)،
 - ✓ ارسال کمک های زیاد برای عراق (کریستین ساینس مانیتور ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۰)،
 - ✓ عدم رسیدن صدام به اهداف خود در راه اندازی جنگ (راديو اسرائیل ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۰)،
 - ✓ از بین بردن روابط خوب و برادرانه بین ایران و کشورهای عربی (تلویزیون عربستان ۱۶ اوت ۱۹۹۰)،
 - ✓ دروغ بودن ادعای صلح طلبی صدام (روزنامه دیاریو اسپانیا ۴ اوت ۱۹۹۰).
 - ✓ سکوت آمریکا در قبال تجاوز صدام به ایران (تلویزیون آمریکا ۴ اوت ۱۹۹۰).

گرچه این اعترافات دشمنان ملت ایران، **مسئولیت آغاز جنگ** را متوجه رژیم بعثی عراق می دانند (که آن هم با چراغ سبز آمریکا بود) ولی **مسئولیت ادامه جنگ** و شدت یافتن آن با سلاحهای میکروبی، شیمیایی و انواع تجهیزات پیشرفته، قطعاً متوجه کسانی است که کمکهای همه جانبه خود را به سوی عراق سرازیر می کردند.

تاریخ در طول ۸ سال دفاع مقدس برای ملت ایران **شرف، آزادگی، مقاومت و ایمان به خدا** را ثبت خواهد کرد ولی برای صدام، حامیان غربی و عربی او و سازمانهای بین المللی مدعی صلح و حقوق بشر، صفحات ننگ آوری را خواهد نگاشت و نسل های آینده در مورد این برهه از تاریخ، به زشتی یاد کرده و پدران خود را به همدستی با ستمگران متهم خواهند ساخت.

نتایج نهایی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران:

- ۱- آزادسازی تمامی سرزمین های اشغالی.
- ۲- برتری آفندی طی شش سال و نیم جنگ در مقابل یک سال و نیم آن.
- ۳- تثبیت مجدد مرزهای بین المللی ایران.
- ۴- حفظ استقلال و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۵- پایان جنگ با پیروزیهای نظامی، سیاسی و از موضع قدرت ایران.

۳-۵- جنگ نرم و رسالت دانشگاهیان

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا چون در جنگ تحمیلی نتوانست انقلاب اسلامی را سرنگون کند و سلطه همه جانبه خود را دوباره بر ایران تحمیل نماید، به این نتیجه رسید که با وجود مؤلفه های اقتدار جمهوری اسلامی (ولایت فقیه و رهبری دینی، نیروهای مسلح مقتدر، ملت همیشه در صحنه با روحیه شهادت طلبی و فداکاری، امید به امدادهای غیبی و ...) از طریق مستقیم و با جنگ نظامی حریف ملت ایران نمی شود. لذا تصمیم گرفت مبارزه با ملت ایران را در عرصه های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی دنبال نماید. در واقع عرصه کنونی، جنگ فرهنگی است که از آن به عنوان جنگ نرم یاد می شود.

مفهوم جنگ نرم

آنچه به عنوان جنگ نرم (soft warfare) مطرح می شود، در ادبیات غرب بیشتر به قدرت نرم (soft power) مشهور است که زیربنای فکری آنرا اولین بار Joseph nye به شکل علمی مطرح کرد. مهمترین ابزار تأثیرگذاری و اعمال قدرت نرم بر طرف مقابل، رسانه ها هستند. سان تزو (Sun tzu) در کتاب هنر جنگ می گوید: می شود جنگید، اما مهمترین کار این است که در یک نبرد بدون جنگ، پیروزی به دست آورید (منظور ایشان همان عملیات روانی یا جنگ نرم است). اگر کسی در ذهنش بپذیرد که شکست می خورد، حتماً در دنیای واقعی هم شکست خواهد خورد (چون آنچه فرد را به مقاومت و پیروزی تشویق می کند، روحیه است).

تعریف جنگ نرم

تعریف اول- هر اقدام غیر خشونت آمیزی که ارزشها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار دهد تا سرانجام به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی منجر شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم بر جامعه هدف، تعارض دارد. تعریف دوم- جنگ نرم نوعی جنگ سرد است که به استحاله فرهنگی جامعه هدف منجر می شود.

اهداف جنگ نرم

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا در جنگ نرم، چهار هدف زیر را دنبال می کند:

۱- تغییر در باورها، ارزشها و اعتقادات- تغییر در باورها (یعنی تغییر انگیزه ها، شعارها، معارف انقلابی، باورهای اعتقادی دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه). باورها و اعتقادات مردم، موتور محرکه جامعه محسوب می شود. با تغییر باورها، افکار گذشته از ذهن افراد پاک شده و افکار دیگری جایگزین می شود. اگر جهان بینی و نظام ارزشی جامعه دگرگون شود، شیوه زندگی آنها دگرگون خواهد شد (جنگ نرم، جنگ تخریب الگوها است).

در مورد کشور ایران، دشمن با ایجاد تردید در مبانی نظام سیاسی اسلام، الگوی آن نظام را در عرصه های مختلف اجتماعی ناکارآمد می سازد. همچنین با ترویج ارزشهای غربی (پول پرستی، تجمل گرایی، دنیاطلبی، شهوت رانی، بی توجهی به سرنوشت و مشکلات هموعان و مظلومان و ...) مسلمانان را از هویت اسلامی خود دور کند.

۲- تغییر در افکار و اندیشه ها- در نتیجه جنگ نرم، افکار و اندیشه های جدیدی در ذهن افراد جامعه شکل می گیرد که مردم را به جای مقابله کردن با دشمن و نظام سلطه، به طبعیت از دشمن سوق داده و در جبهه او قرار می دهد.

۳- تغییر در رفتار- بعد از تغییر باورها، افکار و اندیشه ها، افراد رفتاری از خود نشان می دهند که مورد رضایت و جزو خواسته های دشمن است.

۴- تغییر در ساختار- در جنگ نرم، هدف دشمن ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی جامعه هدف است. بعد از این مرحله الگوهای رفتاری جدیدی شکل می گیرد که به سمت ساختار شکنی، جهت پیدا می کند و ممکن است تا فروپاشی نظام

حاکم پیش برود. هدف نهایی جنگ نرم دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران، استحاله درونی نظام و تغییر باطن و سیرت آن با حفظ صورت و ظاهر آن است.

رهبر معظم انقلاب (حضرت آیت الله خامنه ای) ضمن توجه دادن مردم به اهمیت و ابعاد جنگ نرم، از ضرورت نقش آفرینی دانشجویان به عنوان افسران و اساتید به عنوان فرماندهان مقابله با جنگ نرم سخن گفته اند.

شاخصه های جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری:

- ۱- ایجاد اختلاف و تفرقه در میان ملت ایران و جهان اسلام.
- ۲- جلوگیری از الگو شدن حکومت اسلامی ایران در جهان اسلام و منطقه.
- ۳- مرعوب کردن مسئولان و مقامات تصمیم گیرنده ایران.
- ۴- دامن زدن به مسایل و حساسیت های قومی و مذهبی.
- ۵- القای ناکارآمدی نظام اسلامی ایران.
- ۶- کم رنگ و مخدوش کردن نقاط قوت و امیدبخش.
- ۷- بزرگنمایی نقاط ضعف و القای ناتوانی، یأس و ناامیدی.
- ۸- ایجاد تفرقه در سطح مقامات مسئول سیاسی و آحاد ملت.
- ۹- ایجاد غفلت از دشمن (به خصوص اغفال خواص و نخبگان از تأثیر دشمن).

محور های عمده جنگ نرم استکبار جهانی:

- ۱- ترساندن ملت های مسلمان و تضعیف روحیه مقاومت و پایداری آنها و از بین بردن روحیه حماسی و فرهنگ ایثار.
- ۲- القای روحیه یأس و ناامیدی در بین مردم و مسئولان.
- ۳- ترویج اسلام هراسی، ایران هراسی و شیعه هراسی در جهان.
- ۴- ترویج و رشد بی بند و باری و اصالت دادن به لذت جویی های مادی و شهوانی.
- ۵- ترویج سکولاریسم، دموکراسی به سبک غربی و ارزشهای انحرافی فرهنگ منحط غربی.
- ۶- مقابله با آموزه ها و فرهنگ دینی و مذهبی.
- ۷- تشدید اختلافات قومی و مذهبی.
- ۸- سلب اعتماد مردم از مسئولان و نهادهای حکومتی.

اقدامات راهبردی جنگ نرم استکبار جهانی در ایران:

بعد از دفاع مقدس، آمریکا و جریان صهیونیسم بین الملل برای عملیاتی کردن جنگ نرم در قالب ناتوی فرهنگی علیه ایران اسلامی، طی سالیان گذشته و نیز سالهای آینده به منظور از بین بردن نظام اسلامی ایران، اقدامات راهبردی فراوانی را به شرح زیر در دستور کار خود قرار داده و اجرا می کنند:

- ۱- جریان سازی سیاسی در داخل کشور برای تبلیغ بهبود رابطه با آمریکا، بیهوده و پرهزینه وانمود کردن اصل مبارزه با استکبار و شیطان بزرگ با طراحی کودتاهای مخملی، فتنه های گوناگون و ...
- ۲- تضعیف اقتصاد کشور از طریق اجرای قوانین متعدد بین المللی، ایجاد محدودیت و تحریم برای کاهش درآمد ملی و جلوگیری از انتقال فناوریهای پیشرفته به ایران.

- ۳- انجام عملیات متعدد جاسوسی و براندازی، راه اندازی سایت های اینترنتی و ارائه نرم افزارهای جاسوسی به عوامل نفوذی خود در داخل کشور تا ابعاد جنگ رسانه ای به شکل مؤثرتری طراحی و اجرا شود.
- ۴- ایجاد فضای رعب و وحشت در بین مردم و برخی مسئولان از احتمال بروز جنگ.
- ۵- پیگیری پرونده هسته ای ایران و القای غیرصلح آمیز بودن آن، متهم کردن ایران به ساخت بمب اتمی، تقویت تروریست ها و بنیادگرایی افراطی.
- ۶- ایجاد فضای رسانه ای در باره دخالت ایران در عراق، سوریه، لبنان، یمن و ... در نقش حامی تروریسم که عامل ناامنی و بی ثباتی در منطقه است.
- ۷- سرمایه گذاری در رسانه های مختلف، سازمانهای خبری و تبلیغاتی، شرکت های فیلمسازی و ... برای ارائه تصویری سیاه و خطرناک از ایران به افکار عمومی دنیا.
- ۸- تقویت دموکراسی به سبک آمریکایی، بهانه قرار دادن مقوله حقوق بشر و حقوق زنان، دامن زدن به مطالبات صنفی و اجتماعی و انحراف آن از مسیر اصلی و ...
- ۹- ایجاد تقابل بین سران ارشد نظام اسلامی ایران و مشغول ساختن ذهن آنها به این موارد و منصرف ساختن آنها از پیگیری اهداف جهانی انقلاب اسلامی (جلوگیری از صدور انقلاب).
- ۱۰- تضعیف جایگاه رهبری (با ترویج شایعات، مقصر جلوه دادن رهبری در مشکلات موجود در جامعه که طبق قانون ربطی به وظایف رهبری ندارد بلکه نتیجه عدم عملکرد صحیح وظایف قانونی قوای سه گانه، سایر دستگاهها و همچنین عدم انتخاب آگاهانه بخشی از مردم و ... است) به منظور سلب اعتماد مردم به رهبری و کاهش ولایت پذیری و اطاعت پذیری از ایشان و کاهش نفوذ رهبری در جامعه.
- ۱۱- ایجاد اختلاف بین جناح های مختلف حاکمیت، بین مردم و حاکمیت، بین مذاهب و اقوام مختلف برای دامن زدن به گرایشهای تجزیه طلبانه و فروپاشی از درون.
- ۱۲- نفوذ در مراکز راهبردی نظام (بدنه دولت، دانشگاهها، حوزه های علمی، مراکز فرهنگی، قوه قضائیه و مقننه و ...) جهت انحراف افکار عمومی، تصمیم سازی ها، قوانین مصوب و ... به طرف خواسته ها و منافع استکبار جهانی.
- ۱۳- تلاش جهت اخراج یا انزوای انقلابیون و دلسوزان ایران اسلامی و نفوذ غربگرایان و لیبرالها در پست های کلیدی نظام برای زمینه سازی قدرت یابی حداکثری طرفدارا غرب.
- ۱۴- معرفی دلسوزان نظام و کشور ایران به عنوان طرفداران خشونت و جنگ طلبی و معرفی مخالفان نظام در افکار عمومی به طرفداران صلح و تعامل با دنیا (بخصوص غرب).
- ۱۵- نفوذ دادن مخالفان نظام در بین تشکلهای معلمان، کارگران و ... برای سوء استفاده از اعتراضات و تجمعات صنفی موردی ایشان و منحرف کردن این تجمعات از خواسته های صنفی به آشوبهای اجتماعی علیه نظام.
- ۱۶- بی اعتبار جلوه دادن آمار، اطلاعات و اخبار منتشر شده توسط نهادهای حکومتی و رسانه های معتقد به نظام.
- ۱۷- گسترش فساد، فحشاء، اعتیاد و ... در بین جوانان و آینده سازان کشور.

فرانسیس فوکویاما^{۳۷} پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل آمریکایی تبار، طی مطلبی (تحت عنوان بازشناسی هویت شیعه) می گوید: شیعه پرنده ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ما است. این پرنده دو بال دارد. یک بال سبز (مهدویت و عدالت خواهی) و یک بال سرخ (شهادت طلبی) که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است.

فوکویاما معتقد است شیعه بعد سومی هم دارد که اهمیت بسیاری دارد (این پرنده زرهی به نام ولایت پذیری به تن دارد که قدرتش با شهادت دوچندان می شود). او با اشاره به جنگ عراق علیه ایران می گوید: اینها فاو را تسخیر کردند، می روند تا کربلا را هم بگیرند و ادامه این روند یعنی فتح قدس. او برای دفع این خطر پیشنهاد می کند با امتیاز دادن به ایران، جنگ را متوقف کنید. فوکویاما، مهندسی معکوسی را برای شیعه و مهندسی صحیحی را برای آمریکا طراحی کرده و می نویسد: مهندسی معکوس برای شیعه آن است که ابتدا ولایت فقیه را خط بزیند (تا ولایت فقیه را خط نزنید، نمی توانید به ساحت قدسی کربلا و مهدویت تجاوز کنید) و در گام بعد روحیه شهادت طلبی اینها را به رفاه طلبی تبدیل کنید. اگر این دو را خط زدید، خود به خود اندیشه های امام زمانی از جامعه شیعه رخت بر می بندد.

عوامل و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران - برای مقابله با جنگ نرم استکبار جهانی، جمهوری اسلامی ایران از عوامل و منابع فراوانی در ابعاد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی برخوردار است که در صورت برنامه ریزی و مدیریت صحیح این منابع، می تواند اثرات جنگ نرم دشمن را خنثی یا به حداقل برساند و برای نظام سیاسی کشور مصونیت ایجاد نماید. برخی از این عوامل و منابع به شرح زیر هستند:

- ۱- ولایت فقیه و نظام ولایی
- ۲- استقامت و پایداری بر اصول و ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص).
- ۳- فرهنگ عاشورایی و روحیه ایثار، جهاد و شهادت طلبی.
- ۴- فرهنگ انتظار و امید به آینده.
- ۵- مردم سالاری دینی.
- ۶- ظلم ستیزی و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان در جهان.
- ۷- استحکام داخلی و کارآمدی نظام سیاسی.
- ۸- توان و سابقه و سرمایه های فکری، فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران.
- ۹- قدرت علمی و فناوری در حال شکوفایی.
- ۱۰- منابع عظیم معدنی، انرژی و ...
- ۱۱- موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک ایران در منطقه.
- ۱۲- نیروهای مسلح مکتبی و انقلابی با قدرت بالندگی و توان بازدارندگی بالا.

^{۳۷} - فرانسیس فوکویاما نئومحافظه کار، پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل و تبعه آمریکا است. وی با شخصیتی نیمه سیاسی - نیمه فلسفی دارای سابقه کار در اداره امنیت آمریکا و نیز تحلیلگر نظامی در شرکت «رند» از شرکتهای وابسته به پنتاگون می باشد. وی در سال ۱۹۸۹ با نگارش مقاله «پایان تاریخ و واپسین انسان که در سال ۱۹۹۱ با تفصیل بیشتر و به همین نام، به صورت کتاب چاپ گردید، به شهرت جهانی رسید. او در کنفرانسی که سال ۱۳۶۵ در اورشلیم برگزار شد به ترسیم اندیشه سیاسی شیعه پرداخت. او در این کنفرانس که بازشناسی هویت شیعه نام داشت این مطالب را ارائه کرد.

راهبردهای عمده جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ نرم دشمنان:

- ۱- افزایش بصیرت و دشمن شناسی مردم و مبارزه جدی با جهالت در جامعه (آگاه نمودن مردم نسبت به جنگ نرم و راههای مقابله با آن).
- ۲- استفاده از دیپلماسی عمومی فعال.
- ۳- تبدیل تهدید قدرت نرم دشمن به فرصتی برای افزایش قدرت نرم خودی.
- ۴- انجام عملیات ضد روانی جهت خنثی سازی فعالیت های روانی دشمن و خلع سلاح روانی مخالفان نظام.
- ۵- تحکیم روابط بین ملت و حاکمیت با تقویت اعتماد مردم به مسئولین.
- ۶- حفظ وحدت و انسجام داخلی و پرهیز از اختلاف و تفرقه.

رسالت دانشگاهیان برای مقابله با جنگ نرم دشمنان:

چون قشر دانشگاهی بیشتر با مقوله تفکر و فرهنگ ارتباط دارد، لذا این قشر از جامعه در جنگ نرم دشمنان از اولویت و توجه بیشتری برخوردار هستند. درک اینکه در شرایط جنگ نرم قرار داریم، به دانشگاهیان کمک می کند تا تحولات اجتماعی و سیاسی محیط پیرامونی خود را با دقت بیشتر و در این راستا تفسیر نمایند. باید دانست که رسانه های استکباری بسیاری از مسایل اجتماعی را برای مردم ما خلاف واقع ترسیم می نمایند در حالی که برای داخل کشور خودشان جور دیگری عمل می کنند (تحکیم خانواده یا فروپاشی آن، فرزند آوری بیشتر یا جایگزینی حیواناتی مانند سگ به جای فرزند در خانواده ها، خلط مبحث آزادی های مشروع اجتماعی با ترویج بی بندوباری، بی حجابی و ...).

اگر دانشگاهیان یک کشور در اثر جنگ نرم مقهور، شکست خورده و به انحراف کشیده شوند، این شکست و انحراف به جامعه نیز سرایت خواهد کرد. در باره نقش و رسالت دانشگاهیان، به فرازهایی از وصیت نامه امام خمینی (ره) اشاره می شود: از نقشه های پیچیده دشمنان (که سالیان طولانی قبل از حکومت رضاخان آغاز و تا پایان حکومت محمدرضا به اوج خود رسید) ایجاد تفرقه و دشمنی بین دانشگاهیان و روحانیت بود (به علت بی خبری هر دو قشر، موفقیت های خوبی هم در این زمینه پیدا کردند). از یک طرف تلاش کردند معلمان، اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غرب زدگان و عناصر منحرف از دین انتخاب شوند و از طرف دیگر با تبلیغات سوء، روحانیت و متدینان را از دانشگاهیان ترسانیدند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و روحانیت باشند و مردم که طرفدار مذهب و روحانیت بودند، مخالف دولت و حکومت باشند. با این نقشه دشمن، اختلاف و تفرقه بین دولت، ملت، روحانیت و دانشگاه ایجاد شد و راه برای چپاول و غارت ایران توسط آمریکا و غرب هموار گردید. توصیه اینجانب به جوانان حال و آینده آن است که وحدت بین حوزه و دانشگاه را هرچه بیشتر برقرار کنید. برنامه دشمن در دانشگاه این است که جوانان را از فرهنگ و ارزشهای دینی و ملی دور نموده و به سمت فرهنگ غربی بکشاند و سپس دولتمردان را از بین غرب زدگان و لیبرالها انتخاب نماید تا کشور را از اهداف انقلاب دور کرده و به سمت غرب سوق دهند. من در میان شما باشم یا نباشم اجازه ندهید کشور به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد.

مباحث تکمیلی - پیامدهای جنگ تحمیلی برای عراق:

- تبدیل عراق به بدهکارترین کشور خاورمیانه (عراق در ابتدای جنگ حدود ۴۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت ولی در پایان جنگ بیش از ۸۰ میلیارد بدهی داشت).
- از بین رفتن اقتصاد و نابودی زیر ساخت های عراق.

- قرار گرفتن ارتش عراق در لیست ارتشهای جنایتکار (سبقت گرفتن از هیتلر در کاربرد سلاحهای ممنوعه شیمیایی و میکروبی، انهدام مناطق مسکونی، کشاورزی، افراد غیرنظامی، اعمال ضد بشری، حمله به هواپیمای مسافربری و...).
- باز کردن پای کشورهای غارتگر به عراق و چپاول دارائی های ملت مظلوم عراق و خیانت به آرمان آنها.
- از دست دادن بخش عظیمی از نیروها و امکانات ارتش یک کشور اسلامی (عراق) و تضعیف آن (عراق بین سالهای ۶۷-۶۲ حدود ۸۴ میلیارد دلار سلاح از کشورهای مختلف جهان خریداری کرده بود که ۵۰ درصد اینها از شوروی بود).
- تحت الشعاع قرار دادن جنایات رژیم اشغالگر قدس و غفلت جهان عرب از فلسطین (به عنوان مهمترین مشکل جهان اسلام).
- رو شدن دست و نیات پلید صدام نسبت به اعراب و کل منطقه با حمله به کویت.
- از دست دادن حق حاکمیت عراق (بطوریکه حق پرواز در شمال و جنوب عراق را نداشت) و باید از غرب مجوز می گرفت.
- نرسیدن صدام به هیچکدام از اهداف جنگ طلبانه خود.
- معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ و متجاوز بودن آن کشور توسط شورای امنیت.
- **در تنگنا قرار گرفتن صدام:** چون به هیچکدام از اهداف خود نرسیده بود لذا باید یکی از راههای زیر را انتخاب می کرد:
 - باید کنار می رفت.
 - علیه او کودتا می شد.

صدام مجبور بود کویت را اشغال کند تا به مردم عراق نشان دهد به یک هدف حداقلی رسیده است. آمریکا هم در حد گرفتن جزیره بویان کویت چراغ سبز به صدام نشان داده بود.

رژیم عراق در پی عدم موفقیت در جنگ با ایران دچار مشکلات زیادی شده بود:

- روحیه مردم عراق در داخل کشور کاملاً در هم شکسته بود.
- آثار مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ روز به روز نمود بیشتری پیدا می کرد.
- در بعد بین المللی رژیم عراق اعتبار خود را از دست داده بود.
- بار بدهی های خارجی نیز فشار مضاعفی بر اقتصاد جنگ زده و ورشکسته عراق تحمیل می کرد.
- بنادر و سواحل محدود عراق عملاً غیرقابل استفاده بود و اروندرود هم قبل از لایروبی و پاکسازی قابل استفاده نبود. لذا صدام برای خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی و راهیابی به دریای آزاد، خواستار اجاره کردن دو جزیره کویت بود که کویت با این امر مخالفت کرد.
- خوی تجاوزگری صدام و حزب بعث نسبت به همسایگان باعث شد بعد از مقدمه چینی در ۲ اوت ۱۹۹۰ (۱۳۶۹/۰۵/۱۲) به کویت حمله نماید (عراق یک بار دیگر هم در ۲۹ اسفند ۱۳۵۱ (۲۰ مارس ۱۹۷۳) به کویت حمله کرده بود که با کمک شاه ایران و دخالت اتحادیه عرب ناچار شد در ۱۳۵۲/۱/۱۶ نیروهای خود را از کویت خارج نماید).
- عراق همواره علیه کویت ادعای ارضی داشت ولی این بار همراه بود با:
 - درخواست باز پرداخت وام های دریافت شده از کویت در طول جنگ ۸ ساله.
 - تقاضای عراق برای دریافت خسارت از کویت بخاطر استخراج نفت از یک منطقه مورد اختلاف (روضتین در منطقه الباطنه).
 - ابراز خشم عراق از اقدام کویت در پائین آوردن بهای نفت.
- عراق اعلام کرد نه تنها ۱۰ میلیارد دلار بدهی خود به کویت را نمی پردازد بلکه ۲/۴ میلیارد دلار خسارت هم بابت موارد فوق طلبکار است. صدام معتقد بود چون جنگ علیه ایران به سود کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بود، دول عربی باید بدهی

۳۰ میلیارد دلاری عراق را ببخشند. کویت زیر بار نرفت و این امر همراه با سابقه درگیری های ارضی، تشنج با کویت را تا حد جنگ و حمله نظامی بالا برد (عراق در جنگ ۸ ساله علیه ایران بیش از ۸۰ میلیارد دلار بدهی به بار آورده بود. همچنین در طول جنگ با ایران مبالغ بسیار زیادی هم از دیگر کشورهای عربی قرض گرفته بود). این وضعیت برای صدام که به دنبال ملی گرایی عربی بود، شرم آور به نظر می رسید.

دوران اشغال کویت توسط صدام

سرانجام عراق در ۲ اوت ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد. صدام گفت اشغال کویت حدود دو ساعت و نیم وقت گرفت. اشغال کویت به معنای آن بود که صدام با احتساب ذخایر نفتی عراق، دارای ۲۰ درصد ذخایر نفتی جهان شده بود. همزمان با سقوط شهر کویت، امیر کویت جابر الأحمد الصباح به بیابانهای عربستان گریخت. پس از فتح کویت، در چهارم اوت ۱۹۹۰، صدام ابتدا حکومت پادشاهی کویت را به جمهوری تبدیل کرد، سپس دولتی جدید به ریاست سرهنگ «علاء حسین علی» را در کویت تشکیل داد. جاده‌ها در کویت مسدود شده بود و غارت اموال عمومی این کشور ثروتمند به امری متداول تبدیل شد. - در دوم اوت ۱۹۹۰ (بامداد همان روز) به درخواست نمایندگان کویت و آمریکا، شورای امنیت تشکیل جلسه داد (نماینده کویت از شورا خواست از امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی کویت دفاع نماید). شورای امنیت به محض دریافت خبر حمله عراق به کویت، ساعت ۱:۳۰ نیمه شب جلسه اضطراری تشکیل داد (ساعت ۵ صبح هم جلسه اصلی تشکیل شد) و براساس مواد ۳۹ و ۴۰ فصل هفتم منشور ملل متحد پیش نویس قطعنامه ۶۶۰ را با توافق کامل اعضاء تصویب کرد (کمتر از ۲ ساعت بعد از حمله عراق به کویت). در قطعنامه ۶۶۰ عراق به استناد مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد و به علت تهاجم به یک کشور عضو سازمان ملل، نقض صلح و امنیت بین المللی محکوم شد، اکیداً از عراق خواسته شد بلافاصله و بدون قید و شرط نیروهای خود را به مرزها بازگرداند. شورا بلافاصله تحریم تسلیحاتی عراق را آغاز کرد. آمریکا کلیه مبادلات تجاری با عراق را ممنوع و اموال کویت و عراق را توقیف کرد.

وزرای خارجه آمریکا و شوروی با صدور بیانیه مشترکی تهاجم عراق به کویت را محکوم کردند.

مفاد این بیانیه: تهاجم عراق نقض آشکار اساسی ترین اصول انسانی است، دو کشور اعتقاد دارند که جامعه جهانی نه تنها باید این عمل را محکوم کند، بلکه باید اقدامات عملی را در پاسخ به آن اتخاذ نماید. دولت های متجاوز باید بدانند جامعه بین المللی نمی تواند در مقابل تجاوز ساکت بماند یا آنرا سهیل کند.

آمریکا بلافاصله متن قطعنامه تحریم اقتصادی جامع (بجز غذا و دارو) را تهیه و در شورای امنیت مطرح کرد. با درخواست عربستان، نیروهای آمریکائی و انگلیسی در خاک آن کشور مستقر شدند. ترکیه و عربستان در راستای اجرای تحریم، لوله های صدور نفت عراق را بستند. صدام اعلام کرد قصد خروج از کویت را ندارد و آنرا به خاک عراق ملحق می کند. با این تصمیم صدام، بحران به اوج خود رسید.

*مقایسه سطحی قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت در ۱۹۸۰ و قطعنامه ۶۶۰ این شورا در دوم اوت ۱۹۹۰ نمایانگر رفتار دوگانه و بی عدالتی شورای امنیت و مظلومیت ملت ایران است.

(قطعنامه ۴۷۹ خواستار خویشتن داری طرفین، پایان دادن مسالمت آمیز به اختلافات، جنگ را وضعیت بین ایران و عراق خواند، حتی خواهان آتش بس یا عقب نشینی نیروهای عراقی هم نشد).

*در طول ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، شورای امنیت تنها ۸ قطعنامه (از ۱۴ قطعنامه کلی) صادر کرد اما در ۴ ماه جنگ عراق با کویت ۱۲ قطعنامه صادر کرد که علاوه بر تعداد، در محتوی هم تفاوت فاحشی دارند. شورای امنیت در خلال جنگ

عراق علیه کویت بیشترین اقدامات عملی را برای مجبور ساختن عراق برای خروج از کویت انجام داد (صدور قطعنامه های قوی، تحریم اقتصادی -سیاسی، ایجاد منطقه پرواز ممنوع و..) این تحولات نشان داد سازمان ملل و شورای امنیت بیش از هر زمانی بصورت ابزاری برای سیاست خارجی آمریکا در آمده اند.

- با افزایش فشارهای بین المللی به صدام برای خروج از کویت، صدام تلاش کرد ایران را در یک ائتلاف ضد آمریکائی با خود همراه کند. کویت هفت ماه در تصرف نیروهای عراقی بود. همچنین در همین جنگ بود که عراق موشک هایی را علیه اهدافی در عربستان و اسرائیل شلیک کرد. صدام حسین گفت، من دستور شلیک موشک های بالستیک به اسرائیل را دادم زیرا هر بلایی بر سر ما آمده از اسرائیل است. اسرائیل سیاستمداران آمریکایی را برای حمله به عراق تحریک کرده است. اسرائیل شروع کننده این حملات بود؛ زیرا در سال ۱۹۸۱ تنها نیروگاه هسته ای عراق را مورد تهاجم قرار داد.

- سرانجام در ژانویه ۱۹۹۱ دخالت نظامی بین المللی برای آزادسازی کویت آغاز شد. در همین زمان امیر کویت رسماً از آمریکا تقاضای مداخله نمود (این امر باعث مشروع جلوه دادن دخالت خودسرانه آمریکا شد و باعث شکستن بن بست در اجرای قطعنامه ۵۹۸ گردید).

- صدام طی نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس جمهور ایران موافقت خود را با پیشنهادهای مندرج در نامه ۶۹/۰۵/۱۷ آقای رفسنجانی اعلام کرد (مشروح آن در صفحه ۱۰۹ آمده است).

عملیات آمریکا برای آزادسازی کویت در سال ۱۳۶۹ شمسی (طوفان صحرا):

آمریکا و متحدانش با پشتیبانی شورای امنیت، در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۶۹ حملات هوایی گسترده ای را علیه عراق آغاز کردند. اسرائیل نیز توسط موشک های عراقی مورد اصابت قرار گرفت ولی از آنجا که نمی خواست کشورهای عرب از ائتلاف ضد عراق خارج شوند، درصدد انتقام جویی برنیامد.

برای عملیات طوفان صحرا ۳۴ کشور نیروهای خود را به منطقه خلیج فارس اعزام کردند. آمریکا و کشورهای متحد آن، دسته های بزرگی از نیروهای خود را به مرز عربستان، کویت و عراق فرستادند تا ارتش عراق را (که در آن زمان بزرگترین ارتش خاورمیانه بود) دور بزنند (آمریکا نزدیک به ۷۰۰ هزار نظامی و سایر کشورها تنها ۱۶۰ هزار نظامی به این منطقه اعزام کردند). این جنگ برای کشورهای شرکت کننده در آن اهمیت داشت (کویت قبل از اشغال، از طرفی یکی از دشمنان سرسخت اسرائیل بود و از طرف دیگر جزو کشورهای سلطنتی حوزه خلیج فارس بود که با شوروی روابط دوستانه داشت). سرانجام پس از پایان مهلت تعیین شده سازمان ملل، در صبح روز ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱، بمب افکن های سنگین اف ۱۱۱ و اف ۱۱۷ متحدین، بغداد را به شدت کوبیدند. سپس سایر هواپیماها وارد صحنه شدند. نیروهای ائتلاف حملات هوایی را طی ۳۷ روز انجام دادند. نیروهای ائتلاف از ۲۴ فوریه ۱۹۹۱ حملات زمینی را آغاز کردند.

یک نیروی زمینی که اغلب افراد آن از قوای مسلح آمریکائی، انگلیسی و تیپ های پیاده نظام بودند، ارتش صدام را در بهمن ماه سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) از کویت بیرون رانده و بخش جنوبی عراق را تا رود فرات اشغال کردند. خاموش کردن کامل حدود ۸۰۰ حلقه چاه نفت به آتش کشیده شده کویت توسط صدام، تا ۸ ماه پس از پایان جنگ به طول انجامید.

تجاوز عراق به کویت و عکس العمل استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا: هدف اصلی استکبار جهانی از تحمیل جنگ به ایران، سرنگونی نظام اسلامی بود و در مقابل اقدامات زیر را برای عراق انجام داد:

- ساخت بزرگترین مجتمع های نظامی صنعتی خاورمیانه برای عراق.

- دولت های غربی با انتقال تکنولوژی، عراق را قادر ساختند انواع سلاحهای شیمیائی، موشکهای بالستیک و .. تولید نماید.

- حمایت مالی از عراق برای خرید اسلحه و تجهیزات نظامی طی سالهای ۸۵-۱۹۸۳ به میزان بیش از ۸۰ میلیارد دلار.

- از نظر کمیت نیروی انسانی، عراق دارای چهارمین ارتش جهان بود (۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر).

- ارتش عراق دارای ۶۰۰ هواپیما، ۶۰۰۰ تانک و ...

- ارتش عراق از نظر کیفی طی ۸ سال جنگ با ایران تجارب بسیار آموخته، کار آزموده و مجرب شده بود.

ولی صدام با تمام حمایت های فوق توانست خواسته اربابان خود را برآورده کند و با قبول مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تسلیم خواسته های ایران شد.

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق و غافلگیری آمریکا، استکبار جهانی حضور چنین ارتش قوی و مجهزی را به صلاح منافع خود و منطقه نمی دانست، لذا درصدد انهدام امکانات، تجهیزات و ... عراق برآمد. آمریکا با اطلاع از خصوصیات صدام و حزب بعث (خوی تجاوزگری و ...) سناریوی حمله به کویت را مناسب دید تا به این بهانه به ارتش عراق حمله کرده و آنرا نابود نماید. آمریکا در حد اشغال جزیره بویان به صدام چراغ سبز نشان داده بود. لذا طبق اعلام معاون اول ریاست جمهوری عراق، صدام با رضایت و هماهنگی آمریکا به کویت حمله کرد.

نیروهای ائتلاف ابتدا حملات هوایی را طی ۳۷ روز انجام دادند و سپس حملات زمینی را آغاز کردند. شیوه جنگ نیروهای ائتلاف نشان داد هدف اصلی آنها انهدام تأسیسات نظامی، صنعتی و توان ارتش عراق است و خارج کردن ارتش صدام از کویت اولویت دوم آنهاست. با وجود اینکه می دانستند در حمله زمینی ارتش عراق تاب مقاومت ندارد، ابتدا طی ۳۷ روز با حملات گسترده هوایی (بیش از ۸۰۰۰۰ سورتی پرواز) بخش اعظم تأسیسات و مراکز نظامی و اقتصادی عراق را منهدم کردند سپس (بعد از اطمینان از رسیدن به هدف اصلی) با نبرد زمینی طی ۴ روز کویت را آزاد و بخشی از جنوب عراق را هم اشغال کردند (۲۷ فوریه ۱۹۹۱). حدود ۸۶۷۴۳ نفر از سربازان عراقی به اسارت آمریکائی ها درآمدند.

بی شک بخشی از خواسته های به حق مردم ایران که از جامعه جهانی مطالبه می کرد، بعد از حمله صدام به کویت محقق گردید (نامه دبیرکل سازمان ملل در ۱۳۷۰/۰۹/۱۸ در خصوص اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸).

پیامدهای حمله آمریکا به عراق

براساس قطعنامه ۶۷۰ شورای امنیت، کلیه تحرکات هواپیماها و حتی بالگردهای ارتش عراق دچار تحریم گردید. پس از شکست سنگین ارتش بعث عراق در تهاجم نیروهای نظامی ائتلاف غرب به رهبری آمریکا در جریان جنگ کویت و تحریم هرگونه پرواز در عراق توسط شورای امنیت، مردم مسلمان عراق موقعیت را غنیمت شمرده و با استفاده از ضعف رژیم بعث، در نواحی وسیعی از شمال تا جنوب این کشور، علیه رژیم صدام قیام کردند. در جریان این انقلاب که به انتفاضه شعبانیه مشهور گردید، کنترل بخش اعظمی از کشور به دست نیروهای مردمی افتاد و از ۱۸ استان عراق، ۱۴ استان از دست حکومت بعث خارج شد. در مدت بسیار کوتاهی، اکثریت شهرهای مهم عراق از جمله بصره، نجف، کربلا، عماره، کوت، ناصریه و دیوانیه در جنوب و شهرهای مهم و استراتژیک شمال عراق به دست نیروهای مردمی افتاد. در این مدت که حدود یک ماه بیشتر طول نکشید، عراقی ها با تشکیل کمیته های مردمی زیر نظر کمیته ای ۹ نفره که از سوی مرجعیت حوزه علمیه نجف اشرف (مرحوم آیت الله العظمی خوئی) تشکیل شده بود، اداره می شد.

آمریکا که خود، عراقی ها را تشویق به شورش علیه صدام کرده بود، هیچ کمکی جز کنترل منطقه پرواز ممنوع عراق نکرد. ترکیه با هرگونه اعطای استقلال به کردها مخالف بود و عربستان سعودی و سایر کشورهای محافظه کار عرب از به وجود

آمدن یک انقلاب شیعی دیگر نظیر انقلاب ایران هراس داشتند. در این هنگام، آمریکاییان و متحدانشان متوجه شدند که ناخواسته، زمینه های ایجاد حکومتی مردمی و اسلامی در عراق پا گرفته و چیزی به سقوط حزب بعث نمانده است. در این حال که تمامی فرودگاه ها و نقاط حساس نظامی و پادگان های عراق در اختیار و زیر نظر متجاوزان غربی قرار داشت و اجازه هیچ حرکت هوایی داده نمی شد، شرایط ناگهان تغییر کرد و با اشاره آمریکا، ارتش عراق، سرکوب بدون حد و مرز مردم عراق را آغاز کرد. مزدوران حزب بعث عراق برای قلع و قمع انقلابیون، حتی از به کارگیری سلاح های شیمیایی و بمب های خوشه ای و آتش زا علیه ملت خویش نیز دریغ نکردند.

در آن هنگام دو لشکر از بغداد به سوی شمال عراق، کربلا و نجف و دیگری از سوی جنوب آن به این منطقه به حرکت درآمد و برای قلع و قمع انقلابیون از سلاحهای شیمیایی و بمبهای خوشه ای و ناپالم استفاده کرده و در برخی مناطق از جمله در نجف اشرف از شصت موشک زمین به زمین اسکاد B استفاده کردند (حرکتی که هیچگاه از سوی دیکتاتورترین و خون آشام ترین رژیمهای یک قرن اخیر نیز صورت پذیرفته بود). تمامی منطقه مملو از جنازه های کشته شدگان بود که چندین روز داخل کوچه ها و خیابان ها رها شده و شمار زیادی از آنان خوراک سگهای ولگرد در بیابانها شدند. انسانهای بی گناه شامل زن و مرد، کودک و سالخورده در دسته های ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ نفره تیرباران شده و سپس در گورهای دسته جمعی دفن شدند. دامنه این جنایات به جایی رسید که صدام، محو مراکز قیام از جمله کربلا و به ویژه نجف اشرف از نقشه جغرافیای عراق را در سر می پروراند (از هیچ اهانت و جسارتی به ساحت مقدس ائمه بزرگوار مدفون در این شهرها، کوتاهی نمی کرد. او با توپ و تانک به مرقد امام حسین و مرقد حضرت علی حمله کرد. صدام همچنین بسیاری از مدارس دینی کربلا و نجف را با خاک یکسان کرد. طی این مدت، حدود سی صد الی پانصد هزار نفر توسط رژیم بعث به شهادت رسیدند. بدین ترتیب این قیام مقدس به دلیل ضعف بنیه دفاعی مردم و عدم وجود رهبری واحد و هماهنگ، سرکوب و وحشیانه ارتش صدام، سکوت مجامع بین المللی و کمک آمریکا به صدام، پس از یک ماه به شکست انجامید و برگ ننگین دیگری بر تاریخ سراسر جنایت و سیاه رژیم بعث و حامیان جهانخوار آن افزوده شد. نیروهای منافقین هم در کنار ارتش صدام نقش برجسته ای در سرکوب مردم عراق داشتند.

نیویورک تایمز: جورج بوش پدر مواضع بسیار سختی علیه ملت عراق داشت، به طوری که ابتدا از قیام شهروندان عراقی علیه صدام به شدت حمایت کرد، ولی پس از آن به نیروهای آمریکایی دستور داد تا در کنار نظامیان بعثی بایستند. پس از آن بود که هواپیماهایی صدام حسین به پرواز درآمده و به سرکوب انقلابیون پرداختند و گروه های اعدام بعثی نیز در عراق حمام خون به راه انداخته و جان هزاران شهروند عراقی را گرفتند. انتفاضه ای که در آستانه پیروزی کامل بود و حتی مردم در استان های مختلف به شادمانی می پرداختند، به دلیل حمایت آمریکا از صدام حسین به موفقیت دست نیافت.

پس از آن بود که صدام بار دیگر بر اوضاع مسلط شد و در جنایتی هولناک به کشتار و خونریزی شدید مردم در خیابان ها اقدام کرد. رژیم بعث با اعلام حکومت نظامی چند روزه، فضای خفقانی را بر جامعه حاکم ساخت و بسیاری از جوانان انقلابی در این مدت به شیوه های مختلف به شهادت رسیدند.

واقعیت آن است که استکبار جهانی پس از انهدام ارتش عراق (که فضاحت و رسوائی را برای صدام در برداشت) هنوز صدام را برای اجرای سیاست های منطقه ای خود مفید می دانست و تا یک دهه بعد هم او را بر سر قدرت نگه داشت و حتی حاضر نشد تغییر ظاهری و اسمی هم در رژیم عراق ایجاد نماید، زیرا نگران بود در عراق حکومتی مشابه ایران یا حداقل مخالف سیاست های آمریکا روی کار آید.

صدام با اصرار زیاد می خواست خود را مسلمانی مؤمن نشان دهد تا بتواند نظر گروه‌های دینی محافظه کار جامعه عراق را به خود جلب نماید. او بعضی از عناصر شریعت اسلام را به قانون عراق برگرداند. وی در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) حکم اعدام همجنس گرایان، تجاوزگران و فاحشه ها را به قوانین عراق بازگردانید و عبارت الله اکبر را با دست خط خود به پرچم عراق افزود. پس از اتمام جنگ رابطه بین آمریکا و عراق همچنان متشنج ماند. در فروردین ماه ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) سرویس امنیتی عراق تلاش کرد تا جرج دیلیو بوش (رئیس جمهور سابق آمریکا) را هنگام دیدار وی از کویت ترور نماید اما مأموران امنیتی کویت بمب کار گذاشته شده در ماشین را خنثی کردند. آمریکا در پاسخ به این اقدام در تاریخ ۵ تیر ۱۳۷۲ حمله ای موشکی به ساختمان مرکزی اطلاعات عراق در بغداد انجام داد.

تحریم های سازمان ملل همچنان بر جای خود باقی ماندند و موجب سختی اوضاع زندگی، نابودی اقتصاد و زیر ساخت های عراق شدند. سازمانهای بین المللی مانند یونسف و بهداشت جهانی (WHO) تخمین می زنند که این تحریم ها بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ (۱۹۹۱-۲۰۰۰) مرگ بین پانصد هزار تا ۲.۱ میلیون نفر عراقی را در پی داشته است. سازمان ملل در ۱۸ آذر ۱۳۷۵ به دولت عراق اجازه داد تا مقدار محدودی از نفت خود را در ازای دریافت غذا و دارو به فروش برساند.

سیاستمداران آمریکائی همچنان صدام را به تخلف از موارد آتش بس متهم می کردند (توسعه سلاحهای کشتار جمعی و دیگر سلاحهای ممنوعه، خودداری از انتشار اطلاعات درباره این سلاحها و تخلف از تحریم های سازمان ملل و رعایت منطقه پرواز ممنوع). حملات نظامی یکطرفه آمریکا و انگلیس گاه و بیگاه در عراق انجام می شد که بزرگترین آن عملیات **روباه صحرا** نام داشت که در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) انجام شد. دلیل اصلی بحران ها بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ که موجب بمباران شدید عراق از سوی انگلیس و آمریکا (از ۲۵ تا ۲۸ آذر ۱۳۷۷) شد، در اختیار داشتن سلاح های غیرقانونی توسط عراق اعلام شد. دو سال پس از فعالیت های مداوم، جنگنده های آمریکایی و انگلیسی در بهمن ماه سال ۱۳۸۰ با شدت بیشتری به پایگاه های نزدیک بغداد حمله کردند.

همکاری عراق با بازرسان سازمان ملل در طول دهه ۹۰ میلادی متناوب بود. دسترسی بازرسان به پایگاه های مورد نظر، نهایتاً در سال ۱۹۹۸ م. قطع شد. با این حال، آمریکا هنگامی که صدام را خطری برای منافع خود احساس کرد، در یورش وحشیانه و سناریویی از پیش تعیین شده، با حمله به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ م، موجبات سقوط وی در ۹ آوریل آن سال را فراهم آورد و دور جدیدی از تجاوز و اشغالگری در این کشور آغاز شد.

جنگ دوم نیروهای ائتلاف با عراق (**اشغال عراق یا عملیات آزادسازی عراق**) یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ م، با حمله یک ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا، بریتانیا و لهستان به عراق آغاز شد ولی ۲۹ کشور دیگر نیز با فرستادن بخشی از نیروهای نظامی و لجستیکی خود به همراهی با نیروهای ائتلاف، در اشغال عراق نقش داشتند.

این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکا در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ بطور رسمی خاتمه یافت. هر چند هنوز حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکائی عمدتاً برای آموزش نیروهای عراقی، در این کشور باقی مانده اند. زمان خروج این نیروها هم با توافق دو کشور تا پایان سال ۲۰۱۱ اعلام شده است.

دو دلیل عمده برای آغاز این جنگ توسط جورج بوش مطرح شد (رابطه صدام حسین با القاعده و دیگری نابود کردن سلاحهای کشتار جمعی عراق طبق توافق نامه ۱۹۹۱ بود). در سال ۱۳۸۲ صدام از نظر آمریکایی ها همچنان به عنوان تهدیدی برای هم پیمانان غرب (کشور نفت خیز عربستان سعودی و اسرائیل)، خطری برای محموله های نفتی خلیج فارس و ثبات خاورمیانه به شمار می رفت. بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا (۱۳۷۲-۱۳۸۰) تحریمهای اقتصادی تازه ای در کنار

تحریمهای نظامی برای عراق وضع و منطقه پرواز ممنوع را نیز کنترل کرد. کلیتون در سال ۱۹۹۸ لایحه آزادسازی عراق را امضاء کرد. این لایحه بر **تغییر رژیم عراق** به منظور بازگشت عراق به **خانواده بین المللی** تأکید داشت. پس از آن به زودی عملیات سه روزه روباه صحرا انجام گرفت و طی آن کارخانه های تولید سلاح صدام منهدم شدند. پس از حملات ساختگی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) توازن سیاسی داخل آمریکا تغییر کرده و باعث شد تا نومحافظه کاران بتوانند در مدیریت کشور آمریکا در واشنگتن تأثیر به سزایی داشته باشند. رئیس جمهور آمریکا جرج بوش (پسر) در بیانیه اتحاد خود به کنگره، در دی ماه ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) از **محور شرارت** (که به زعم وی از کشورهای ایران، عراق و کره شمالی تشکیل شده اند) سخن گفت. همچنین او احتمال داد که برای براندازی دولت عراق از زور استفاده خواهد کرد. او اعلام کرد: رژیم عراق طرح تولید گاز اعصاب و سیاه زخم و سلاحهای اتمی را به مدت یک دهه دنبال کرده است، عراق همچنین در صدد است دشمنی خود را به آمریکا نشان دهد و از تروریسم حمایت کند. دولت و ارتش عراق در طول سه هفته پس از حمله آمریکا و هم پیمانانش در ۲۹ اسفند ۱۳۸۱ (۲۰۰۳) نابود شد. با شروع ماه آوریل (اواسط فروردین) نیروهای ائتلاف بخش زیادی از عراق را اشغال کرده بودند.

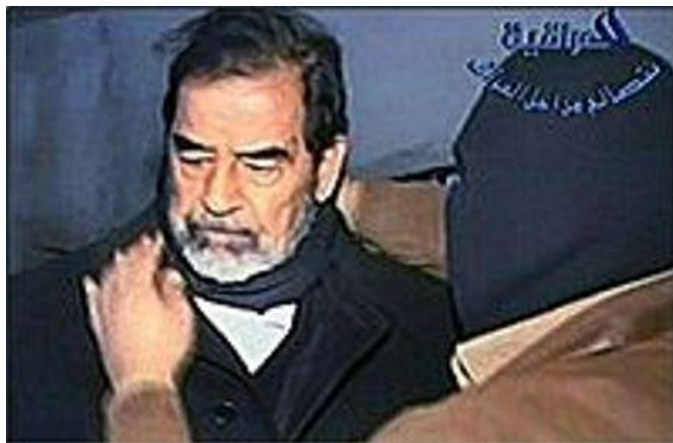
لیست کشورهای مشارکت کننده در جنگ خلیج فارس

ردیف	نام کشور	تعداد سرباز (نفر)	ردیف	نام کشور	تعداد سرباز (نفر)
۱	آمریکا	۵۷۵۰۰۰	۱۲	امارات متحده عربی	۲۰۰۰
۲	عربستان سعودی	۵۲۰۰۰	۱۳	مراکش	۲۰۰۰
۳	ترکیه	۵۰۰۰۰	۱۴	بنگلادش	۲۰۰۰
۴	بریتانیا	۴۳۰۰۰	۱۵	عمان	۹۵۰
۵	مصر	۳۵۰۰۰	۱۶	نیجر	۵۰۰
۶	سوریه	۱۶۰۰۰	۱۷	بحرین	۲۰۰
۷	فرانسه	۱۴۶۶۳	۱۸	سنگال	۲۰۰
۸	کویت	۷۰۰۰	۱۹	چکسلواکی	۲۰۰
۹	پاکستان	۵۵۰۰	۲۰	هلند	۲۰۰
۱۰	کانادا	۴۵۰۰	۲۱	هندوراس	۱۵۰
۱۱	اسپانیا	۳۰۰۰	۲۲	افغانستان	۱

دستگیری و اعدام صدام حسین

صدام ۳۳ سال فرمانروای مطلق عراق بود. هشتم آوریل سال ۲۰۰۳ بغداد، پایتخت عراق به اشغال ارتش آمریکا و متحدانش درآمد که با به زیر کشیدن مجسمه صدام حسین سرنگونی حکومت او بر عراق را رقم زدند. فردای آن روز، جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا رسماً پایان جنگ و سرنگونی حکومت حزب بعث به رهبری صدام حسین را اعلام کرد. مردم ستمدیده عراق، سرانجام روز هشتم آوریل سال ۲۰۰۳ از بیغوله های خود سر بیرون آوردند، تا به چشم خود فرار " رهبر امت عرب " را تماشا کنند. صدام حسین در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۸۳ (۳۰ ژوئن ۲۰۰۴) بعد از دستگیری تحویل دولت موقت عراق شد تا به اتهام جرایم جنگی، جرایم ضد بشری و قتل عام محاکمه گردد. در طول این محاکمه توجه ویژه ای به فعالیت های وحشیانه وی علیه کردهای شمال عراق در طول جنگ با ایران و علیه شیعیان جنوب عراق در خلال سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ شد. بالاخره صدام در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۸۵ (۳۰ دسامبر ۲۰۰۶) و در ساعت ۶:۰۷ به وقت محلی به دار آویخته شد.

در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ با برگزاری مراسمی رسمی در فرودگاه بغداد واقع در منطقه سبز بغداد، با حضور لئون پانتا (وزیر دفاع وقت آمریکا)، آمریکا رسماً "به حضور نظامی خود در عراق پایان داد. پانتا طی سخنرانی در مراسم فوق گفت جنگ عراق دارای ارزش بسیاری در خونها و دلارها برای ما بود، حدود ۷۵۰ میلیارد دلار هزینه، ۴۵۰۰ کشته و ۳۲۰۰۰ مجروح، برای ایالات متحده در بر داشت. با خروج این نیروها، فقط ۱۵۹ نیروی نظامی در سفارت آمریکا در بغداد باقی می ماند و سایر نیروها به کویت یا به وطن مراجعت می کنند. این مراسم پایانی بدون حضور رئیس جمهور و نخست وزیر عراق برگزار شد.



لحظاتی پیش از اعدام صدام. تصویر برگرفته شده از تلویزیون عراق.



مراسم تحویل اداره عراق به دولت این کشور در منطقه سبز بغداد در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱

نتایج اشغالگری نظامی آمریکا در عراق:

نتایج مثبت:

- ۱- آزاد سازی مردم عراق از ظلم و ستم صدام با برکناری صدام و انحلال حزب بعث.
- ۲- سرنگونی صدام و از بین رفتن حزب بعث که می توانست برای ایران، کویت، منطقه و جهان خطرناک باشد.
- ۳- از بین رفتن دیکتاتوری و برقراری حکومت مردمی در عراق.

نتایج منفی:

- ۱- وقوع درگیری های طایفه ای در عراق که سال ها به طول انجامید.
- ۲- قربانی شدن صدها هزار تن از مردم عراق.
- ۳- حمله آمریکا به عراق بر موج خشونت های داخلی در این کشور دامن زد.

۴- ایجاد تفرقه و خطر تجزیه عراق (خودمختاری اقلیم کردستان از حکومت مرکزی).

۵- ایجاد ناامنی در عراق و منطقه.

۶- اشغال رسمی عراق توسط آمریکا.

۷- رسوایی زندان ابوغریب.

۸- تسلط آمریکا بر چاههای نفتی عراق.

۹- منفور شدن بیشتر آمریکا نزد ملت ها.

۱۰- سنگینی هزینه سرسام آور جنگ بر دوش مردم آمریکا.

والسلام علیکم - پایان

ضمیمه ۱- علل دوستی سوریه با ایران در جنگ تحمیلی (فقط برای مطالعه):

- قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حافظ اسد (۱۹۷۰ رئیس جمهور سوریه شد) با شاه ایران مخالف بود چون شاه طرفدار اسرائیل بود، به همین دلیل انقلابیون ایران را در خاک خود می پذیرفت (دکتر چمران، شهید محمد منتظری و...).

- مهمترین ارتباط اسد با امام موسی صدر بود (دهه هفتاد میلادی) که از مخالفین شاه و رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان بود (شخصیت بارز شیعه ایرانی الاصل که در ۱۹۵۹ در لبنان مستقر شد و طی ۱۹ سال فعالیت سیاسی خود در جامعه شیعه لبنان همبستگی و اتحادی بی نظیر ایجاد کرد. ایشان دوست صمیمی، مورد اطمینان و هم پیمان حافظ اسد بود. ایشان حلقه اتصال امام با جناح حافظ اسد در دهه هفتاد و از پیشگامان محور دمشق- تهران در دهه هشتاد بود. او در شهریور ۱۳۵۷ طی سفری به لیبی بطور مرموزی ناپدید شد. این غم بزرگی برای اسد بود مانند خروج مصر در زمان انور سادات از صف کشورهای مبارز عرب).

- دعوت از امام خمینی در اکتبر ۱۹۷۸ به سوریه بعد از اخراج ایشان از عراق و قبل از رفتن به فرانسه.

- ارسال قرآن طلاکوب به عنوان هدیه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای امام (توسط وزیر اطلاع رسانی احمد اسکندر احمد).

- آمدن وزیر امور خارجه سوریه (عبد الحلیم خدام) در اوت ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به تهران، ایشان طی مصاحبه ای گفت: انقلاب ایران بزرگترین اتفاق تاریخ معاصر است و سوریه افتخار می کند که از انقلاب ایران در **آغاز شکل گیری**، زمان **اوج گیری** و **بعد از پیروزی** حمایت کرده است.

- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسد تلاش کرد سایر سران عرب را قانع کند تا به ایران نگاه دیگری داشته باشند چون بعد از انقلاب، ایران از جبهه آمریکا و حامی اسرائیل تغییر مسیر داده و ضد امپریالیسم و اسرائیل و طرفدار آرمان فلسطین شده بود. ایشان استدلال می کرد که امام توانسته یکی از دهانه های گاز انبری که (شاه و اسرائیل) طی سه دهه اعراب را تحت فشار قرار داده بودند، بشکند. سقوط شاه ضربه هولناکی به منافع آمریکا و اسرائیل وارد کرده بود.

- اسد با عراق خصومت داشت، بعد از هم پیمانی سادات با اسرائیل تا حدودی خصومت را کاهش دادند اما بعد از کشف توطئه در ۲۸ جولای ۱۹۷۹ علیه صدام دوباره خصومت ها آغاز شد.

- در داخل عراق حسن البکر و افراد دیگری تمایل داشتند با سوریه کشور واحدی را تشکیل دهند (البکر رئیس جمهور، اسد معاون و صدام مقام سوم باشد که خیلی مطرح نشود). صدام از این توطئه خبردار شد و در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۹ که اسد برای طرح وحدت به عراق رفت، صدام به فرودگاه نرفت، البکر را سرنگون کرد و طرفداران وحدت را کشت با سوریه هم قطع رابطه کرد (تنها راهی بود که صدام فرد شماره ۱ باشد).

- انقلاب ایران تنش بین سوریه و عراق را عمیق تر کرد چون دو کشور نگاه متضاد به ایران بعد از انقلاب داشتند. سوریه اسرائیل را دشمن اصلی می دانست عراق ایران را. اسد از همان ابتدای حمله عراق به ایران این حرکت را محکوم کرد (چون نوعی حماقت بود، باعث تضعیف اعراب و غفلت از آرمان فلسطین شده بود).

- اسد نگران پیروزی عراق بود چون در آن صورت بین دو دشمن پیروز قرار می گرفت (عراق و اسرائیل) و سوریه محاصره می شد.

- بعد از شروع جنگ تصمیم اسد در دوستی ایران قاطع تر شد و حمایت مجدانه جنگی از ایران را آغاز کرد:

۱- اسد طی سفری به مسکو بیانیه مشترکی با لئونید برژنف (رهبر وقت شوروی) صادر و بر حق تعیین سرنوشت ایران بدون دخالت خارجی تأکید شد.

۲- سران شوروی هم در آن زمان چون از اخراج آمریکایی ها از ایران خوشحال بودند، به سوریه و لیبی اجازه دادند سلاح های روسی را به ایران بفروشند. یک پل هوایی بین سوریه و ایران و یک پل هوایی بین لیبی و ایران برای ارسال سلاح برقرار شد.

- در مقابل، عراق هم واکنش تندی نشان داد، و در اوت ۱۹۸۰ به سفارت سوریه در بغداد حمله کرده و اکثر کارمندان آنرا به اتهام قاچاق سلاح برای دشمنان شیعه صدام (در داخل عراق) اخراج کرد و در ۱۲ اکتبر ۱۹۸۰ روابط بغداد با سوریه کاملاً قطع شد. هرچه دشمنی بغداد با سوریه بیشتر می شد، اسد به ایران نزدیکتر می شد.

- در ۱۹۸۲ سوریه مرزهایش با عراق را بست، خط لوله انتقال نفت عراق از خاک سوریه را مسدود کرد، با ایران پیمان نامه تجاری گسترده ای منعقد کرد که برای سوریه دستیابی به نفت با قیمت ترجیحی را برای سالیان طولانی تضمین می کرد. سفرهای زیارتی ایرانیان به سوریه هم افزایش یافت.

- تعبیر جالب حافظ اسد از شخصیت امام خمینی (ره): آقای محسن رفیق دوست (وزیر سابق سپاه) تصریح کرد: قبل از جنگ یک روز پیش حافظ اسد رستم و او شخصیت امام (ره) را اینطور تشریح کرد که: "در تاریخ چند صد سال اخیر، دنیا، انسانی به ویژگی امام به خود ندیده و امام شخصیتی است که دوستانش به او عشق می ورزند و دشمنانش به او احترام می گذارند" و معتقد بود باید از جایی که امام در آن حکومت می کند، حمایت کند.

ضمیمه ۲- کردهای عراق، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و انگیزه های ایران و عراق از انعقاد آن:

بعد از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، کردها که از تسلط عثمانی ناراضی بودند، سرتیپ شریف پاشا سفیر سابق عثمانی در سوئد را که کرد بود به کنفرانس پاریس اعزام کردند. او با تلاشهای خود موفق شد در قرارداد Sevres 1920 (که بین نمایندگان دولت های عثمانی و متفقین که فاتحین جنگ جهانی اول بودند تشکیل شده بود) در مواد ۶۲، ۶۳ و ۶۴ مقرراتی به سود کردها به تصویب رساند. موافقت شد ۶ ماه بعد از امضای قرارداد فوق- در نواحی که اکثریت جمعیت آن کرد هستند- جنوب غربی ارمنستان، بخشهایی از ترکیه، عراق و سوریه- حکومت خودمختار کرد تشکیل شود. در مورد **موصول** توافق شد چنانچه خودشان بخواهند و جامعه ملل هم آنان را واجد صلاحیت استقلال تشخیص دهد، انگلیس و فرانسه هم با الحاق آنها به منطقه کرد نشین مخالفتی نخواهند داشت.

در جنگ جهانی اول ایران اعلام بی طرفی کرد ولی از طرف عثمانی، روس و انگلیس بخش زیادی از کشور اشغال شد. هیئتی از ایران برای اظهار خواست های ایران و شرکت در کنفرانس پاریس اعزام شد ولی با دخالت **انگلیس** از طرح درخواست ایران جلوگیری گردید و در مواد بالا (۶۲، ۶۳ و ۶۴) صریحاً ایران و کردهای ایرانی **مستثنی** شده بودند.

بعد از پیروزی مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) متفقین در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ در لوزان سوئیس ناگزیر به عقد قرارداد جدیدی با دولت ترکیه (که جانشین عثمانی شده بود) شده و بخشی از اراضی کرد نشین را به ترکیه واگذار کردند.

ملا مصطفی بازرانی در سال ۱۹۰۱ متولد شد و از همان ابتدای جوانی (۱۹۳۲) در کنار برادر بزرگتر خود (شیخ احمد) به مبارزه با دولت عراق مشغول بود. کردهای شمال عراق به رهبری ملا مصطفی بازرانی از آوریل ۱۹۵۶ درگیر مبارزه مسلحانه با دولت بعثی عراق بودند.

عراق تعداد زیادی از کردها را به زور از نواحی نفت خیز شمال به روستاهای جنوب کشور که اکثریت آنها عرب بودند، کوچ داد و بجای آنها اعراب را ساکن کرد.

ارتش ایران در ۲۴ اسفند ۱۳۲۵ (۱۵ مارس ۱۹۴۷) به بارزانیهای اشنویه حمله کرد و حکومت آنان را منحل نمود. ملا مصطفی زنان، کودکان و پیرمردان بارزانی را در نقطه مرزی گلی قادر تسلیم ارتش ایران کرد و با تفنگچیان خود به عراق برگشت ولی به علت فشار ارتش عراق مجدد در خرداد ۱۳۲۶ به ایران آمد، این طرف مرز هم مورد حمله ارتش ایران قرار گرفت و با گروه ۵۰۰ نفره و با شجاعتی که ابراز داشتند با عبور از رود ارس در هفدهم ژوئن ۱۹۴۷ وارد شوروی شدند. نیروهای ملامصطفی ۱۱ سال در شوروی ماندند و از حمایت و احترام آن دولت برخوردار شدند.

عبدالکریم قاسم، پس از یک کودتای نظامی (۱۴ جولای ۱۹۵۸)، به حکومت پادشاهی عراق پایان داد، قدرت را به دست گرفت و در نخستین بیانیه ای که صادر کرد، برابری حقوق کرد و عرب را در عراق اعلام داشت. بعد از روی کار آمدن عبدالکریم قاسم و دعوت او، بارزانی (هفتم اکتبر ۱۹۵۸) به عراق بازگشت و در فرودگاه بغداد به عنوان قهرمان ملی که سالها علیه دولت استعمار انگلیس و حکومتهای پادشاهی عراق و ایران جنگیده است، مورد استقبال گرم مقامات دولتی و مردم عراق قرار گرفت ولی بعد از مدتی بین آنها اختلاف افتاد و عراق در ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۱ اقامتگاه ملامصطفی را در روستای بارزان بمباران کرد.

در هشتم فوریه ۱۹۶۳ حزب بعث با حمایت انگلیس اقدام به کودتا کرد و دولت عبدالکریم را ساقط کرد. بعد از قاسم، عبدالسلام عارف رئیس جمهور و حسن البکر نخست وزیر هم به مخالفت با کردها برخاستند و در ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳ با بارزانی به جنگ پرداختند. در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ حسن البکر از نخست وزیری برکنار و عارف در ۱۰ فوریه ۱۹۶۴ با کردها آتش بس برقرار کرد. به علت خودداری دولت از به رسمیت شناختن حقوق کردها که در قانون اساسی هم آمده بود، در ۴ مارس ۱۹۶۵ جنگ با کردها مجدد آغاز شد. به علت بمبارانهای سنگین عراق، بارزانی در ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) با نیروهای خود به ایران آمد و با رهبر کردهای ایران (قاضی محمد) همکاری کرد. عارف در ۱۴ آوریل ۱۹۶۶ در اثر سقوط هلیکوپتر کشته شد، برادرش عبدالرحمن به ریاست جمهوری رسید و در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۶ آتش بس برقرار شد. بعد از کودتای بدون خونریزی حزب بعث (هفدهم ژوئیه ۱۹۶۸) حسن البکر به ریاست جمهوری رسید (به این ترتیب حزب بعث پس از پنج سال، دوباره بر امور کشور مسلط شد) و چهارمین جنگ عراق با بارزانیها در گرفت و بیش از ۱۴ ماه طول کشید (آوریل ۱۹۶۹). چون دولت بعثی قادر به سرکوب بارزانی نبود، درخواست آتش بس نمود و طبق موافقتنامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ جنگ بین آنها خاتمه یافت. طبق این توافق، دولت عراق وجود ملت کرد، حقوق فرهنگی و قومی، تدریس زبان کردی در مدارس، تأسیس دانشکده در سلیمانیه و ... را به رسمیت شناخت ولی بعد از حاکمیت مجدد ایران بر جزایر سه گانه (۱۳۴۹/۰۵/۲۳) عراق ضمن اقدامات خصمانه علیه ایران، حدود ۵۰/۰۰۰ ایرانی (۴۰۰۰۰ نفر اینها کرد بودند) که سالیان دراز ساکن عراق بودند اخراج کرد و اموال آنان را مصادره نمود. سختگیری علیه کردها بیشتر شد و گروه گروه آنها را اخراج و اعراب را جایگزین کرد.

عراق در هشتم آوریل ۱۹۷۲ با اتحاد شوروی قرارداد ۱۵ ساله همکاریهای اقتصادی، نظامی و سیاسی منعقد کرد. این امر باعث گرایش بارزانی به شاه ایران و غرب گردید.

عراق در ۱۱ مارس ۱۹۷۴ طرح خود مختاری کردستان عراق را بدون نظر خواهی از بارزانی ارائه داد (هدف دولت کوچک کردن ناحیه کرد نشین بود، قرار بود از ۸۰ عضو مجلس منطقه خود مختار، ۷۲ نفر را رئیس جمهور عراق تعیین نماید). عراق چون واکنش منفی کردها را پیش بینی کرده بود، با تجهیز ارتش و تدارکات وسیع نظامی در ۲۶ مارس ۱۹۷۴ پنجمین جنگ با کردها را آغاز کرد. کردها به سوی دره شومان (مقر فرماندهی ملامصطفی) سرازیر شدند. به دلیل محدودیت پذیرش آوارگان کرد، تعدادی به ایران پناهنده شدند و جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران اردوگاههایی را در نقاط مرزی برای آنان برپا کرد. کردهائی که در عراق ماندند شرایط سختی داشتند، عراق منطقه کردستان را تحریم اقتصادی، غذایی و داروئی کرد. فدراسیون بین المللی حقوق بشر از ۳۱ اکتبر تا ۱۱ نوامبر ۱۹۷۴

از آن منطقه بازدید و گزارشهای دردناک و تکان دهنده از وضعیت آنان تهیه کرد. در این شرایط اسف بار دولت عراق بی رحمانه آنان را زیر آتش گرفته بود تا مقاومت آنها را بشکند.

پس از روبرو شدن با حملات بی رحمانه صدام، بارزانی بخاطر دوستی قدیمی از شوروی کمک خواست ولی این بار شوروی توجهی نکرد (شوروی با انعقاد قرارداد ۱۵ ساله با عراق برای اولین بار موفق شده بود جای پائی در خلیج فارس باز کند و حفظ دوستی با صدام را به رعایت حال ملامصطفی ترجیح می داد). بارزانی ناچار به کشورهای بیگانه روی آورد، شاه ایران برای تضعیف عراق و وادار کردن صدام به قبول خط تالوگ در اروندرود علاقه مند به کمک به بارزانی بود ولی ملامصطفی به شاه **اعتمادی** نداشت و خواهان کمک و ضمانت آمریکا بود.

با ورود نیکسون در ۳۰ می ۱۹۷۲ به تهران، شاه موضوع را با او در میان گذاشته بود. نیکسون اعتقادی به کمک حتی بصورت غیر مستقیم به بارزانی نداشت (نگران بود تمایلات جدائی طلبی در کردها تقویت شود و شوروی برای ایران و ترکیه که از متحدان آمریکا بودند و اقلیت نیرومند کرد در آنها ساکن بود مزاحمت هائی را ایجاد کند). با سفارش جان کانالی وزیر سابق دارائی آمریکا، نیکسون قبول کرد که حداکثر ۱۶ میلیون دلار از طریق شاه ایران به بارزانی کمک کند. شاه اسلحه، تجهیزات و تدارکات فراوانی به بارزانی رساند و آنان با شجاعت هائی که ابراز داشتند، ارتش عراق را به ستوه آورده و تلفات سنگینی به آنها وارد کردند. پایداری سرسختانه کردها، ارتش عراق را از توان انداخت (هرچه بمب داشتند بر سر کردها ریختند. *صدام در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ هنگام پاره کردن قرارداد الجزایر فاش کرد که هنگام موافقت با قرارداد الجزایر، نیروی هوائی عراق فقط ۳ بمب دیگر در اختیار داشت). این کاهش شدید مهمات بیانگر شدت خشونت و قاطعیت صدام برای سرکوب کردها و ناتوانی در این امر است. قدرت بارزانی و ضعف ارتش عراق در سرکوبی کردها، باعث شد کردستان عراق بطور کامل از نفوذ حکومت مرکزی عراق خارج شود. صدام در کنفرانس سران اسلامی (۹-۶ بهمن ۵۹) در طائف عربستان گفت تعداد تلفات و مجروحان عراق (نظامیان و ...) در نبرد با کردها به ۶۰/۰۰۰ نفر رسید.

صدام به درستی دریافت تا زمانی که حمایت ایران از کردها ادامه دارد:

۱- امکان سرکوبی کردها وجود ندارد.

۲- ادامه نبرد باعث وارد شدن تلفات بیشتر به عراق می شود.

لذا مصلحت قدرت خود را در سازش هرچه سریعتر با ایران بر سر خط تالوگ دانست. صدام با امضای قرارداد الجزایر از جدی ترین خطر تهدید کننده قدرت سیاسی و حیثیت جاه طلبی خود (کردها) رهائی یافت. ایران و عراق ۱۵ روز به کردها مهلت دادند که به عراق برگردند و مشمول عفو عمومی شوند یا به ایران پناهنده شوند. شاه ایران در اجرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر چنان سخت گیری، جدیت و شتاب کرد که ۸ ساعت بعد از امضای آن، کامیونهای ایرانی توپخانه سنگین ۱۵۵ میلیمتری و بسیاری از تجهیزات جنگی را که به کردها داده شده بود، بار کرده به سوی ایران حرکت کردند. با قطع کمکهای همه جانبه ایران به کردها (که تکیه گاه اساسی آنان بود) با چنان دشواریهایی مواجه شدند که شرایط بسیار نگران کننده ای داشتند. اقدام سریع ایران در قطع کمک به کردها باعث نارضایتی در افکار عمومی مردم ایران (که دل بستگی به کردها داشتند) گردید. شاه با توجه به سابقه تمایلات خودمختاری کردهای ایران طی سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵، و همکاری آنان با فرقه دمکرات آذربایجان به حضور کردهای بارزانی در ایران بدگمان بود.

پناهنده شدن و اقامت تعداد زیادی از بارزانیها در ایران مسائل زیر را در پی داشت:

۱- به علت روابط نزدیک آنان با کردهای ایرانی مشکلاتی را برای امنیت و تمامیت ارضی ایران بوجود آورد.

۲- پناه دادن به تعداد زیادی از کردهای بارزانی، اعتماد میان ایران و عراق را خدشه دار می کرد و این احتمال تقویت می شد که ایران در برنامه های آینده از کردها برای فشار به عراق استفاده کند.

ملا مصطفی‌زمانیکه اصلاً تصور نداشت و با توجه به ناگهانی بودن توافق ایران و عراق، خود را در دشوارترین شرایط در طول سالیان دراز مبارزه روبرو دید. ابتدا در ۲۰ اسفند ۱۳۵۴ (۱۱ مارس ۱۹۷۵) جلسه‌ای با سران بارزانی تشکیل داد و پس از مذاکره تصمیم خود را بر ادامه مبارزه با دولت عراق اعلام داشت ولی ۷ روز بعد در تصمیم خود تجدید نظر کرد و در ۲۷ اسفند ۱۳۵۴ انصراف خود را از تداوم مبارزه به سران بارزانی اعلام کرد. ملا مصطفی خود به ایران پناهنده شد، همه کردهای بارزانی را آزاد گذاشت که به میل خود به عراق برگردند یا به ایران پناهنده شوند. ایشان با توجه به قطع کامل کمکهای ایران، به ویژه تعهد ایران در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مبنی بر جلوگیری از نفوذ کردها بداخل عراق، دشواریهای ادامه مبارزه را پیش بین کرده بود لذا طی مصاحبه‌ای با کیهان اظهار کرد: می‌توانستم به مبارزه ادامه دهم ولی به این نتیجه رسیدم که جز ویرانی و خونریزی فایده‌ای نداشت. به این ترتیب جنگ بارزانیها با دولت عراق، بعد از ۴۰ سال و در اوج قدرت کردها یکباره فروکش کرد، جنگجویان بارزانی بدون قید و شرط و گروه گروه تسلیم شدند.

صدام: قرارداد الجزایر در زمان خود یک رویداد مهم بود، بلافاصله بعد از امضای آن شورشیان کرد متلاشی و تسلیم شدند. **درس مکرر تاریخ:** تمام رهبرانی که بجای تکیه اساسی به ملت خود، به بیگانگان تکیه می‌کنند، با تغییر منافع بیگانگان، ناگهان کمکهای خود را قطع کرده و چنین رهبری را بین دو راهی مرگ و زندگی قرار می‌دهند. فقط ملت، مطمئن‌ترین تکیه‌گاه است و تنها نیروئی است که تا آخرین حد توان در جهت تحقق آرمانهای ملی خود مبارزه می‌کند.

مقدمات و علل شکل‌گیری قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر: در ۱۹۷۴ هر دو کشور ایران و عراق علاقه مند به رفع تنش و برقراری امنیت در مرزها بودند. نماینده ایران در شورای امنیت علاقه مندی ایران را برای مذاکره و انعقاد یک قرارداد جدید که کلیه اختلافات را حل و فصل نماید اعلام کرد. دولت بعثی عراق هم (با توجه به قدرت برتر نظامی ایران) ادامه درگیری‌ها را جایز ندیده و خواهان مذاکره مستقیم بود. هر دو کشور از قطعنامه ۳۴۸ (مصوب اسفند ۱۳۵۲) شورای امنیت استقبال کرده و بدون هیچ پیش شرطی مذاکرات مستقیم را آغاز کردند. مذاکرات در استانبول از ۱۲/ اوت/ ۱۹۷۴ (۱۳۵۳/۰۵/۲۱) آغاز شد و ۱۷ روز طول کشید. عباسعلی خلعتبری و شاذل طاقه در (۱۳۵۳/۰۷/۱۹) هنگام شرکت در جلسه سالیانه سازمان ملل در نیویورک مذاکرات را ادامه دادند. ایشان مجدداً از ۲۶ تا ۳۰ دیماه ۱۳۵۳ در استانبول مذاکره کردند. زمینه‌های مناسبی که مذاکرات شاه ایران و صدام حسین با صراحت کامل و علاقه هر دو به رسیدن به یک راه حل نهائی به وجود آورده بود، در موفقیت مذاکرات بسیار مؤثر بود.

برخی از نکات مهم قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر:

- ۱- هر دو کشور بطور رسمی اعلام می‌کنند که منطقه خلیج فارس باید مصون از هرگونه مداخله بیگانگان باشد (ولی راه اندازی دو جنگ توسط صدام علیه ایران (۱۳۵۹/۶/۳۱ شمسی) و کویت (۱۳۶۹/۵/۱۱) پای بیگانگان را به منطقه باز کرد).
- ۲- حضور دولت الجزایر با روحیه بی طرفی که واقعاً قصد حل مشکلات را داشته و مذاکره مستقیم بین رهبران دو کشور را تسهیل می‌کنند (نه مثل نیت جانبدارانه انگلیس طی ۵۰۰ سال قبل از ۱۹۷۵).
- ۳- طبق توافق دو طرف، نماینده دولت الجزایر در تمامی نشست‌های مشترک دعوت خواهد شد. جلسات به تناوب در تهران و بغداد تشکیل می‌شود.
- ۴- شاه و صدام صمیمانه از رئیس‌جمهور الجزایر تشکر می‌کنند که با روحیه بی طرفی و برادرانه به تنشهای چند صد ساله پایان داده و فصل جدیدی از روابط دوستانه بین دو کشور ایجاد کرد که در جهت منافع دو کشور و منطقه است.
- ۵- در جلسه اوپک جمشید آموزگار (وزیر دارائی و نماینده ایران در اوپک) و دکتر محمد یگانه (وزیر اقتصاد) هم حضور داشتند ولی گفتند: شاه به تنهایی با صدام مذاکره کرد، وزارت خارجه ایران هم اطلاع چندانی از موضوع نداشته، صدام از بومدین تقاضای میانجیگری کرده شاه هم پذیرفته بود، متن قرارداد را مشاوران عراقی تهیه کرده بودند (به احتمال زیاد).

۶- هر دو کشور متوجه شده بودند که دخالت های انگلستان عامل اصلی مشکلات دو کشور است و این موضوع طی چندصد سال باعث زیانهای سنگین به طرفین شده بود، مردم دو کشور (که پیوندهای مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی فراوانی داشتند) از هم فاصله گرفته بودند و روابط خصمانه شده بود. ادامه اختلافات به ضرر هر دو کشور بود. همکاری دو کشور که منابع سرشاری در اختیار داشتند، می توانست عامل پیشرفت و رفاه دو ملت باشد. در مقدمه عهدنامه ۱۹۷۵ به اراده صادقانه دو طرف، پیوندهای طولانی تاریخی، تمدن (قبل و بعد از اسلام)، فرهنگی و مذهبی دو ملت اشاره شده است. برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه بین دو کشور، تجدید دوستی ها، احترام به تمامیت ارضی طرفین و

۷- بند اول قرارداد به نفع عراق شد چون ایران پروتکل ۱۹۱۳ استانبول و صورتجلسات ۱۹۱۴ تهران که به امضای مقامات و مجلس ایران نرسیده بود قبول نداشت ولی با امضای قرارداد الجزایر ایران رسماً آنها را پذیرفت (اراضی نفت خیز خانقین به عراق واگذار شد).

۸- بند ۲ قرارداد که مهمترین مشکل در روابط چندین ساله بود به نفع ایران حل شد (گرچه طبق عرف بین الملل و کنوانسیون ۲۰ آوریل ۱۹۲۲ (Barcelona 1922) خط مرزی زمانی که رودخانه ای بین مرز دو کشور واقع شود، براساس خط تالوگ تعیین می شد و عراق به قوانین بین المللی عمل کرد ولی آنچه عراق و عثمانی بر حاکمیت مطلق شط العرب می خواستند، عملی نشد و حاکمیت ایران در حدود ۸۱ کیلومتر از مرز مشترک در اروندرود تثبیت شد.

۹- بند ۳ نوعی پیروزی برای عراق بود که کردهای بارزانی را خطری جدی برای حاکمیت خود می دید (قبل از آن با حمایت ایران، کردها ضربات فراوانی به ارتش عراق وارد کرده و مشکلات داخلی فراوانی برای عراق ایجاد کرده و حزب بعث را شدیداً تحت فشار قرار داده بودند. ایران از نظر اخلاقی متحمل شکست سنگینی شد چون کردها با ایرانیان هم نژاد هستند و همواره از اینکه تابع ترک ها یا عرب ها باشند ناراضی بودند و ضمناً ایران به آنها قول همکاری داده بود و به نوعی مدیون آنها بود). دولت ایران بزرگترین تکیه گاه کردهای بارزانی در تأمین اسلحه، نیازهای مالی و درمانی بود. در نزدیکی مرزهای عراق بیمارستان صحرائی مجهزی دایر کرده بود. بند ۳ باعث شد دولت ایران کردهای بارزانی را (که با پشتوانه ایران شجاعانه با حزب بعث می جنگیدند) رها کند. ایران فقط ۱۵ روز به کردها فرصت داد تا به ایران پناهنده شوند یا خود را به صدام (دشمن دیرین خود) تسلیم نمایند. بند ۳ بار دیگر این واقعیت را روشن کرد که تکیه گاه اساسی هر قوم و ملتی باید خودشان باشند. حمایت بیگانگان مقطعی، در راستای منافع خودشان و غیر مطمئن است.

۱۰- بند ۴ بیانگر آن است که سه بند فوق لازم و ملزوم یکدیگرند و جدائی ناپذیر هستند.

۱۱- عراق که از نظر نظامی، موقعیت بین المللی و منطقه ای ضعیف تر از ایران بود، قبول داشت که نه در میدان جنگ و نه در میدان سیاست قادر به کسب موفقیت نخواهد بود. ایران که در موقعیت برتر بود بیشتر از هر عاملی خواهان رسمیت یافتن خط تالوگ در اروندرود بود و برای تثبیت آن حاضر شد با پذیرش پروتکل ۱۹۱۳ استانبول، بخشی از اراضی را واگذار نماید.

۱۲- در بند ۶ علاوه بر حل و فصل موارد اختلافی در آینده، قید شده حتی در صورت بروز اختلاف نظر در تفسیر یا اجرای هر یک از مفاد عهدنامه، طرفین ملزم هستند امنیت مرزها را حفظ کنند، هرگونه اختلاف احتمالی را بدون توسل به زور و از طرق مسالمت آمیز حل کنند.

۱۳- به موجب ماده ۹ پروتکل مرز رودخانه ای: پذیرش این واقعیت است که شط العرب یک آبراه کشتیرانی بین المللی است.

۱۴- موافقت نامه های مربوط به تعلیف احشام، بهره برداری از آب رودخانه های مرزی، مقررات کشتیرانی در اروندرود، مسافرت اتباع دو کشور برای زیارت اماکن مقدسه و ... ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در بغداد (۵/۱۰/۵۴) به امضاء رسید.

۱۵- صدام اولین مقام عراقی است که بعد از ۴۷۵ سال مقاومت ایران، تسلیم شده و حقوق مشروع ایران در اروندرود را براساس خط تالوگ به رسمیت می شناسد. این موضوع باعث تحقیر صدام و تضعیف او در حزب بعث، داخل عراق و جهان عرب شد.

اگر مردم هر دو کشور قدرت تصمیم گیری در حکومت را داشتند، این دیدارها و توافقات می توانست سرآغاز یک رابطه دوستانه بلند مدت باشد و باعث رشد و شکوفائی دو کشور مقتدر باشد، ولی: از ناشایستگی هر دو ملت، بر هر دو کشور زمامدارانی مستبد حاکم

بودند، سرنوشت دو کشور در جهت ناسالم هدایت می شد (بجای توجه اساسی به نیازهای اولیه مردم، توسعه کشاورزی صنعت و آموزش بهداشت و ...)، خرید جنگ افزارهای پیشرفته و زیاده روی در آن، هدر دادن بخش مهمی از منابع مالی و انسانی و ...). هر دو کشور بعد از امضای قرارداد الجزایر رقابت تسلیحاتی توقف ناپذیری را آغاز کردند، بازبچه نقشه های آمریکا و شوروی شدند، درآمد سرشار نفتی دو کشور با خرید اسلحه در جیب آمریکا و شوروی رفت (رونق کارخانجات اسلحه سازی، اشتغالزایی). دو کشور قدرتمند (آمریکا و شوروی) مصالح سیاسی و اقتصادی خود را در فروش هرچه بیشتر جنگ افزار به دو کشور ثروتمند (ایران و عراق) می دیدند. عراق علاوه بر تقویت همه جانبه ارتش منظم و کلاسیک، برنامه ریزی خاصی برای تقویت ارتش خلقی نمود.

ارتش خلقی: در ۴ فوریه ۱۹۷۰ تشکیل شد برای: حفظ امنیت داخلی، سرکوب تظاهرات و شورشهای مردم عراق، کمک به ارتش منظم در هنگام بروز جنگ، حفظ دستاوردهای انقلاب عراق در زمان صلح، بالا بردن سطح آگاهی توده ها، تحکیم وحدت ملی، تقویت رابطه بین ارتش منظم و مردم عراق. ارتش خلقی در تمام شهرها و روستاها حضور داشت و در سال ۱۹۷۸ تعداد اعضای آن بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ نفر بود. تلاشهای عراق و ایران برای تقویت ارتش، گواه آن بود که روح قرارداد الجزایر (که مبتنی بر تحکیم دوستی، حسن همجواری، توسعه مبادلات سیاسی و اقتصادی و روابط اجتماعی بین دو ملت، تلاش در جهت برقراری عصر جدیدی در روابط دو ملت بود) به علت حاکم شدن استبداد، شدیداً خدشه دار شده و باعث آسیب های جدی به مردم هر دو کشور گردید که این مشکلات نتیجه قهری ناتوانی دو ملت در بدست گرفتن اداره امور کشور خود و هدایت آن در جهت منافع ملی بود.

در ایران حاکمیت ملی طی پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و در عراق تا حدود زیادی بعد از سرنگونی صدام و حزب بعث در هشتم آوریل ۲۰۰۳ حاصل شد (صدام در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۳ توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد، در ۵ نوامبر ۲۰۰۶، به اعدام با چوبه دار محکوم شد و سرانجام در تاریخ شنبه ۹ دی ۱۳۸۵ در بغداد به دار آویخته شد).

انگیزه های مهم عراق از انعقاد قرارداد الجزایر:

۱- حل کردن مسئله کردها

کردها به رهبری ملامصطفی بازرانی از آوریل ۱۹۵۶ درگیر مبارزه مسلحانه با دولت بعثی عراق بودند و روابط دولت مرکزی با کردهای شمال عراق در طول سالهای قبل از ۱۹۷۵ میلادی پرتنش بود. شاه ایران برای تضعیف عراق و وادار کردن صدام به قبول خط تالوگ در اروندرود، علاقه مند به کمک به بازرانی بود. شاه اسلحه، تجهیزات و تدارکات فراوانی به بازرانی رساند. پایداری سرسختانه کردها، ارتش عراق را از توان انداخت (صدام در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ هنگام پاره کردن قرارداد الجزایر فاش کرد که هنگام موافقت با قرارداد الجزایر، نیروی هوایی عراق فقط ۳ بمب دیگر در اختیار داشت). این مطلب بیانگر شدت خشونت و قاطعیت صدام برای سرکوب کردها و ناتوانی در این امر است. لذا صدام مصلحت قدرت خود را در سازش هرچه سریعتر با ایران بر سر خط تالوگ دانست. صدام با امضای قرارداد الجزایر از جدی ترین خطر تهدید کننده قدرت سیاسی و حیثیت جاه طلبی خود (کردها) رهائی یافت.

۲- رابطه شیعیان عراق، حزب بعث، صدام و ایران

بیش از ۵۵ درصد مردم عراق شیعه هستند. شیعیان از ابتدای تشکیل کشور عراق در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ تا سرنگونی صدام و حزب بعث، همواره تحت سلطه اقلیت سنی قرار داشتند. دولتهای عراق بخصوص رژیم بعث، به شیعیان اعتماد نداشتند، آنان را هوادار کشور شیعی ایران دانسته و ستون پنجم ایران تلقی می کردند. صدام در نخستین روزهای ریاست جمهوری خود، اعضای شیعه شورای رهبری انقلاب عراق را اعدام کرد (یحیی عبدالحسین شیعه ایرانی الاصل عضو برجسته و دبیر شورای رهبری انقلاب عراق + چهار عضو برجسته و با نفوذ شورای رهبری دستگیر و طی دادگاهی به خیانت متهم و اعدام شدند). شیعیان در زمان دولت بعثی تحت شدیدترین آزار و اذیت ها قرار داشتند. هر وقت روابط با ایران بحرانی می شد، هزاران نفر از شیعیان (بخصوص ایرانی تبار) را با روش غیر انسانی سوار بر کامیونها در بیابانهای خشک و بی آب و علف یا کوههای پر از برف رها می کرد تا با پای پیاده به مرز ایران برسند. اموالشان را مصادره

می کرد، گاهی در مکانهایی پیاده می کردند که ناچار بودند از میداین مین عبور کنند. این اقدامات بارها از طرف ایران به دبیر کل سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر گزارش شده بود ولی بی نتیجه بود. طبق قرارداد الجزایر که دو طرف متعهد به عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر شده بودند، صدام نگرانی از بابت قیام شیعیان ناراضی عراق نداشت (احتمال کمک ایران به آنان از بین می رفت).

۳- هدف صدام برای ساختن عراق قوی (از نظر اقتصادی و نظامی)

صدام آرزوی رهبری جهان عرب را داشت. پس از مرگ جمال عبدالناصر (۱۹۷۰) و بدنام شدن سادات بعد از امضای پیمان کمپ دیوید (۱۹۷۸) فرصت مناسبی برای صدام بود ولی او با چنین آرزوهایی، در ۱۹۷۵ با واقعیتهای تلخی روبرو شد که او را به دوراندیشی واقعی وا داشت (جنگ با کردها، عدم توانایی صدام در سرکوب آنان)، برای صدام آشکار ساخت که مبارزه با کردها اقدامی بی ثمر بود. بنابراین: قبل از مبادرت به هر عمل مهم در سیاست های داخلی یا خارجی باید کلیه توجه خود را به ساختن عراقی قوی معطوف نماید. او بدرستی دریافته بود تا زمانی که پایه های قدرت عراق تحکیم نیافته (از نظر اقتصادی و نظامی قدرت مطلوب بدست نیآورده) از اقدام به هر امری برای رسیدن به رهبری دنیای عرب باید خودداری کند.

برای ساختن عراق قوی باید:

۱- مشکل کردها حل شود که این مهم با قطع حمایت ایران از آنان امکان پذیر بود و کلید این کار در گرو سازش با ایران و قبول خط تالوگ در شط العرب بود. ارتش عراق هم در مبارزه با کردها ناتوان بود هم در مقابل ارتش ایران (قدرت نمائی ایران در ۲/۲/۱۳۴۸ با عبور دادن کشتی ابن سینا با پرچم ایران و با حمایت ناوهای جنگی و هواپیماها از شط العرب به اعتبار نظامی عراق در دنیای عرب به شدت لطمه زد و همگان متوجه ضعف نظامی عراق شدند).

۲- صدام به زمان نیاز داشت تا فارغ از نگرانی در خصوص امنیت مرزهای خود با ایران، به تقویت ارتش و زیر ساختهای عراق بپردازد لذا ناگزیر شد تسلیم ایران شود و به عنوان اولین زمامدار عراق با حاکمیت ایران در اروندرود بصورت مساوی با عراق موافقت کند- او به عراق قوی می اندیشید و دادن این امتیاز به ایران را در آن شرایط مصلحت اندیشی و واقع بینانه می دانست (در سخنرانی ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ از این اقدام خود دفاع کرد و گفت این تصمیم برای ملت عراق فرصت داد تا انقلاب را تثبیت کند، عراق را قوی نماید و...).

انگیزه های مهم ایران از انعقاد قرارداد الجزایر:

۱- مهمترین انگیزه، به رسمیت شناختن حق حاکمیت ایران بر اساس خط تالوگ در اروندرود بود.

ایران علاقه مند به حل اختلاف با عراق از راههای مسالمت آمیز بود، جنگ با عراق را صلاح نمی دانست (باعث اعتراض کشورهای عربی و تیرگی روابط آنها با ایران می شد)، رابطه شاه با کشورهای عربی مطلوب بود بطوریکه عربستان در ناآرامی های سالهای پایانی دهه ۷۰ میلادی از شاه ایران جانبداری کرد و گفت کلیه کشورهای عربی باید به شاه کمک کنند زیرا ثبات ایران برای منطقه مهم است.

۲- علاقه مندی حکومت شاه به حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس توسط کشورهای منطقه و دور نگه داشتن قدرتهای بیگانه از منطقه استراتژیک خلیج فارس: طولانی شدن اختلافات ایران و عراق، زد و خوردهای مرزی و... باعث نگرانی کشورهای منطقه شده بود و احتمال دخالت بیگانگان و حضور آنان در خلیج فارس افزایش می یافت. شاه اهمیت خلیج فارس برای آمریکا را می دانست و مطمئن بود که در صورت بروز جنگ، حتماً آمریکا در اسرع وقت وارد منطقه خواهد شد لذا با انعقاد قرارداد الجزایر، این بهانه از بیگانگان گرفته می شد. شاه و صدام بعد از امضای قرارداد اعلام کردند (C. S. monitor 7 may 1975) هر دو مخالف حضور بیگانگان در منطقه هستند. بعد از قرارداد الجزایر: رفع نگرانی از کشورهای منطقه، ایجاد آرامش، تقویت تمایل حاکمان منطقه به همکاری در حفظ امنیت منطقه بصورت بومی افزایش یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲/۱۱/۱۳۵۷ و آشفته گیاهی ناشی از آن در خلیج فارس به توصیه مؤسسه تحقیقاتی Collins and Mark برای حفاظت از چاههای نفت، اعزام نیروی نظامی آمریکا پیشنهاد

شد. آمریکا که منتظر چنین فرصت طلائی بود از جنگ عراق و ایران بهره برداری کرد و ضمن انعقاد پیمانهای نظامی با کشورهای عرب خلیج فارس که نگران صدور انقلاب اسلامی و گسترش دامنه جنگ بودند، نیروی دریائی عظیمی را در خلیج فارس متمرکز کرد.

۳- انعقاد پیمان دوستی و همکاری ۱۵ ساله عراق و شوروی در ۹ آوریل ۱۹۷۲ (۱۳۵۱/۰۱/۲۰)

طبق بندهای ۸ و ۹ پیمان فوق، اگر عراق توسط کشور ثالثی مورد حمله قرار می گرفت، باعث حمایت شوروی از عراق و دخالت آنها در خلیج فارس می شد. بنابر این شاه می دانست که در صورت درگیری با عراق، شوروی از آن کشور حمایت خواهد کرد. انور سادات در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۰ رئیس جمهور مصر شد، شاه رابطه دوستانه با او داشت، سادات پیمان دوستی مصر با شوروی را در ۱۹۷۵ لغو نمود، کارشناسان نظامی و اقتصادی شوروی را اخراج کرد و با آمریکا رابطه برقرار کرد. شاه قصد داشت از طریق دوستی با عراق، این کشور را هم از شوروی دور کرده به آمریکا نزدیک نماید. یکی از دلایل مهم گرایش عراق به شوروی وجود اختلاف با ایران بود. دلیل دیگر، شعار صدور انقلاب عراق در آغاز زمامداری حزب بعث بود که این تندروی ها باعث تیرگی روابط عراق با کشورهای عربی و انزوای آن شده بود. چون اغلب کشورهای عرب، دوست آمریکا بودند و این موضوع باعث گرایش عراق به شوروی شده بود.

۴- بلند پروازیهای شاه ایران:

شاه برای رسیدن به مقام پنجمین قدرت نظامی جهان (بعد از آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه) مانند عراق نیاز به آرامش و رفع اختلاف داشت تا درآمد چشم گیر نفت را (که در سال ۱۳۵۲ قیمت آن ۴ برابر شده بود) صرف رسیدن به مقاصد خود نماید.

۵- علاقه ایران و عراق به همکاری و تقویت موقعیت جهانی اوپک: هر دو کشور عضو اوپک بودند، همکاری آنان در جلسه ۱۹۷۵ باعث افزایش فوق العاده قیمت نفت شده بود، مصلحت ایران در حفظ همکاری با عراق در امور نفت بود.

ضمیمه ۳- اروندرود

عراق دو رودخانه بزرگ دارد (دجله و فرات) که هر دو از کوههای ترکیه سرچشمه می گیرند. دجله از دامنه های جنوبی رشته کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه می گیرد، پس از ورود به عراق از میان شهرهای بزرگی چون بغداد و موصل عبور کرده و تقریباً به موازات مرز ایران تا جنوب عراق جریان دارد.

رودخانه فرات با عبور از ترکیه و سوریه، از نیمه غربی به عراق وارد شده در محلی بنام القرنه در شمال شرق بصره به دجله ملحق می شود. تلاقی این دو، شط العرب را تشکیل می دهد که با طی ۱۷۰ km در دهانه فاو به خلیج فارس می ریزد.

بزرگترین رود ایران (کارون) که از ارتفاعات زاگرس سرچشمه می گیرد در حوالی خرمشهر (نهر خین) با شط العرب الحاق کرده و از این به بعد اروندرود نامیده می شود. از این نقطه تا خلیج فارس حدود ۱۰۰ km است (این بخش یک رودخانه مشترک مرزی است چون ساحل جنوبی آن عراق و ساحل شمالی آن ایران است). علاوه بر کارون، رودخانه های دیگری در منطقه کردستان و کرمانشاه در خاک عراق وارد دجله می شود. بنابراین بیش از ۵۰ درصد آب اروندرود از رودهای داخلی ایران تأمین می شود.

این رود با ۱۹۰۰ کیلومتر طول، سی و هشتمین رود جهان از این نظر می باشد. قدیمی ترین تمدن جهان بین دو رود دجله و فرات پدید آمد و به همین سبب تمدن میان رودان نام گرفت.

عرض اروندرود ۱۰۰۰-۴۰۰ متر و عمق آن در عمیق ترین نقطه ۱۸ متر است. خرمشهر، آبادان و بزرگترین بندر عراق (بصره) در کناره های این رود قرار دارند. طبق قوانین بین المللی برای تعیین خط مرز چون قابل کشتیرانی است به روش تالوگ عمل می شود.

ضمیمه ۴- علل تقویت ارتش ایران (شرایط خاص ایران در زمانهای مختلف -سالیهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی):

۴-۱- سیاست های تهاجمی شوروی در خلال دهه های ۶۰ و ۷۰:

طی این سالها شوروی سیاست تهاجمی داشت و کوشش می کرد در کشورهای خاورمیانه و ... نفوذ نماید.

- علاوه بر عراق با سوریه ارتباط برقرار کرده و تحت عنوان حمایت از اعراب در مقابل تجاوز احتمالی اسرائیل، به این کشورها کمکهای مالی و نظامی فراوانی کرد (الآن هم - ۱۳۹۱- در کنار سوریه است). شوروی در مجامع بین المللی در خصوص اختلافات بین

- اعراب و اسرائیل جانب اعراب را گرفت تا با جلب دوستی اعراب و نفوذ در کشورهايشان با نفوذ آمریکا در خاورمیانه مقابله نماید (از دعاوی بر حق فلسطین دفاع نمود).
- در شهریور ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) رژیم پادشاهی لیبی (سلطان ادريس) سرنگون شد و معمر قزافی نظام جمهوری برقرار کرد. شوروی با لیبی ارتباط برقرار کرده و این کشور از اردوگاه غرب جدا شد.
 - تقسیم یمن به دو کشور و دوستی شوروی با یمن جنوبی.
 - الجزایر هم بعد از استقلال و برکناری احمد بن بلا، اعلام رژیم جمهوری و روی کار آمدن هواری بومدین جزء کشورهای تندرو عرب قرار گرفت و با شوروی ارتباط نزدیک برقرار کرد.
 - پشتیبانی از حکومت زیاد باره در سومالی.
 - برکناری هیلا سلاسی امپراطور حبشه ۱۳۵۳ (۱۹۷۴)، برقراری نظام مارکسیستی در اتیوپی و جدا شدن این کشور از اردوگاه غرب و پیوستن آن به شوروی.
 - دوستی شوروی با هند ۱۳۴۴ (۱۹۶۵)، شکست پاکستان در جنگ با هند، و تجزیه این کشور و جدا شدن بنگلادش.
 - نفوذ شوروی در افغانستان (ضمن حمایت از حکومت سردار داوودخان، احزاب چپ آن کشور را تقویت کرد که در ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) حکومت داوودخان را سرنگون و رژیم مارکسیستی در افغانستان برقرار کردند.
 - شوروی در ۱۳۵۸/۱۰/۰۶ با اعزام ارتش سرخ افغانستان را اشغال کرد.
- شاه ایران و آمریکا هر دو نگران نفوذ شوروی در ایران بودند.

نظرات محمدرضا شاه در مورد امنیت ایران:

- تنگه هرمز یک شاهرگک حیاتی است و حکم ریه دارد که با آن تنفس می کنیم و زندگی ما به آن بستگی دارد (مصاحبه با تلویزیون فرانسه ۵۵/۱۱/۰۹).
- اگر عمان به دست جبهه خلق برای آزادی (که کمونیست بودند) می افتاد تقریباً با دست خالی تنگه هرمز را می بستند و جریان انرژی را تهدید می کردند (قیام مردم ظفار که از حمایت یمن جنوبی برخوردار بود، شاه به درخواست سلطان قابوس ارتش ایران را برای کمک به عمان اعزام کرد).
- قدرت ما، قبل از هر چیز ضامن ثبات ایران و در درجه دوم ثبات منطقه خلیج فارس است. اگر کشورهای منطقه با ما همکاری کنند چه بهتر در غیر اینصورت ما باید قادر باشیم به تنهایی این تنگه را باز نگهداریم (۱۳۵۵/۰۹/۲۱- مصاحبه با آسوشیتد پرس).
- (خبرنگار تلویزیون فرانسه: علت خریداری زیاد اسلحه توسط ایران (۱۳۵۵/۱۱/۰۹) را از شاه می پرسد و ایشان در جواب می گویند: چرا فرانسه آنقدر پول خرج تقویت ارتش خود می کند؟ آیا کشوری شما را تهدید کرده؟ چرا این کار برای شما، آلمان، انگلستان و ... امری طبیعی است و حتی می توانید سلاح اتمی و هیدروژنی داشته باشید ولی برای ایران غیرعادی است؟ (ایران عضو ناتو نیست و توسط هیچ کشوری هم حمایت نمی شود).
- چرا برای ایران دفاع از منافع خود به صورت یک مشکل (مسئله) تلقی می شود ولی برای دیگران امری طبیعی است؟
- شاه گفت: امیدوارم کشورهای غربی درک نمایند که از نظر اقتدار و تقویت ارتش مطلقاً هیچ فرقی بین ایران، فرانسه، انگلیس، آلمان و ... وجود ندارد (کشور درجه ۱، ۲ و ... نداریم).
- امنیت اروپا بدون امنیت و ثبات خلیج فارس حرف بیهوده ای است (مصاحبه با نیوزویک ۵۲/۰۲/۳۱) با آنکه اروپای غربی، آمریکا و ژاپن امنیت خلیج فارس را جزء جدائی ناپذیر امنیت خود می دانند ولی اقدامی در این خصوص نمی کنند و ما امنیت خلیج فارس را برای آنها تأمین می کنیم.
- اهداف امنیتی شاه گرچه منطقی بود ولی بلند پروازانه بود و تناسبی با ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی ایران نداشت.

عوامل دیگری که بر خریدهای کلان نظامی ایران (در زمان شاه) تأثیر گذار بود:

۲-۴- **دکترین نیکسون** - آمریکا در ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) برای اولین بار پس از ۱۸۹۳ دچار کسری موازنه بازرگانی خارجی گردید (بعد از ۷۸ سال) و کارخانجات اسلحه سازی دچار رکود شده بود. بعد از دکترین نیکسون، سفارشهای عظیمی از طرف ایران، عربستان و سایر کشورها به آمریکا داده شد و صنایع اسلحه سازی آمریکا رونق گرفت، کارگران از بیکاری نجات یافتند (در بهمن ۱۳۵۱ ایران بزرگترین قرارداد خرید اسلحه تا آن زمان را به آمریکا سفارش داد. در دهه ۶۰ آمریکا سالیانه بطور متوسط ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه فروخت که پس از دکترین نیکسون (سال ۱۹۷۳) به ۳/۱ و سال بعد از آن (سال ۱۹۷۴) به ۸/۳ میلیارد دلار رسید که نصف این مبلغ - ۳.۹ میلیارد دلار، خریدهای ایران بود).

ضمیمه ۵- ویژگی های حزب بعث و صدام:

۵-۱- حزب بعث عراق:

- میشل عفلق مسیحی ارتدوکس یونانی تبار از مردم دمشق، بنیانگذار، رهبر و تئورسین این حزب بود. مرامنامه آن بر مبنای ناسیونالیسم عربی و نژاد پرستانه است. رژیم بعثی عراق در ۱۷ ژوئن ۱۹۶۸ روی کار آمد (با کودتا). مرامنامه حزب بعث مبتنی بر تشکیل یک جامعه بسته با ایدئولوژی واحد، حزب واحد و رهبری واحد بود. اساسنامه حزب به اعضای این اجازه را می دهد که برای تغییر اوضاع نامناسب جهان عرب وارد جنگ شوند. اصولاً مبارزه با توسل به زور، خشونت، ایجاد ترور و وحشت از خصوصیات بارز حزب است. بر این اساس رژیم عراق از زمان تأسیس، سیاست توسعه طلبانه ای را در قبال همسایگان خود اتخاذ کرد (ادعای مالکیت بر کویت به عنوان بخشی از استان بصره بخشی از این سیاست حزب بود. ادعای عربی بودن خوزستان و چشم طمع به این خطه زرخیز بخشی از این سیاست حزب بود). بدیهی است با وجود چنین اعتقاد و بینشی می شد از آن به عنوان دستاویز ظاهر فریب و مناسبی برای درگیری، بحران، تشنج و جنگ در خاورمیانه استفاده کرد.

۵-۲- ویژگیهای صدام حسین:

صدام ۲۸ آوریل ۱۹۳۵ (۱۳۱۴/۰۴/۰۸) در روستای اوجا در جنوب تکریت در یک خانواده روستایی بدنیا آمد. زمانی که میشل عفلق صلاح بیطار، در دمشق حزب بعث را تشکیل داد، صدام هشت سال داشت و هنوز مدرسه نرفته بود. حزب بعث در ۱۹۴۷ در عراق تشکیل شد. صدام در ۲۲ سالگی (۱۹۵۷) که هنوز دبیرستان را تمام نکرده بود عضو حزب شد. در اول اکتبر ۱۹۵۹ (۱۳۳۸/۰۷/۰۹) عبدالکریم قاسم مورد سوء قصد یک گروه پنج نفره از حزب بعث قرار گرفت که صدام هم جزء آنها بود (قاسم به شدت زخمی شد). صدام که پایش تیر خورده بود موفق به فرار شد و در دادگاه غیاباً به اعدام محکوم شد. او ابتدا به دمشق و سپس به قاهره رفت و در ۱۹۶۱ (۲۶ سالگی) دبیرستان را در مصر به پایان برد و پائیز ۱۹۶۲ وارد دانشکده حقوق شد. بعد از کشته شدن قاسم (۹ فوریه ۱۹۶۳ - ۱۳۳۸/۱۱/۲۰) و نخست وزیری حسن البکر (پسر خاله) صدام تحصیلات را ناتمام گذاشت و به عراق برگشت. روز ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ رژیم میانه روی عبدالرحمن عارف با کودتای نظامی آرامی سقوط کرد. دو افسر جاه طلب در رأس جریان بودند (عبدالرزاق نایف و ابراهیم داوود). حزب بعث طی کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ پیروز و حسن البکر به ریاست جمهوری عراق و ریاست شورای رهبری حزب بعث رسید و صدام (۵۵ سال داشت) هم، نایب رئیس حزب شد. او در ۱۹۷۰ بعد از به قدرت رسیدن، دانشکده حقوق را به پایان رسانید. صدام ماجراجو بود (زندانی شدن در تکریت به اتهام قتل یک فرد عادی، سوء قصد علیه قاسم، توطئه ناکام علیه عبد السلام عارف ۱۹۶۴ که قبل از اجراء کشف شد و صدام و همدستانش زندانی شدند). دو سال بعد در ژوئیه ۱۹۶۶ از زندان فرار کردند و تا کودتای حزب در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ دو سال مخفیانه در حزب فعالیت کرد. در این کودتا صدام با تانک به کاخ ریاست جمهوری حمله کرد، عبد الرزاق نایف رئیس سازمان امنیت عراق که نقش مهمی در پیروزی کودتا داشت به نخست وزیری رسید ولی ۱۳ روز بعد هنگام خروج نایف از دفتر حسن البکر، صدام به زور اسلحه او را تهدید کرد، به فرودگاه برد و با هواپیمای از قبل آماده شده به اسپانیا تبعید کرد. صدام جاه طلب بود و آرزوی رهبری جهان عرب را داشت. بعد از مرگ عبدالناصر در ۲۸ سپتامبر

۱۹۷۰ (۱۳۴۹/۰۷/۰۶) که رهبری جهان عرب را در دست داشت، انور سادات رئیس جمهور مصر شد. با حمله به اسرائیل در ششم اکتبر ۱۹۷۳ (۱۳۵۲/۰۷/۱۴) این اقدام شجاعانه باعث شادی اعراب شد و اعتبار سادات افزایش یافت اما با امضای پیمان کمپ دیوید (۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۱۳۵۷/۰۶/۲۶) و پیمان صلح مصر و اسرائیل در (۲۶ مارس ۱۳۷۹ - ۱۳۵۸/۰۱/۰۶) سادات در دنیای عرب بدنام شد و فرصت مناسبی برای جاه طلبی صدام بوجود آمد.

احمد حسن البکر مقام ریاست جمهوری را به عهده داشت اما ستون فقرات رژیم را شبکه مخفی حزب و دستگاه امنیتی آن می ساختند که صدام حسین جوان بر رأس آن قرار گرفته بود و روز به روز بر قدرت خود می افزود. صدام برای قبضه کردن قدرت از حربہ های کهن قبیله ای استفاده می کرد (گردآوری جمعی از اطرافیان وفادار و مورد اعتماد، توطئه علیه رقبا و حذف یا دور کردن آنها از پیرامون قدرت، نزدیک شدن به مرکز قدرت و وابسته کردن رئیس جمهور به خود). صدام موفق شده بود گروه بیشماری از جوانان خشن و ماجراجوی قبایل زادگاه خود، تکریت را تربیت و متشکل کند و به تدریج در رأس مهمترین پست های امنیتی قرار دهد. او به هواداران متعصب و خشن خود القا کرده بود که مقامات اداری و مدنی هیچ اهمیتی ندارند و زمامداران واقعی کشور، مقامات امنیتی هستند. صدام در برخورد با دشمنان خود بی رحم بود. او در قدرت گیری حزب نقش مهمی ایفا کرده بود. صدام معاون اول البکر بود و در طول دهه ۱۹۷۰ مهمترین رقبای خود را در حزب و دولت از میان برداشت (عدنان خیرالله، ژنرال مقتدر حردان تکریتی، شفیق کمالی، عبدالکریم شیخلی، شاذل طاقه، عبدالکریم مصطفی نصرت و بسیاری دیگر ... اوج تصفیه های خونین صدام در شامگاه هشتم اوت ۱۹۷۹ صورت گرفت که عوامل صدام برخی از برجسته ترین رجال حزب و دولت را سر بریدند. صدام پس از پایان " عملیات " با خونسردی از کنار اجساد گذشت، با چکمه خونین به بالکن کاخ ریاست جمهوری رفت تا برای جمعیتی که فریاد می زدند: " مرگ بر خائنان " دست تکان دهد). حسن البکر سیاستمداری کم توان بود و خود را درست به اراده صدام سپرده بود. او هرچه بیشتر به صدام و دستگاه ترور او وابسته می شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۷۹ صدام به مقام تشریفاتی او هم خاتمه داد و او را " به دلیل ناتوانی جسمی " محترمانه از تمام مسئولیت هایش خلع کرد. در طول سی سال مزدوران صدام با دارایی مردم عراق ثروتمند شدند، اما فقر و محرومیت روی دیگر این بدل و بخشش به " خودی ها " بود. آخرین نمونه از تصفیه های خونین صدام، قتل دو داماد او، صدام و حسین کامل بود که در فوریه ۱۹۹۶ به گونه ای فجیع و به همراه چند تن از بستگانشان کشته شدند. در این سالها تنها چند نفر انگشت شمار از سران حزب از تصفیه های خشونت بار صدام حسین در امان ماندند: (طه یاسین رمضان، عزت ابراهیم الدوری، و علی حسن المجید، معروف به علی شیمیایی). شبکه کنترل فراگیر اهرم اصلی حکومت صدام، دستگاه امنیتی کارآ و مجهزی بود که او بر فراز دولت و ارتش و حزب قرار داده بود. " مخابرات " در تمام زوایای جامعه نفوذ داشت و بر جزئی ترین امور شهروندان نظارت می کرد. صدام حزب بعث را هم به شعبه ای از سازمان امنیت عراق تبدیل کرد. بعضی از اعضای قدیمی حزب عقیده دارند که این حزب در زمان صدام حسین بیشتر به باندی مافیایی شباهت داشت تا به حزب سیاسی. خط مشی سازمانهای امنیتی گوناگون در عراق که به طور متقابل یکدیگر را زیر نظر داشتند، بر اساس بدبینی مطلق شکل گرفته بود. درون سازمان امنیت (مخابرات) شبکه های ویژه ای بود که علیه همکاران خود جاسوسی می کردند و به همین ترتیب، درون ارتش نیز واحدهای خاصی مانند گارد ملی، گارد جمهوری یا فدائیان صدام بود که فعالیت ارتشیان را زیر نظر داشتند. مشی اساسی صدام در اداره کشور بر اصول ساده قبیله ای استوار بود و او درست مثل رؤسای قبایل بر ملت عراق حکومت می کرد (تکیه بر پیوندهای عشیره ای، بی اعتمادی مطلق به بیگانگان، مهربان و سخاوتمند با دوستان، خشن و بیرحم با مخالفان). صدام بهترین عوامل خود را از عشایر سنی مذهب تکریت و پیرامون آن برگزید که گفته می شود قساوت و خشونت و تعصب خونی در آنها ریشه دار است. این افراد برای رسیدن به مکتب و ثروت آماده هر جنایتی بودند و صدام آماده بود وفاداری آنها را با مزایای فراوان جبران کند. با ملی شدن نفت عراق در اول ژوئن ۱۹۷۲ ظرف تنها چند سال عواید نفتی عراق پانزده برابر شد و سالانه از ۱.۸ به ۲۳.۸ میلیارد دلار رسید. با این ثروت بی کران بود که صدام توانست اطرافیان خود را بنوازد و برایشان زندگی افسانه ای جور کند. در طول سی سال نه تنها مزدوران

صدام، بلکه بسیاری از سیاستمداران و رسانه های عرب با دارایی مردم عراق ثروتمند شدند. در شرایطی که در کناره دجله کاخ های پرزرق و برق بالا می رفت، زاغه نشین ها روز به روز وسیع تر می شدند. فقر و محرومیت هولناک توده های مردم روی دیگر این بذل و بخشش به " خودی ها " بود.

ضمیمه ۶- تبیین مظلومیت ایران در جنگ نابرابر و خباثت دشمنان

بعد از جنگ جهانی دوم و در طول دوران جنگ سرد بین دو بلوک شرق (پیمان ورشو) و بلوک غرب (پیمان ناتو) بندرت مواردی را می توان یافت که دو ابر قدرت شرق و غرب روی آن اتفاق نظر داشته باشند (هر دو ابر قدرت از یک طرف جنگ یعنی عراق حمایت می کردند). در جنگ عراق علیه ایران آمریکا، شوروی و کشورهای هم پیمان با آنها، کشورهای مرتجع عرب (بجز سوریه) و ... هر نوع کمک: اقتصادی، سیاسی، نظامی و .. در اختیار عراق قرار می دادند (کل تجهیزات ارتش عراق تا آن زمان ساخت شوروی سابق و کشورهای بلوک شرق بود). جنگ ایران و عراق یکی از پیچیده ترین جنگهای جهان و منطقه بود و ما اکنون در شرایطی قرار گرفته ایم که لحظه به لحظه اسرار و ناگفته هایی از این جنگ منتشر می شود. بخشی از حقیقت، درون جنگ ماست و بخش دیگر آن در دست ۲۶ کشوری است که چرخ های ماشین جنگی عراق را روغن می زدند که به گوشه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱-۶- **شوروی بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق** - پیروزی انقلاب اسلامی، توازن قدرت در خاورمیانه را برهم می زد، مانع جدی بر سر راه نفوذ شوروی در منطقه بود و خطر صدور انقلاب به جمهوری های مسلمان نشین قفقاز را در پی داشت. لذا شوروی برای جلوگیری از پیروزی ایران، با تمام توان به حمایت از عراق پرداخت. روزنامه القبس چاپ کویت: شوروی یک پل هوایی برای حمل اسلحه و مهمات به عراق برقرار کرده است. گورباچف با ارسال نامه ای به برخی سران عرب، به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. «در نوامبر ۱۹۸۳ بین هزار تا هزار و دویست مشاور نظامی شوروی به عراق برگشتند و ۴۰۰ فروند تانک T ۵۵ و ۲۵۰ فروند تانک T ۷۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ ۷، سام ۹ و اسکادبی در راه بود. عراق تنها کشوری خارج از بلوک شرق بود که به موشک اسکاد بی مجهز شد. در سال ۱۹۸۳ شوروی بار دیگر تحویل سلاح در حجم وسیع را به عراق از سر گرفت و تمامی تجهیزاتی را که عراق در طی دو سال نخست جنگ با ایران در صحنه نبرد از دست داده بود جایگزین کرد. چارلز فیلیپ دیوید (نویسنده کتاب جنگ خلیج فارس توهم پیروزی): «شوروی با تأمین ۶۱ درصد تجهیزات نظامی، بزرگترین تأمین کننده نیازهای تسلیحاتی عراق است.»

۲-۶- **فرانسه (دومین تأمین کننده تسلیحات عراق) و فروش جنگنده های میراژ** - فرانسه از همان ابتدای جنگ به حمایت گسترده از عراق پرداخت و در طول جنگ حدود ۱۶.۶ میلیارد دلار سلاحهای پیشرفته به عراق فروخت. کنت تیرمن (محقق و نویسنده آمریکایی): در ژانویه ۱۹۸۱، تحویل ۶۰ فروند میراژ F۱ مجهز به موشک که ابتدا از سوی والرئ ژیسکاردستن معلق شده بود آغاز گشت. در ژوئیه همان سال فرانسه بنی صدر و مسعود رجوی را به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفت. رجوی، پاریس را به ستاد اپوزیسیون ایران تبدیل کرد. به دنبال خروج دیپلمات های فرانسه از تهران در سال ۱۹۸۲ فرانسه اقدام به تحویل ۵ فروند هواپیمای سوپر اتاندارد مجهز به موشک های اگروست به عراق کرد (برای حمله به کشتی ها) همچنین فرانسه در تیرماه ۱۳۶۶ رابطه خود با ایران را قطع کرد. آلن فریدمن: «تحویل سلاح تقریباً به صورت روزمره ادامه داشت. یکی از پایگاه های ناتو که در مرکز فرانسه احداث شده بود به صورت مرکز بارگیری آنتونوف های نیروی هوایی عراق در آمد. این هواپیماها روزانه به این فرودگاه می آمدند و موشک های ساخت فرانسه، بمب های خوشه ای، فیوز و تجهیزات رادار را با خود به عراق می بردند. سازمان های اطلاعاتی فرانسه در سال ۱۹۸۶ بر آورد کردند که اگر فرانسه سه هفته از ارسال کمک به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد. (تنها فرانسه) !!!! اگر ۲۶ کشور دیگر هم؟؟؟ روز کمکها را قطع می کردند»

۶-۲-۱- **خمپاره های دو زمانه فرانسه** - کنت تیرمن: «معامله ۱/۶ میلیارد دلاری طرح ولکان یکی از شیرین ترین معاملات فرانسه با عراق بود. حدود ۸۳ تویی که موضوع قرارداد ولکان بود برای طیف وسیعی از مقاطعه کاران تسلیحاتی فرانسه درآمد تولید می کرد. در همین راستا عراق از شرکت فرانسوی TRT یک فیوز فوق العاده پیشرفته و پیچیده خرید که با نصب آن بر روی دماغه خمپاره، موجب می شد تا خمپاره درست قبل از رسیدن به زمین منفجر شود. با یک بار آتش، آنها همه ایرانی ها را تا فاصله یک کیلومتری درو می کردند. همین سلاح بود که جلوی امواج انسانی ایران را گرفت؛ درست مانند بمب های خوشه ای آمریکا.

۶-۲-۲- **فرانسه و اعطای یک بمب اتمی به عراق** - وفیق السامرای (مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق): کمکهای خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده آنها به بغداد آمد و با وزیر دفاع وقت، عدنان خیر الله ملاقات نمود و به او گفت: فرانسه به طور جدی زمینه اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می نماید. می توان برای مجبور کردن ایران به توقف جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب کرد. من تا سال ۱۹۸۴ نسخه ای از این گزارش را که با امضای وزیر دفاع برای صدام ارسال شده بود، در یک صندوق ویژه نگهداری می کردم. حسین کامل (رئیس صنایع دفاع عراق) در این خصوص می گوید: واقعیت این است که تلاش ما ساختن بمب اتم بود. منتها با قدرت کم. به این خاطر اگر موفق به پیروزی در جنگ نشدیم آن را علیه ایران به کار ببریم. صدام سال ۱۹۹۰ را برای استفاده از بمب اتم در منطقه جنوبی جنگ تعیین کرده بود. آن روز تنها چیزی که برای صدام اهمیت داشت به پایان رساندن ساخت بمب اتم و استفاده از آن علیه ایران بود.

۶-۳- **انگلستان و ساخت شبکه پناهگاه های زیر زمینی برای صدام** - در ژوئن ۱۹۸۲ صدام تصمیم گرفت برنامه پرهزینه ساخت شبکه پناهگاه های زیرزمینی را به اجرا بگذارد تا بتواند منابع استراتژیک خود را از خطر حملات هوایی ایران مصون نگهدارد. بر این اساس شرکت های انگلیسی طرحی را ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸ هزار سرباز پناهگاه امن ساخته می شد. هر پناهگاه تونل پولادین داشت و می توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. یکی از آنها در کنار کاخ ریاست جمهوری بنا شده بود و پر از تجهیزات الکترونیکی، کامپیوتر، تله پرینت و شبکه های ارتباطی بود و دفتر صدام را با تمام نقاط عراق در تماس دائم قرار می داد. حفاظت از این پناهگاه به گونه ای بود که اگر کسی به داخل آنها رخنه می کرد، دوربین های ویدیویی او را می دیدند و مسلسل های خودکار نصب شده بر روی دیوارها بر سر و روی او گلوله می باریدند. در راستای همین همکاری ها، شرکت مارکنی انگلیس فرستنده های میکروویو نظامی در اختیار عراق قرار داد و شرکت راکال نیز متعهد شد تا کارخانه تولید پیشرفته ترین رادیوی نظامی جهان را به نام جاگوار در عراق احداث نماید. انگلیس از همان آغاز جنگ، دفاتر خریدهای نظامی ایران در لندن را تعطیل کرد.

۶-۴- **مصر کانالی برای فروش تسلیحات ناتو** - در آستانه جنگ، مصر با ایران و عراق روابط دیپلماتیک نداشت (به علت امضای قرارداد کمپ دیوید توسط انور سادات در ۱۳۵۷/۶/۲۶ مصر را خائن به آرمانهای اعراب و اسلام می دانستند) اما با آغاز جنگ معامله نظامی و اقتصادی بزرگ بین مصر و عراق انجام شد (تحويل سلاحهای سنگین و بالگرد به عراق به ارزش دو میلیارد دلار). آلن فریدمن (محقق و نویسنده آمریکایی): در طول دهه ۸۰ حسنی مبارک رئیس جمهور مصر حدود ۳/۵ میلیارد دلار موشک و تسلیحات به عراق فروخت که صدام از پرداختن بهای آن امتناع کرد. در سال ۱۹۸۴ او با همکاران خود در دولت مصر به توافق رسید تا با عراق بر روی برنامه سری موشک های بالستیک دارای قابلیت هسته ای همکاری کند. این برنامه پروژه کندور ۲ نام گرفت. مبارک در ملاقات خود با بوش در سال ۱۹۸۶، مصر را به کانالی برای صدور انواع گوناگون فناوری های موشکی ناتو که شرکت های تحت پوشش اروپا به بغداد قاچاق می کردند تبدیل کرد.

۶-۵- **بلژیک و ساخت پایگاه های نظامی برای عراق** - صدام در ژوئن ۱۹۸۲ قراردادی به ارزش ۸۳۰ میلیون دلار با یک شرکت بلژیکی به نام سیکسکو امضا کرد. هدف از این طرح پرهزینه که به نام محرمانه پروژه ۵۰۵ خوانده می شد آن بود که برای جنگنده های پیشرفته عراقی ۸۰۰ پناهگاه در عمق ۵۰ متری زمین احداث گردد. شرکت سیکسکو که از اعتبارات صادراتی دولت بلژیک استفاده می نمود طی ۴ سال ۱۷ پایگاه هوایی و چند مقر نظامی در عراق ایجاد نمود. میراژهای عراق در جریان جنگ با ایران از همین پناهگاه ها

خارج می شدند و به پرواز در آمدند. از دیگر شرکای صدام ساییترا (کنسرسیوم بلژیکی) بود که با جدیت تمام روی پروژه های عکاشات و القائم کار می کرد و یکی از بزرگترین کارخانه های آزمایشی و تولید فسفات جهان را در این دو منطقه بنا نمود.

۶-۶-۶- کمکهای هسته ای و سلاحهای غیر متعارف: همکاری های هسته ای برزیل - کنت تیمرن: در همان حال که فرانسه مشغول تکمیل راکتورهای هسته ای در عراق بود، صدام با برزیل قرار داد ۱۰ ساله همکاری هسته ای امضا کرد. این قرارداد که در سال ۱۹۷۲ بسته شد به قدری محرمانه بود که دولت بعدی برزیل مدعی شد از محتوای آن بی خبر بوده است. در یکی از تبصره های قرارداد که به درخواست صدام گنجانده شده بود، برزیل متعهد می شد مقادیر زیادی اورانیوم طبیعی و غنی شده با درصد کم، تکنولوژی هسته ای، تجهیزات و آموزش مربوطه را در اختیار عراق قرار دهد.

۶-۷-۶- بمب های خوشه ای آمریکا - آمریکا به پیشنهاد ویلیام کیسی (رئیس سیا)، تحویل بمب های خوشه ای به عراق را در اولویت قرار داد، زیرا این سلاح را کارآمدترین سلاح برای در هم شکستن امواج انسانی مدافعان ایرانی می دانست. در واقع این بمبها از لحاظ تکنیکی جزء سلاح های متعارف محسوب می شوند اما در میدان نبرد همانند سلاح های نامتعارفی مانند سلاح های شیمیایی می توانند موجب کشتار وسیعی شوند. چنانچه این بمب ها درست عمل کنند، می توانند در وسعتی به اندازه ۱۰ برابر زمین فوتبال هر کسی را کشته یا مجروح کنند.

۶-۷-۱- کمکهای اطلاعاتی: پیوند ماهواره ای آمریکا و عراق - کنت تیمرن: پیوند ماهواره ای در صدر موافقت نامه های بلند مدت عراق و آمریکا بود. در مورد تحرکات نیروی هوایی ایران نیز اطلاعات با ارزشی در اختیار ارتش عراق قرار می گرفت، این اطلاعات را آواکسهای آمریکایی (مستقر در ریاض، به کمک پرسنل آمریکایی) از منطقه نبرد جمع آوری می کردند. در همین راستا مجتمع پیشرفته و پرهزینه ای در بغداد ساخته شد تا اطلاعات مستقیماً از ماهواره دریافت شده و پردازش بهتری از اطلاعات بر روی عکس ها صورت پذیرد. سر لشکر و فیک السامرابی: این عکسها به گونه ای بود که ما به راحتی می توانستیم تصاویر سربازانی که در پادگان های ایران در حال آموزش هستند را مشاهده کنیم، حتی کسی که در رژه، دست و پایش را به اشتباه حرکت می داد در این عکس ها مشخص بود. هنگامی که کارخانه های سیمان را بررسی می کردیم، تعداد کیسه هایی که در روی کامیون ها قرار داشت را به راحتی شمارش می کردیم، در عین حال ماهواره ها نتایج حملات هوایی و موشکی را نیز گزارش می دادند.

۶-۷-۲- در اختیار قرار دادن امکانات شناسایی - بر اساس عملیات سیا رادیو های کد گذاری شده ای در اختیار خلبانان عراقی قرار داده شد تا آنها امکان ارتباط با افسران مستقر در کشتی های آمریکایی) در خلیج فارس را داشته باشند. یک افسر بازنشسته در این رابطه گفت: هدف این بود که هواپیما های عراقی بر فراز خلیج فارس بتوانند با افسران ما تماس بگیرند. این روابط روزانه باعث شد تا هواپیماهای عراقی بتوانند نفت کش ها و کشتی های تجاری به مقصد ایران را شناسایی کنند و این امر کمک زیادی به عراقی ها در انتخاب اهدافشان می کرد.

۶-۸- زمامداران عربستان و دادن گزارشهای محرمانه ایران به عراق - مجله ژون آفریک مورخ ۹ ژوئن ۱۹۸۲: زمامداران عربستان درست یک ماه مانده به شروع جنگ، هنگام استقبال از صدام به وی هدیه شاهانه ای دادند و آن گزارشی بود که از سوی دستگاه های سری آمریکا تهیه شده بود و در آن اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران تشریح شده بود. علاوه بر آن اطلاعات دقیقی درباره وضعیت ارتش ایران، تعداد نفرات آن، مواضع و تجهیزات قابل بهره برداری آن و اطلاعات مختلف دیگر که بسیار محرمانه بود به او منعکس کردند. خلاصه آنکه یک نقشه کامل تهاجم تهیه شده بود.

۶-۹- کمکهای نیروی انسانی - سودان در اواسط دی ماه ۱۳۶۱ صدها تن از سربازان ارتش خود را به جبهه های جنگ علیه ایران اعزام نمود. همچنین به دستور جعفر نمیری رئیس جمهور سودان در شهر خارطوم پایتخت این کشور و پاره ای از شهرهای دیگر دفاتری جهت ثبت نام برای اعزام نیرو به جبهه های جنگ علیه ایران دایر گردیده است. جعفر نمیری در مصاحبه با مجله الیوسف چاپ قاهره اذعان می دارد که اعزام نیرو به عراق طبق تصمیمات کنفرانس سران عرب صورت گرفته است. سودان داوطلبانی را اعزام داشت که در

جبهه شرقی رودخانه میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند. سر لشکر و فیک السامرایی: «در جهت کمک به عراق، یمن تیب پیاده العروبه را به عراق فرستاده بود. اردن نیز نیروی الیرموک را به عراق گسیل داشت. همچنین هوایماهای جنگی عراق برای امنیت بیشتر به اردن منتقل شدند. بندر عقبه اردن هم در اختیار عراق قرار گرفت. در طول جنگ از ۱۳ کشور و ملیت های مختلف اسیر داشتیم.

۶-۱۰-۱- کمکهای مالی: پول، نفت، پایگاهها، جزایر و خاک کویت در خدمت صدام- دکتر «فواص بدر»، اقتصاد دان مستقل کویتی: کویت در جریان جنگ عراق علیه ایران قریب به ۱۵ میلیون دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض در اختیار بغداد قرار داده است و این جدا از نفتی بود که کویت برای عراق صادر می کرد. افسران نیروی هوایی کویت اذعان کردند که نیروی هوایی عراق از پایگاه هوایی علی السام کویت در طول جنگ به طور مکرر استفاده می کرده است. این پایگاه چون در رأس خلیج فارس قرار داشت راه عراق را برای هدف قرار دادن سکوهای نفتی خارک ۲۰۰ کیلومتر کوتاه تر می کرد و این امر به خلبانان عراقی کمک شایانی می نمود. در نهایت حدود ۳۵ میلیارد دلار از سوی کشورهای غربی و بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس وام در اختیار دولت عراق قرار گرفت. و فیک سامرایی طی مصاحبه ای اعلام کرد: اگر حمایت غرب نبود صدام نمی توانست جنگ علیه ایران را آغاز کند و ادامه دهد. وی نقش ایالات متحده در کمک به صدام را چنین برمی شمارد:

۱- ارایه اطلاعات کامل به عراق در مورد آرایش نظامی نیروهای ایران

۲- تشویق متحدین خود در اروپا و منطقه برای اعطای کمک مالی به عراق

۳- تحریم ایران و جلوگیری از دستیابی آن به تسلیحات و تجهیزات مدرن.

همچنین هاوارد تیچر عضو شورای امنیت ملی آمریکا در زمان ریگان معتقد است آمریکا برای صدام حسین کاری کرد که تا آن روز برای هیچ یک از متحدین خود نکرده بود.

۶-۱۱- کمکهای شیمیایی:

مقام نخست آلمان در توسعه تسلیحات شیمیایی عراق- آلمان بطور عمده در حوزه فروش مواد و تأسیسات شیمیایی، ماشینهای سنگین و کنترل ابزار دقیق به عراق نقش چشمگیری داشت. کنت تیمرمن: شرکت آلمانی کارل کولمب سر انجام ۶ خط تولید سلاح شیمیایی جداگانه به نام احمد، محمد، عیسی، عانی، مدای و قاضی در مجتمع سامره ایجاد کرد. اولین آنها در سال ۱۹۸۳ و آخرین آنها در سال ۱۹۸۶ تکمیل شدند. از گاز خردل و اسید پروسیک تا گازهای عصبی سارین و تابون در این کارخانه تولید می شدند و در خمپاره ها، راکتها و گلوله های توپ جاسازی می شدند. بی تردید این بزرگترین کارخانه سلاح شیمیایی در جهان بود. رادیو بی بی سی به نقل از مجله اشپنگل: هیچ کشوری به اندازه آلمان چنین کمک تحقیقاتی و تولیدی به عراق در تهیه یک نوع سلاح کشنده و تعیین کننده نکرده است. فناوری های لازم جهت تولید و ساخت قطعات و بدنه موشک اسکاد توسط آلمان به عراق وارد شد. آلمان همچنین اطلاعات به دست آمده از مجروحان شیمیایی ایران در بیمارستانهای خود را در اختیار عراق قرار می داد تا در اصلاح ترکیبات سلاحهای شیمیایی و افزایش بهره وری آنها استفاده کنند.

نقش هلند در جنایات شیمیایی صدام- در نیمه دوم جنگ ایران و عراق، تاجری هلندی به نام «فرانس فان آنرات» هزاران تن مواد اولیه برای تولید بمبهای شیمیایی (بویژه از نوع گاز خردل و اعصاب) برای رژیم عراق تهیه و ارسال کرد. حدود ۴۵۵ شرکت انگلیسی، آلمانی، آمریکایی، بلژیکی، ایتالیایی، برزیلی، هلندی و هندی بدون توجه به اصول بشردوستانه، عراق را به سلاحهای شیمیایی مجهز کردند و در مقابل استفاده عراق از این سلاحها نیز طبعی بود که سکوت نمایند. در سال ۱۳۶۳ هیأتی از صلیب سرخ جهانی وارد ایران شده و از ۱۶۰ مجروح شیمیایی بستری در بیمارستانهای تهران بازدید کرد. کارشناسان این گروه پس از بازگشت با تهیه گزارشی، عراق را متهم به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی کردند و بر این استفاده گواهی دادند. در همان سال بود که یک گروه از تلویزیون انگلیس در جزیره مجنون، فیلمی را در این زمینه تهیه کرد و در انگلیس به نمایش درآمد اما هیچ اقدامی علیه عراق صورت نگرفت. پس از فتح

خرم شهر در سال ۱۳۶۱، به تدریج موازنه جنگ به سود ایران تغییر یافت. متعاقب عملیات‌های بزرگ خیبر و بدر که در اثر آن بخش‌هایی از خاک عراق به تصرف نیروهای ایران درآمد، رژیم بعثی عراق استفاده از سلاح‌های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی آغاز کرد.

سوئیس و ساخت کارخانه فرآوری اورانیوم - کنت تیمرمن: «عراقیها یک شرکت سوئیسی به نام شرکت مهندسی آلسا الو سوئیس را اجیر کردند تا کار بر روی پروژه اورانیوم را آغاز کند. در طول پروژه کارکنان شرکت با هیچ کس تماس نداشتند و طرح آنها در کمال خفا انجام می‌گردید. بعدها معلوم شد که این شرکت واحد تولیدی خاصی در کارخانه القائم عراق ایجاد کرده تا به استخراج نمک‌های فلورئور و از جمله فلورئور آمونیم از اسید فسفریک مایع پردازد. آن طور که کار پیش می‌رفت القائم به صورت پروژه ای کلیدی در تولید سلاح هسته ای عراق در می‌آمد و این علاوه بر هزینه اولیه پروژه یعنی تولید مقادیر عظیم مواد شیمیایی برای استفاده در سلاح مرگبار گاز سمی بود.

۱۲-۶- کمکهای دیپلماتیک به عراق در مجامع بین المللی - نامه وزارت خارجه آمریکا به هیأت نمایندگی دفتر اروپایی سازمان ملل در ۱۴ مارس ۱۹۸۴: «وزارت خارجه به نماینده آمریکا در سازمان ملل دستور می‌دهد که حمایت سایر هیأت‌های نمایندگی غربی در سازمان ملل را جلب نمایند تا در مورد پیش نویس قطعنامه ایران که استفاده عراق از جنگ افزار شیمیایی را محکوم می‌کند "رأی ممتنع" دهند در غیر این صورت، ایالات متحده جریان این قطعنامه را متوقف سازد.» ریچارد مورفی: «تا زمانیکه عراق از سلاح شیمیایی در دفاع از خاک خود و در مقیاس محدود استفاده می‌کند توسلش به این سلاح "قابل درک" می‌باشد.» روزنامه لس آنجلس تایمز: «تا آن زمانی که تنها ایرانیان قربانی حملات شیمیایی بودند چه در سازمان ملل و چه در پایتخت‌های کشورهای بزرگ جهان عملاً عزم و اراده سیاسی کافی برای محکوم کردن اینگونه اقدامات وجود نداشت.

۱۳-۶- توطئه کاهش قیمت نفت و قطع صادرات نفت ایران - گری سیک (مشاور امنیت ملی کاخ سفید): «تا موقعی که نفت ایران صادر می‌شود، جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.» ویلیام فایر، نظریه پرداز غربی: «ما با ایران چه کنیم؟ هرچه پول در رگهای عراق تزریق شد، نتیجه نداده است. اگر عراق از دست برود، فردا کویت و پس فردا هم سعودی نیز خواهد رفت. تنها یک روزنه ی امید هست. با سقوط قیمت نفت، ایران ورشکست می‌شود و ماشین جنگی آن از کار می‌افتد.

قیمت (خرید نقدی) نفت سبک و سنگین ایران در بازارهای جهانی در سال‌های جنگ - بر حسب بشکه دلار

سال	۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۱۳۶۰ (۱۹۸۱)	۱۳۶۱ (۱۹۸۲)	۱۳۶۲ (۱۹۸۳)	۱۳۶۳ (۱۹۸۴)	۱۳۶۴ (۱۹۸۵)	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)	۱۳۶۶ (۱۹۸۷)	۱۳۶۷ (۱۹۸۸)
نفت سبک	۳۴.۲	۳۳.۲	۳۰.۳	۲۸.۱	۲۶.۸	۲۶	۱۳.۵	۱۷	۱۳.۲
نفت سنگین	۳۳.۹	۳۱.۵	۲۸.۷	۲۷.۲	۲۶.۱	۲۵.۵	۱۳	۱۶.۵	۱۲.۸

منبع: Opec Annual Statistical Bulletin, 2005

برخی اقدامات متناقض کشورها در مورد ایران - کشور ژاپن از فروش خودروهای تویوتا Land cruiser به ایران خودداری می‌کرد و می‌گفت: ممکن است در جنگ بکار ببرند. مقداری سیم خاردار خریده بودیم که هنگام عبور قطار از خاک شوروی، توقیف کردند.

کشورهای حامی ایران در جنگ تحمیلی - چین موضع تعیین کننده ای در جنگ نداشت و از دو کشور می‌خواست که جنگ را به پایان ببرند و در عمل هم به هر دو کشور ایران و عراق سلاح می‌فروخت. در آغاز جنگ اغلب سه کشور مساعدت‌هایی به ایران داشتند:

۱- کره شمالی (کره شمالی به جهت حضور نیروهای آمریکایی در کره جنوبی و ژاپن و دشمنی با این کشورها و آمریکا، امکان حمایت و پشتیبانی از ایران را نداشت و درگیر مشکلات خود با آمریکا و همپیمانان آن بود).

۲- لیبی ابتدا حمایت خود را از ایران اعلام کرد اما در اواسط جنگ از حمایت خود منصرف شد و به ایران اعلام جنگ داد (در ۱۳۶۵).

۳- سوریه (هم به دلیل اینکه بخشی از سرزمین آن کشور در اشغال اسرائیل است و تعدادی از نیروهای مسلح آن نیز در لبنان با اسرائیل در حال جنگ بودند، امکان حمایت شایانی از ایران نداشت ولی ...:

بعد از انقلاب حافظ اسد (رئیس جمهور وقت سوریه) تلاش کرد دیگر سران عرب را قانع کند تا نگاه دیگری به ایران داشته باشند چون از جبهه آمریکا و حامی اسرائیل تغییر مسیر داده و ضد امپریالیسم و اسرائیل و حامی آرمان فلسطین شده بود. با شروع جنگ حمایت اسد از ایران قاطع تر شد.

سوریه یکی از معدود کشورهایی است که بواسطه شخصیت رییس جمهور وقت خود یعنی حافظ اسد، در ایام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در کنار جمهوری اسلامی ماند و بیشترین کمکها را از لحاظ نظامی به ایران کرد (آموزش یگان موشکی سپاه در روزگاری که کشور ما کوچکترین تجربه ای در این زمینه نداشت، خرید تسلیحات به نام سوریه و ارسال به ایران، خرید دوربین دید در شب به اسم سوریه و ...).

صدام سعی داشت به افکار عمومی چنین القاء نماید که تهاجم به ایران جنگ بین اعراب و ایران است ولی قرار گرفتن سوریه در کنار ایران این حربه صدام را بی اثر کرد و از نظر سیاسی اهمیت ویژه ای برای ایران داشت. سوریه مهمترین کشور خط مقدم جبهه مقاومت است، بنابر این دفاع ما از سوریه دفاع از منطق و آزادی خواهی در مقابل استکبار است. همچنین نوعی قدردانی از حمایت های دولت و ملت سوریه از ایران در دوران جنگ تحمیلی است که ما را در مقابل دنیای استکبار تنها نگذاشتند.

رهبران شوروی که ایران را در انزوا و تحت تحریم می دیدند، امیدوار بودند که فشارهای جنگ ایران را به طرف شوروی سوق دهد. در این مدت شوروی به سوریه، لیبی و برخی کشورهای اروپای شرقی (بلغارستان، چک و اسلواکی، لهستان و ...) اجازه داده بود تا با تأمین برخی نیازهای تسلیحاتی ایران، موضع این کشور را در مورد افغانستان تعدیل نماید.
(برای اطلاعات بیشتر در خصوص علل دوستی سوریه با ایران به ضمیمه ۱ مراجعه شود).

ضمیمه ۷- جنگ شهرها

- عراق از همان روزهای اول جنگ با نادیده گرفتن مقررات بین المللی به شهرها و روستاهای ایران حمله کرد. پس از تصویب قطعنامه ۵۴۰ (۶۲/۰۸/۰۹) در شورای امنیت، عراق تهدید کرد اگر ایران قطعنامه را نپذیرد، عراق هر اقدامی را برای دفاع از خود محفوظ می داند.
- بعد از فتح خرمشهر و حمله ایران به داخل خاک عراق طی عملیات رمضان (۶۱/۰۴/۲۲) فرانسه از ۹ مهرماه تا ۱۰ آبان ۱۳۶۲ تعدادی هواپیمای پیشرفته میراژ و ۵ فروند هواپیمای پیشرفته Super etandard تحویل عراق داد (این هواپیماها قادر به پرتاب موشکهای Exocet از راه دور بودند که قابلیت فوق العاده در غرق کشتیها داشت).

- بدلیل فعالیت زیاد نیروی هوایی ایران در ابتدای جنگ، تعدادی از هواپیماها سرنگون شده و تعدادی هم بدلیل نبود لوازم یدکی زمین گیر شده بودند (از ۴۴۵ هواپیما در ۱۹۸۰ به ۸۰ فروند قابل پرواز کاهش یافته بود) درحالیکه تعداد هواپیماهای عراق از ۳۳۲ فروند به ۵۰۰ فروند افزایش یافته بود). ایران تعداد اندکی هواپیماهای فعال را برای حفاظت از مناطق حساس اقتصادی و نظامی بکار گرفت لذا آسمان شهرهای ایران پوشش هوایی مناسبی نداشت.

- برتری نیروی هوایی عراق از سال ۱۳۶۲ به بعد و کثرت حملات هوایی به شهرها باعث شد نماینده ایران در ۱۳۶۲/۰۲/۱۲ با دبیرکل سازمان ملل (javier perez de cuellar) ملاقات و خواستار اعزام هیئتی برای بازدید از شهرهای بمباران شده گردید. دبیرکل (با جلب موافقت عراق و سازمان ملل) هیئتی را در ۶۲/۰۲/۲۸ راهی ایران کرد. هیئت در ۶۲/۰۳/۰۶ از شهرهای عراق هم بازدید کرد و در گزارشی اثرات ویرانگر جنگ شهرها به دو کشور را به دبیرکل گزارش کردند. (در هویزه فقط یک مسجد را برای دیده بانی و یک خانه را برای مقررماندهی نگه داشته و بقیه ساختمانها را با خاک یکسان کردند. همچنین کلیه درختان را ریشه کن کردند). دبیرکل گزارش خود را در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ به شورای امنیت تسلیم کرد (چون بیانگر خسارتهای عظیم به ایران با سلاحهای غربی و روسی بود اینها با اعمال نفوذ حتی اجازه ندادند جلسه تشکیل شود و حتی بیانیه ای صادر گردد).

- بی‌اعتنائی شورای امنیت باعث پشت گرمی و تشویق عراق به حملات بیشتر شهرها شد. ایران نامه‌های زیادی به دبیرکل نوشت که بی‌اثر بودند ولی از شورای امنیت درخواست تشکیل جلسه نکرد. بعد از حمله ایران به پنج‌جین (۲۷ مهر ۱۳۶۲) عراق به حملات خود به شهرها شدت بخشید. به علت حمایت قوی اعضای دائم شورای امنیت از عراق، صدام بعد از آن حملات بر شهرها را تشدید کرد. کنوانسیون ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ (۱۳۲۸/۰۵/۲۱) به امضاء رسید: بر اساس مفاد این کنوانسیون هیچ یک از کشورهای درگیر جنگ نباید به شهرها و مناطق مسکونی یکدیگر حمله نمایند و باعث صدمه به افراد غیرنظامی شوند.

در سال ۱۹۸۵ ایران تعدادی موشک بدست آورد و بخشی از حملات عراق به شهرها را تلافی کرد. اولین موشک ایران در ساعت ۲:۴۰ بامداد مورخه ۶۳/۱۲/۲۱ به کرکوک شلیک شد. بین روزهای ۶۳/۱۲/۲۳ تا ۶۳/۱۲/۲۵ تعداد ۱۳ موشک به بغداد اصابت کرد و عراق هم به حملات موشکی به شهرهای ایران افزود. دبیرکل بخاطر نگرانی از جنگ شهرها در ۶۴/۰۱/۱۸ وارد تهران و ۶۴/۰۱/۱۹ وارد بغداد شد و با مقامات دو طرف در خصوص توقف جنگ شهرها مذاکره کرد.

گزارش دبیرکل به شورای امنیت: بیانگر عدم رضایت ایران از رفتار ناعادلانه شورا (در محکوم کردن عراق بخاطر کاربرد سلاحهای شیمیایی، جنگ شهرها و ...) بود. دبیرکل گفت من نظرات ایران را به شورا می‌رسانم ولی ایران به عنوان یک عضو سازمان ملل باید خود بصورت رسمی خواسته‌هایش را در شورا مطرح نماید. او همچنین به شورا اعلام کرد ایران حاضر است قطع همه جانبه مخاصمات را بپذیرد مشروط بر اینکه: شورای امنیت متجاوز را محکوم کند و غرامت جنگ به ایران پرداخت شود. دبیرکل این مطالب را به عراق هم اعلام کرد. این دو شرط کاملاً منطبق با منشور ملل متحد بود. پیش شرطهای قبلی (برکناری صدام، محاکمه و مجازات او) که گهگاه از طرف برخی مقامات ایران مطرح می‌شد حذف شده بود چون شرایط رسمی ایران نیستند. گزارش دبیرکل (این سیاستمداران انسان دوست اهل پرو) که در نهایت بی‌طرفی و صداقت تنظیم شده بود و به صراحت گفته بود دو طرف خواهان پایان جنگ هستند، مورد توجه شورای امنیت (بهتر بگویم آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس و چین) قرار نگرفت و جلسه‌ای برای حل و فصل مشکل تشکیل نشد. چون این کشورها هنوز ادامه جنگ را در راستای منافع خود می‌دیدند.

- دبیرکل دلسوزانه به مقامات ایران راهنمایی کرده بود که برای احقاق حقوق ملت ایران فعالانه در جلسات شورا شرکت نمایند اما ایران این میدان مهم سیاسی را به نفع عراق و حامیانش خالی کرد. شورای امنیت مهمترین مرجع جهانی و بزرگترین میدان نبرد سیاسی است. در زمان ما نبرد اصلی پای میز مذاکره است و پیروزی در این میدان است که پیروزی در میدان جنگ را بدنبال دارد (کاری که عراق و متحدانش در طول جنگ انجام دادند ولی نتیجه مطلوبی نگرفتند). مقامات ایران به اهمیت میدان نبرد سیاسی واقف نبودند و توان خود را فقط در میدان جنگ بکار می‌بردند که روز به روز هم کاهش می‌یافت (البته شاید آمیدی به اعضای شورای امنیت که اغلب آنها طرف عراق را می‌گرفتند، نداشت).

عراق بعد از سال ۱۳۶۴ با برتری مسلم نیروی هوایی و کثرت موشکهای خود، تأسیسات نفتی و اقتصادی ایران را مورد حملات زیاد و سنگین خود قرار می‌داد. در فاصله ۶۴/۰۵/۲۴ لغایت ۶۴/۱۰/۰۹ حدود ۶۰ بار به جزیره خارک حمله کرد (کاهش صادرات نفت ایران). - جنگ شهرها با بی‌توجهی شورای امنیت طی سالهای ۶۴ و ۶۵ ادامه داشت. عراق با پشت گرمی از حمایت‌های بی‌دریغ شورا در ۶۶/۱۲/۱۰ بمباران و موشکباران تهران و شهرهای دیگر ایران را با شدت بی‌سابقه و تا ۶۷/۰۲/۰۱ به مدت ۵۱ روز ادامه داد و بیش از ۱۷۰ موشک پرتاب کرد. جنگ شهرها تا آخرین روزهای جنگ ادامه داشت و بعد از برقراری آتش بس در ۶۷/۰۵/۲۹ (۲۰ اوت ۱۹۸۸) متوقف شد.

ضمیمه ۸- جنگ نفت کشها- از غم انگیزترین رویدادهای جنگ هشت ساله بود. از آغاز تجاوز عراق تعدادی کشتی در شط العرب محبوس شده و تا آخر جنگ قادر به خروج از آن نبودند. کوششهای Olof palme (نماینده دبیرکل سازمان ملل در این خصوص به نتیجه‌ای نرسید).

- بعد از حمله ایران بداخل خاک عراق (۶۱/۰۴/۲۲)، عراق با توجه به برتری هوایی خود (ضمن تشدید جنگ شهرها) در ۶۱/۰۵/۲۱ حقوق بین الملل مربوط به آزادی کشتیرانی در آبهای بین المللی را نقض کرد و شمال خلیج فارس تا ۶۵ کیلومتر بعد از خارک را منطقه جنگی اعلام کرد. عراق با اتکا به حمایت آمریکا و متحدانش در نقض حقوق بین الملل جسورتر شد و در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۳ ضمن تکرار اخطار بالا، کلیه کشتی های بازرگانی و نفتکش را از نزدیک شدن به بنادر بوشهر، امام خمینی و ماهشهر بر حذر داشت. عراق که در اقدامات خلاف حقوق بین الملل با مخالفت قدرتهای بزرگ و سازمان ملل روبرو نمی شد در ۲۹ ژانویه ۱۹۸۴ (۶۳/۱۱/۰۹) منطقه جنگی را گسترش داد و تا ۸۰ کیلومتری خارک اعلام کرد (۸۰ درصد نفت ایران از پایانه خارک صادر می شود).

- عراق با هواپیماهای سوپر اتاندارد و هلیکوپترهای super frelon که هر دو قادر به شلیک موشکهای Exocet بودند به کشتیها حمله کرد. موشکهای Exocet: از ۱۵ کیلومتری به هدف شلیک می شوند، با رسیدن به ۱۲ کیلومتری هدف توسط رادار خود جهت مسیر زاویه و فاصله دقیق هدف را معلوم کرده آنگاه با سرعت و شدت به هدف می کوبد، این موشک بگونه ای طراحی شده است که اغلب موتور کشتی را هدف می گیرد. ایران مدتی به حملات عراق به کشتی ها واکنش نشان نداد ولی بعد از مدتی تصمیم به اقدامات تلافی جویانه گرفت. در آن زمان عراق قادر به صدور نفت از خلیج فارس نبود، بدلیل حضور مقتدرانه نیروی دریائی ایران، بندر بصره هم قابل استفاده نبود. بنابر این ما اهدافی متعلق به عراق در خلیج فارس نداشتیم که مقابله به مثل کنیم لذا ایران تصمیم گرفت: به کشتی های عربستان و کویت دو متحد عراق حمله کند. ایران موشک ضد کشتی نداشت لذا با هواپیماهای F4 و F5 به کشتیها حمله می کرد. نیروهای ایران در مورخه ۶۳/۰۲/۲۴ یک نفتکش کویتی و در ۶۳/۰۲/۲۷ یک نفتکش عربستان را در آبهای بین المللی هدف قرار دادند. - عربستان و کویت به همراه ۴ کشور دیگر شورای همکاری خلیج فارس در ۶۳/۰۲/۳۱ به شورای امنیت شکایت کرده و خواستار تشکیل جلسه فوری برای رسیدگی به اعمال تجاوزکارانه ایران علیه آزادی عبور و مرور کشتیها شدند. این شش کشور در نامه خود تأکید کردند همچنین اعمال تجاوزکارانه تهدیدی علیه ثبات و امنیت منطقه است.

- شورای امنیت در ۶۳/۰۳/۱۱ قطعنامه ۵۵۲ را تصویب کرد. نمایندگان کشورهای بحرین، جیبوتی، اکوادور، آلمان، ژاپن، اردن، کویت، لیبیا، موریتانی، مراکش، عمان، پاناما، قطر عربستان، سنگال، سودان، تونس، ترکیه، امارات متحده عربی، یمن با موافقت شورای امنیت در این جلسات شرکت کردند (کثرت شرکت کننده= اهمیت موضوع). نماینده هلند در جلسه شورا اعلام کرد طی ۳ سال گذشته ۶۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته اند. نماینده پاناما هم گفت کشتی های متعلق به کشورش یکسال قبل از فتح خرمشهر هدف قرار گرفته اند. جالب آن است که در ۶۳/۰۲/۱۷ (۷ روز قبل از حمله ایران) نفتکش بزرگ السفینه العرب متعلق به عربستان که حامل نفت ایران بود مورد حمله عراق قرار گرفت ولی عربستان شکایت نکرد. این شورا بدون توجه به بیانات نمایندگان هلند و پاناما فقط موارد شکایت عربستان و کویت را مد نظر قرار داد و ضمن ابراز نگرانی عمیق، فقط حملات اخیر به کشتیهای کویت و عربستان را محکوم کرد. شورا طی اقدامی جانبدارانه از کشورهای عربی، در این قطعنامه که سند رسمی بین المللی محسوب می شود نام تاریخی خلیج فارس را بطور کامل ذکر نکرد.

سعید رجائی خراسانی (نماینده ایران در سازمان ملل متحد) در روزهایی که اولین جلسه شورا (برای قطعنامه ۵۵۲) در ۶۳/۰۳/۰۴ تشکیل شد، نامه ای برای دبیرکل سازمان ارسال کرد که مهمترین محورهای آن عبارتند از:

امنیت خلیج فارس قابل تفکیک نیست یا برای همه یا برای هیچکس. برخی کشورها با کمک مالی وسیع عراق را برای تهدید امنیت کشتیها تشویق کردند و انتظار دارند از پیامدهای آشکار آن در امان بمانند. سازمان ملل متحد یک نهاد واحدی است که بخشهای مختلف دارد و همه آنها به یکدیگر وابسته اند.

ایران معلوم نیست چرا طی سالیان جنگ فقط با دبیرکل رابطه داشت و با شورای امنیت روابطی نداشت. در سپتامبر هر سال در مجمع عمومی سازمان ملل هم شرکت می کرد. دولت ایران نامه هایش را به دبیرکل می فرستاد تا نقطه نظرات ایران را به اطلاع ۱۵ عضو

شورای امنیت برساند. اگر اطلاع شورا مهم بود چرا در جلسات آن شرکت نمی کرد. ایران حتی از این اقدام کشورهای عربی در شکایت به شورای امنیت درس نگرفت و از ظرفیتهای این نهاد قدرتمند سیاسی کمک نگرفت.

عراق با نقض حقوق بین الملل: آبهای بین المللی را منطقه جنگی اعلام کرد، به نفتکشها و کشتیهای تجاری ایرانی و سایر کشورها حمله کرد، آزادی عبور و مرور کشتیها را مختل کرد ولی دولت ایران همچنان خود را از میدان سیاسی دور نگه داشت و مانند روش نادرست گذشته به شورای امنیت شکایت نکرد. دولت عراق در طول جنگ تحمیلی بیشتر کالا و تسلیحات خریداری شده خود را وارد بنادر کویت می کرد و سپس از طریق جاده های کویت به عراق ارسال می کرد. همچنین فضای کویت برای عملیات نظامی علیه ایران در اختیار عراق قرار داشت.

تشدید جنگ نفتکشها: عراق بعد از هر حمله و پیروزی ایران در جبهه های زمینی، حملات خود به شهرها و کشتی ها را افزایش می داد تا ایران را وادار به پذیرش آتش بس و پایان جنگ نماید. بعد از تصرف فاو در ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ عراق دیوانه وار به شهرها، تأسیسات نفتی و کشتیها حمله می کرد (چند صد حمله در یک روز). به علت صدمات سنگین وارده به تأسیسات نفتی (بخصوص خارک)، ایران جزیره سیری را (که دور از شعاع پرواز هواپیماهای عراقی بود) برای صدور نفت تجهیز کرد. (در ۶۵/۰۵/۲۱ عراق با کمک اطلاعاتی آمریکا و سوختگیری در آسمان پایانه جدید سیری را هم بمباران کرد). ایران واکنش نشان داد و علاوه بر گلوله باران بصره، جنگ نفتکشها را شدت بخشید، اما هواپیماهای F4 و F5 در شب قادر به حمله نبودند (نفتکشهای متحدین عراق شبها حرکت می کردند تا از حملات ایران مصون باشند) ولی ایران در نوامبر ۱۹۸۶ موشکهای قاتل دریا (sea killer) را بدست آورد و شبها هم به کشتیها حمله کرد.

- در ۱۹۸۶ بیش از ۹۷ حمله به کشتیها صورت گرفت، در ۱۹۸۵ حدود ۶۱ مورد بود.

- در ۱۹۸۷ جنگ نفتکشها به اوج خود رسید، ایران ۵۰ فروند قایق تندرو Boghammar از سوئد خریداری کرد (۱۳ متر طول ۳ متر عرض و سرعت آنها ۵۰-۴۰ گره دریایی بود). ایران این قایقها را مسلح کرده و در اختیار سپاه قرار داد (مجهز به مسلسل و موشکهای Stinger). در ۱۹۸۷ ایران و عراق هر دو به کشتیهای بیشتری حمله کردند (۱۹۸۶ به ۱۰۷ کشتی و در سال ۱۹۸۷ به ۱۷۸ کشتی حمله شد). تعداد کشتیهای که تا ۱۹۸۷ از بین رفتند معادل نصف کشتیهای منهدم شده در جنگ جهانی دوم بود. طبق اسناد بیمه Lioyds لندن: در طول جنگ ۵۴۸ بار به کشتیها حمله شد، حدود ۹۰ فروند کشتی غرق شدند، حدود ۳۰۰ دریانورد کشته، ۳۰۰ نفر مجروح و تعدادی مفقود شدند.

نصب پرچم آمریکا روی کشتیهای کویت: (Re-flagging of Kuwait tankers) - از ۱۰۷ کشتی هدف گرفته در سال ۱۹۸۶ حدود ۶۰ فروند آن متعلق به کویت بود. کویت چون قادر به حفاظت از نفتکش های خود نبود در ۲۳ دسامبر ۱۹۸۶ به آمریکا پیشنهاد نصب پرچم روی نفتکشهای کویتی داد، به علت مخالفت سنا (این کار یعنی ورود رسمی آمریکا در جنگ بود) آمریکا در جواب تعلل کرد. کویت از شوروی درخواست کرد (شوروی که مشتاق نفوذ در کشورهای خلیج فارس بود) به سرعت پرچم خود را روی ۵ کشتی کویتی نصب کرد. در ۲ مارس ۱۹۸۷ درخواست کویت از آمریکا تکرار شد (آمریکا بخاطر اقدام شوروی و نگرانی از نفوذ شوروی در منطقه) در ۷ مارس به کویت اعلام کرد حاضر است پرچم خود را روی کلیه نفتکشهای کویتی نصب کند. در آوریل ۱۹۸۷ شوروی موافقت کرد ۳ نفتکش خود را به کویت اجاره دهد. بعلاوه کویت درخواست کرد نفتکشها توسط ناوهای جنگی اسکورت شوند، آمریکا و شوروی هم پذیرفتند و عملاً از آوریل ۱۹۸۷ بطور مستقیم علیه ایران وارد جنگ شدند و این امر بر مشکلات ایران افزود.

هر دو کشور (آمریکا و شوروی) از آغاز جنگ مدعی بی طرفی بودند ولی با این اقدام نیت پلید و واقعی آنها روشن شد. عراق از ابتدا سعی داشت کشورهای دیگری هم در کنار آن کشور مقابل ایران قرار گیرند و جنگ حالت چند ملیتی بخود بگیرد و اکنون به این هدف خود رسیده بود. در ۷ مارس ۱۹۸۷ آمریکا موافقت خود را با نصب پرچم آمریکا روی نفتکش های کویتی اعلام کرد که اقدامی خصمانه علیه ایران بود. آقای Weinberger (وزیر دفاع آمریکا) در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷ در جلسه سنا تأیید می کند که آمریکا از جنبه های حقوقی این اقدام آگاه است.

نصب پرچم آمریکا و شوروی روی کشتیهای کویتی پیامدهای ناگواری برای ایران داشت: در ۶ مه ۱۹۸۷ (۶۶/۰۲/۱۶) ایران کشتی باری Ivan koroteyev شوروی را مورد حمله قرار داد (شوروی این حمله را مشابه اقدامات دزدان دریائی نامید). حدود ۱۰ روز بعد کشتی marshal chuykov که در اجاره کویت بود در سواحل کویت به مین برخورد (شوروی تهدید به اقدام قهرآمیز کرد ولی اقدامی نکرد).

در ۱۷ مه ۱۹۸۷ (۶۶/۰۲/۲۷) ناو جنگی stark آمریکا (دورتر از منطقه جنگی که عراق اعلام کرده بود) مورد اصابت ۲ موشک Exocet قرار گرفت، بشدت آسیب دید و از حرکت بازماند، ۳۷ تنگدار آمریکائی کشته شدند. آمریکا که به کوچکترین تهدید جواب فوری و قاطع می داد، هیچ اعتراضی به عراق نکرد.

در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۰۴/۲۹) قطعنامه ۵۹۸ به تصویب شورای امنیت رسید. در ۲۲ ژوئیه اولین کاروان نفتکشهای کویتی با پرچم آمریکا و اسکورت ناوهای جنگی از تنگه هرمز عبور کرده وارد خلیج فارس شدند و به سوی بنادر کویت حرکت کردند. در ۲۴ ژوئیه نفتکش ۴۰۰ هزار تنی brigton در خلیج فارس به مین برخورد کرد و آسیب جدی دید.

پیامدهای این حادثه: مین ها به تعداد زیاد در خلیج فارس، نزدیک بنادر کویت، بندر فجیره (امارات) و اطراف جزیره فارسی (محل استقرار قایق های تندرو ایران) یافت شد. آمریکا و متحدانش ایران را متهم به مین ریزی کردند ولی ثابت نشد. ایران گفت بیشتر از همه به امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز نیاز دارد.

ضمیمه ۹- ملاحظاتی پیرامون تهدید ایران به بستن تنگه هرمز:

- این تنگه راه ارتباطی بین خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند است. عرض تنگه بین ۳۸ تا ۹۱ کیلومتر متغیر است (باریک ترین بخش آن بین جزیره قونین کبیر عمان و جزیره لارک ایران است) عمق تنگه فقط در دو مسیر هر کدام به عرض ۳/۶ کیلومتر برای عبور کشتیهای بزرگ و نفتکش ها مناسب است. حیات اقتصادی و سیاسی ایران به جریان صدور نفت و باز بودن این تنگه وابسته است. ناامن شدن این تنگه طی جنگ نفتکش ها خطر جدی برای ایران بود. ایران تهدید کرد اگر ما نتوانیم از تنگه نفت صادر کنیم اجازه نمی دهیم کشورهای دیگر هم از تنگه عبور کنند.

تهدید به بستن تنگه هرمز - توسط رسانه های غرب بیش از حد بزرگنمایی شد و آمریکا و متحدانش بهانه خوبی پیدا کردند تا حضور خود در خلیج فارس را به بهانه تأمین امنیت عبور کشتیها افزایش دهند. واقعیت آن است که در شرایط سالهای جنگ به دلایل زیر بستن تنگه هرمز با قدرت نظامی ایران عملی نبود:

۱- **بستن تنگه هرمز توسط نیروی دریائی** - آمریکا بزرگترین ناوگان جنگی خود بعد از جنگ ویتنام را در خلیج فارس مستقر کرده بود (در پایان ۱۹۸۷ حدود ۴۸ ناو جنگی و ۲۵۰۰۰ سرباز در خلیج فارس داشت). فرانسه، انگلیس، ایتالیا، بلژیک، هلند، و دانمارک هم تعدادی از ناوهای جنگی و کشتیهای مین روب در خلیج فارس مستقر کرده بودند. ناوگان شوروی از ۱۹۶۷ در اقیانوس هند متمرکز بود ولی از شهریور ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) برای حفاظت از کشتیهای باری حامل اسلحه برای عراق (که به بنادر کویت می رفتند) ۹ ناو جنگی وارد خلیج فارس کرد. بدیهی است نیروی دریائی ایران در مقابل حضور این حجم عظیم ناوگان خارجی که برای تأمین امنیت عبور و مرور نفتکشها آمده بودند قادر به بستن تنگه هرمز نبود.

۲- **بستن تنگه هرمز توسط نیروی هوائی ایران** - نیروی هوائی ایران که زمانی قدرتمندترین نیروی هوائی منطقه بود، بعد از پیروزی انقلاب و در طول جنگ با عراق بسیار ضعیف شده بود و هواپیماهای جنگی آن از ۴۴۷ به ۸۰ فروند کاهش یافته بود (اکثراً هم F4 و F5 بودند) و قادر به مقابله با هواپیماهای پیشرفته مستقر روی ناوهای خارجی نبودند. نبود لوازم یدکی به علت تحریم آمریکا هم مشکلاتی را برای تعمیر و نگهداری هواپیماهای موجود ایجاد کرده بود.

۳- **بستن تنگه هرمز از طریق مین گذاری** - چندین بار مین گذاری هم در تنگه صورت گرفت ولی کشورهای خارجی سریعاً با کشتی های مین روب آنها را جمع آوری و مسیر برای حرکت کشتی ها باز شد.

۴- بستن تنگه هرمز از طریق غرق کردن کشتی ها در آن - ایران تعدادی موشک silkworm از چین خریداری و در جزیره قشم مستقر کرده بود. برد این موشکها ۹۲/۶ کیلومتر بود. فاصله قشم تا تنگه ۴۸ کیلومتر است. کلاهک این موشک ۱۱۰۰ پوند مواد انفجاری داشت (سه برابر کلاهک موشک Exocet). ایران با هدف گرفتن و غرق کردن کشتیها می توانست باعث مسدود شدن تنگه هرمز شود ولی غریبها رسماً اخطار کرده بودند که در صورت اقدام ایران، محل استقرار موشکها را نابود خواهند کرد.

در صورت بسته شدن تنگه هرمز چه کشورهایی متضرر می شدند؟

عراق - اندکی صدمه می دید چون کمکهای تسلیحاتی و تدارکاتی توسط حامیان آن به بنادر کویت نمی رسید. به علت برتری نیروی دریائی ایران از همان اول جنگ عراق از خلیج فارس بی بهره بود و قادر به صدور نفت از این آبراه نبود و هیچ کشتی تجاری هم برای تردد نداشت و تا آوریل ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) برای صدور نفت فقط از لوله نفتی که از طریق سوریه به بندر بانیا در مدیترانه کشیده بود، استفاده می کرد (سوریه به طرفداری از ایران در آوریل ۱۹۸۲ این لوله را بست). عراق ابتدا از لوله نفت ترکیه استفاده کرد، در سالهای بعد با احداث خط لوله دوم از عربستان، سپس با احداث خط لوله سوم به موازات قبلی تا ۲ میلیون بشکه در روز نفت صادر می کرد. در ۱۹۸۴ یک خط لوله تا بندر عقبه اردن کشید. چون این لوله از نزدیکی مرزهای اسرائیل می گذشت، آمریکا از نظر سیاسی اطمینان داد که اسرائیل به آن حمله نخواهد کرد و از نظر مالی هم یک وام ۴۲۵ میلیون دلاری برای احداث این خط لوله که ۸۶۹ کیلومتر طول داشت در اختیار عراق قرار داد.

عربستان: با احداث خطوط لوله به بندر ینبوع در دریای سرخ بخشی از نفت خود را از این طریق صادر می کرد. از کل نفت صادراتی کشورهای عرب خلیج فارس (۹/۲ میلیون بشکه (۱۹۸۷) در روز، حدود ۶/۳ میلیون بشکه از طریق لوله ها و فقط ۲/۹ میلیون بشکه از طریق تنگه هرمز صادر می شد. بهای نفت از سال ۱۹۸۳ بتدریج کاهش یافت و در سال ۱۹۸۶ به زیر ۱۰ دلار رسید (درآمد نفتی عربستان از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ به ۲۰ میلیارد در سال ۱۹۸۷ کاهش یافت).

ایران - چون لوله صادراتی نداشت و تنها راه صادرات نفت تنگه هرمز بود لذا باز بودن آن برای ایران بسیار حیاتی بود ولی برای سایر کشورها اهمیت کمتری داشت. بنابراین به فرض قادر بودن ایران برای بستن تنگه هرمز، این کشور نمی توانست تنگه را ببندد، چون خود را از تنها منبع درآمد ارزی محروم می کرد و قادر به تأمین تدارکات جنگ با عراق هم نبود. بنابراین تهدید ایران در نامه سعید رجائی خراسانی به دبیرکل سازمان ملل (۱۳۶۳/۰۳/۰۴) مبنی بر بستن تنگه هرمز ضمانت اجرائی نداشت و یک بلوف سیاسی بود ولی: آمریکا از این تهدید نهایت استفاده را کرده و کشورهای غربی را با خود متحد کرده حضور خود را در خلیج فارس تقویت کردند.

لازم است ایران با کشیدن یک خط لوله نفتی به موازات خط لوله انتقال گاز به پاکستان، آنرا از تنگه هرمز خارج کرده و در دریای عمان (سواحل بندر جاسک) به یک ترمینال بارگیری نفت متصل نموده و در مواقع ضروری از آن بهره برداری نماید. با این راهکار، وابستگی مطلق ایران به تنگه هرمز از بین می رود و امکان بستن تنگه هرمز در مواقع ضروری عملی تر می شود.

ضمیمه ۱۰- استفاده عراق از سلاحهای شیمیائی:

کنفرانس لاهه که در سال ۱۸۹۹ به ابتکار نیکلای دوم تزار روس تشکیل شد، کاربرد سلاحهای شیمیائی را ممنوع کرد. پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ (۱۳۰۴/۰۳/۲۷) در ژنو هم کاربرد هرگونه سلاحهای شیمیائی را ممنوع کرد. عراق از دومین ماه جنگ از سلاحهای شیمیائی علیه ایرانیان استفاده کرد (سوسنگرد). کاربرد سلاحهای شیمیائی ۱۳۶۲/۰۷/۲۷ در ۴۰ کیلومتری داخل خاک عراق در روبروی مرزبانان علیه نیروهای ایرانی که در خاک عراق پیشروی کرده بودند گزارش شده است. همچنین در ۶۲/۰۸/۱۸ به دو روستای بانه و در ۶۲/۰۸/۰۳ با سلاحهای شیمیائی به پیرانشهر حمله کرد. بعد از توقف پیشروی عراق در آبانماه ۵۹، عراق تصمیم گرفت به مقدار زیاد و به دفعات از سلاح شیمیائی استفاده کند. شکست سنگین عراق در خرمشهر، ورود ایران داخل خاک عراق، موقعیت متزلزل صدام در ۱۹۸۲، تداوم حملات ایران به عراق و ... رهبران عراق را مصمم ساخت برای تهدید، دفاع و حفظ قدرت سیاسی خود هر عمل غیر

انسانی و خلاف قوانین بین المللی را برای خود جایز بدانند و از سلاحهای شیمیایی به طور وسیع استفاده نمایند. اعضای دائم شورای امنیت بخصوص آمریکا بیش از حد از این اقدامات ضد بشری عراق حمایت کردند (آمریکا در مارس ۱۹۸۲ عراق را از لیست کشورهای حامی تروریست خارج کرده بود).

هرگاه نیروهای ایران در جبهه‌ها پیروزی‌هایی داشتند، عراق بر شدت جنگ شهرها و نفتکشها افزوده و بصورت گسترده از سلاح شیمیایی استفاده می کرد تا از قدرت رزمندگان بکاهد و مانع پیشروی آنها شود. ایران برای فشار به شورای امنیت و خنثی کردن اقدامات هماهنگ اعضای آن و سکوت در قبال جنایت های عراق، تعدادی از مجروحان شیمیایی را به آلمان، اتریش و سوئد اعزام کرد. رسانه های گروهی جهان تصاویر مجروحین را منتشر کردند، افکار عمومی جهان مملو از خشم و اعتراض شد و شورای امنیت مجبور شد کارشناس اعزام نماید.

در ۶۲/۱۲/۲۲ کارشناسان سازمان ملل تأیید کردند که عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرده و دبیرکل هم عیناً گزارش را منتشر کرد. عراق در جواب گفت ایران با طرح سلاح شیمیایی قصد دارد افکار عمومی را از ضرورت متوقف کردن جنگ منحرف سازد و گزارش دبیرکل را قبول نکرد. وزارت خارجه آمریکا در ۶۲/۱۲/۱۴ کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق را محکوم کرد ولی از صدور قطعنامه توسط شورای امنیت علیه عراق جلوگیری کرد (عدم صداقت آمریکا).

این اقدام آمریکا:

۱- فقط برای راضی کردن افکار عمومی مردم آمریکا و جهان صادر شده بود
۲- حفظ موازنه قوا در منطقه به نفع اسرائیل
۳- به عنوان یک زمینه چینی مقدماتی برای اقداماتی در آینده تلقی شود (این حربه به عنوان بهانه ای برای حمله آمریکا و متحدانش به عراق بعد از حمله این کشور به کویت استفاده شد).

نیویورک تایمز چندی بعد اعلام کرد آمریکا و اسرائیل درباره امکان حمله هوایی به تأسیسات تولید سلاحهای شیمیایی عراق مذاکره کردند، اسرائیل ۱۳۶۰/۰۳/۱۷ تأسیسات اتمی عراق را بمباران کرده بود.

عراق در تهاجم به فاو در ۶۷/۰۱/۲۸ هم سلاح شیمیایی بکار برد لذا فقط برای دفاع نبوده است. عراق از ۶۷/۰۴/۰۶ با هلیکوپتر و توپخانه حلبچه را مورد حملات شیمیایی قرار داد (ایران این شهر عراق را تخلیه کرد). عراق در اوایل تیرماه ۶۷ قبل از باز پس گیری جزایر مجنون دو ساعت با گاز سیانید و اعصاب آنجا را گلوله باران کرد.

شورای امنیت در ۱۳۶۴/۰۲/۰۵ (۲۵ آوریل ۱۹۸۵) در مورد بررسی گزارش کارشناسان خود در خصوص کاربرد سلاحهای شیمیایی تشکیل جلسه داد و بیانیه ای صادر کرد: اعضای شورای امنیت از اینکه سلاحهای شیمیایی علیه سربازان ایرانی در جنگ بین دو کشور در مارس ۱۹۸۵ بکار رفته است، وحشت زده هستند. آنان تکرار استعمال سلاحهای شیمیایی در منازعه بین دو کشور و هر استعمال احتمالی چنین سلاحهایی در آینده را قویاً محکوم می کند (بدون ذکر نام عراق). حال که در یک بیانیه رسمی به جنگ اعتراف شده چرا شورای امنیت به وظیفه خود عمل نکرد؟ این اعتراف سند محکومیت سیاست گذشته شورا است.

شورا بطور عمدی و آگاهانه در دستور جلسات خود از کلمه جنگ (ماده ۳۹) استفاده نمی کرد و تا اواخر جنگ از وضعیت (ماده ۳۴) استفاده می کرد تا مجبور نباشد براساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد وقوع تجاوز، متجاوز بودن عراق را تشخیص دهد و براساس آن قطعنامه صادر کند.

از بیانیه ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ شورای امنیت چنین بر می آید که آمریکا و شوروی هنوز زمان را برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق مناسب ندانسته و تمایل آشکار به ادامه آن دارند. شورای امنیت در بیانیه ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (۶۵/۰۱/۰۱) برای اولین بار عراق را بخاطر کاربرد سلاح شیمیایی محکوم کرد. عراق اصرار داشت شورای امنیت باید به مسئله اصلی که لزوم خاتمه دادن به جنگ است بپردازد (نه مسائل درجه دوم).

بخشی دیگر از حملات شیمیایی عراق: حمله شیمیایی به سردشت (۸۰۲۵ نفر قربانی) در ۶۶/۰۳/۳۰، حمله شیمیایی به سردشت ۱۳۶۶/۱۰/۲۲ و فاجعه حلبچه در ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ رخ داد و حدود ۵۰۰۰ نفر تلفات انسانی داشت. صدام این جنایت را برای انتقام از کردهای حلبچه انجام داد که در زمان حمله ایرانیان به حلبچه با آنان همکاری نموده بودند.

در اثر فشار افکار عمومی، آمریکا در ۶۷/۰۱/۰۳ عراق را بخاطر جنایت علیه کردهای حلبچه محکوم کرد. عراق از ژانویه ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ حدود ۲۵۲ بار علیه ایران حملات شیمیایی داشته و ۵۶۷۸۹ نفر کشته و زخمی شدند.

برای اولین بار قطعنامه ۶۱۲ در ۶۷/۰۲/۰۹ توسط شورای امنیت در مورد سلاحهای شیمیایی صادر شد.

عراق در ۶۷/۰۴/۰۴ با سلاح شیمیایی به جزایر مجنون حمله کرد. طارق عزیز در اردیبهشت ۱۳۶۷ رسماً اعلام کرد که عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. عراق در ۶۷/۰۵/۱۱ (بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران برای تسکین خوی انتقامجویی و کینه توزی خود) روستاهای اطراف اشویه در آذربایجان غربی را بمباران شیمیایی کرد. آتش بس در ۶۷/۰۵/۲۹ برقرار شد و جنگ پایان یافت ولی عراق از سوم تا ۶۷/۰۶/۰۶ همچنان روستاهای کردنشین عراق را بمباران شیمیایی می کرد.

سنای آمریکا در ۹ سپتامبر ۱۹۸۸ (۶۷/۰۶/۱۸) عراق را بخاطر حمله شیمیایی به اقلیت کرد محکوم کرد و تحریم های اقتصادی علیه عراق را تصویب کرد (ولی وزارت خارجه آمریکا این تحریم را به موقع ندانست و مخالفت کرد). مجلس نمایندگان آمریکا در ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۸ (۶۷/۰۷/۰۵) با اکثریت آرا صدور اسلحه و تکنولوژی حساس را به عراق ممنوع کرد.

ضمیمه ۱۱- موانع اجرای قطعنامه ۵۹۸:

علاوه بر ضعف هائیکه در تنظیم بندهای آن وجود داشت دو مشکل جدی هم در اجرای آن وجود دارد:

۱- **ناکارآمدی شورای امنیت**- شورا در طول ۸ سال دفاع مقدس آزمون موفقیت نداشت، عامل اصلی تداوم جنگ بود، دلیل عمده این ناکارآمدی نفوذ قدرت های استکباری در تصمیم گیری های شورا است. (تفاوت اقدامات شورا در جنگ کویت و ایران). شورا به محض دریافت خبر حمله عراق به کویت، ساعت ۱:۳۰ نیمه شب جلسه اضطراری تشکیل داد (ساعت ۵ صبح هم جلسه اصلی تشکیل شد) و براساس مواد ۳۹ و ۴۰ فصل هفتم منشور ملل متحد پیش نویس قطعنامه (۶۶۰) را با توافق کامل اعضاء تصویب کرد. (عقب نشینی نیروهای عراقی و ...) چنین اقدامی در خصوص ایران در سال ۱۳۵۹ حدود شش ماه بعد صورت گرفت (آنهم بصورت ناقص). شورا قطعنامه ۶۶۰ را تصویب کرد و بلافاصله تحریم تسلیحاتی عراق را آغاز کرد. آمریکا کلیه مبادلات تجاری با عراق را ممنوع و اموال کویت و عراق را توقیف کرد. وزرای خارجه آمریکا و شوروی با صدور بیانیه مشترکی تهاجم عراق به کویت را محکوم کردند (تهاجم عراق نقض آشکار اساسی ترین اصول انسانی است، دو کشور اعتقاد دارند که جامعه جهانی نه تنها باید این عمل را محکوم کند بلکه باید اقدامات عملی را در پاسخ به آن اتخاذ نماید. دولت های متجاوز باید بدانند جامعه بین المللی نمی تواند در مقابل تجاوز ساکت بماند یا آنرا سهیل کند). آمریکا بلافاصله متن قطعنامه تحریم اقتصادی جامع (بجز غذا و دارو) تهیه و در شورای امنیت مطرح کرد. ترکیه و عربستان در راستای اجرای تحریم، لوله های صدور نفت عراق را بستند.

* مقایسه سطحی قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت در ۱۹۸۰ (۶ روز پس از حمله عراق به ایران (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰، ۵۹/۰۷/۰۶)) و قطعنامه ۶۶۰ این شورا در دوم اوت ۱۹۹۰ (همان روز تهاجم عراق به کویت) نمایانگر رفتار دوگانه و بی عدالتی شورای امنیت و مظلومیت ملت مسلمان ایران است.

قطعنامه ۴۷۹- خواستار خویشتن داری طرفین، پایان دادن مسالمت آمیز به اختلافات، جنگ را وضعیت بین ایران و عراق خواند، حتی خواهان آتش بس یا عقب نشینی نیروهای عراقی هم نشد. تا آزادی خرمشهر هم کاملاً سکوت کرد. بعد از خرداد ۱۳۶۱ طی قطعنامه ۵۱۴ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲) بدون معرفی متجاوز، خواستار آتش بس و خاتمه فوری عملیات نظامی و عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی شد. (در این زمان عراقیها از بیشتر مناطق اشغالی عقب رانده شده بودند). فقط در قطعنامه ۵۹۸ - به استناد ماده ۳۲ منشور اعلام کرد در مخاصمه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است.

در دوم اوت ۱۹۹۰ (بامداد همان روز) به درخواست نمایندگان کویت و آمریکا شورا تشکیل جلسه داد (نماینده کویت از شورا خواست از امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی کویت دفاع نماید). در قطعنامه ۶۶۰- عراق به استناد مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد و به علت تهاجم به یک کشور عضو سازمان ملل، نقض صلح و امنیت بین المللی محکوم شد، اکیداً از عراق خواسته شد بلافاصله و بدون قید و شرط نیروهای خود را به مرزها بازگرداند. در قطعنامه ۶۶۱ در خصوص تجاوز عراق به کویت، ۱۰۶ کشور جهان با مجازاتهای اقتصادی علیه عراق موافقت کردند. در قطعنامه های مربوط به ایران از کلمه وضعیت ولی در خصوص کویت بلافاصله از تجاوز استفاده می شود. طی قطعنامه ۶۶۵، عراق تحریم دریایی شده و به هیچ کشوری اجازه ورود به سواحل عراق داده نمی شود.

* در طول ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، شورای امنیت تنها ۸ قطعنامه (از ۱۴ قطعنامه کلی) صادر کرد اما در ۴ ماه جنگ عراق با کویت ۱۲ قطعنامه صادر کرد که علاوه بر تعداد در محتوی هم تفاوت فاحشی دارند. شورای امنیت در خلال جنگ عراق علیه کویت بیشترین اقدامات و امکانات عملی را برای مجبور ساختن عراق برای خروج از کویت انجام داد (صدور قطعنامه های قوی، تحریم اقتصادی- سیاسی، ایجاد منطقه پرواز ممنوع و ...). این تحولات نشان داد سازمان ملل و شورای امنیت بیش از هر زمانی بصورت ابزاری برای سیاست خارجی آمریکا در آمده اند.

قطعنامه های صادره توسط شورای امنیت طی ۴ ماه اشغال کویت توسط عراق (از دوم اوت ۱۹۹۰ تا دسامبر ۱۹۹۰)					
ردیف	شماره قطعنامه	تاریخ	ردیف	شماره قطعنامه	تاریخ
۱	قطعنامه ۶۶۰	۲ اوت ۱۹۹۰	۷	قطعنامه ۶۶۷	۱۶ سپتامبر ۱۹۹۰
۲	قطعنامه ۶۶۱	۶ اوت ۱۹۹۰	۸	قطعنامه ۶۶۹	۲۴ سپتامبر ۱۹۹۰
۳	قطعنامه ۶۶۲	۹ اوت ۱۹۹۰	۹	قطعنامه ۶۷۰	۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰
۴	قطعنامه ۶۶۴	۱۸ اوت ۱۹۹۰	۱۰	قطعنامه ۶۷۴	۲۷ اکتبر ۱۹۹۰
۵	قطعنامه ۶۶۵	۲۵ اوت ۱۹۹۰	۱۱	قطعنامه ۶۷۷	۲۸ نوامبر ۱۹۹۰
۶	قطعنامه ۶۶۶	۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰	۱۲	قطعنامه ۶۷۸	۲۹ نوامبر ۱۹۹۰

در خصوص پرداخت غرامت هم تبعیض در حد اعلا دیده می شود:

با وجودی که عراق قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر را پذیرفت، سازمان ملل هم در ۱۳۷۰/۰۹/۱۸ متجاوز بودن عراق و توسل به زور در حمله به ایران را تأیید و اعلام کرد، باید در خصوص غرامت ایران هم مانند کویت عمل می کرد. صندوق سازمان ملل در ۱۳۷۳/۰۳/۱۸ پرداخت غرامت به قربانیان حمله به کویت را برای ۶۷۰ متقاضی از ۱۶ کشور جهان آغاز کرد. این در حالی است که در خصوص ایران هیچ اقدامی در سازمان ملل مطرح نیست.

۲- فقدان دادگاه و قوانین جزائی بین المللی

به علت نبود دادگاه و قوانین جزائی بین المللی، در حال حاضر اجرای احکام جنایی بین المللی عملاً در اختیار قدرتهای بزرگ است که آنها هم در راستای منافع خود حرکت می کنند. قدرتهای بزرگ عمداً از تشکیل دادگاه جزائی بین المللی خودداری می کنند تا:

۱- اختیار تشخیص و تنبیه جنایتکاران جنگی به عهده خودشان باشد.

۲- در جنگ عراق علیه ایران خود شریک جرم صدام بودند لذا هر نوع محکومیت برای صدام برای خودشان هم بود.

ضمیمه ۱۲- مقایسه رفتار متناقض سازمان ملل در جنگ ایران - عراق و جنگ عراق - کویت - شورای امنیت از ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۰۶/۳۱) که عراق به ایران تجاوز کرد تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۷/۰۷/۰۷) که آخرین قطعنامه را تصویب کرد، ۱۴ قطعنامه و ۱۵ بیانیه درباره جنگ ایران و عراق صادر کرد. شورای امنیت وظیفه داشت طبق مفاد منشور ملل متحد، از همان اولین روزهای وقوع

جنگ با صدور قطعنامه، وقوع تجاوز و نقض صلح را تشخیص دهد، خواستار آتش بس، خاتمه کلیه عملیات نظامی، عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی، محکوم کردن متجاوز و پرداخت خسارت گردد.

قطعنامه های صادره توسط شورای امنیت در خصوص جنگ عراق علیه ایران

تاریخ	اهم محتوی	
۰۹/۰۷/۰۱	شایسته بود که به جای بیانیه، قطعنامه صادر می شد. در بیانیه هیچ اشاره ای به منشور نشده بود. هیچ وظیفه خاصی به دبیرکل محول نکرده بود.	بیانیه شورای امنیت شماره ۱
۰۹/۰۷/۰۶	موضوع قطعنامه وضعیت است نه جنگ و مخاصمه، از دو طرف می خواهد از به کاربردن زور پرهیز کنند، هیچ سخنی از تجاوز و تعیین متجاوز نبود در حالی که در مقدمه قطعنامه توسل به زور منع شده بود، از هر دو طرف می خواهد میانجی گری را بپذیرند.	قطعنامه ۴۷۹

۲۳ ماه سکوت شورای امنیت

۶۱/۰۴/۲۱	موضوع قطعنامه وضعیت است نه جنگ و مخاصمه، برای اولین بار احترام به تمامیت ارضی کشورها مطرح شده، خواستار آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی شده، صحبتی از متجاوز نشده، مهلت ۳ ماهه به دبیرکل چرایی تغییر موضع شورای امنیت؟ عزل بنی صدر و انسجام نیروهای مسلح ایران عملیاتیهای پیروزمندانه ثامن الائمه، فتح المبین و بیت المقدس	قطعنامه ۵۱۴
۶۱/۰۷/۱۲	تکرار مواد قطعنامه ۵۱۴، استقبال از همکاری عراق و درخواست از ایران برای همکاری. سؤال: چرا در حالی که مهلت ۳ ماهه شورا به دبیرکل در قطعنامه ۵۱۴ هنوز به پایان نرسیده قطعنامه ۵۲۲ صادر می شود؟ جواب: عملیات مسلم بن عقیل و تسلط ایران بر شهر مندلی عراق باعث فشار عراق بر شورای امنیت شد.	قطعنامه ۵۲۲
۶۲/۰۸/۰۹	لژوم بررسی واقع بینانه علل جنگ (تحت تأثیر پیروزیهای ایران در عملیات والفجر ۱ تا ۴)، توقف حملات به مناطق غیر نظامی، احترام به خطوط کشتیرانی و بنادر، کاربرد واژه مبهم خلیج	قطعنامه ۵۴۰
۶۳/۰۳/۱۱	مبنای قطعنامه شکایت شورای همکاری خلیج فارس بود. محکومیت حمله به کشتیهای عربستان و کویت، احترام به حق کشتیرانی بین المللی	قطعنامه ۵۵۲
۶۴/۱۲/۰۵ (۲۴ فوریه ۱۹۸۶)	تأکید بر غیرقابل قبول بودن کسب سرزمین از راه زور (محکومیت تلویحی ایران به خاطر تصرف فاو)، ابراز تأسف از کاربرد سلاحهای شیمیایی، درخواست تبادل اسرای جنگی، قطع جنگ شهرها و نفتکشها	قطعنامه ۵۸۲
۶۵/۰۷/۱۶	تعهد دول عضو مبنی بر پذیرش نقش شورا در حل اختلافات (محکومیت ضمنی ایران) درخواست جدی برای اجرای قطعنامه ۵۸۲	قطعنامه ۵۸۸
۶۶/۰۴/۲۹	برای اولین بار در عنوان قطعنامه واژه «منازعه» به کار رفته است، حالت آمرانه دارد نه توصیه نقض صلح را پذیرفته، تشکیل هیأت تحقیق در مورد مسئولیت منازعه، قبول خسارات جنگ و نیاز به بازسازی	قطعنامه ۵۹۸
۶۷/۰۲/۱۹	محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی (بعد از بمباران شیمیایی حلبچه و فاو توسط عراق)، ضرورت رعایت پیمان منع کاربرد سلاحهای شیمیایی، درخواست از همه کشورهای جهان برای رعایت قواعد بین المللی هواپیمائی، ضرورت اجرای کامل و فوری قطعنامه ۵۹۸	قطعنامه ۶۱۲
۶۷/۰۴/۲۹	مبنای قطعنامه شکایت ایران بود، ابراز تأسف از سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، تحقیق در مورد علت این حادثه، درخواست از همه کشورهای جهان برای رعایت قواعد بین المللی هواپیمائی، ضرورت اجرای کامل و فوری قطعنامه ۵۹۸	قطعنامه ۶۱۶
۶۷/۰۵/۱۸	استقرار ناظران نظامی سازمان ملل در مرز ایران و عراق به مدت ۶ ماه	قطعنامه ۶۱۹
۶۷/۰۶/۰۴	استعمال سلاحهای شیمیایی علیه ایران شدیدتر و مداومتر بوده، درخواست از همه کشورها برای نظارت بر صدور مواد شیمیایی، درخواست از دبیرکل برای تحقیقات بیشتر، تهدید دولتهائی که در آینده از سلاح شیمیائی استفاده کنند	قطعنامه ۶۲۰
۶۷/۱۱/۱۹	تمدید مأموریت ناظران نظامی سازمان ملل	قطعنامه ۶۳۱
۶۸/۰۷/۰۷	تمدید مأموریت ناظران نظامی سازمان ملل	قطعنامه ۶۴۲
۱۹۹۰ مارس ۲۹	۱۳۶۹/۰۱/۱۰ صادر سندی بین المللی درباره ایران-عراق است. این قطعنامه با ۱۵ رای موافق، ۰ مخالف و ۰ ممتنع تصویب شد.	قطعنامه ۶۵۱

۱- قطعنامه ۴۷۹ مورخه ۱۳۵۹/۰۷/۰۶

برداشت های حقوقی: ایران اراضی خود را که تا ۱۱۰ کیلومتر (در برخی نقاط) تصرف شده بود، در اختیار عراق قرار دهد، پیروزی عراق را بپذیرد، با عراق پیروز برای حل اختلاف گفتگو نماید. صدام طی سخنرانی در همان روز صدور قطعنامه، شرایط خود را برای قبول آتش بس اعلام کرده بود: (ایران باید حاکمیت مطلق عراق بر شط العرب را بپذیرد، جزایر سه گانه را به اعراب پس دهد).

شورای امنیت: به اصل مهم حقوق بین الملل در مورد منع تصرف اراضی یک کشور از طریق زور، نقض تمامیت ارضی ایران و همچنین به لزوم عقب نشینی به مرزهای بین المللی هیچ اشاره ای نکرده بود، پیشنهاد آتش بس مطرح نشده، از نیروهای اشغالگر خواسته نشد خاک ایران را ترک کرده و به مرزهای بین المللی بازگردند. شورا در قطعنامه ۵۸۲ (۶۴/۱۲/۰۵) که ۱۴ روز بعد از تصرف فاو توسط ایران (۶۴/۱۱/۲۱) صادر کرد، بر اصل غیرقابل تصرف بودن اراضی از راه زور تأکید کرد.

با قاطعیت می توان گفت: شورای امنیت (و بطور خاص آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین) در عدم توقف جنگ و تداوم آن مسئول و مقصر هستند. روش نادرست وزارت خارجه ایران در عدم شکایت به شورای امنیت و عدم شرکت در جلسات آن برای پیگیری و دفاع از حقوق ایران (عدم فعالیت در جبهه سیاسی) به مقاصد قدرتهای استکباری در تداوم جنگ کمک کرد.

قطعنامه ۵۲۲ (۶۱/۰۷/۱۲) تکرار مواد قطعنامه ۵۱۴، استقبال از همکاری عراق و درخواست از ایران برای همکاری. سؤال: چرا در حالی که مهلت ۳ ماهه شورا به دبیر کل در قطعنامه ۵۱۴ هنوز به پایان نرسیده قطعنامه ۵۲۲ صادر می شود؟ جواب: به علت فشار نظامی ایران به عراق (انجام عملیات های رمضان و مسلم بن عقیل و تسلط ایران بر شهر مندلی عراق) باعث فشار عراق بر شورای امنیت شد تا از پیشروی های ایران جلوگیری کند.

قطعنامه ۵۴۰ (۶۲/۰۸/۹) لزوم بررسی واقع بینانه علل جنگ (تحت تأثیر پیروزیهای ایران در عملیات های محرم، والفجر ۱ تا ۴ و برای جلوگیری از پیشروی ایران در خاک عراق)، توقف حملات به مناطق غیر نظامی، احترام به خطوط کشتیرانی و بنادر، کاربرد واژه مبهم خلیج.

قطعنامه ۵۵۲ (۶۳/۰۳/۱۱) به علت شکایت ۶ کشور عرب خلیج فارس در خصوص لزوم حفظ آزادی کشتیرانی در خلیج فارس بود. همچنین قبل از این قطعنامه، ایران طی عملیات خیبر، جزایر مجنون را اشغال کرده بود.

قطعنامه ۵۸۲ (۶۴/۱۲/۰۵) - این قطعنامه ۱۴ روز بعد از تصرف فاو توسط ایران صادر شده و شامل قطع جنگ شهرها، نفتکشها و کاربرد سلاحهای شیمیایی، قطع کلیه مخاصمات در زمین، دریا و هوا می باشد. با تصرف فاو توسط ایران، هفت کشور عربی حامی صدام، برای جلوگیری از تهدید کویت، از شورای امنیت تقاضای تشکیل جلسه کردند که قطعنامه ۵۸۲ تصویب شد.

برداشت های حقوقی: برای اولین بار دو نکته مهم را اشاره کرده:

۱- اصل غیرقابل قبول بودن تصرف اراضی یک کشور از راه زور.

۲- بین شروع جنگ و ادامه جنگ تفاوت قایل شده و هریک را جداگانه مطرح ساخت.

جالب این که در پیش نویس ابتدا (تجاوز اولیه) قید شده بود ولی چون این عبارت بطور آشکار عراق را آغازگر جنگ معرفی می کرد، آنرا به (اقدامهای اولیه) تغییر دادند.

قطعنامه ۵۸۸ (۶۵/۰۷/۱۶): در این قطعنامه (اقدامهای اولیه) هم حذف شد تا عراق بصورت غیر مستقیم هم مورد اتهام قرار نگیرد ولی اتهام به ایران مجدداً تأیید شد و بجای (ادامه یافتن) واژه (طولانی شدن) را بکار بردند.

قطعنامه ۵۹۸ (۶۶/۰۴/۲۹): برای اولین بار در عنوان قطعنامه واژه «منازعه» به کار رفته است، حالت آمرانه دارد نه توصیه نقض صلح را پذیرفته، تشکیل هیأت تحقیق در مورد مسئولیت منازعه، قبول خسارات جنگ و نیاز به بازسازی

شورای امنیت در حمایت آشکار از عراق حدی قایل نبود. - در این قطعنامه شورا عراق را از آغاز کردن جنگ مبری دانست ولی ایران را بدون ذکر نام به طولانی کردن درگیری متهم ساخت.

ضمیمه ۱۳- شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از سال ۱۹۷۰ با وسوسه عربستان و بدون حضور ایران و عراق قصد ایجاد اتحادیه ای داشتند. بدلیل حمایت های بی دریغ آمریکا از شاه ایران و مخالفت ایران، این طرح به سرانجام نمی رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر سیاست

آمریکا در مورد ایران و منطقه، آمریکا موافقت خود را اعلام کرد ولی کشورهای عربی بدلیل ترس از سیاست عربستان هنوز با ایجاد این شورا موافق نبودند.

جنگ عراق علیه ایران باعث شد، کشورهای فوق به رغم داشتن اختلافات فراوان فی مابین، برای تأمین نیازهای امنیتی مشترک، در یک پیمان منطقه ای گردهم آیند. این شورا هشت ماه پس از تجاوز عراق به ایران (در اردیبهشت ۱۳۶۰) تشکیل شد (عربستان، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات). سیاست شورا از همان ابتدا حمایت قاطع و بدون قید و شرط از عراق بود. تا فتح خرمشهر شورا علاقه ای به توقف جنگ و عقب نشینی عراق از مناطق اشغالی ایران نداشت. بعد از فتح خرمشهر (درک قدرت نظامی ایران، ترس از شکست عراق و ...) شورا تحرکاتی را جهت نزدیکی به تهران و میانجیگری برای خاتمه جنگ شروع کرد. سیاست شورا در طول جنگ دقیقاً همان سیاست آمریکا بود (نه پیروزی ایران نه پیروزی عراق) لذا تلاش می کردند جنگ بصورت فرسایشی ادامه یابد و برنده و بازنده ای نداشته باشد. در نوامبر ۱۹۸۳ به پیشنهاد حاکم بحرین شورا ۴۰ میلیارد دلار به عراق کمک کرد. این سیاست باعث شد تهران دید خصمانه به این کشورها داشته و آنها را شریک جنایات صدام بداند (بخصوص کویت که بنادر، جاده ها، جزایر، فضا و خاک خود را در اختیار عراق قرار داده بود تا عملیات لجستیکی و تدارکات جنگ را انجام دهد).

ایران با حمله به کشتی ها، بنادر و نفتکشهای کویت جواب این مداخله گری را داد. در این زمان خصومت اعضای شورا (بخصوص کویت و عربستان) با ایران بیشتر شد و دست به اقدامات خصمانه به شرح زیر زدند:

- ✓ کشاندن پای آمریکا و شوروی به خلیج فارس برای اسکورت نفتکشها
- ✓ حمایت بی دریغ از عراق
- ✓ قطع رابطه با تهران و درخواست از سایر کشورهای عربی برای قطع رابطه با ایران
- ✓ کشتار ۳۰۰ نفر از حجاج ایرانی در خانه امن الهی توسط آل سعود در ۱۳۶۶/۵/۶
- ✓ تشویق شورای امنیت برای تحریم نظامی ایران
- ✓ رایزنی وسیع سعودی ها با روسیه برای قانع کردن آن کشور جهت عدم مخالفت با تحریم ایران در شورای امنیت

والسلا علیکم و رحمه الله - ۱۳۹۸/۶/۱۶

منابع و مأخذ:

- ۱- اسدی، هیبت اله. ۱۳۸۷. ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸). انتشارات ایران سبز. ۲۴۶ صفحه.
- ۲- برزگر، علیرضا. ۱۳۸۴. روز شمار جنگ تحمیلی. انتشار سروش. ۱۷۲ صفحه.
- ۳- پارسادوست، منوچهر. ۱۳۸۶. ما و عراق از گذشته دور تا امروز. شرکت سهامی انتشار. ۹۱۲ صفحه.
- ۴- پیری، هادی مراد و مجتبی شربتی. ۱۳۹۱. آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس. انتشارات سمت. ۱۹۸ صفحه.
- ۵- پیری، هادی مراد و مجتبی شربتی. ۱۳۹۲. آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس (ویراست دوم). انتشارات سمت. ۲۰۸ ص.
- ۶- پیری، هادی مراد و مجتبی شربتی. ۱۳۹۷. آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس (ویراست چهارم). انتشارات سمت. ۲۵۷ ص.
- ۷- تقیان پور، عباس. ۱۳۹۳. سایه های نور (پاسخ به برخی پرسش ها و ابهامات ۸ سال دفاع مقدس. زیر نظر سرتیپ ستاد ناصر آراسته). انتشارات ایران سبز. ۱۸۸ صفحه.
- ۸- دری، حسن. ۱۳۸۸. عملیات والفجر ۸ (مجموعه مقالات). مرکز اسناد دفاع مقدس. ۳۳۴ صفحه.
- ۹- دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی. ۱۳۸۷. اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی. مرکز اسناد دفاع مقدس. ۲۱۵ صفحه.
- ۱۰- شیرعلی نیا، جعفر. ۱۳۹۴. دایره المعارف مصور تاریخ جنگ ایران و عراق. انتشارات سایان. ۶۳۲ صفحه.
- ۱۱- منصور لاریجانی، اسماعیل. ۱۳۸۷. آشنایی با دفاع مقدس. انتشارات خادم الرضا. ۳۹۸ صفحه.